

بسم الله الرحمن الرحيم



فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

دوره اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

صاحب امتیاز: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

مدیر مسئول: سید ضیاء هاشمی

سر دبیر: محمدرضا جوادی یگانه

اعضای هیئت تحریریه

تقی آزادارمکی (استاد دانشگاه تهران)، سوسن باستانی (دانشیار دانشگاه الزهرا)
غلامرضا جمشیدپها (دانشیار دانشگاه تهران)، محمدرضا جوادی یگانه (دانشیار دانشگاه تهران)
سیدسعید زاهدزاهدانی (دانشیار دانشگاه شیراز)، محمدجواد زاهدی (دانشیار دانشگاه پیام نور)
خدیجه سفیری (استاد دانشگاه الزهرا)، محمود شارع پور (دانشیار دانشگاه مازندران)
رحمت الله صدیق سروستانی (استاد دانشگاه تهران)، غلامرضا غفاری (دانشیار دانشگاه تهران)
مجید موحد مجد (دانشیار دانشگاه شیراز)، سیدضیاء هاشمی (استادیار دانشگاه تهران)

مدیر داخلی: پروین علی پور

ویراستار: مریم عبدالملکی

صفحه آرا: علی علی مراد

فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی با هدف نشر تحقیقات نظری و تجربی در حوزه علوم اجتماعی به طور عام منتشر می شود. اولویت اصلی فصلنامه طرح مسائل اجتماعی و ارائه راهکارهای عملی است که نویسندگان محترم مقالات با بهره گیری از روش ها و تکنیک های بدیع با بررسی مسائل و پدیده های اجتماعی جامعه ایران به این امر اهتمام می ورزند. بنابراین خط مشی های اصلی این فصلنامه انتشار مقالات علمی استخراج شده از طرح های تحقیقاتی و پایان نامه های تحصیلات تکمیلی و انتشار مقالات نظری و تجربی در حوزه تحقیقات اجتماعی است.

تهران: بلوار کشاورز، خیابان وصال شیرازی، کوچه شاهد، پلاک ۸، طبقه پنجم، تلفکس: ۸۸۹۹۴۳۳۵-۷

وب سایت: <http://ISR.ut.ac.ir> پست الکترونیکی: Jisr@ut.ac.ir

راهنمای ارسال مقالات

۱- مقاله تایپ شده (حتی الامکان کمتر از ده هزار کلمه) در سه نسخه و به همراه فایل آن به دفتر مجله ارسال شود.

۲- ذکر درجه تحصیلی، رشته تحصیلی، سمت و نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول الزامی است.

۳- در تدوین مقاله به نکات ذیل توجه شود.

- عنوان مقاله به بار معنایی موضوع اصلی یا پیام مقاله اشاره کند.
- مسئله مورد بررسی، تحت عنوان مقدمه تعریف و به روشنی تبیین شود.
- ادبیات نظری و تجربی تحقیق و چارچوب نظری مورد استفاده و فرضیات تحقیق بیان شوند.
- الگوی مورد استفاده، تعاریف مفاهیم، فنون گردآوری و تحلیل داده‌ها تحت عنوان روش‌شناسی تحقیق توضیح داده شود.

- یافته‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر آن‌ها تحت عنوان مستقل و به طور منظم ارائه شود.
- بحث و نتیجه‌گیری مقاله بر اساس یافته‌ها و چارچوب نظری در پایان مقاله مطرح شود.
- فهرست منابع فارسی و انگلیسی به ترتیب حروف الفبا به تفکیک منابع فارسی و غیرفارسی ذکر شود.

۴- شیوه ارجاع و استناد

الف) ارجاع در متن: پس از مطلب اقتباس شده به صورت (نام خانوادگی صاحب اثر، سال انتشار: شماره صفحه یا صفحات). اگر منبع خارجی باشد معادل فارسی نام خانوادگی نویسنده نوشته شود.

ب) ارجاع در پایان مقاله

- کتاب: نام‌خانوادگی نویسنده، نام (سال انتشار)، **عنوان کتاب**، اگر ترجمه باشد نام مترجم، محل انتشار: ناشر.

- مقاله: نام‌خانوادگی نویسنده، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **عنوان مجله**، شماره مجله: شماره صفحات مقاله.

- **مجموعه مقالات**: نام‌خانوادگی نویسنده، نام (سال انتشار مجموعه)، «عنوان مقاله»، **عنوان کتاب مجموعه مقالات**، محل انتشار، ناشر: شماره صفحات.

- رساله تحصیلی: نام‌خانوادگی، نام (سال)، عنوان رساله، مقطع تحصیلی، دانشگاه.

- منابع اینترنتی: نام‌خانوادگی نویسنده، نام (تاریخ انتشار در سایت)، عنوان اثر، نشانی سایت اینترنتی.

فهرست

- فهم ماهیت جامعه ایرانی براساس الگوی گذران اوقات فراغت نسل جوان
تقی آزاد ارمکی، حامد اکبری ۱-۲۲
- تلفن همراه و کارکردهای آن برای کاربران ایرانی با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی
محمدرضا جوادی یگانه، مسعود کوثری، طاهره خیرخواه ۲۳-۵۴
- اعتماد اجتماعی به مدیریت شهری و عوامل مؤثر بر آن
ابراهیم حاجیانی، علی اکبر رضائی، میرزا عبدالرسول فلاحزاده ۵۵-۸۸
- حمایت اجتماعی و جرم: مطالعه تطبیقی جوانان مجرم و عادی شهر ایلام
کامل دلپسند، علی ایار، سعید خانی، پریخان محمدی ۸۹-۱۲۰
- تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین با نگرش ویژه بر شهر خمین
محمدباقر علیزاده اقدم، حمیده محمدامینی ۱۲۱-۱۳۸
- بررسی گرایش دختران دانشجو به حجاب و بدحجابی
نعمت‌الله کرم‌اللهی، محمد آقاسی ۱۳۹-۱۷۲
- دین‌داری در نسل‌های مختلف: مطالعه موردی شهرستان ساری
میترا کلاتری، عبدالحسین کلاتری ۱۷۳-۲۰۰

داوران این شماره

سیدمهدی اعتمادی‌فر (دانشگاه تهران)، سوسن باستانی (دانشگاه الزهرا)، سیدسعید زاهدزاهدانی (دانشگاه شیراز)، حمید عبدالهیان (دانشگاه تهران)، غلامرضا غفاری (دانشگاه تهران)، سیداحمد فیروزآبادی (دانشگاه تهران)، عبدالحسین کلاتری (دانشگاه تهران)، علیرضا محسنی‌تبریزی (دانشگاه تهران)، شراره‌مهدی‌زاده (دانشگاه الزهرا)، سیدمحمود نجاتی حسینی (دانشگاه آزاد آشتیان)، اسداله نقدی (دانشگاه همدان).

فهم ماهیت جامعه ایرانی براساس الگوی گذران اوقات فراغت نسل جوان

تقی آزاد ارمکی^۱، حامد اکبری^۲

(تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۱۵)

چکیده

مدرنیته^۳، مفهومی است که تاکنون از زوایای متعددی بررسی شده است. شاید یکی از معتبرترین نظریات در این حوزه، نظریه گیدنز باشد. گیدنز، اصالتاً مدرنیته را یک جریان فرهنگی می‌داند که وارد مرحله جدیدی شده و مؤلفه‌های عینی خاص خود را در همه ساحت‌های زندگی اجتماعی دارد. بررسی نظرات گیدنز حاکی از آن است که گیدنز، اصلی‌ترین ساحت تبلور مدرنیته را اوقات فراغت^۴ می‌داند. یعنی زمانی که افراد به گونه‌ای بازتابانه^۵ سبک زندگی و هویتی خاص خود را شکل می‌دهند. این مقاله، به بررسی انضمامی^۶ این سؤال می‌پردازد که براساس نوع گذران اوقات فراغت جوانان، به عنوان یکی از اقشار جامعه، مدرنیته به عنوان یک ویژگی فرهنگی، تا چه حد در جامعه ما نهادینه^۷ شده است. یافته‌های تجربی ما، که براساس پژوهشی کیفی بر روی ۳۰ نفر از جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهر تهران به دست آمد، نشان داد ترجیحات و گرایش‌های مدرن در بین جوانان شهر تهران در حال شکل‌گیری و تثبیت است، اما در همان حال بسترهای مادی و بایسته‌های اقتصادی تحقق عینی این خواسته‌ها و تمایلات در جامعه وجود ندارد.

کلمات کلیدی: گیدنز، مدرنیته، سبک زندگی، بازتابیت، اوقات فراغت

^۱ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، tazad@ut.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

^۳ Modernity

^۴ Leisure time

^۵ Reflexive

^۶ Concrete

^۷ Constitutionalize

مقدمه

مفهوم مدرنیته، مفهومی است که در علم جامعه‌شناسی بسیار بحث‌برانگیز بوده است. این مفهوم، همواره از زوایای متعددی نقد و بررسی شده است و موافقان و مخالفان بسیاری در میان جامعه‌شناسان دارد. صرف‌نظر از تعاریف مختلف ضد و نقیضی که برای مدرنیته در ادبیات جامعه‌شناسی ارائه می‌شود، مدرنیته در واقع نظام خاصی از نهادها و سازمان‌های اجتماعی است که بسترساز سبک زندگی خاصی در جامعه است که مجموعه‌ای از عوامل مانند تکنولوژی، جهانی‌شدن، فردگرایی، و نهادهای مدنی نقش عمده‌ای در آن بازی می‌کنند. امروزه عده‌ای از متفکران جدید جامعه‌شناسی بر این باورند که دوران مدرنیته، به عنوان یک دوره تاریخی، دیگر سپری شده است و اثری از آن باقی نیست و امروز جهان وارد دوره‌ای جدید شده است به نام مدرنیته دوم یا مدرنیته متأخر، که از بسیاری از جهات با مدرنیته اول متفاوت است. در این میان بسیاری از جوامع جهان مانند جامعه ایران، که تازه با مدرنیته اول آشنا شده است و می‌کوشد عناصر آن را در جامعه خود درونی کند، به ناگهان با پدیده‌ای به نام مدرنیته متاخر روبه‌رو گشته‌اند که روند تحولات آنها را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. در چنین شرایطی، شناخت و بررسی جامعه و فهم مختصات و ویژگی‌های آن، دچار پیچیدگی‌ها و مشکلات فراوانی می‌شود. بررسی وضعیت کنونی جامعه ایران به وضوح وضعیت این جامعه را نشان می‌دهد که، به دلیل تغییرات و تحولات اجتماعی و نهادین آن دچار پیچیدگی‌هایی شده است. از سوی دیگر، بررسی‌ها نشان داده‌اند که در ساحت مدرنیته، مباحث نظری و تاریخی، تا حدود زیادی قدرت تبیین‌کنندگی دارند، ولی به دلیل تعهد علمی دانشجویی در رشته مطالعات جوانان، بر یکی از ابعاد عینی - ذهنی مدرنیته ایرانی متمرکز شده‌ایم. در نتیجه در این تحقیق برآنیم تا با شناخت و بررسی الگوی گذران اوقات فراغت نسل جوان در شهر تهران، به بررسی این موضوع بپردازیم که آیا این الگو، ماهیتی مدرن دارد یا همچنان از طرح‌واره‌های سنتی تبعیت می‌کند. در این پژوهش، از چارچوب نظری آنتونی گیدنز، برای سنجش مدرنیته در جامعه ایران، استفاده می‌کنیم تا بر

مبنای آن بتوانیم پیرامون ماهیت الگوی گذران اوقات فراغت جوانان تهرانی، بحث کنیم تا در نهایت امکان بحث در مورد ابعاد مدرنیته ایرانی فراهم شود.

طرح مسئله

جامعه کنونی ایران، وضعیتی به شدت پیچیده و درهم ریخته دارد. مطالعات مختلف حاکی از آن است که این جامعه، در حال تجربه تغییرات و تحولات گوناگون می باشد: بر اساس مطالعات انجام شده در کل، جامعه ایرانی را می توان با توجه به نکات زیر توضیح داد:

۱. «هرم جمعیتی ایران در طی چند دهه اخیر تغییر نموده است به گونه ای که آن را تبدیل به یک جمعیت جوان نموده است.

۲. نوسازی فرهنگی و آموزشی در جامعه صورت گرفته است. میزان افراد با سواد در مقایسه با گذشته بیشتر شده است. مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی جدید دایر شده و افراد بسیاری در آن مؤسسات مشغول به کار می باشند. به عبارت دیگر، جامعه در جریان تجربه نمودن تغییرات متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد.

۳. جامعه دچار نوعی دوگانگی ساختاری، بین سستی و مدرن، شده است. این دوگانگی در سطوح اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سازمانی نمودار شده است.

۴. جامعه ایران، جامعه مصرفی است؛ میل به مصرف در حوزه های مادی (کالاها و مصنوعات تکنولوژیکی) و مصرف فرهنگی (مطبوعات، کتابخوانی، فیلم و ...) افزایش یافته است.

۵. تلاش در جهت برقرار ساختن نسبت خود با جهان و تعریف موقعیت خود در صحنه جهانی مورد توجه است» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۵۱).

در کنار تغییرات نهادین و ساختاری مذکور، مجموعه ای از تحولات ارتباطی و اطلاعاتی نیز در جامعه ایران در حال رخ دادن است که جامعه را، به لحاظ فرهنگی، تحت تأثیر قرار می -

دهد. در میان این تحولات، نرخ بالای استفاده از اینترنت و رواج مهارناپذیر گفتگوهای اینترنتی از جمله مسائلی است که به‌ویژه قشر جوان جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد: «رشد استفاده از اینترنت در سطح جهان در فاصله چهار سال گذشته ۱۸/۸ درصد بوده است. ارائه همین آمار برای کشور ایران حیرت‌آور خواننده‌ای را برمی‌انگیزد. در سال ۲۰۰۰، از ۶۷ میلیون نفر جمعیت ایران ۲۵۰/۰۰۰ نفر از اینترنت استفاده می‌کردند، در حالی که این رقم در سال ۲۰۰۴ به ۴/۳۰۰/۰۰۰ نفر رسیده است. رشد اینترنت در فاصله چهارسال گذشته برای ایران حدود ۱۶۲۰ درصد بوده است که بالاترین رشد را در سراسر جهان نشان می‌دهد. با مقایسه آمار می‌توان گفت که حدود ۶ درصد از جمعیت ایران از تکنولوژی ارتباطی رایانه‌ای استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، از هر ۱۷ نفر شهروند ایرانی، یک نفر از اینترنت استفاده می‌کند» (صادقی، ۱۳۸۴: ۹۵). همچنین سایر آمارها نیز حاکی از حضور گسترده ایرانیان در عرصه مجازی و فضای وب است:

«در حال حاضر از هر ۱۰ نام ثبت شده در فهرست جست‌وجوی **orkut** یک نفر ایرانی است و کاربران ایرانی دوشادوش کاربران برزیلی با سرعت شتابانی اقدام به عضویت در این سایت می‌کنند» (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۱).

علاوه بر اینترنت، ماهواره و استفاده طولانی از برنامه‌های ماهواره‌ای، عاملی است که به‌طور جدی در حوزه‌های فرهنگی و رفتاری، و به‌ویژه ترجیحات زیبایی‌شناختی نسل جوان، اثرگذار است. درخصوص تأثیرات استفاده از ماهواره هم در تحقیقات مختلف نتایج جالبی به دست آمده است. مثلاً طبق تحقیقی که پیرامون مد و مدگرایی در بین جوانان انجام داده‌اند، این نتیجه به دست آمد که بیش از یک‌سوم افراد مورد بررسی، ماهواره را عامل اصلی ترویج مد می‌دانند (به نقل از ذکایی، ۱۳۸۴).

مرور اجمالی تحقیقات و پژوهش‌های فوق، به‌روشنی نشان می‌دهد که جامعه ایران در حال تجربه مجموعه تغییرات بنیادین در ابعاد و ساحت‌های مختلف است. این تغییرات معلول عوامل مختلف جمعیتی، فرهنگی، ارتباطی، اقتصادی و بین‌المللی است و شرایطی را به‌وجود می‌آورد که عادات، سنت‌ها، هنجارها و به‌طور کلی قواعد عمومی زندگی اجتماعی،

که از قدیم در جامعه وجود داشته است، به چالش کشیده می‌شود و موجب می‌شود تا افراد خودخواسته و اندیشمندانه به بازاندیشی و بازسازی قواعد و اصول زندگی خود در شرایط جدیدی که با دوران گذشته تفاوت‌هایی چشمگیر دارد، بپردازند. این اتفاق، از این بابت کسوت یک مسئله علمی جامعه‌شناختی را به خود می‌گیرد که ما را با این وضعیت روبه‌رو می‌کند که افراد در جامعه ما، به‌طور کامل و جامع، به معنایی که در ادبیات آمده و در جامعه غربی تجلی یافته، مدرن نشده‌اند. شکل و نوع خاصی از مدرنیت در جامعه ما وجود دارد که از آن به عنوان مدرنیت ایرانی (آزاد ارمکی و...) یاد شده است. در این شرایط این سؤال به ذهن می‌رسد که اگر جامعه ما به گونه‌ای خاص، مدرن شده است، بالآخره در تقسیماتی که در متون علمی بین دو جامعه سنتی و مدرن صورت گرفته است، جامعه ما مدرن است یا سنتی و به لحاظ تئوریک، کدام فضای نظری و مفهومی، با جامعه ما همسویی انضمامی دارد.

چارچوب نظری

گیدنز در بررسی مفهوم مدرنیت و ابعاد آن، پیش از هرچیز، به نقد دیدگاه‌های رایج در جامعه‌شناسی پیرامون مدرنیت پرداخته و معتقد است که برای بررسی این پدیده، رویکردهای کلاسیک جامعه‌شناسی، فاقد کفایت نظری لازم‌اند:

«اگر خواسته باشیم ماهیت مدرنیت را به‌درستی دریابیم، باید از چشم‌اندازهای موجود جامعه‌شناختی در هریک از جهات یاد شده فاصله بگیریم. باید پویایی شدید و پهنه جهانی نهادهای مدرن را تبیین کنیم و ماهیت انقطاع‌های این نهادها را از فرهنگ‌های سنتی توضیح دهیم» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۱).

وی در ادامه، تعریف خاص خود را از مدرنیت، به عنوان سلوک یا سبک خاصی از زندگی، ارائه می‌دهد که ریشه‌های تاریخی خاص خود را دارد. البته این تعریف، به دلیل تأثیراتی که گیدنز از ماکس وبر پذیرفته است، بیشتر ماهیتی فردی دارد تا ساختاری:

«مدرنیت به شیوه‌های خاصی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا پیدا شد و به تدریج، نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد» (گیدنز، ۱۹۹۰). به نقل از حاجی حیدری، ۱۳۸۷: ۱۱۷.

گیدنز همچنین در جای دیگر، مدرنیت را این چنین تعریف می‌کند:

«مدرنیت، در ساده‌ترین صورت، شکل مختصر شده تعبیر جامعه مدرن یا تمدن صنعتی است. اگر به دقت نگاه کنید، مدرنیت مربوط می‌شود، اولاً به مجموعه معینی از طرز تلقی‌ها نسبت به جهان و نسبت به ایده‌های جهان، به عنوان جهانی آزاد برای تغییر به دست و با دخالت انسان. ثانیاً، نهادهای پیچیده، به‌ویژه تولید صنعتی و اقتصاد مبتنی بر بازار. ثالثاً، حد معینی از نهادهای سیاسی، از جمله دولت- ملت و دموکراسی توده‌ای. در نتیجه این ویژگی- هاست که مدرنیت به‌طور کلی از نظم اجتماعی پویای بیشتری برخوردار است. جامعه مدرن، جامعه‌ای است فنی‌تر، با نهادهای پیچیده، که برخلاف فرهنگ گذشته در آینده زندگی می‌کند تا در گذشته» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۶۶-۱۶۵).

پس از اینکه از یک طرف، سنت و مشروعیت آن در جامعه کمرنگ شده و از طرف دیگر، جامعه، وضعیت و شرایط جدیدی به خود می‌گیرد، که تا پیش از آن وجود نداشته است؛ زمینه و بستر لازم برای ظهور انسان بازتابی و به تبع آن جامعه بازتابی، که همانا اصلی‌ترین مشخصه مدرنیت متأخر است، ظاهر می‌شود. در این جامعه افراد تلاش می‌کنند تا، آگاهانه و همراه با تفکر و تأمل لازم، زندگی روزمره خود را مدیریت کنند. در این جامعه، اطلاعات، اصلی‌ترین معیار و ملاک تصمیم‌گیری افراد در زندگی روزمره آنهاست. همچنین از آنجا که بشر در این دوره می‌پندارد که معتبرترین اطلاعات را علم در اختیار انسان قرار می‌دهد، لذا تعامل خاصی هم در این دوره بین جامعه و علم و تکنولوژی برقرار می‌گردد.

گیدنز، بحث خود را چنین پی می‌گیرد که ماهیت بازتابی و تأملی مدرنیت، موجب می‌شود پدیده‌ای به نام سیاست زندگی ظهور یابد. سیاست زندگی به این دلیل به وجود می‌آید که ویژگی اصلی مدرنیت، افزایش انتخاب‌های پیش‌رو برای زندگی و کمرنگ کردن سنت‌ها و در واقع انتخاب‌های گذشته است، که خود را در قالب عادات، رسوم و سنت‌ها جلوه‌گر می

ساخته‌اند. در چنین شرایطی که حتی تا درونی‌ترین لایه‌های هویت فرد، ماهیت بازتابی دارد و باید با انتخاب آگاهانه خود فرد، سازمان یابد، برنامه‌ای لازم است که فرد و زندگی او را منظم کند و به آن نوعی ریتم بدهد:

«سیاست زندگی^۱، در وهله اول در واقع نوعی سیاست انتخاب است... سیاست زندگی، نوعی سیاست شیوه زندگی است. سیاست زندگی در واقع سیاست نوعی نظم ناشی از بازتابندگی است که در سطح انفرادی یا جمعی، پارامترهای وجودی فعالیت اجتماعی را به-طور ریشه‌ای دگرگون ساخته است. سیاست زندگی به واقع سیاست متحقق ساختن خویشتن در محیطی است که به طرزی بازتابی سازمان یافته است و این بازتابندگی، خود و بدن فرد را با نظام‌هایی به مقیاس جهانی مرتبط می‌سازد» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۰۰).

گیدنز، در خصوص بحث کار و فراغت، معتقد است که این دو مفهوم، مفاهیمی هستند که به یکدیگر وابسته‌اند و از طرفی دیگر، فهم آنها مستلزم توجه به مفاهیمی است مثل سطوح آموزشی در جامعه، دولت رفاه، و بازار کار. گیدنز، چنین ادامه می‌دهد که این اعتقاد، که از دهه ۱۹۶۰ مطرح شد، مبنی بر اینکه ما وارد جامعه فراغتی شده‌ایم، نادرست است و با واقعیت منطبق نیست. وی معتقد است که برعکس، کار امروز برای مردم پراهمیت‌تر شده است:

«برخلاف نظر کسانی که در دهه ۱۹۶۰، ظهور یک جامعه فراغتی را پیش‌بینی می‌کردند، اینک کار به جای اینکه کم‌اهمیت شود در زندگی مردم اهمیت پیدا کرده است، حتی با وجود نسبت بالای زنانی که اینک در شمار نیروی کار هستند» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۵۹).

طبق نظری که گیدنز، در خصوص سیاست زندگی، مطرح می‌کند می‌توان چنین گفت که فرد مدرن، در زمان فراغت خود، به دنبال انتخاب گزینه‌ها یا مسیرهایی است که ترجیحات دلخواه وی را برآورده گرداند و رضایت مطلوب وی را در زندگی برایش به ارمغان آورد. در این وضعیت، فراغت که عرصه‌ای بدون ساخت است، فرصتی است برای ساخت بخشیدن

^۱. Life Politics

مجدد دلخواهانه و آگاهانه به جوانب و ابعاد مختلف زندگی، به‌ویژه بخش‌های خاصی از زندگی که هنوز برای فرد تولید نارضایتی و ناخشنودی می‌کنند.

از سویی دیگر باید توجه کرد که فراغت، به عنوان یک سیاست یا راهبرد، گرچه از یک منظر ابزاری است برای افزایش رضایت و کسب لذت، اما از آنجا که در جوامع امروز، امر شخصی پیامدهای غیرشخصی دارد، یا به تعبیری دیگر امر محلی نتایج جهانی دارد، لذا فرد در زمان فراغت خود، از یک سو تلاش می‌کند تا لذت دلخواه خود را کسب نماید، و از سویی دیگر به عنوان یک شهروند فعال با مشارکت دلخواهانه در زمان فراغت خود، نقشی فعال در در حفاظت اجتماعی و رهایی‌بخشی افراد ایفا کند:

«مفهوم شهروند مطلع و فعال در قلب سیاست زندگی قرار دارد. نتیجه منطقی این وضع آن است که فراغت اکنون هم به رضایت خاطر درونی می‌پردازد، هم به تجهیز افراد برای ایفای نقشی فعال در حفاظت اجتماعی و محیط زیست و ارتقای آنها. شهروندان فعال و مطلع باید از پویای ناهم‌پای اجتماعی - اقتصادی، بی‌عدالتی، استثمار جنسی، حقوق معلولیت و مخاطرات زیست محیطی آگاهی داشته باشند. رسانه‌های گروهی مجرای برای این داده‌ها فراهم می‌سازند و در بخش فراغت سیاست زندگی، نقش محوری دارند. شهروندان از طریق رسانه‌های گروهی اطلاعات کسب می‌کنند و این امر به آن‌ها امکان می‌دهد تا در مداخله اجتماعی فعال و بارور باشند. شبکه‌های محلی اطلاعات از طریق مدارس، دانشگاه‌ها، محیط‌های کاری و محلات ذخیره مهمی از اطلاعات و شناخت را فراهم می‌آورند» (روجک، ۱۳۸۸: ۸۷ - ۸۶).

به منظور جمع‌بندی مباحث نظری که تاکنون مطرح شد باید گفت به طور کلی گیدنز، فراغت را زمانی می‌داند که هسته مرکزی مدرنیته، یعنی «شهروندی فعال» در آن نمود و تجلی می‌یابد. در زمان فراغت افراد تلاش می‌کنند تا به دلخواه به مقابله با خطرهای احتمالی، که شخصی و یا اجتماعی آنها را تهدید می‌کند، مقابله کنند و با رویکردی رهایی‌طلبانه در راه حذف نابرابری‌های اجتماعی، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها بکوشند. طبق نظرات گیدنز، برنامه‌ریزی فراغتی را می‌توان از ۴ منظر بررسی کرد: یعنی ماهیت، موضوع، هدف و

روش، که در حقیقت جوامع مدرن معاصر و جوامع سنتی، از حیث این ۴ جنبه، با یکدیگر تفاوتی بنیادی دارند:

جدول شماره ۱: نظرات گیدنز در خصوص برنامه‌ریزی فراغتی

برنامه‌ریزی فراغتی	جامعه مدرن معاصر	جامعه سنتی
ماهیت	بازاندیشانه	ثابت
موضوع	آینده	گذشته
هدف	رضایت خاطر درونی همراه با حفاظت اجتماعی	تقویت یا تثبیت آئین‌ها و رسوم اجتماعی
روش	بر اساس گزینش شخصی طبق اطلاعات علمی از میان فرصت‌های ساختاری موجود	براساس گزینشی اجتماعی و هنجاری توسط نهادهای فرهنگی غیرشخصی

از این منظر مدرنیته در واقع شامل مجموعه اتفاقاتی است که در زمان فراغت افراد رخ می‌دهد. در واقع بررسی نوع و چگونگی برنامه‌ریزی و گذران اوقات فراغت افراد، نشان دهنده این است که جامعه در کدام قسمت از طیف سنت تا مدرنیته قرار دارد. جامعه مدرن، جامعه‌ای است که نوع گذران اوقات فراغت افراد در آن، معطوف است به جامعه و اصلاح، بهبود و ساخت‌بخشیدن مجدد به آن، در راستای بهبود وضع عمومی افراد و گروه‌های مختلف در جامعه، اما از این منظر، جامعه سنتی جامعه‌ای است که فراغت در آن مفهومی کاملاً غیرفردی دارد و برای افراد صرفاً زمانی است که تلاش می‌کنند تا برای حفظ و تثبیت رسوم و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی کلان جامعه عمل کنند.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش تحقیق کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. تعداد افراد نمونه این تحقیق ۳۰ نفر از جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر تهران بودند، که بر مبنای نمونه‌گیری نظری انتخاب و با آنان مصاحبه شده بود. سؤالاتی که از مصاحبه‌شوندگان پرسیده می‌شد، حول ۴ سؤال اصلی تحقیق شکل گرفته بودند، که عبارتند از:

۱. نوع نگاهی که فرد نسبت به اوقات فراغت خود دارد از این حیث که آیا اوقات فراغت را صرفاً زمانی خارج از زمان کار یا شغل می‌داند، که باید مطابق عرف یا قواعد بهنجار اجتماعی آن را سپری کند، یا آن را فرصتی می‌داند برای بازتولید هویت اجتماعی خود؟

۲. منابع تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی فراغتی برای فرد کدامند؟ آیا این منابع بیشتر به شکلی بیرونی هدایتگر برنامه فراغتی فرد هستند یا فرد مستقلاً از بین منابع موجود، گزینه‌های مورد نظر خود را انتخاب می‌کند؟

۳. هدف از برنامه‌ریزی فراغتی چیست؟ آیا فرد بیشتر به دنبال کسب لذت در آن موقعیت است یا اینکه از این برنامه‌ریزی هدفی فراموقعیتی و متناسب با شرایط احتمالی خود در آینده نزدیک یا دور دارد؟

۴. خود کنشگر چه برداشتی از بافت^۱ یا زمینه اجتماعی برنامه فراغتی خود دارد؟ یعنی فهمی که وی از محیط اجتماعی پیرامون خود دارد، چیست و این فهم چگونه بر برنامه و کنش فراغتی وی تأثیر می‌گذارد؟

در این تحقیق ابتدا بر اساس چارچوب نظری و سؤالات چهارگانه‌ای که از آن استخراج شده بود، چارچوب کلی مصاحبه را معلوم نمودیم، سپس پس از به‌دست آوردن پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، با کدگذاری پاسخ‌های ایشان، مقوله از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان استخراج گردید، که در ادامه می‌آیند. این مقولات بر اساس ویژگی‌هایی که گیدنز برای یک جامعه

^۱. Context

مدرن تعریف می‌کند، از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان استخراج شده‌اند. گیدنز در مباحث مفصلی که پیرامون مدرنیته دارد، ویژگی‌های مدرنیته را اینگونه برمی‌شمارد: تضعیف سنت و کم‌رنگ شدن آن در تصمیمات و نگرش‌های افراد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۸۹)، فردگرایی (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۳)، تخصص‌گرایی (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۰)، توجه ویژه به آینده به عنوان دوره‌ای سرشار از وضعیت‌های جدید و پیش‌بینی نشده (ریسک) که با دوره گذشته و دوره حال تفاوت بنیادی دارد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۶۰)، بازاندیشی و تأمل‌گرایی (گیدنز، ۱۳۸۷: ۴۲۴). از نظر گیدنز، این عناصر، ویژگی‌های یک جامعه مدرن است که در حال حاضر در بسیاری از جوامع، یا کاملاً ایجاد شده یا در حال ایجاد شدن است. وی همچنین معتقد است ویژگی‌های فوق در همه ابعاد زندگی یک کنشگر مشاهده می‌شود. در نتیجه، یک کنش فراغتی مدرن، باید کنشی بازاندیشانه، معطوف به آینده، جدید و ابدایی، فردگرایانه و دانش بنیان باشد. بنابراین سؤالات طوری طراحی شدند که این مفاهیم را بسنجند. پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان نیز بر این اساس تجزیه و تحلیل شد. پس از دسته‌بندی و کدگذاری اطلاعات به دست آمده از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، مقولات عمومی زیر از این پاسخ‌ها بدست آمد:

سنت‌گرایی: سنت‌گرایی، مقوله‌ای است که مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق بارها به آن اشاره کرده‌اند. چنان که گیدنز، اشاره می‌کند، اصلی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه یا شاخص سنت در یک جامعه، میزان اعتقاد به قضا و قدر در آن جامعه است (گیدنز، ۱۳۸۷، فصل سنت). بر همین اساس، در جریان گفتگو با مصاحبه‌شوندگان از ایشان می‌پرسیدیم که تا چه حد به قضا و قدر و مفاهیمی هم‌ارز آنها اعتقاد دارند و آیا این اعتقادات، جایگاهی در زندگی آنها دارد یا خیر؟

فردیت: این مقوله، در حقیقت به وضعیتی اشاره می‌کند که فرد بر مبنای منطقی و طرز فکر خاص خود، به مواجهه با پیرامون خود اقدام می‌کند. این مفهوم با مفهوم سنت‌گرایی تفاوت دارد. فرد سنت‌گرا، فردی است که همواره تلاش می‌کند تا بر مبنای اصول ثابت و تغییرناپذیری در مواجهه با واقعیت، رفتار کند و همواره از مبانی تفسیری واحدی، در

معنابخشی به زندگی اجتماعی خود، بهره می‌جوید. اما فردیت به این معناست که کنشگر، همواره خود منشأ تصمیم‌گیری‌ها و برداشت‌هایش باشد، حتی اگر تفکرات و باورهای وی در نقطه مقابل تفکرات و برداشت‌های اطرافیان، خانواده و کلا منابع سنتی و ریشه‌دار معنابخشی و تفسیرگری در جامعه باشد.

خاص‌گرایی: به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد در آن، اطلاعات و دانش اجتماعی مورد نیاز خود را از منابعی خاص و ثابت کسب می‌کند. در این وضعیت، فرد چندان به منابع ناآشنا و عام توجه و اعتماد نمی‌کند. چنین فردی همواره تلاش می‌کند تا از افراد یا گروه‌ها و یا سازمان‌هایی که با آنها تعامل چهره به چهره دارد و از مدت‌ها قبل با آنها آشناست، اطلاعات مورد نیاز خود را کسب کند و همواره در لحظات شک و تردید خود، از آنها مشورت بگیرد. **لذت‌گرایی موقعیت‌مند:** در این تحقیق منظور از لذت‌گرایی موقعیت‌مند این است که فرد در فعالیت‌های فراغتی به دنبال چه چیزی می‌گردد. آیا صرفاً به دنبال کسب لذتی آنی و لحظه‌ای است یا به دنبال هدفی خاص یا تحقق برنامه‌ای مشخص. برنامه‌ای که طبق نظر گیدنز، واکنشی بازتابانه به ریسک‌هایی است که از بیرون بر فرد تحمیل می‌شود.

برداشتی پیوسته نسبت به زندگی: افراد در دوره مدرن توجه خود را از گذشته به آینده خود معطوف می‌نمایند. زیرا که آینده برای آنان امری نامعلوم و در عین حال پرخطر است. این افراد به رسوم و اعتقاداتی که در گذشته وجود داشته است، چندان توجه و اعتنایی ندارند، چرا که معتقدند که دنیا دچار تغییر و تحولات اساسی شده است و لذا رسوم، آئین‌ها و اعتقادات گذشته دیگر برای وضعیت کنونی مناسبی ندارد. در واقع افراد در دوره مدرن، برداشتی انقطاعی نسبت به زندگی دارند. برداشتی به این شکل که باورها و اعتقادات سنتی را مربوط به گذشته می‌داند و آن‌ها را فاقد کاربرد برای حال می‌داند. اما در یک جامعه سنتی، برداشتی که افراد از ماهیت زندگی دارند، برداشتی پیوسته و بدون انقطاع است، چرا که معتقدند آینده چیزی جز تکرار گذشته نیست و نباید باشد.

تفسیری دوگانه از شرایط اجتماعی: تفسیری دوگانه از شرایط اجتماعی، در حقیقت به وضعیتی اشاره می‌کند که فرد به این باور رسیده است که وضعیت کنونی زندگی تغییر پیدا

کرده و به اصطلاح، دوره و زمانه عوض شده است. طبق مدل تحلیلی گیدنز، این وضعیت خود معلول یک عامل دیگر بوده که عبارت است از: جریان آزاد اطلاعات. جریان آزاد اطلاعات مستقیماً از طریق مواجه ساختن فرد با تعداد بی‌شماری از سؤالاتی که وی برای آنها پاسخی ندارد و نیز با ایجاد شک فلسفی نسبت به گذشته، به طور غیرمستقیم، تشکیک در سنت و قواعد سنتی زندگی در نزد فرد را موجب می‌شود.

برداشتی مبهم نسبت به آینده: از جمله مؤلفه‌ها یا شاخصه‌های جدی جامعه مدرن، نوع نگرش این جامعه نسبت به آینده است. این جامعه بر اساس مهار ریسک‌هایی احتمالی که در آینده محتمل‌الوقوع است، ساخت می‌یابد. در واقع مسئله آینده و نوع مواجهه با آن، اصلی‌ترین دغدغه افراد در جامعه مدرن، است. در این معنا، در جامعه مدرن، آینده در نزد افراد دوره‌ای خاص است که سرشار است از ریسک‌ها و خطرهای احتمالی، بر خلاف جامعه سنتی. در جامعه سنتی، آینده صرفاً دوره‌ای است شبیه به گذشته، و اصولاً تفاوتی بین آینده و گذشته در نزد افراد احساس نمی‌شود.

جدول شماره ۲: بررسی تطبیقی مقوله‌ها

ردیف	مقوله	سنخ	دفعات تکرار
۱	سنت‌گرایی	سنتی	۹ بار
۲	فردیت	مدرن	۱۶ بار
۳	خاص‌گرایی	سنتی	۲۴ بار
۴	لذت‌گرایی موقعیت‌مند	غیرسنتی غیرمدرن	۲۴ بار
۵	برداشتی پیوسته نسبت به زندگی	سنتی	۱۱ بار
۶	تفسیری دوگانه از شرایط اجتماعی	مدرن	۱۳ بار
۷	برداشتی مبهم نسبت به آینده	غیرسنتی غیرمدرن	۶ بار

بحث و نتیجه‌گیری

با مرور مجموعه پاسخ‌هایی که افراد در جریان تحقیق ارائه داده‌اند به این نتیجه می‌رسیم که سیاستی بازاندیشانه در گذران اوقات فراغت در نزد جوانان تهرانی، تا حدودی و به طور نسبی و نه کامل، شکل گرفته است.

بررسی ماهیت برنامه فراغتی جوانان تهرانی حاکی از آن است که هنوز شرایط جامعه ایران با وضعیت جوامع مدرن امروزی فاصله دارد و بسیاری از عناصر و عوامل ساختاری جوامع مدرن امروزی مانند وجود اقتصاد دانش‌محور، مرگ حرفه‌ها، اثرات فناوری‌های اطلاعاتی، ادغام شرکت‌های بزرگ و تغییر سازمان اجتماعی کار (به نقل از سعیدی، ۱۳۸۷) در جامعه ما شکل نگرفته است و همین امر موجب می‌شود برنامه فراغتی جوانان تهرانی، برنامه‌ای تاحدودی مدرن و تاحدودی هم سنتی مبتنی بر سرگرمی‌محوری و لذت‌طلبی باشد. ضمن اینکه این سرگرمی‌محور بودن زمان فراغت بر مبنای لذتی آنی و لحظه‌ای به عقیده محقق، واکنشی آرامش‌بخش و تسلی‌دهنده برای جوانان است، چرا که جوانان به علت فقدان آزادی عمل و انتخاب در ساخت بخشیدن به زندگی خود، به سبب محدودیت‌های ساختاری موجود در جامعه، انگیزه و اشتیاق لازم را برای انجام امور شغلی و یا غیرشغلی روزمره خود از دست می‌دهند و این امر موجب می‌شود تا فراغت برای آنها در مقایسه با فراغت مدرن، دچار تغییرات ریخت‌شناختی گردد و در آن فرد، به جای تلاش برای رهایی بخشی و مقابله با ریسک‌ها و بحران‌های احتمالی پیرامون خود، صرفاً می‌کوشد تا به لذت، و یا فراموشی، و یا گسست مقطعی از زندگی روزمره خود دست یابد. در عین حالی که ممکن است علائق فراغتی مدرن را داشته باشد.

در خصوص نحوه تصمیم‌گیری جوانان برای گذران اوقات فراغت خود، باید گفت که یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که محوریت تصمیم‌گیری برای گذران اوقات فراغت در نزد افراد مصاحبه‌شده، کسب لذت و به دست آوردن حس تعلیق خاصی است که با احساس هرروزه آنها متفاوت است. درانتخاب نوع فعالیت‌ها یا رفتارهایی هم که برای گذران اوقات فراغت خود انتخاب می‌کنند باید گفت که نوع گزینش و انتخاب این فعالیت-

ها، صرفاً تاحدودی ماهیتی بازاندیشانه و بازتابانه دارد. گیدنز این چنین می‌گوید که وضعیت مدرنیته، وضعیتی است که در آن فرد مداوم در حال بررسی و بازبینی مجدد خود و هویت خود است. در حقیقت وضعیت مدرن را اوضاعی می‌داند که کنش افراد در همه حوزه‌ها در معرض تغییر و تحول است و متناسب با گزینه‌های چندگانه و چندبعدی که همواره در حال تجدید شدن است، انطباق می‌یابد.

گیدنز، مدرنیته را شرایطی می‌داند که حالتی جهانی‌ساز دارد و بر این اساس، همه قسمت‌های جهان بر روی هم تأثیر گذار و از هم تأثیرپذیرند. بر این اساس تصمیماتی که افراد در زندگی روزمره خود می‌گیرند، تحت تأثیر ترکیبی از شرایط محلی و جهانی اتخاذ می‌شود، لذا ماهیتی دورگه و دوگانه پیدا می‌کنند، که از ویژگی‌های اصلی مدرنیته است.

مرور پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد تصمیماتی که جوانان تهرانی در حوزه‌های مختلف زندگی، از جمله اوقات فراغت خود می‌گیرند، تا بسیار متأثر است از شرایط محلی و پیرامونی خود آنها و ربط چندانی با شرایط جهانی و اتفاقاتی که در قسمت‌های دیگر دنیا می‌افتد ندارد. عموم پاسخ‌ها نشان از آن دارد که افراد در حوزه تصمیم‌گیری برای گذران اوقات فراغت خود چندان متأثر از غیر نیستند و توجهی به پیامدهای غیرشخصی تصمیمات خود ندارند و اساساً گمان نمی‌کنند که عمل آنها پیامد جهانی داشته باشد، بر همین اساس و صرفاً بر اساس خواست شخصی و فردی و باتوجه به امکانات و شرایطی که دارند، برای گذران اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی می‌کنند. لذا این نوع برنامه‌ریزی نشان از جامعه‌ای بیشتر سستی دارد تا مدرن. افرادی که در این تحقیق مطالعه شدند، براساس اصول ثابتی برای خود برنامه‌ریزی فراغتی داشتند و معمولاً به رفتار خاصی در اوقات فراغت خود می‌پرداختند و به ندرت تلاش می‌کردند تا کار جدیدی را در زمان فراغت خود انجام دهند. بر همین اساس نمی‌توان گفت که برنامه‌ریزی فراغتی جوانان تهرانی، برنامه‌ای کاملاً مدرن، بازاندیشانه و بازتابی است، بلکه برنامه‌ای است که تاحدودی هدفمندی هویتی دارد و تاحدودی هم لذت‌محور است و بر گذراندن زمانی خاص فارغ از دغدغه‌های روزمره تأکید می‌کند. البته در کنار اصول تصمیم‌گیری، باید در اینجا پیرامون مقوله اعتماد و مشورت هم

صحبت کرد. در مصاحبه‌هایی که صورت گرفت همواره یکی از سؤالاتی که از افراد پرسیده می‌شد این بود که آیا شما در خصوص نحوه گذران اوقات فراغت خود با کسی مشورت می‌کنید یا از منبع خاصی اطلاعات می‌گیرید یا خیر؟ تقریباً همه پاسخ‌گویان اظهار گفتند که در خصوص نحوه گذران اوقات فراغت خود با کسی مشورت نمی‌کنند و از هیچ منبع خاصی اطلاعات نمی‌گیرند. اما زمانی که از آنها پرسیدیم در چه مواردی با سایرین مشورت می‌نمائید، پاسخ‌گویان عموماً پاسخ دادند که در مسائل مهم زندگی، مثل رشته تحصیلی، شغل و ازدواج از دیگران کسب اطلاعات و تجربه می‌کنند. در واقع مفهوم اعتماد در نزد پاسخ‌گویان ساختاری سستی داشت که محوریت آن برآشنایی چهره به چهره استوار است. گیدنز اعتقاد دارد که تجربه مدرن، تجربه‌ای با واسطه است که در جریان آن رویدادها و حوادثی مربوط به زمان دور، از زندگی روزمره سر در می‌آورند و مدام، برنامه‌ها، اعتقادات و آگاهی‌های ما را به چالش می‌کشند:

« گیدنز معتقد است که ویژگی تجربه باواسطه در عصر مدرن عبارت است از: تجاوز سرزده رویدادهای دوردست به آگاهی روزمره. در واقع، در راستای از جاکندگی زمان- فضا است که بازاندیشی دوران مدرن می‌تواند پذیرای مفهوم جداگانه‌ای در دوران مدرن شود. البته نه مفهومی کاملاً جداگانه و انقطاعی، به این معنا که گیدنز به درون‌مایه و شیوه این بازاندیشی و خرد ویژه نهفته در آن تأکیدی ندارد) چنان که وبر تأکید می‌کند، بلکه آن چه از منظر او مهم است، فاصله‌گیری قابل ملاحظه از موقعیت‌های خاص زندگی و امکان نگاه فاصله‌دار و متأملانه در مورد موضوعاتی است که تا پیش از این به آنها چسبیده بودیم» (حاجی حیدری، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۳).

در اکثر پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در خصوص نوع نگاه ایشان به اوقات فراغت و زمان-مند بودن یا نبودن برنامه فراغتی ایشان، مشخص شد که این برنامه بر اساس اصول و ملاک-ها یا عاداتی ریشه‌دار و قدیمی در نزد فرد صورت می‌بندد. در حقیقت ثابت بودن الگو یا نحوه گذران اوقات فراغت خود دال بر این است که اصول و قواعد واحد و با اهمیتی بر نوع و نحوه برنامه‌ریزی فراغتی افراد وجود دارد. یعنی در واقع اوقات فراغت افراد، به

شیوه‌هایی ثابت، و با توجه به روندها یا عاداتی که غبار زمان گرفته، در حال گذار است و به هیچ وجه رویدادهایی سرزده از آینده‌ای نامعلوم این الگوها را به چالش نمی‌کشد و فرد را به بازاندیشی مداوم پیرامون آنها وادار می‌کند.

در رابطه با هدف جوانان از گذران اوقات فراغت خود، نظرات پاسخ‌گویان نشان داد که البته هدف خاصی از گذران اوقات فراغت از سوی افراد مورد بررسی دنبال می‌شود؛ این هدف، عبارت است از کسب لذت، سرگرمی و وقت‌گذرانی. جوانان تهرانی مورد بررسی در این تحقیق، وقت فراغت را زمانی می‌پندارند که در آن لذت و سرگرمی خاصی را که علاقه شخصی ایشان است دنبال می‌کنند و در آن از هرگونه هنجار یا قاعده شغلی، اجتماعی و فرهنگی، فراغت‌بال دارند. در حقیقت فراغت افراد از یک بابت برنامه مشخصی دارد و آن برنامه هم ماهیتی ثابت و یکنواخت دارد که بر اساس لحظات شیرین و خاطره‌انگیز گذشته و یا وضعیت شغلی و سبک زندگی کنونی فرد تکرار و بازتولید می‌شود و در آن، اثری از بازاندیشی مداوم پیرامون حوادثی که بر زندگی امروز افراد سرک می‌کشند و خیال آنها را ناآرام می‌کند دیده نمی‌شود. البته نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که پاسخ‌گویان عموماً معتقدند که وضعیت زندگی آنها در آینده نامعلوم و نامشخص است. اما نکته اینجاست که بر خلاف جوامع مدرن، که علم نقش محوری در جامعه پیدا کرده است که به تعبیر وبر به اصلی‌ترین منبع تولید معنا برای مردم مبدل گشته است و مدام پیرامون زندگی افراد و پیچیدگی‌های آن برای افراد تولید معنا می‌کند و افراد را متقاعد می‌کند تا درباره این پیچیدگی‌ها و سؤالات جدید پیرامون عاقبت خویش هرچه بیشتر و بیشتر بیاندیشند، علم و نهاد علم در جامعه امروز ایران، به یگانه نهاد تولید معنا تبدیل نشده است و به هیچ وجه نقشی محوری به لحاظ معنایی در زندگی جاری مردم ایران پیدا نکرده است و اساساً علم، رسانه‌ای در جامعه ایران ندارد که بتواند به تقویت خود و تضعیف روایت‌ها و گفتمان‌های رقیب خود بپردازد. لذا باید گفت که بستر فرهنگی و همچنین بستر اقتصادی جامعه مدرن در ایران شکل نگرفته است و بر این اساس، نمی‌توان این جامعه را جامعه‌ای مدرن دانست. اما از سویی دیگر رسانه‌ها، که به تعبیر گیدنز اصلی‌ترین ابزار اشاعه مدرنیته جهانی به همه

جوامع است، به جامعه ایران نیز اشاعه یافته است. بر این اساس، ترجیحات فراغتی مدرن به زندگی جوان ایرانی تسری یافته است، اما امکان تحقق این ترجیحات برای آنان وجود ندارد. این مسئله سبب می‌شود تا جوانان، که بیشتر از سایر اقشار جامعه با رسانه‌های جدید درگیرند، فاصله بین ایده‌آل‌ها و واقعیات را در زندگی روزمره خود، بیش از پیش حس کنند. به همین سبب اوقات فراغت در بین جوانان ایرانی، به زمانی برای کسب لذت به منظور دوری از جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده است. زمانی که به جوانان کمک می‌کند تا این شکاف را کمتر، حتی برای لحظه‌ای کوتاه، حس کنند.

بررسی یافته‌های این تحقیق و نیز سایر تحقیقاتی که در سال‌های اخیر صورت گرفته است، نشان می‌دهد به‌رغم نبود بسترهای مادی و اقتصادی که در بستر آنها جامعه مدرن قابل پیدایش است، به دلیل جریان آزاد اطلاعات، که متأثر از رشد رسانه‌های ارتباط جمعی است، نسل جوان جامعه، در حال تجربه موجی گسترده از اطلاعات گوناگون است که به شکلی خاص، مبانی و مبادی اعتقادات سنتی آنها را به چالش می‌کشد. افزایش ضریب نفوذ اینترنت در ایران طی سال‌های اخیر، گسترش استفاده از شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای، افزایش فارغ‌التحصیلان رشته‌های گوناگون دانشگاهی و... از جمله شواهدی هستند که نشان می‌دهد جوانان در ایران، در معرض جریان گسترده‌ای از اطلاعات قرار دارند و همین عامل به لحاظ نظری و فکری، سلايق و ترجیحات ذهنی آنها را دست‌خوش تغییر و تحول می‌کند. این تغییر ترجیحات و سلايق فکری خود را در سطح جامعه به وضوح در پدیده تفاوت نسلی نشان می‌دهد. مثلاً، در تحقیقی که در سال ۱۳۸۶ داریاپور در بین کلیه زنان و مردان ۱۸ سال به بالای تهرانی انجام داد، معلوم شد ارزش‌های جوانان و بزرگسالان در ۲۸ مورد باهم تفاوت معناداری دارد و میزان اهمیت جوانان به انواع ارزشی امنیت، سنت، جهان‌گرایی و برانگیختگی با بزرگسالان متفاوت است (داریاپور، ۱۳۸۶: ۲۰). اما این دگردیسی ارزشی و فرهنگی همزمان با تحولات زیربنایی مادی و اقتصادی پیش نرفته است و همین مسئله جامعه و به‌ویژه نسل جوان جامعه را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است. این تضاد بین ترجیحات فرهنگی با بسترهای مادی شاید اصلی‌ترین ویژگی جامعه ایرانی در

حال حاضر باشد. به نظر می‌رسد می‌توان همه ترجیحات، گزینش‌ها، عکس‌العمل‌ها و فعالیت‌های نسل جوان ایران را در این چارچوب تحلیلی درک و تبیین کرد. بهتر است برای اثبات این وضعیت، نگاهی به آمارها بیاندازیم.

طبق گزارشی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ از وضعیت کسب‌وکار در ایران ارائه داد، ایران در میان ۱۸۱ کشور جهان، برای تسهیل امر کسب‌وکار رتبه ۱۴۲ را دارد. در همین حال رتبه ۱۴۷ را برای استخدام متقاضیان کار دارد. همچنین رتبه ۱۶۴ را در زمینه حمایت از سرمایه‌گذاران دارد و نیز رتبه ۱۴۲ را در حوزه تجارت خارجی (بانک جهانی، ۲۰۰۹: ۲)^۱ این آمار حاکی از آن است که طبق شاخص‌های اقتصادی، ایران وضعیت نامناسبی در اقتصاد جهانی دارد. در واقع این آمار حاکی از آن است در حوزه‌های اقتصادی، تفاوت بسیاری بین ما و کشورهای پیشرفته وجود دارد. این در حالی است که تفاوت ما با کشورهای پیشرفته در حوزه‌های فرهنگی و ارزشی کمتر از حوزه‌های اقتصادی است. مثلاً از هر ۱۷ شهروند ایرانی، یک نفر از اینترنت استفاده می‌کند (صادقی، ۱۳۸۶) و یا در خصوص آموزش، طبق گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۹، شاخص آموزش در ایران، ۰/۷۹۳ است و در حالیکه شاخص آموزش در کشور نروژ که در رتبه اول توسعه انسانی قرار دارد، ۰/۹۸۹ است (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۹: ۱۷۲-۱۷۱)^۲.

این آمار نشان می‌دهد که در بعضی از شاخص‌های فرهنگی در حال نزدیک شدن به کشورهای توسعه‌یافته هستیم، در حالی که فاصله ما با کشورهای توسعه‌یافته در حوزه‌های اقتصادی بسیار زیاد است. به نظر می‌رسد این ناهماهنگی بین ساحت مادی و معنوی جامعه، که شاید به اشکال گوناگون سایر محققان و پژوهشگران به آن اشاره کرده‌اند، اصلی‌ترین ویژگی مدرنیته ایرانی باشد. مدرنیته ایرانی، مدرنیته‌ای است که در حوزه فرهنگی و ارزشی با سرعتی آرام در حال رخ دادن است، اما در حوزه اقتصادی و مادی، با روندی بسیار آهسته‌تر

^۱. The world bank

^۲. Human development report

در حال پیشروی است، لذا فرهنگ نسبت به اقتصاد در این رابطه تقدم هستی‌شناختی دارد. در حالی که اقتصاد چند مرحله عقب‌تر از فرهنگ قرار دارد. در پایان باید چنین گفت که حوزه مطالعات فراغت در ایران می‌تواند به عنوان حوزه‌ای جدی و وسیع از جنبه‌های گوناگون بررسی و مطالعه شود. فراغت ایرانی، همچون ماهیت جامعه ایرانی، چندگانه و متنوع است. اما شاید اصلی‌ترین ویژگی آن، عدم تطابق بعد مادی با بعد غیرمادی آن است. به این معنا که با توجه به تضعیف منابع سنتی، کنش در اثر جریان آزاد اطلاعات و ارتباطات، الگوهای جدیدی از سبک زندگی فراغتی را به فرد عرضه می‌کند که با شرایط مادی و اقتصادی وی همخوانی ندارد. در نتیجه فرد از یک سو علاقمند به سبک‌های فراغتی جدید می‌شود، اما از سوی دیگر، توانایی گزینشگری محدودی دارد، لذا می‌کوشد به ترکیبی مقبول و باورپذیر در برنامه فراغتی خود دست یابد. این امر اصلی‌ترین ویژگی فراغت ایرانی است و با توجه به اینکه فراغت خود بخشی از شرایط عمومی‌تر و وسیع‌تر جامعه است، به نظر می‌رسد این ناهمزمانی جنبه‌های مادی و غیرمادی، به عنوان ویژگی جامعه ایرانی، قابل تأمل است.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، تهران: انتشارات آن.
- حاجی حیدری، حامد (۱۳۸۸)، آنتونی گیدنز: مدرنیت، زمان، فضا، تهران: انتشارات اختران.
- حسینی، حسن (۱۳۸۴)، «تحلیل جامعه شناختی رابطه اینترنت و اعتیاد به مواد مخدر»، فصلنامه انجمن ایرانیان مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دانشگاه تهران، شماره پیاپی ۲ و ۳: ۱-۱۷.
- داریاپور، زهرا (۱۳۸۶)، «ساختار ارزشی و مناسبات نسلی»، دو فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره اول: ۱-۲۳.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۴)، نگرش جوانان نسبت به مد و مدگرایی، تهران: سازمان ملی جوانان.
- روجک، کریس (۱۳۸۸)، نظریه فراغت، ترجمه عباس مخبر، تهران: مؤسسه نشر شهر.
- صادقی، سهیلا (۱۳۸۴)، «نگاهی جرم‌شناسانه بر جرایم، امنیت و کنترل در اینترنت»، فصلنامه انجمن ایرانیان مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دانشگاه تهران، شماره پیاپی ۲ و ۳: ۳۹-۵۷.
- کسل، فیلیپ (۱۳۸۷)، چکیده آثار آنتونی گیدنز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ققنوس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، معنای مدرنیت (گفتگوی کریستوفر پیرسون با آنتونی گیدنز)، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: کویر.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: شیرازه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، جهان رهاشده، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: علم و ادب.
- The world bank (۲۰۰۸), **doing business ۲۰۰۹**, country profile for Iran.
- United Nations (۲۰۰۹), **Human Development Report**.

تلفن همراه و کارکردهای آن برای کاربران ایرانی با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی

محمدرضا جوادی یگانه^۱، مسعود کوثری^۲، طاهره خیرخواه^۳
(تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۳)

چکیده

تلفن همراه علاوه بر تأمین نیاز ارتباطی میان فردی در حال حاضر به عنوان وسیله سرگرمی و وسیله ارتباط جمعی نیز به کار می‌رود و استفاده از آن معانی متعددی را برای کاربران دارد. مقاله حاضر می‌کوشد تا صرف‌نظر از کاربرد ارتباطی تلفن همراه، کارکردهای این وسیله را در میان کاربران مورد مطالعه قرار دهد. بدین منظور پیمایش آنلاینی از دارندگان این وسیله صورت گرفته است و پاسخگویان درباره کارکردهای مختلف این وسیله در تأمین نیازهایشان اظهار نظر کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تلفن همراه علاوه بر کاربردهایی نظیر تسهیل ارتباطات میان فردی به واسطه سیار بودن و همراهی همه زمانی و همه مکانی پاسخگویان، کارکردهایی چون تأمین امنیت، مد، خودابرازی، هویت، هماهنگی و سرگرمی را نیز به همراه داشته است.

کلمات کلیدی: تکنولوژی ارتباطی، تلفن همراه، پیام کوتاه، کارکردهای تلفن همراه، هویت، امتداد خود، مد، امنیت.

^۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران myeganeh@ut.ac.ir

^۲. دانشیار گروه ارتباطات دانشگاه تهران

^۳. کارشناس ارشد ارتباطات دانشگاه تهران

مقدمه

در حال حاضر ضریب نفوذ مشترکان تلفن همراه در ایران ۹۱,۲ اعلام شده که با احتساب جمعیت ۷۵,۱ میلیون نفری ایران و در نظر گرفتن شاخص فوق می توان نتیجه گرفت که هم اکنون بیش از ۶۸ میلیون اشتراک تلفن همراه در ایران وجود دارد.^۱

نظر به کاربران بسیار تلفن همراه در سراسر جهان، تلفن همراه هم به عنوان واسطه^۲ ارتباطات میان فردی، هم به عنوان رسانه، و هم وسیله سرگرمی^۳ مطالعه و بررسی شده است. چرا که علاوه بر کاربردهایی برای تسهیل ارتباطات میان فردی، استفاده شرکت های تجاری برای تبلیغات بازرگانی، تبلیغات سیاسی کاندیداهای ریاست جمهوری، مجلس و شوراها، ارسال اخبار بعضی از روزنامه ها از طریق سرویس پیام کوتاه برای مشترکان، نظرسنجی ها و مسابقات رادیو تلویزیونی را می توان از جمله کاربردهای ارتباط جمعی پیام کوتاه برشمرد؛ رادیو، امکان دریافت برنامه های تلویزیونی، امکان اتصال به اینترنت و یا دریافت صفحات روزنامه می تواند مجموعه کاربردهای رسانه جمعی را در تلفن همراه شامل شود و بازی های موبایلی، امکان دریافت و ارسال فایل های صوتی و تصویری جالب، ضبط و پخش موسیقی، عکاسی و فیلمبرداری نیز سرگرمی های جدیدی را، با استفاده از تلفن همراه، شکل داده است.

تلفن همراه از منظر امکانات (در انتخاب مارک و مدل گوشی و رضایت کاربران تعریف می شود)، کاربردها و کارکردهای آن در دانشگاه ها و مؤسسات مطالعاتی دنیا بررسی شده است. این مطالعات با مطمح نظر قرار دادن تفاوت های کاربران در سراسر دنیا انجام شده است، مثلاً تفاوت زنان و مردان در کاربرد و کارکردهای تلفن همراه نشان داده است که جنسیت ها رفته رفته طرز استفاده از موبایل را تغییر می دهند. همانگونه که فاکس^۴ (۲۰۰۱)،

۱. مهر ۱۳۹۰ به نقل از خبرگزاری فارس

۲. Media

۳. Intertainment

۴. Fox

گفته است، زنان به موبایل به عنوان یک «محافظ شخصی» نگاه می‌کنند (۲۰۰۱). آنها موبایل را وسیله‌ای برای حمایت از خود در مقابل حملات بیرونی و درونی می‌دانند. آنها موبایل را شبکه‌ای سالم می‌دانند و بسیاری از خانم‌ها بدون موبایل جایی نمی‌روند. آنها احساس می‌کنند که می‌توانند با هر شخص، در هر مکان و در مورد هر چیزی که نیاز دارند صحبت کنند. تلفن‌ها، روش ارتباط با دیگران را از تماس‌های مهم به سمت شایعات تغییر می‌دهند. غیبت و شایعه هزاران سال است که جزیی از ملزومات اجتماعی را خلق می‌کنند: ما از فناوری عصر فضا برای بازگشت به شایعات عصر حجر استفاده می‌کنیم. این مطلب نشان می‌دهد که موبایل‌ها روشی را برای ارتباطات خلق می‌کنند که از روش‌های قبل بسیار آسان‌تر است! زنان و مردان از فناوری موبایل برای برنامه‌ریزی با دیگران یکسان استفاده می‌کنند، اما زنان بیشتر به تماس با افراد برای امور اجتماعی تمایل دارند.

به عنوان مثال بررسی لینک در سال ۲۰۰۱ نشان داده است که زنان اغلب جایگزین‌های نقل و انتقالی پیچیده و متعاقباً محدودی دارند، که دقیقاً به دلیل تعهد خانوادگی است؛ زنان نزدیک به خانه کار می‌کنند و به این دلیل گزینه‌های کمتری برای ارتباط با بازار کار جغرافیایی در پیش رو دارند. تحرک زنان ماکول به مسئولیت‌خانوادگی است و بنابراین سفرهای آنها اغلب ترکیبی از چند کار است. این امر، به ویژه در مورد خانواده‌هایی که بچه‌های پیش دبستانی یا دبستانی دارند، صادق است. اگر این موضوع را در بافت اندیشه‌های فالک و ابلر قرار دهیم (۱۹۸۰) خواهیم دید که زنان «فواصل تلاش» بیشتری نسبت به مردان دارند.

با نگاه به بخش ارتباطات از راه دور این مجموعه، می‌توان به این حس رسید که تلفن نوعی از چندکارگی را فراهم می‌کند و زنان را قادر می‌سازد که هم از خانه دور باشند و هم به مسئولیت‌های خانگی خود برسند. راکو و ناوارو و همچنین وستبی این امر را مادری از راه دور می‌نامند. یعنی استفاده از تلفن برای ارتباط با فرزندی که از مدرسه بازگشته‌اند و نیاز دارند که والدین آنها را کنترل کند (راکو و ناوارو: ۱۹۹۳). به تلفن همراه در این زمینه نیز توجه شده است در واقع راکو و ناوارو به طور خاص این تکنولوژی را مد نظر داشته‌اند.

با نگاهی عام‌تر باید به بحث در باب این امر پرداخت، چون موبایل به مکان خاصی پیوند نخورده است (لانگ، ۱۹۹۳). در بافتی که اینجا مد نظر است، مثال‌هایی تجربی در دست داریم که در آنها موبایل به شخص اجازه می‌دهد به ماموریت خانوادگی خود برسد در عین حال در تعاملات کاری نیز حضور داشته باشد. این امر با توجه به سابقه استفاده فزاینده شخصی از فضای عمومی انجام می‌شود (کینگ، ۲۰۰۰؛ لینگ، ۱۹۹۷).

این مقاله نیز به عنوان بعد مهمی از مطالعات مربوط به تلفن همراه، کارکردهای این وسیله ارتباطی را مورد مطالعه قرار داده است. در ادامه نخست به اجمال به کاربردهای تلفن همراه اشاره‌هایی می‌شود تا تفاوت مفهومی بین کاربرد^۱ و کارکرد^۲ ارتباطی روشن گردد سپس وارد بحث کارکردها خواهیم شد و می‌کوشیم به این سؤال پاسخ گوییم که موبایل ضمن تأمین نیاز ارتباطی افراد چه کارکردهای برای دارندگان با مدنظر قرار دادن تفاوت جنسیتی دارد؟ آیا تفاوتی بین روش استفاده از تکنولوژی ارتباطی موبایل مردان و زنان وجود دارد؟ زمانی که ما روش ارتباط با یکدیگر را بفهمیم، می‌توانیم یکپارچگی و ساختار اجتماعی را درک کنیم. این تحقیق بر اساس نظرسنجی آنلاین و مصاحبه با دارندگان تلفن درباره استفاده از تلفن همراه انجام گرفته است. این مطالعه عمدتاً بر طرز استفاده از فناوری بین دو جنس توجه دارد و با فرضیه وجود تفاوت در کارکردهای تلفن همراه برای زنان و مردان ایرانی پژوهش حاضر را انجام داده است.

الف) کاربردهای تلفن همراه

کاربرد تلفن همراه ناظر بر استفاده ابزاری این وسیله است، و مهمترین کاربرد آن تسهیل ارتباطات غیرفردی از راه دور است و به عنوان وسیله برقراری رابطه نقش ایفا می‌کند: نامه اولین وسیله ارتباطات غیر چهره‌به‌چهره بوده و پس از آن تلفن و ایمیل و حالا تلفن همراه، که مهمترین وجه تمایز آن از تلفن ثابت، و همینطور دیگر واسطه‌های ارتباطی، دسترسی

^۱. Application

^۲. Function

هرزمانی و هرمکانی و نیز برقراری ارتباط دائمی و همیشگی^۱ است. کاربردهایی نظیر بهبود کیفیت ارتباطات میان فردی، دسترسی همیشگی، سیار بودن (چان وی^۲ و دیگران ۲۰۰۵: ۷۳)، پاتز^۳ (۲۰۰۴: ۸)، (پیترز و آلوچ^۴ ۲۰۰۵: ۱۰). در میان منابع مختلف دیده می‌شود که مختصراً به برخی از آنها اشاره می‌شود. در مقابل کارکرد تلفن همراه مطرح می‌شود که یک سطح از تسهیل ارتباطات همه زمانی و همه مکانی فراتر می‌رود و نتایجی که استفاده از این وسیله برای کاربر حاصل می‌کند نیازهایی غیر از ارتباط را تامین می‌کند: مانند حس امنیت دارندگان آن، نماد پایگاه اجتماعی و یا کارکرد خود اظهاری.

کوثری و دیگران (۱۳۸۵: ۲۱۵) بر مبنای تئوری استفاده و خوشنودی، به کاربردهایی اشاره می‌کنند که به سبب رضایتمندی از داشتن تلفن همراه حاصل می‌شود. این کاربردها عبارتند از:

۱. نیاز اطلاع‌جویی^۵: که در ذیل این امر اطلاعات ترافیکی، اتفاقات و رخدادها، تیتز روزنامه‌ها، اطلاعاتی مربوط به قیمت‌ها و انواع سرگرمی‌ها را می‌توان گنجانند که از منظر استفاده‌های ابزاری مطالعه می‌شود و یا تامین نیازهای اطلاعاتی شخصی، مثل خبردادن و خبرگرفتن از اتفاقات خانه.

۲. فواید اجتماعی: شایعه، چت، لذت بردن از صحبت کردن، گذران وقت و احساس آرامش، که انگیزه‌های استفاده را در بر می‌گیرد؛ امکان برقراری ارتباط به بهانه‌هایی چون درد دل کردن یا گذران وقت و همچنین برقراری ارتباط با دوستان و خانواده و از سویی بازی با گوشی تلفن همراه یا سرگرم شدن با امکانات آن به هنگام تنهایی یا در جمع دوستان، مثل انتقال اطلاعات از طریق بلوتوث^۶ یا عکس گرفتن با استفاده از دوربین گوشی.

^۱. Permanent access

^۲. Chan

^۳. Potts

^۴. Peters and S. Allouch

^۵. Information seeking

^۶. Bluetooth

۳. رضایتمندی‌های عاطفی: که تسهیل ارتباط با خانواده، احساس نزدیکی با اعضای خانواده، نمایش مراقبت از یکدیگر، و دانستن نگرانی دیگران نسبت به ما را شامل می‌شود.

۴. تحرک و در دسترس بودن، به عبارتی حذف محدودیت گشتن به دنبال تلفن عمومی و در صف تلفن ایستادن: بی‌تعلقی به مکان برای در ارتباط بودن با دیگران، دسترسی همیشگی بدون دغدغه مکان، دسترسی هرزمانی و هر مکانی، حفظ ارتباط همیشگی و در دسترس بودن برای اعضای مسن‌تر یا بیمار خانواده، که این دو گزینه آخر رضایتمندی تازه و منحصر به فرد تلفن همراه در میان وسایل ارتباطی میان‌فردی به شمار می‌آید.

ب) اهمیت مطالعه کارکردهای تلفن همراه

در حال حاضر استنباطی که از موبایل وجود داشت، در حال تغییر است؛ موبایل معنای جدیدی به خود گرفته است و استفاده از آن نیز، به عنوان ابزاری فقط برای مکالمه تلفنی، دگرگون شده است. موبایل در روندی روزافزون به عنوان وسیله‌ای چند کارکردی شناخته می‌شود.

در توضیح چند کارکردی بودن این وسیله همزمان با ظهور مساله پیامدهای اجتماعی تکنولوژی‌های ارتباطی شخصی، کاتز و آخوس نظریه «روح دستگاه»^۱ را مطرح کرده‌اند که می‌کوشد شکلی از ارتباطات میانجی از طریق تکنولوژی‌های شخصی نظیر تلفن همراه را شرح دهد. نظریه روح دستگاه می‌گوید: «این روح ماشین است که هم بر روی طراحی‌های تکنولوژی و نیز بر روی اهمیت اولیه و ثانویه (کاربرد و کارکرد) یک وسیله برای کاربران، تاثیر می‌گذارد» (کاتز و آخوس، ۲۰۰۲: ۳۰۵). هدف این نظریه غلبه بر محدودیت‌های نظریه های کارکردگرا و ساخت‌بندی است، از طریق توجه به مسائلی مانند شیوه‌ای که مردم از تکنولوژی‌های، موبایل به عنوان ابزاری در زندگی روزمره خود استفاده می‌کنند و رابطه بین این تکنولوژی‌ها، بدن و نقش اجتماعی و بلاغت و معناسازی‌ای که با تعامل اجتماعی میان

^۱. Apparategeist theory

کاربران رخ می‌دهد (همان، ۳۱۵). به بیان دیگر، نظریه روح دستگاه بیان می‌کند که کاربران معانی مختلفی را به آن تخصیص می‌دهند. در نتیجه، این نظریه این سؤال را مطرح می‌کند که چه نوع معانی و به وسیله چه کسی به آنها نسبت داده می‌شود. با مد نظر قرار دادن این مساله، نکته مهم این است که به استفاده از ابزارهای ارتباطی در زمینه عضویت گروهی و هویت اجتماعی توجه کنیم (کاتز، ۲۰۰۳).

از این رو، لازم است تا فرهنگ‌های گوناگون را برای جستجوی معانی نمادین تکنولوژی‌های ارتباطی شخصی، مقایسه کنیم.

اگرچه پژوهش راجع به موبایل و مد در یک زمینه فرهنگی خاص در حال ازدیاد است (برای نمونه، فورتوناتی، ۲۰۰۲؛ لینگ و یتری، ۲۰۰۲)، به نظر می‌رسد که مطالعات مقایسه‌ای بین فرهنگ‌های گوناگون هنوز کمیاب است؛ به‌ویژه، فرهنگ‌هایی که به طور سنتی «متمايز» از سایر فرهنگ‌ها - بر اساس ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی مختلف - تلقی شده‌اند، هنوز مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.

پالن و سالزمن در سال ۲۰۰۱ با مطالعه ۱۹ نفر که به تازگی از تلفن همراه استفاده می‌کردند، دریافتند که این افراد در ابتدا به درستی نمی‌دانند که چرا به این وسیله نیاز دارند، اما با گذر زمان، رفته‌رفته کاربردهای این وسیله را در موقعیت‌های مختلف درمی‌یابند. به نظر می‌رسد گرایش گسترده‌ای برای تبدیل تلفن همراه از وسیله‌ای برای موارد اضطراری به ابزاری برای استفاده‌های معمول و برقراری ارتباط به شیوه‌ای رساتر وجود دارد. انگیزه‌ی اولیه استفاده از تلفن همراه برای بیشتر افراد، کاربردهای ارتباطی آن است. به عنوان مثال موبایل‌ها امکان بدست آوردن اطلاعات اطمینان بخش درباره وضعیت عزیزانمان و یا درخواست کمک برای موارد اضطراری مثل تصادفات خیابانی را به ما می‌دهد (لینگ و یتری، ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱؛ پالن و سالزمن، ۲۰۰۱). تصور بسیاری از کاربران اولیه تلفن‌های همراه همواره این بوده است که این وسیله را تنها در موارد اضطراری به کار خواهند بست، و نه برای کاربردهای عادی روزمره. اما با گذر زمان می‌توان تغییراتی را که در نحوه استفاده از تلفن‌های همراه رخ می‌دهد مشاهده کرد:

۱. موبایل‌ها هرروز بیشتر و بیشتر به فعالیت‌های روزمره ما در همه زمینه‌ها حمله می‌آورند. مرحله اول پذیرش است. پذیرش در بنیادی‌ترین شکل خود، به معنای استفاده از موبایل برای حل مشکل است. مثلاً در مواردی که تصادفی رخ داده است، یک تماس به بازگرداندن حس امنیت به ما کمک می‌کند. این کار با برقراری تماس و تعامل با فضاهایی صمیمانه‌تر و یا مراکزی که خدمات اورژانس ارائه می‌دهند انجام می‌شود. هرچه استفاده از موبایل معمول تر شود، اشکال متنوع‌تری از هماهنگی با شرایط ایجاد می‌شود (لینگ و یتری، ۱۹۹۹).
۲. پس از این مرحله رفته‌رفته تماس‌هایی افزایش می‌یابند که چندان جنبه کارکردی ندارد و بیشتر مقاصدی عاطفی و اجتماعی دارند، مثل نشان دادن نگرانی، همبستگی و تعهد، نزدیکی، شفقت، همدردی و عشق رخ می‌نماید (پالن و سالزمن، ۲۰۰۱). زمانی که خطوط تلفن ثابت در قرن ۱۹ توسعه پیدا می‌کردند نیز می‌شد الگوی مشابهی را در استفاده از آنها مشاهده کرد، ایمنی، کسب و کار و ارتباط با خویشان دلایلی بودند که مردم را به استفاده از تلفن وامی‌داشت (فیش، ۱۹۹۲). با اینحال باید اشاره کرد که بسیاری از کارکردهای موبایل با تلفن‌های ثابت متفاوت است و استفاده از آنها هنوز با انگیزه‌هایی است مانند بحث بر سر مشکلات لاینحل، تغییرات ناگهانی در برنامه‌ها و یا دادن اطلاعات حیاتی به مخاطب، که گاه می‌تواند از وقوع فاجعه‌ای خبر دهد (گلدن سان، ۲۰۰۰). باید اضافه کرد موبایل‌ها امکان برقراری اشکال جدیدی از تماس مانند فرستادن ایمیل و پیامک را برای ما فراهم کرده‌اند که با خطوط تلفن ثابت مقذور نبود. دریافت تماس‌های موبایل به خودی خود و فارغ از آنکه تماس درباره چه امری باشد، نشان‌دهنده آن است که یک فرد و ارتباط به فراموشی سپرده نشده است (استودال، ۱۹۹۹؛ لیکوپ و هرتین، ۲۰۰۲: ۱۰۶). بسیاری از تماس‌های تلفن همراه تنها نوعی یادآوری قدرتمند از وجود یک ارتباط‌اند. این امر در ناامیدی افرادی خود را نشان می‌دهد وقتی که هیچ پیامی بر روی دستگاه پیام‌گیر آنها ثبت نشده است و به این معنا تعبیر می‌شود که هیچ‌کس نخواست به آنها صحبت کند و یا تماسی از طرفشان داشته باشد (کوکس و لینارد، ۱۹۹۰).

این مقاله به دنبال درک این موضوع است که موبایل چه معنایی برای افراد دارد، هم به عنوان یک وسیله و هم از نظر کارکردهایی که دارد. چنانکه، هنگامی که موبایل برای نخستین بار به بازار آمد، در اصل همان کاربرد را داشت یعنی تنها وسیله‌ای بود برای تلفن زدن. هنگامی که سطوح نفوذ موبایل افزایش یافت، امکان انجام کارهای دیگر با آن نیز فزونی یافت. موبایل می‌تواند به عنوان ارتباط‌گر برای تلفن زدن و ارسال پیام کوتاه، به عنوان وسیله سرگرمی از طریق بازی‌های موجود در آن، و همچنین به عنوان ساعت زنگ‌دار و دفترچه آدرس به کار رود. دیدگاه‌های مختلفی درباره نقش و کارکرد موبایل در حال شکل‌گیری است، کارکردهایی نظیر: **هویت فردی** (عاملی، ۱۳۸۵)، (هولم و پیترز، ۲۰۰۱) و (وی و ون وی، ۲۰۰۷)؛ **خودآبرازی** (کمبل، ۲۰۰۷)؛ **امتداد خود** (هولم و پیترز، ۲۰۰۱)؛ **چان و دیگران، ۲۰۰۵**)؛ **مدگرایی** (کاتز و سوجیاما، ۲۰۰۶)؛ **دیوید و دیگران، ۲۰۰۳**؛ **فورتوناتی، ۲۰۰۲** و **کمبل، ۲۰۰۷**) و **هماهنگی** (کاتز، ۱۹۹۹)؛ **لینگ، ۱۹۹۸**؛ **لینگ و یتری، ۱۹۹۹** و **۲۰۰۲**) که در استفاده از موبایل به هم گره خورده‌اند؛ را می‌توان به عنوان کارکردهای موبایل برشمرد.

(۱) هویت

در اینجا نظریه‌های گیدنز (۱۹۹۱) درباره پروژه انعکاسی هویت شخصی درباره اینکه چگونه موبایل می‌تواند باعث ایجاد هویتها (ی گوناگون) شود، بکار می‌آیند: گیدنز می‌نویسد، یک هویت شخصی باید کمابیش به طور مداوم در برابر پرده پشت صحنه تجارب متغیر زندگی روزمره و گرایش‌های «تکه‌تکه»کننده نهاد‌های مدرن خلق شوند. (هولم و پیترز، ۲۰۰۱)

وقتی که پرتال‌های هوشمند موبایل در دسترس قرار بگیرند، کاربر قادر خواهد بود تا انتخاب کند که به چه کسی و چیزی دسترسی بهتری از طریق این وسیله بسیار شخصی داشته باشد. موبایل نسبت به هر وسیله دیگری از نظر شخصی بودن، در جایگاه بالاتری قرار می‌گیرد. از نظر گیدنز، کاربران موبایل افرادی باهوش، بی دغدغه و دچار تردیدهای پست مدرن هستند و در انعکاس هویت، دارای مهارت هستند (هولم و پیترز، ۲۰۰۱:۱؛ وی و ون وی، ۲۰۰۷:۵۵)

از سوی دیگر چنانکه عاملی (۱۳۸۴) مطرح می‌کند: موبایل از فردی‌ترین ابزار زندگی امروز است که امکان «خود اظهاری هویتی» را فراهم می‌آورد. وقتی فرد از خانه خارج می‌شود، کلید منزل، کیف پول و موبایل را با خود همراه می‌کند. ابزاری است که قابلیت انعطافی ارتباطات را فراهم کرده است. قابلیت های انعطافی همچون: ۱) امکان ارتباط دو سویه یا چند سویه دائمی؛ ۲) قابل برنامه‌ریزی بودن ارتباطات؛ ۳) انتخابی بودن پذیرش ارتباطات؛ ۴) انتخابی بودن در دسترس بودن و در دسترس نبودن؛ ۵) استفاده‌های چند منظوره رسانه ای، گوش دادن به رادیو، موسیقی و تماشای تلویزیون و ورود به جهان مجازی اینترنت. این قابلیت‌ها خصلت‌هایی است که کانونی بودن فرد و خواسته‌های فرد را معنا می‌بخشد. عرصه‌های دیگری که انتخاب فرد و هویت فردی را در تعامل با موبایل تجسم می‌بخشد عبارتند از: ۱) انتخابی بودن زنگ موبایل؛ ۲) انتخابی بودن تصویر یا جعبه تصویری آن؛ ۳) انتخابی بودن دستگاه و جلد موبایل و حتی نوع ارتباط با دستگاه از طریق گوشی‌های با سیم یا بی‌سیم که نمادهای هویتی از تشخیص و یا ویژگی‌های فردی را منعکس می‌کند.

۲) امتداد خود^۱

موبایل ارتباط بسیار نزدیکی با هویت پیدا کرده است و بسیاری از افرادی که تلفن همراه دارند، تاندازه‌ای به آن وابسته شده‌اند که آن را بخش ضروری و بسطی از خود آنها تلقی می‌کنند: «موبایل بخشی از من است». هیچ وسیله دیگری تا این میزان وسیع و اینقدر سریع، مانند موبایل، به جامعه نفوذ نکرده است که بتواند به اندازه موبایل سبک‌های زندگی را تغییر دهد و هیچ وسیله دیگری، به جز موبایل، را نمی‌توان دائماً استفاده کرد. موبایل در حال باز کردن جای خود در جامعه است و در واقع تبدیل به بخشی از فرهنگ جوامع متاخر مدرن می‌شود. اتکا به این وسیله بسیار ژرف و عمیق است: «اگر به ما گفته شود که درست فردا صبح، ما تلفن موبایل شما را از شما می‌گیریم، ممکن است احساس کنید که دست راست خود را از دست می‌دهید.» گم کردن هیچ وسیله شخصی دیگری مانند موبایل

^۱. Extension of self

سراسیمگی ایجاد نمی‌کند؛ گم شدن موبایل مردم را به تعبیری عزادار می‌کند. از این نظر از دست دادن موبایل مشابه تلاشی شدن فیزیکی است. آیا امکان دارد همین اظهار نظر در مورد کامپیوتر نیز بیان شود؟ گویی که تلفن موبایل نیازی بیولوژیک را برطرف می‌کند، موبایل در حال تبدیل شدن به بخشی از بدن ماست و بنابراین از خود ما می‌شود (هولم و پیترز ۲۰۰۱: ۱).

همچنین چان و دیگران (۲۰۰۵: ۷۳) نیز از مک لوهان (۱۹۶۴) نقل می‌کنند که: پیامد اجتماعی و فردی استفاده از هر رسانه ای - امتداد هر کدام از ما - از توازن جدیدی نتیجه می‌گیرد که هر کدام از امور ما را به وسیله هر کدام از امتداد حواس ما و یا هر تکنولوژی نشان می‌دهد. او اشاره می‌کند که هر گاه از وسیله‌ای استفاده کنیم در امتداد خود عمل می‌کنیم. به عبارت دیگر، هر فرد متضمن تصویری از خود در هر زمانی به هنگام استفاده از رسانه است.

۳) مد^۱ و تلفن همراه

کاتز در پژوهشی که سال ۲۰۰۶ بر روی دانشجویان دانشگاهی در آمریکا انجام داده است نشان می‌دهد یکی از انگیزه‌های مهم کاربران، «تلفن همراه به عنوان مد» است که بستگی به «زمینه فرهنگ» کاربران دارد. طبق این تحقیق مردم مدگرا بیش از دیگران از موبایل استفاده می‌کنند و اکثر مردم از موبایل فقط به دلیل مد بودن این وسیله استفاده می‌کنند. دیوید و دیگران (۲۰۰۳: ۱) تجلی مد در تلفن همراه را در طرح و شکل تلفن همراه، مانند دردار بودن یا کشویی بودن، رنگ قاب و ... و نیز در گزینه‌هایی مانند منشی تلفنی، بلوتوث و ... عنوان می‌کنند.

کاتز و سوجیاما (۲۰۰۶: ۳) از دیویس (۱۹۸۵: ۲۴) نقل می‌کنند که به بحث درباره دوگانگی احساسی که مردم درباره مد تجربه می‌کنند می‌پردازد. مطابق گفته دیویس، چنین دوگانگی‌ای شامل تنش ذهنی جوانان در قبال سن، مذکر بودن در برابر مونث بودن، کار در

^۱. Fashion

برابر بازی، محلی بودن در برابر جهانی بودن، افشاگری در برابر اختفاء، مجاز شمردن در برابر ممانعت، و هم‌نوایی در برابر شورش است.

این تنش‌های دوگانه احتمالاً هنگامی رخ می‌دهند که مردم «خود»شان را درون گروه‌های اجتماعی معین قرار می‌دهند. کایزر (۱۹۹۷) اشاره می‌کند که دوگانگی (ابهام) هویتی را می‌توان به‌ویژه در بسیاری از فرهنگ‌های امروزی که در آن جامعه و مد به سرعت تغییر می‌کند، مشاهده کرد. این موضوع در مقابل، بیان می‌کند که این نوعی ابهام درباره مد است که از نیاز عاطفی مردم برای حفظ هم‌نوایی با تغییرات مد، به منظور حفظ هویت اجتماعی آنان، نشأت می‌گیرد. این ابهام توجه مردم به تغییرات مد را تسریع می‌کند. درون این محیط مد به سرعت در حال تغییر، در دنیای مدرن است که تکنولوژی‌ها به عنوان تسریع‌کننده‌ها در نمایش «خود» ما به کار گرفته می‌شوند و بنابراین درون مجموعه‌ای از «جلوه شخصی» ترکیب می‌شوند. شیوه‌ای که مردم طرح و مارک ساعت مچی‌شان را انتخاب می‌کنند، مثال خوبی است، به نظر می‌رسد چنین پدیده‌ای به شیوه‌ای که مردم تلفن‌های موبایل خود را انتخاب می‌کنند نیز گسترش یافته است (به نقل از کاتز و سوجیاما ۲۰۰۶: ۳).

فورتوناتی (۲۰۰۲: ۵۴) نیز دلالت‌های اجتماعی تلفن موبایل در ایتالیا را با متمرکز شدن بر بعد زیبایی‌شناختی آن، بررسی کرده است. فورتوناتی موفقیت موبایل را به «مد بودن» آن منتسب می‌کند. در نتیجه او معتقد است که موبایل تبدیل به یک «وسیله اضافی ضروری» شده است. علاوه بر این او معتقد است که داشتن موبایل نشانگر تعلق به طبقات بالاتر در جامعه ایتالیا است. از این رو، به گفته فورتوناتی، موبایل یک وسیله همراه است که کسانی که آنرا دارند را توانمند می‌سازد، زیرا نشان می‌دهد که چه مقدار آنها از سوی دیگران به آنها توجه ارتباطی می‌شود و دیگران نسبت به آنها تمایل دارند. فورتوناتی به یک نکته جالب اشاره می‌کند مبنی بر اینکه داشتن موبایل و کاربرد آن، درباره شخص اطلاعاتی را منتقل می‌کند. این موضوع به این منجر می‌شود که ما تلفن موبایل را نه تنها به عنوان وسیله ای برای گفتگو، بلکه وسیله‌ای برای انتقال معنایی درباره خودمان به صورت نمادین تلقی کنیم. تلفن موبایل بر روی اینکه مردم چگونه دیگران را درک می‌کنند و همین‌طور اینکه آیا

مردم باید امیدوار باشند که رابطه‌ای شخصی را شکل دهند، تاثیر می‌گذارد و در مقابل، موبایل درباره اینکه چگونه مردم تصمیم می‌گیرند تا آن را با ایماژهای خودشان ترکیب کنند، نقش دارد.

کارکرد ابرازی موبایل به ارتباط عاطفی و اجتماعی اشاره می‌کند، از قبیل گفتگو با دوستان. شیوه‌های مناسب معرفی خود به نوع تلفن همراهی که مناسب است، شیوه‌ای که بر روی بدن حمل می‌شود و مکان‌هایی که موبایل در آنجا استفاده می‌شود، اشاره می‌کند. آنها در گزارش مصاحبه‌هایی که با نوجوانان نروژی انجام داده‌اند، با ذکر گفته‌های یک نوجوان ۱۷ ساله که چگونه وی درباره یک گوشی موبایل بزرگ از مد افتاده صحبت کرده است، به این نکته اشاره می‌کنند که از نظر نوجوانان کاربرد ارتباطی موبایل در درجه دوم اهمیت قرار دارد. لینگ و یتری گزارش کرده‌اند که داشتن سبک و نوع مناسب این وسیله یک نکته حیاتی برای خود ابرازی نوجوانان است (همان).

فورتوناتی (۲۰۰۲: ۵۴) نیز به اهمیت «اینکه چگونه از موبایل استفاده کنیم» تا «شایسته» به نظر برسیم و در نتیجه «مطابق مد روز» باشیم توجه کرده است. او اظهار می‌کند که از یک طرف، دانستن اینکه چگونه با آسودگی از موبایل استفاده کنیم، به کاربران پرستیژ می‌دهد؛ از سوی دیگر، استفاده از آن با بی‌ملاحظگی یا با تشویش ناشی از تماس پی‌درپی، عوامانه و زننده دانسته شده است. این امر بیانگر این است که داشتن موبایل، و سعی در «مطابق مد روز بودن» آن، کفایت نمی‌کند. شیوه‌ای که مردم از گوشی موبایلشان استفاده می‌کنند، جنبه مهمی است که بر روی درک دیگران از «مد بودن» تاثیر می‌گذارد.

سعیدی (۱۳۸۴) در توضیح تلفن همراه و مدگرایی از تعبیر «مصرف تظاهری» استفاده می‌کند: می‌توان علت اینکه استفاده‌کنندگان از تلفن همراه را مصرف‌کنندگان تظاهری می‌نامیم، با استفاده از اصطلاح «مصرف تظاهری» که در نظریه طبقه مرفه تورشتاین و بلن (۱۹۷۵ [۱۸۹۹]) به کار رفته است، توضیح داد: علت خودنمایی در استفاده تظاهری از تلفن همراه کسب پایگاه اجتماعی است.

علاوه بر این باید خاطرنشان ساخت که افراد با تشبیه مدل‌های قدیمی گوشی به آجر، از مصرف آنها اجتناب می‌کنند. در عوض، استفاده از گوشی‌های کوچک جیبی که امکانات بیشتری دارد، معمول است، در حالی که استفاده از گوشی‌های قدیمی زنگارسته در خطوط تلفن ثابت نشانه دور بودن از مد تلقی نمی‌شود.

۴) هماهنگی خرد

یکی از کارکردهای اصلی تلفن همراه را لینگ و بیتتری (۱۹۹۹) هماهنگی خرد زندگی روزمره می‌دانند. به هنگام معرفی این مفهوم، لازم به نظر می‌رسد که زمینه‌ای که در آن معرفی می‌شود را نیز توصیف کنیم. نیاز برای هماهنگ کردن فعالیت‌ها کارکردی اجتماعی اساسی است. بسیاری از نهادهای اجتماعی بزرگ به عنوان بخشی از فعالیت‌هایشان، هماهنگی تعامل را نیز دارند. هماهنگی اهمیتی کلیدی دارد، به هنگام مد نظر قرار دادن حمل و نقل، به‌ویژه در زمینه ترتیبات شهری مدرن.

اکنون تلفن موبایل، حمل و نقل تقریباً مداوم و همه جا حاضر را امکان‌پذیر کرده است. این مانع فروریخته است و آنهایی که در حال حرکتند یا از یک مکان « ثابت » شناخته‌شده دورند، نیز تلفنی در دسترسند. این موضوع سبب می‌شود چندین نوع مختلف هماهنگی ظهور یابد (کاتز ۱۹۹۹ و لینگ ۱۹۹۸).

اولین نوع هماهنگی را می‌توان به عنوان هماهنگی لجستیک اصلی^۱ توصیف کرد. در اینجا می‌توان جهت دادن دوباره به سفرهایی که قبلاً آغاز شده است را مشاهده کرد، یک نفر به همسرش تلفن می‌زند و از او می‌خواهد که در یک مغازه در سر راهش به خانه توقف کند. این موضوع ممکن است به همه راه‌ها به مغازه نیز گسترش یابد که در آن شوهر به همسرش تلفن می‌کند در حالی که او در مغازه ایستاده است و می‌خواهد بداند که در لیست خرید، که او آنرا بر روی میز آشپزخانه جا گذاشته است، شیر پرچرب یا شیر بی‌چربی نوشته شده است.

^۱. Basic logistics

نمونه دیگر «نرم شدن»^۱ زمان است، یعنی گیر کردن در یک راهبندان و تلفن زدن به محل جلسه برای اینکه دیگران مطلع شوند که شما تاخیر خواهید داشت. متغیر سوم ترتیب دادن دقیق یک جلسه به صورت تدریجی است. ممکن است دو طرف توافقی کنند که در جایی در یک زمان تقریبی همدیگر را ملاقات کنند. وقتی که هر دوی آنها در راهند، می‌توانند به یکدیگر زنگ بزنند و زمان و مکان ملاقات را تعیین کنند. بالاخره اینکه اگر این دو نفر نتوانند همدیگر را در محل توافق‌شده و در زمان توافق‌شده پیدا کنند، می‌توانیم یک دور سومی از تماس‌ها برقرار کنیم تا محل نهایی ملاقات آنها با یکدیگر را تعیین کنیم. بنابراین ارتباطات موبایل ساخت‌بندی و عقلانی کردن تعامل، به‌ویژه در مورد مشارکت‌کنندگان مجزا را امکان‌پذیر می‌سازد (لانگ، ۱۹۹۳: ۲۰۴).

این نوع از هماهنگی هسته مرکزی ایده هماهنگی خرد را تشکیل می‌دهد. مواردی که استفاده از تلفن موبایل برای هماهنگ کردن فعالیت‌های یک فرد را توصیف می‌کند، از مصاحبه‌های گروهی با والدین دو شغله در تحقیقات لینگ ویتتری به دست آمده است (لینگ و ویتتری ۱۹۹۹).

لینگ و ویتتری نظریه «فرا-هماهنگی»^۲ را نیز در سال ۲۰۰۲ مطرح کرده‌اند که به جنبه نمادین موبایل، به‌علاوه جنبه‌های کارکردی و ابزاری آن، توجه کرده‌اند. به گفته لینگ و ویتتری، فراهم‌آوردن دو بعد را به هماهنگی ابزاری اضافه می‌کند: «کاربرد ابزاری تلفن موبایل» و «بحث درون‌گروهی و توافق درمورد شیوه‌های مناسب معرفی خود از طریق تلفن موبایل» (۲۰۰۲: ۱۴۰).

برحسب انتظارات اجتماعی از نقش آنها فردی ممکن است چنین پیش‌بینی کند که زنان باید کاربران فعال‌تر این ابزار باشند. استفاده‌های بسیاری از تلفن ثابت برای هماهنگی در زندگی روزمره وجود دارد و همچنین کارهای بسیاری وجود دارند که از لحاظ جغرافیایی دورند و باید زنان آنها را انجام دهند. فردی ممکن است انتظار داشته باشد که هر چه

^۱. Soften

^۲. Hyper-coordination theory

پشتیبانی بیشتری نیاز باشد، طبیعتاً ابزار بیشتری برای تطبیق با زندگی آنها وجود خواهد داشت.

در اینجا نیز گزارش‌ها مانند آنچه که در جاهای دیگر گزارش شده نشان می‌دهد که زنان دسترسی کمتری به تلفن موبایل دارند. توضیح کوتاه دیگر اینکه آنان دسترسی کمتری به موبایل، به عنوان پیش‌نیاز شغلشان، دارند (کلاسی و راو ۱۹۸۸؛ مویال، ۱۹۸۹؛ لینگ، ۱۹۹۸؛ راکو، ۱۹۸۸). تلفن موبایل زنان با هزینه شخصی تامین می‌شود درحالی‌که موبایل مردان را کارفرمایان آنها فراهم می‌کنند. بنابراین نوعی سوبسیددهی مقطعی دیده می‌شود؛ یعنی تلفن شغلی برای مردان در هماهنگی زندگی خصوصی آنها یاری می‌کند، در حالی که تلفن شخصی زنان در توانایی زنان در هماهنگی کار و خانه به کمک آنها می‌آید.

جنبه دیگری از این امر در نگاهی به این سؤال که زنان در ساعات آغاز صبح با چه کسی تماس می‌گیرند نمایان می‌شود. در مورد تماس‌های اندک آنها در این ساعات باید گفت که آنها به فرزندان خود که در خانه هستند زنگ می‌زدند. اما در مورد مردانی که در خانه بودند، جایی که کودکان کوچک (۱-۳ ساله) یا کودکان نابالغ (۹-۱۲ ساله) هستند، آنها بیشتر مشغول استفاده از تلفن خود بودند، یعنی آنها در این ساعات از تلفن خود استفاده می‌کردند ولی نه برای تماس با خانه. چنان که ذکر شد، تماس‌های آنها ممکن است بر هماهنگی حفاظت ابرازی متمرکز باشد. اما داده‌ها نشان می‌دهد که این زنان بودند که به خانه زنگ می‌زدند تا بچه‌های کوچک خود را بیدار کنند و مطمئن شوند که آنها در راه مدرسه هستند، که خود نوعی مادری از راه دور است.

(۵) احساس امنیت

از دیگر سو بنا بر تحقیقات (لینگ و یتری، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰؛ لینگ (۲۰۰۴) و کمبل (۲۰۰۷)) گاهی برخی از تکنولوژی‌ها موجب می‌شود در افراد احساس امنیت به وجود آید؛ یعنی احساس آزادی از در خطر بودن و آسیب دیدن. داده‌های کمی و کیفی این پژوهش نشان می‌دهد که تلفن همراه همان قدر احساس امنیت برای کسانی که بیماری‌های مزمن دارند، ایجاد می‌کند که برای افرادی که در موقعیت‌های نامعلوم و نامشخص قرار می‌گیرند.

این مطلب نیز در میان پاسخ‌دهندگان این تحقیق شایع بود که اظهار کنند تلفن همراه، نوعی بیمه است. جنبه دیگری که به احساس امنیت مربوط می‌شود را نیز می‌توان در استفاده نمادین از تلفن همراه جستجو کرد. بسیاری از زنان می‌گویند حرف زدن با تلفن همراه - حتی به طور نمایشی - وقتی به تنهایی در جایی خلوت در حال عبور و مرور هستند، نشان می‌دهد آنها تنها نیستند و آن لحظات کسی با آن‌ها همراهی کرده و احساس ایمنی و آرامش به ایشان دست می‌دهد و همچنین موجب می‌شود دیگران نیز تصور نکنند آنها زنان تنهایی هستند که در حال حاضر نمی‌توانند با کسی ارتباط برقرار کنند.

اوکسامان و روتیانن (۲۰۰۲: ۲۵) مطرح می‌کنند که در زندگی روزانه خانواده‌ها، تلفن همراه، خطی امن بین فرزند و والدین تشکیل می‌دهد. ارتباطات موبایلی فرزند - والدین از نظر کمی خیلی مهم نیست، بلکه فرصتی است برای تماسی که ارزشمند است. والدین به جنبه امنیت استفاده و خرید تلفن همراه تاکید می‌کنند. تضمین امنیت بچه‌ها مهم‌ترین دلیلی بود که برای گرفتن تلفن همراه برای بچه‌ها ذکر شد.

اغلب والدین به برقراری تماس با فرزندانشان احساس نیاز می‌کنند، خصوصاً وقتی که ارتباطات چهره‌به‌چهره ناممکن است. این فرصت برای تماس به وسیله تلفن همراه ممکن شده است که حس امنیت را تقویت می‌کند: هر عضو خانواده که یک موبایل همراهش دارد، این آگاهی را به وجود می‌آورد که در هر موقعیت از دیگران تنها به‌اندازه یک تماس تلفنی دور است. تلفن همراه به عنوان سرمایه‌ای کوچک برای امنیت بچه‌ها در نظر گرفته می‌شود.

تلفن‌های همراه در نقش محافظان نمادین نیز ظاهر می‌شوند (لاس، ۲۰۰۲: ب: ۲۷). آنها به پیاده‌سازی استراتژی کاربرانشان کمک می‌کنند تا بتوانند از حداقل فضای خصوصی خود دفاع کنند و از حق بی‌توجهی مدنی در مکان‌های پرجمعیتی که در آنها افراد غریبه‌ای حضور دارند، که بالقوه مزاحم تلقی می‌شوند، لذت ببرند (هادون، ۲۰۰۰ و کوپر، ۲۰۰۰). چنان که گافمن نیز اشاره می‌کند، زنان به‌خصوص در اغلب مواقع علاقه ندارند که خودشان را در محیط‌های عمومی تنها نشان دهند. اینکه آنها با هیچ‌کس در ارتباط نیستند از دو جنبه

برای آنها پیامد دارد: اول آنکه تصویر بدی از موقعیت اجتماعی‌شان به‌دست می‌دهد و دیگر که آنها را در موقعیت حمایت‌نشده‌ای قرار می‌دهد که مردان دیگر می‌توانند از آن سوءاستفاده کنند. برای کاهش این تبعات تلفن همراه همواره وسیله مفیدی بوده است، زیرا این پیام را منتقل می‌کند که اگر چه من در اینجا تنها به نظر می‌آیم، ولی تنها نیستم و همچنان در تنظیمات اجتماعی خودم قرار دارم (پالانت، ۲۰۰۰).

د) کارکردهای تلفن همراه و تفاوت‌های جنسیتی

در مورد تاثیر جنسیت بر روی نحوه استفاده زنان و مردان از تلفن همراه عمده تحقیقات مربوط به چند دهه اخیر است و تعداد آنها نسبت به رسانه‌های ارتباطی دیگر کمتر است. یکی از تحقیقات انجام شده مقاله گسر است، با عنوان «آیا دختران بیشتر به تلفن همراه اعتیاد دارند؟». در این مقاله به بعضی از الگوهای جنسیتی در کاربرد موبایل پرداخته شده است. به نظر او، در کنار افزایش کمی استفاده از موبایل در بین دو جنس، تفاوت‌های جنسیتی در نحوه کاربرد و انگیزه‌های استفاده از موبایل وجود دارد. مردان بیشتر به گسترش ارتباطات خود از طریق موبایل گرایش دارند، در حالی که زنان ارتباطات خود را از طریق موبایل به افرادی که آنها را بیشتر می‌شناسند، مثل اعضای خانواده، محدود می‌کنند. زنان از تلفن همراه بیشتر برای فرستادن پیام کوتاه استفاده می‌کنند (توانایی ارتباطی نوشتاری)، اما مردان بیشتر از توانایی‌های تکنیکی موبایل استفاده می‌کنند. نتایج کار او نشان می‌دهد موبایل برای دختران بیشتر وسیله ارتباطات شخصی است، اما پسران بیشتر بر کارکردهای آن به عنوان یک ابزار تاکید می‌کنند، مثلاً افزایش تحرک شخصی. زنان امروز کمتر اشکال ارتباط رودررو را ترجیح می‌دهند چون پیام کوتاه راهی ایده‌آل است برای آغاز تماس با جنس دیگر، که صمیمیت و فاصله را همزمان دارد.

بنا بر یافته‌های گسر و همچنین آنچه به عنوان کارکردهای تلفن همراه چون مادری از راه دور، مد، احساس امنیت، خودهماهنگی و... یاد شد، می‌توان کارکردهای تلفن همراه

را با رویکردی به تفاوت‌های جنسیتی کاربران در جامعه ایرانی بررسی کرد. مقاله حاضر، با انجام پیمایشی آنلاین، تفاوت این کارکردها را بررسی کرده است.

روش تحقیق

مجموع آنچه به عنوان کارکردهای تلفن همراه در این تحقیق به آن توجه می‌شود و در قالب سؤالات از پاسخگویان پرسیده شده است به شرح زیر است: مجموعه کارکردها در اعمال سلیقه شخصی (به عنوان زیرمجموعه‌ای از مد و خوداظهاری)، هماهنگی خرد، تامین امنیت، خود اظهاری (نمایش پایگاه اجتماعی) که در سؤالات بسته و همچنین چند سؤال بر اساس طیف لیکرت از پاسخگویان پرسیده شده است. در تحقیق حاضر، با استفاده از یک پرسش‌نامه ۵۳ سؤالی آنلاین، تعداد ۲۵۶ پرسش‌نامه پاسخ داده شد.

اعتبار صوری^۱ ابزار با استفاده از مشورت با صاحب‌نظران علوم اجتماعی و ارتباطات در طراحی پرسش‌نامه حاصل شده است، و هنگام تدوین مدل تحقیق از پژوهش‌های انجام گرفته^۲ در مؤسسه‌های موبایل پژوهشی در سراسر دنیا بر اساس متغیرهای متفاوت و با روش‌های گوناگون کمی و کیفی که انجام گرفته‌اند، استفاده شده است.

برای اندازه‌گیری پایایی^۳ ابزار، از آماره آلفای کرونباخ برای گویه‌های طیف لیکرت (سؤالات کارکردهای موبایل) استفاده شده است و اندازه آلفا ۰/۷۰ به دست آمده که میزان مناسبی است و پایایی ابزار را نشان می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

مشخصات پاسخگویان: از مجموعه ۲۵۶ شرکت کننده در این پیمایش بر خط ۱۳۲ نفر مرد و ۱۲۴ نفر زن بوده‌اند که ۶۰ درصد آنها مجرد، ۲۹ درصد متأهل و ۱۱ درصد متأهل دارای

^۱. Formal validity

^۲ هولم و پیترز (۲۰۰۱)؛ وی و ون وی (۲۰۰۷)؛ کمبل (۲۰۰۷)؛ کاتز و سوجیاما (۲۰۰۶)؛ دیوید و دیگران (۲۰۰۳)؛ فورتوناتی (۲۰۰۲)؛

کاتز (۱۹۹۹)؛ لینگ (۱۹۹۸)؛ لینگ و یتری (۱۹۹۹ و ۲۰۰۲).

^۳. Reliability

فرزند بوده‌اند. ۷۱/۴ درصد از پاسخگویان هر روز با اینترنت سر و کار دارند که بیش از همه برای گرفتن اخبار روز و مطالعه مقالات به اینترنت وصل می‌شوند.

استفاده از امکانات گوشی: ۵۷ درصد مردان و ۵۶ درصد زنانی که گوشی آنها امکان بلوتوث دارد از آن استفاده می‌کنند، ۶۸ درصد مردان و ۶۸ درصد زنان دارنده تلفن از دفترچه یادداشت گوشی برای یادآوری امور روزانه بهره می‌گیرند و به وسیله آن امور خود را هماهنگ می‌کنند. ۶۷ درصد مردان و ۶۳ درصد زنان دارنده تلفن از دوربین عکاسی گوشی برای عکاسی یا فیلم برداری استفاده می‌کنند که بیش از همه در مهمانی‌ها، اماکن عمومی، اماکن تاریخی بوده است و پس از آن گرفتن عکس از خود، خانواده و دوستان، گردش روز تعطیل اداره و کلاس درس در میان پاسخ‌ها مشاهده شده است. ۵۴ درصد مردان دارنده تلفن همراه غیر از شماره تماس‌هایی که در گوشی با خود به همراه دارند دفتر چه تلفنی ندارند و ۴۵ درصد زنان نیز.

کارکردهای تلفن همراه

الف) اعمال سلیقه شخصی در استفاده از تلفن همراه: چنانکه جدول شماره ۱ نشان می‌دهد ۳۷/۹ درصد پاسخگویان یکی از زنگ‌های گوشی را به عنوان زنگ تماس های خود انتخاب کرده‌اند. و ۳۸/۶ نیز بخشی از موسیقی بی کلام مورد علاقه شان را به عنوان زنگ برگزیده‌اند و ۸/۳ نیز بخشی از ترانه مورد علاقه شان را انتخاب کرده‌اند. ۵/۳ نیز از زنگی شبیه به صدای زنگ تلفن ثابت برای تماس های خود بهره می‌گیرند و ۹/۱ درصد همیشه گوشی شان را روی ویبره (بدون صدا) قرار می‌دهند و ۱۰/۸ درصد نیز با استفاده از امکانات گوشی خودشان زنگی ساخته‌اند. مجموعاً به نظر می‌رسد که ۸۸ درصد دارندگان تلفن همراه که معمولاً گوشی شان را روی ویبره قرار نمی‌دهند بر اساس سلیقه شخصی موسیقی، زنگ یا ترانه ای را انتخاب می‌کنند و تفاوت معنی داری بین پاسخگویان زن و مرد در انتخاب زنگ مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره ۱: انتخاب زنگ گوشی بر اساس جنسیت

مجموع	جنسیت	زنگ گوشی
-------	-------	----------

	زن	مرد	
یکی از زنگ های گالری گوشی	۳۷,۹	۳۶,۳	۳۷,۱
بخشی از موسیقی بی کلام معروف	۳۸,۶	۳۷,۹	۳۸,۳
بخشی از یک ترانه	۸,۳	۸,۱	۸,۲
خودم ساخته ام	۰,۸	۰,۸	۰,۸
زنگ تلفن ثابت	۵,۳	۲,۴	۳,۹
همیشه روی وایبره است	۹,۱	۱۴,۵	۱۱,۷
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
معنی داری			۰,۶۹۶

چنانکه جدول شماره ۲ نشان می‌دهد ۲۳ درصد دارندگان تلفن همراه هیچ تصویری به عنوان پس زمینه گوشی انتخاب نکرده‌اند و باقی فراوانی‌ها به تفکیک جنسیت از قرار زیر است؛ ۱۴/۵ درصد عکسی از یک منظره طبیعی را برگزیده‌اند، ۱۸/۴ درصد یکی از عکس های گالری گوشی، ۱۰/۲ درصد عکس یکی از اعضای خانواده، ۹/۴ درصد عکسی که خودشان از جایی گرفته‌اند، ۳/۱ درصد عکس یک دختر، ۲/۷ درصد عکسی از عروسک یا حیوانات، ۲ درصد نیز عکس خودشان را گذاشته‌اند. ۱۵ درصد پاسخگویان نیز گزینه سایر را انتخاب کرده‌اند. تنوع انتخاب‌ها کاملاً آشکار است و تفاوت معنی‌داری بین جنسیت دارندگان مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره ۲: انتخاب پس زمینه گوشی بر اساس جنسیت

عکس پس زمینه گوشی	جنسیت		مجموع
	زن	مرد	
عکس خودم	۲,۴	۱,۵	۰,۲
عکس یکی از اعضای خانواده ام	۸,۱	۱۲,۱	۱۰,۲
عکس یکی از دوستانم	۰,۸	۰,۸	۰,۸
یک دختر fashion	۱,۶	۴,۵	۳,۱
یک پسر	۰,۰	۰,۸	۰,۴
منظره	۱۱,۳	۱۷,۴	۱۴,۵
عکسی که خودم با گوشی از جایی گرفتم	۱۲,۹	۶,۱	۹,۴
یکی از عکس های گالری گوشی	۲۵,۸	۱۱,۴	۱۸,۴
عروسک یا حیوانات	۴,۰	۱,۵	۲,۷
صفحه سفید	۱۷,۷	۲۸,۸	۲۳,۴
سایر	۱۵,۳	۱۵,۲	۱۵,۲
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
معنی داری	۰,۰۲۲		

ب) در دسترس بودن فرد برای همگان از طریق تلفن همراه: چنانکه جدول شماره ۳ نشان می‌دهد ۸۳ درصد پاسخگویان با این جمله که تلفن همراه سبب شده است تا از این طریق همیشه در دسترس باشم موافق بوده‌اند (۸۲/۳) درصد زنان پاسخگو و ۸۳/۷ درصد مردان، ۱۳ درصد نظری نداشته‌اند و ۷ درصد مخالف بوده‌اند.

جدول شماره ۳: در دسترس دیگران بودن به وسیله تلفن همراه بر حسب جنسیت

تلفن همراه باعث می‌شود همیشه در دسترس دیگران باشم		موافقم	نظری ندارم	مخالقم	مجموع
	مرد	۸۳,۷	۷,۸	۸,۵	۵۱,۰
	زن	۸۲,۳	۸,۹	۸,۹	۴۹,۰
	مجموع	۸۳,۰	۸,۳	۸,۷	۱۰۰
معنی داری	۰,۹۴۲				

ج) احساس امنیت: ۵۷/۸ درصد پاسخگویان (۷۳/۸ درصد زنان و ۴۲/۶ درصد مردان) با این جمله که داشتن تلفن همراه منجر به افزایش حس امنیت آنها می‌شود موافق بوده‌اند، ۲۲/۳ درصد نظری نداشته‌اند و ۱۹/۹ درصد (۹/۸ درصد زنان و ۲۹/۵ درصد مردان) مخالف بوده‌اند. که تفاوت معنی داری بین دارندگان زن و مرد دیده می‌شود که اهمیت امنیت به عنوان کارکرد استفاده از تلفن همراه برای زنان را بیش از مردان نشان می‌دهد (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: احساس امنیت کاربران از داشتن تلفن همراه

با داشتن تلفن همراه احساس امنیت می‌کنم		موافقم	نظری ندارم	مخالقم	مجموع
	مرد	۴۲,۶	۲۷,۹	۲۹,۵	۵۱,۴
	زن	۷۳,۸	۱۶,۴	۹,۸	۴۸,۶
	مجموع	۵۷,۸	۲۲,۳	۱۹,۹	۱۰۰
معنی داری	۰/۰۰۰				

د) خبر کردن دیگران هنگام احساس خطر: ۸۶/۶ درصد موافق بوده‌اند (۸۷/۷ زن و ۸۵/۵ مرد)، ۸/۹ بی‌نظر بوده‌اند و ۴/۵ هم مخالف بوده‌اند که تفاوت معنی داری بین زنان و مردان دارنده تلفن همراه از این نظر مشاهده نشده است (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: استفاده از موبایل هنگام احساس خطر بر حسب جنسیت

مجموع	مخالفم	نظری ندارم	موافقم		هر جا اتفاقی برایم بیفتد که احساس خطر بکنم، سریعاً از طریق موبایل می‌توانم به دیگران خبر دهم
۵۰,۴	۵,۶	۸,۹	۸۵,۵	مرد	
۴۹,۶	۳,۳	۹,۰	۸۷,۷	زن	
۱۰۰	۴,۵	۸,۹	۸۶,۸	مجموع	
۰,۶۶۸					معنی داری

ه) پایگاه اجتماعی: ۵۱/۶ درصد با اینکه تلفن همراه نشان دهنده پایگاه و شخصیت اجتماعی‌شان است مخالف بوده‌اند (۴۹/۶ درصد زن و ۵۳/۵ مرد)، ۲۲/۸ درصد نسبت به این کارکرد بی‌نظر بوده‌اند و ۲۵/۶ درصد موافق بوده‌اند (۲۸/۹ زن و ۲۲/۵ مرد) (جدول شماره ۶)

جدول شماره ۶: تلفن همراه به عنوان نماد پایگاه اجتماعی بر حسب جنسیت

مجموع	مخالفم	نظری ندارم	موافقم		داشتن موبایل بخشی از شخصیت اجتماعی من است
۵۱,۶	۵۳,۵	۲۴,۰	۲۲,۵	مرد	
۴۸,۴	۴۹,۶	۲۱,۵	۲۸,۹	زن	
۱۰۰,۰	۵۱,۶	۲۲,۸	۲۵,۶	مجموع	
۰,۵۰۳					معنی داری

و) هماهنگی امور روزانه از طریق تلفن همراه: ۶۴ درصد موافق بوده‌اند (۶۵/۵ درصد زنان و ۶۲/۵ مرد)، ۲۳ درصد بی‌نظر و ۱۳ درصد هم مخالف بوده‌اند. علاوه بر این در سوال جداگانه ای از پاسخگویان پرسیده شده بود که آیا از دفترچه یادداشت (ریمایندر) (تلفن همراه برای یادآوری امور روزانه استفاده می‌کنند که ۴۶ درصد پاسخگویان گاهی از

آن استفاده می‌کنند، ۲۱ درصد همیشه و ۳۱ درصد نیز از آن استفاده نمی‌کنند (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: هماهنگی امور روزانه با استفاده از تلفن همراه بر حسب جنسیت

با استفاده از گوشی	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	مجموع
مرد	۶۲٫۵	۲۴٫۲	۱۳٫۳	۵۱٫۸
زن	۶۵٫۵	۲۱٫۸	۱۲٫۶	۴۸٫۲
مجموع	۶۴٫۰	۲۳٫۱	۱۳٫۰	۱۰۰
معنی داری	۰٫۸۷۸			

ز) سرگرم بودن با گوشی در هر زمان و هر مکان: ۳۶/۹ درصد با این جمله که تلفن همراه اوقات تنهایی‌شان را با ارسال گاه و بی‌گاه و بدون بهانه (غیر ضروری) پیام به دیگران و بازی پر می‌کند موافق بوده‌اند (۳۷/۸ درصد مرد و ۳۶/۱ درصد زن) ۲۹/۳ درصد نظری نداشته‌اند و ۳۳/۷ درصد نیز مخالف بوده‌اند (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۸: سرگرم بودن با گوشی در هر زمان و هر مکان بر حسب جنسیت

از اینکه همیشه چه با برقراری	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	مجموع
تماس یا ارسال SMS و یا بازی و	۳۷٫۸	۲۵٫۵	۳۷٫۰	۵۱٫۰
عکس‌انداختن می‌توانم با گوشی	۳۶٫۱	۳۳٫۶	۳۰٫۳	۴۹٫۰
ام سرگرم باشم،	۳۶٫۹	۲۹٫۳	۳۳٫۷	۱۰۰
احساس خوشایندی دارم.	۰٫۳۰۵			
معنی داری				

یافته های جدول ۹ نیز بیان دقیق تر و جزئی تر تفاوت نظر زنان و مردان در باره هر یک از کارکردهای شش گانه تلفن همراه است.

جدول شماره ۹: کارکردهای تلفن همراه بر حسب جنسیت دارندگان

	سرگرم بودن با موبایل از طریق ارسال پیام کوتاه یا بازی با گوشی		نشان‌دهنده پایگاه اجتماعی		همه‌نگ کردن برنامه های روزانه		امنیت		مطلع کردن دیگران هنگام احساس خطر		در دسترس بودن	
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
مخالفم	۳۷٪	۳۰٫۳٪	۵۳٫۵٪	۴۹٫۶٪	۱۳٫۳٪	۱۲٫۶٪	۲۹٫۵٪	۹٫۸٪	۵٫۶٪	۳٫۳٪	۸٫۵٪	۸٫۹٪
نظری ندارم	۲۵٫۲٪	۳۳٫۶٪	۲۴٪	۲۱٫۵٪	۲۴٫۲٪	۲۱٫۸٪	۲۷٫۹٪	۱۶٫۴٪	۸٫۹٪	۹٪	۷٫۸٪	۸٫۹٪
موافقم	۳۷٫۸٪	۳۶٫۱٪	۲۲٫۵٪	۲۸٫۹٪	۶۲٫۵٪	۶۵٫۵٪	۴۲٫۶٪	۷۳٫۸٪	۸۵٫۵٪	۸۷٫۷٪	۷۸٫۳٪	۸۲٫۳٪
مجموع	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪
معنی‌داری	۰/۳۰۵		۰/۵۰۳		۰/۸۷۸		۰/۰۰۰		۰/۶۶۸		۰/۹۴۲	

بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر تلاش کرد تا بر مبنای پژوهش‌های انجام گرفته در دیگر کشورهای دنیا، ضمن مطمئن نظر قرار دادن کاربردهای تلفن همراه، کارکردهای آن را برای کاربران ایرانی بررسی کند.

اینکه آیا تلفن همراه در ایران هم به عنوان وسیله تامین امنیت، خودابرازی، نشان‌دهنده پایگاه اجتماعی و... دانسته می‌شود یا نه؟ نتایج نشان داد که در ایران هم تلفن همراه صرف نظر از کاربرد ارتباطی نیازهای دیگری را تامین می‌کند و برای کاربرانش که در هر زمان و هر مکان امکان برقراری ارتباط با دیگران را دارند، وسیله‌ای برای اعمال و نمایان ساختن سلايق شخصی در انتخاب مدل، مارک، رنگ و حتی پس‌زمینه تصویر گوشی است. علاوه بر اینکه در دسترس بودن دائمی آنان را برای همگان ایجاد می‌کند، حس ایمن بودن از خطرات و امکان برقراری ارتباط در هر لحظه از زمان برای خبر کردن دیگران را نیز تامین می‌کند، اما به زعم دارندگان مورد مطالعه نشانگر شخصیت اجتماعی آنان نیست. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که کاربران ایرانی تلفن همراه کارکردهایی را از تلفن همراه انتظار دارند، از جمله:

- نیاز به امنیت و آرامش (در سایه در دسترس بودن): یافته‌ها نشان دادند که در دسترس بودن و امکان برقراری ارتباط در هر شرایطی، چنانکه پژوهش‌های دیگر نقاط دنیا نیز نشان می‌دهد، مهم‌ترین دلیل استفاده از تلفن همراه بوده است. علاوه بر این، حس امنیت ناشی از داشتن تلفن همراه و خبرگیری و خبررسانی فردی در زمان احساس خطر نیز از سوی پاسخ‌گویان تایید شده است.
- نیاز به تعلق خاطر داشتن: تسهیل دوستی و برقراری ارتباط با دیگران (خانواده، دوستان، همکاران و...)؛ که تلفن همراه به عنوان ابزار ارتباطی، به واسطه مکالمه و هم ارسال پیام بی‌هیچ محدودیت زمانی و مکانی، ارتباط را همیشه برقرار می‌کند.
- نیاز به عزت نفس و خودابرازی: افراد نیاز به پایداری، جایگاه ثابت، سطح بالایی از خوداحترامی و احترام از جانب دیگران برای احساس رضایت، اعتماد به نفس و ارزشمند

بودن دارند؛ موبایل در این مقطع، از سویی استقلال مالی را نشان می‌دهد و از سویی دیگر نیز گستره گسترده تعاملی افراد را. وقتی موبایلی در جمعی زنگ می‌خورد یا صدای دریافت پیامی شنیده می‌شود، بی‌شک در تماس بودن افراد با دیگرانی خارج از این جمع نمایش داده می‌شود و وقتی این امر تکرار می‌شود، گویی حس مهم بودن برای دیگران به جمع اطرافیان (از اعضای خانواده و مهمانان یک جمع فامیلی گرفته تا سرنشینان تاکسی و اتوبوس) القا می‌شود. به‌رغم این پاسخ‌گویان با این جمله که موبایل نشان‌دهنده شخصیت اجتماعی آنان است (پرستیژ اجتماعی) مخالف بوده‌اند.

با این‌همه اعمال سلیقه شخصی در انتخاب رنگ، مارک، مدل گوشی، زنگ و تصویر پس زمینه نشان می‌دهد که افراد بر اساس سلیقه شخصی خود عمل می‌کنند و به راحتی می‌توانند علائق و سلیق خود را نشان دهند.

نتایج پژوهش حاضر، اگر چه نمونه آماری کوچکی از جامعه بزرگ دارندگان تلفن همراه در ایران است، می‌تواند مقدمه‌ای برای مطالعات بعدی در سطح ملی باشد.

مطالعاتی که هم دربردارنده کاربردهای ارتباطی (نظیر اینکه تلفن همراه تا چه حد توانسته است ارتباطات معمول بین فردی را تسهیل، تحکیم و یا دچار تغییر کند و حتی چه ارتباطات تازه‌ای برای صاحبانش رقم زده است) و کارکردهای تلفن همراه (چنانکه در مقاله اشاره شد امنیت، مد، امتداد خود، خوداظهاری و...) برای کاربران ایرانی باشد و مجموعاً فرهنگ مصرف این وسیله ارتباطی را که نقش مهمی در زندگی روزمره ما یافته است، آشکار می‌کند.

منابع

- سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۴)، «اثرات ارتباط پایدار بر رفتار مصرف کننده: مطالعه موردی استفاده کنندگان موبایل در ایران»، **نشریه جهانی رسانه**: شماره اول: <http://dcsfs.ut.ac.ir/gmj۰۱/۲.asp>
- کوثری، مسعود؛ جوادی یگانه، محمدرضا و خیرخواه، طاهره (۱۳۸۵)، «کاربرد تلفن همراه برای کاربران ایرانی (با تاکید بر نظریه استفاده و خوشنودی)»، **فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات**: شماره ۷: ۲۰۵-۲۲۶
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۴) «فردگرایی جدید و تلفن همراه: تکنولوژی فردگرایی و هویت»، **نشریه جهانی رسانه**: شماره اول: <http://dcsfs.ut.ac.ir/gmj۰۱/۳.asp>
- Baker, Christopher (۲۰۰۶), **Cell Phones for Safety and Security in Case of an Emergency**. *Research Report* AARP Public Policy Institute : www.aarp.org/.../phone/fs۱۳۱_emergency.html
- Campbell, S.W (۲۰۰۷), **A cross-cultural comparison of perceptions and uses of mobile telephony**, New Media & Society.
- Cooper, G. (۲۰۰۰), **The Mutable Mobile: Social Theory in the Wireless World**. Paper presented at the "Wireless World" Workshop. University of Surrey, April ۷.
- Cox, Eva / Leonard, Helen (۱۹۹۰), **Weaving Community Links: The Cost Benefits of Telephones in Maintaining the Social Fabric through the Unpaid Work of Women**, The Distaff Papers, Australia, <http://۲۱۶,۹۲,۱۴۰,۷۸/hostedpages/Distaff/Telstra/۳٪۲۰results.htm>
- Davide Agnelli; Buzzini, Dario & Drori Tal(۲۰۰۳) , **Fashion Victims: an unconventional research approach in the field of mobile communication**, at: <http://www.fashionvictims.org>
- Fischer, C. (۱۹۹۲), **America Calling: A Social History of the Telephone to ۱۹۴۰**, University of CA Press.
- Fortunati, L (۲۰۰۲) , **Italy: Stereotypes, True and False**, in J.E. Katz and M. Aakhus (eds) **Perpetual Contact**. Cambridge: Cambridge University Press.

- Fox, Kate (۲۰۰۱), **Evolution, Alienation and Gossip - The role of mobile telecommunications in the ۲۱st century**, at: www.sirc.org/bublik/gossip.shtml
- Gant and Kiesler; D. Gant and S. Kiesler,(۲۰۰۲), **Blurring the boundaries: cell phones, mobility, and the line between work and personal life**". In: B. Brown, N. Green and R. Harper, Editors, **Wireless World: Social and Interactional Aspects of the Mobile Age**, Springer-Verlag, London
- Geser , Hans (۲۰۰۴), **Towards a Sociological Theory of the Mobile Phone** , Online Publication, Sociology of Mobile Phone. http://socio.ch/mobile/t_geser1.htm
- Green N., Harper R.H.R., Murtagh G., Cooper G., (۲۰۰۱), "Configuring the Mobile User: Sociological and Industry Views ", **Personal and Ubiquitous Computing** Springer ۵: ۱۴۶-۱۵۶ (۲)
- Haddon,Leslie (۲۰۰۰), **The SocialConsequences of Mobile Telephony:Framing.Oslo** at: <http://www.mot.chalmers.se/dept/tso/haddon/Framing.pdf>
- Hulme, M. and Peters S. (۲۰۰۱), **Me, my phone and I: the role of the mobile phone**, at :http://www.cs.colorado.edu/~palen/chi_workshop/papers/HulmePeters.pdf (accessed ۲۱ November ۲۰۰۴).
- Katz, (۱۹۹۹), **Connections: social and cultural studies of the telephone in American life**, Transaction Publishers, New Brunswick, NJ (۱۹۹۹)
- Katz, J.E. (۲۰۰۳), "Bodies, machines, and communication context: What is to become of us?" In J.E. Katz, J. E. (ed.), **Machines that become us: The social context of personal communication technology** (pp.۳۱۱-۳۱۹). New Brunswick, NJ: Transaction Publishers
- Katz, J.E. and M. Aakhus (eds) (۲۰۰۲), "Mobile Culture of Children and Teenagers in Finland", in J.E. Katz and M. Aakhus (eds **Perpetual Contact: Mobile Communication, Private Talk, Public Performance**, pp. ۱۷۰-۹۲. Cambridge: Cambridge University Press.
- Katz.E.J E.Katz and sugiyama.s(۲۰۰۶) , **Mobile phone as fashion statements: evidence from student surveys in the US and JAPAN** ,Sage publication, ۲۰۰۶ ,New Media and society ۸(۲). P۲.
- Lange, K. (۱۹۹۳), Some concerns about the future of mobile communications in residential markets. In: **Telecommunication:**

Limits to deregulation. Christofferson, M (ed.) Amsterdam, IOS Press. ۱۹۷-۲۱۰

- Lasen, Amparo (۲۰۰۴), **Affective technologies–emotions and mobile phones.** At: www.receiver.vodafone.com.
- Lasen, Amparo(۲۰۰۲), **A comparative Study of Mobile phone Use in London, Madride and Paris** . www.receiver.vodafone.com
- Leung and Wei; L. Leung and R. Wei(۲۰۰۰), "More than just talk on the move: uses and gratifications of the cellular phone", *Journalism and Mass Communication Quarterly* ۷۷ (۲۰۰۰) (۲), pp. ۳۰۸-۳۲۰.
- Licoppe, C., & Heurtin, J. P. (۲۰۰۱), "Managing One's Availability to Telephone Communication Through Mobile Phones: A French Study of the Development Dynamics of Mobile Phone Use". *Personal and Ubiquitous Computing*, Vol ۵, (۲), ۹۹-۱۰۸
- Ling and Yttri; R. Ling and B. Yttri (۲۰۰۲), "Hyper-coordination via mobile phones in Norway", In: J.E. Katz and M.A. Aakhus, Editors, **Perpetual Contact: Mobile Communication, Private Talk, Public Performance**, Cambridge University Press (۲۰۰۲),
- Ling, R. & Yttri, B. (۱۹۹۹), **Nobody sits at home and waits for the telephone to ring: Micro and hyper-coordination through the use of the mobile telephone**, Telenor FoU Perpetual Contact Workshops
- Ling, R (۱۹۹۷), "One Can Talk about Common Manners!: The Use of Mobile Telephones in Inappropriate Situations." In: Haddon, L (ed): **Themes in Mobile Telephony. Final Report of the COST ۲۴۸ Home and Work Group, Telia, Farsta**, <http://www.telenor.no/fou/program/nomadiske/articles/۰۹.pdf>
- Ling, R. (۱۹۹۸), **She calls, [but] it's for both of us you know: The use of traditional fixed and mobile telephony for social networking among Norwegian parents R&D Report ۳۳/۹۸.** Kjeller,Norway, Telenor.
- Ling, R (۲۰۰۰) , **The Impact of the Mobile Telephone on Four Established Social Institutions**, Presented at the ISSEI۲۰۰۰ Conference of the International Society for the Study of European Ideas, Bergen Norway, ۱۴ - ۱۸ August.
- Oksman Virpi, ja Rautiainen Pirjo(۲۰۰۳), "I'VE GOT MY WHOLE LIFE IN MY HAND"Mobile communication in the everyday life of children and teenagers in Finland",**Institute for Information Society Tampere University**, Finland, No ۳

- Oksman, V. and P. Rautiainen (۲۰۰۲) "Perhaps It Is a Body Part": How the Mobile Phone Became an Organic Part of the Everyday Lives of Finnish Children and Teenagers", in J. Katz (ed.) **Machines that Become Us: the Social Context of Communication Technology**, pp. ۲۹۳-۳۰۸. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers.
- Palen et al.; L. Palen, M. Salzman and E. Youngs (۲۰۰۱) "Discovery and integration of mobile communications in everyday life", **Personal and Ubiquitous Computing**, No ۲: ۱۰۹-۱۲۲.
- Palen, L., Salzman, M. and Youngs, E. (۲۰۰۱) ., (۲۰۰۵) **Doing Wireless: Behavior and Practice of New Mobile Phone Users**, <http://www.cs.colorado.edu/~palen/Papers/cscwPalen.pdf>.
- Peters et al O. Peters ; S. Allouch (۲۰۰۵) , "Always connected: a longitudinal field study of mobile communication", **Annual Meeting of the International Communication Association** , May ۲۶-۳۰, ۲۰۰۴, New Orleans, LA.
- Plant, Sadie (۲۰۰۰), **On the Mobile. The Effects of Mobile Telephones on Social and Individual Life**, <http://www.motorola.com/mot/documents/۰۰۱۰۲۸۰۳۳۳۰۰۰.pdf>
- Potts , Geoff. (۲۰۰۴), **College students and cell phone use: Gender Variation.HC Rhetoric** <http://personalwebs.oakland.edu/~gapotts/rht۱۶۰.pdf>
- Rakow, L.F and Navarro, V. (۱۹۹۳). "Remote mothering and the parallel shift: Women meet the cellular telephone . critical studies", **mass communication**, No ۱۰: ۱۴۴-۱۵۷
- Stuedahl, D. (۱۹۹۹), "Virklige Fantasier: Kibermedia og Goa Kyberia". In Netts@mfunn Braa, K, Hetland, P. and Leistøl, G. (eds.), **Oslo, Tano Aschehoug**, pp. ۲۱۹- ۲۳۲.
- Wei (۲۰۰۱), R. Wei, "From luxury to utility: a longitudinal analysis of cell phone laggards", **Journalism and Mass Communication Quarterly** ۷۸ (۴).
- Wu, C. I., Chan, C. W., Chen, Y. C. and Ishii, K. (۲۰۰۵) , "Digital Opportunity: The Digital Gap between Openness and Closeness of Relational Divide Upon the Mobile Phone Usage", **Int. J. Information Policy and Law**, No. ۲.

اعتماد اجتماعی به مدیریت شهری و عوامل مؤثر بر آن

ابراهیم حاجیان^۱، علی اکبر رضائی^۲، میرزا عبدالرسول فلاح زاده^۳

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۱۹)

چکیده

بسیاری از پژوهشگران و صاحب نظران اجتماعی بر اهمیت اعتماد در جامعه تأکید نموده اند؛ مدیریت شهری و به معنای خاص شهرداری به عنوان یکی از بزرگترین سازمان های اجتماعی هنگامی می تواند از کارایی و بهره وری بیشتری برخوردار باشد که اعتماد شهروندان را به عنوان سرمایه اجتماعی و معنوی کسب کند و از آن در مسیر اهداف سازمانی و توسعه شهری استفاده نماید. مسأله اصلی که در این تحقیق به آن پرداخته می شود اعتماد شهروندان تهرانی به حوزه مدیریت شهری (مدیران و کارکنان شهرداری و عملکرد شهرداری تهران) است. جمعیت آماری تحقیق شامل شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در شهر تهران است. حجم نمونه آماری ۴۰۰ نفر است که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای متناسب با حجم انتخاب شده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد که بطور کلی میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران در سطح پایینی است. نتایج همچنین نشان داد که پاسخگو بودن، وحدت هنجاری و وجود شفافیت سازمانی در شهرداری از مهم ترین عوامل تغییر مثبت و ارتقای سطح اعتماد شهروندان تهرانی به مدیریت شهری تهران است.

کلمات کلیدی: اعتماد، شهروندان، مدیریت شهری، کلان شهر، پاسخ گویی، اثربخشی عملکرد، همسویی اهداف با نیازها.

^۱. دانشیار دانشگاه، مدیر گروه پژوهش های فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

ehajiani@yahoo.com

^۲. استادیار دانشگاه، استاد مشاور و رئیس مرکز پژوهش، سنجش و اسناد نهاد ریاست جمهوری

^۳. کارشناس ارشد مدیریت شهری واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

امروزه گسترش ارتباطات در سطح جامعه جهانی توانسته است فواصل زمانی و مکانی را تا حد زیادی از بین ببرد و برقراری ارتباط متقابل را برای افراد، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف ممکن سازد. بنابراین به دلیل وجود برخی از مؤلفه‌ها، نظیر ناشناختگی و پیش‌بینی‌ناپذیری کنش‌های انسانی، لزوم وجود اعتماد و بررسی ریشه‌ها و عوامل بسترساز در پیدایش فرهنگ اعتماد در جامعه بیش از پیش احساس می‌شود. در رویکردهای جدید جامعه‌شناختی، متغیرهای نرم به جای متغیرهای سخت و مبتنی بر سود و زیان، عقلانیت و معادله قرار گرفته‌اند، چنان که از اجتماعات امروزی به عنوان اجتماعات اخلاقی نام می‌برند. سه مؤلفه اساسی برای اجتماع اخلاقی وجود دارد: مؤلفه اول اعتماد، مؤلفه دوم وفاداری و مؤلفه سوم عبارت است از اتحاد و اتفاق نظر؛ هر سه این مؤلفه‌ها جنبه‌ای عاطفی، احساسی و ارزشی دارند و واجد بار عقلانی، مبتنی بر سود و زیان و مبادله‌ای نیستند (زتومکا، ۱۳۸۴: ۵). اعتماد از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی در میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است و با تسهیل تعاملات اجتماعی و کنش‌های متقابل بین افراد و گروه‌های اجتماعی، نقش مهمی را در ایجاد نظم و همبستگی اجتماعی و نیز حفظ آنها بر عهده دارد. اعتماد از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز همکاری میان افراد است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۶).

جامعه ما در حال گذار از جوامع مبتنی بر تقدیر و سرنوشت به سوی جوامع مبتنی بر عاملین انسانی است و به منظور رویارویی فعال و ساختمان با آینده نیازمند به اعتماد است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۳). با توجه به شرایط تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران به عنوان جامعه‌ای در حال گذار و با عنایت به اهمیت اعتماد اجتماعی در تعاملات اجتماعی شهروندان در چند سال اخیر، موضوع بررسی اعتماد به افراد، اقشار و سازمان‌ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. این از آن روست که یافته‌های آماری مربوط به اعتماد اجتماعی و ارزیابی‌های مردم از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم در جامعه ما را تا

حدودی در شناخت این موضوع به عنوان یک دارایی جمعی آگاه می‌سازد (شارع پور، ۱۳۸۰، ۴۴-۴۸).

از آنجا که نظم نوین اجتماعی، روابط اجتماعی را به ورای قلمرو خویشاوندی و خانوادگی و به عبارتی دیگر به سوی نهادها و سازمان‌ها جهت‌گیری و هدف‌گیری می‌کند، فقدان یا کاهش اعتماد نهادی به عنوان شالوده روابط بین شهروندان با سازمان‌ها و نهادها، موجب ناکارآمدی این گونه سازمان‌ها از یکسو و عدم تأمین انتظارات و تمایلات نیازی شهروندان از دیگر سو می‌شود. در این میان رابطه شهروند (به مثابه یک خرده نظام شخصیت) با مدیریت شهری در معنای عام و شهرداری در معنای خاص (به مثابه یک خرده نظام اجتماعی)، رابطه‌ای مبادله‌ای است؛ برای حفظ سلامت، استمرار و اثربخشی این مبادله هنجارها و به رویه‌هایی نیاز است که شالوده آنها را روابط مبتنی بر اعتماد نهادی شکل می‌دهد. لذا برای تنظیم روابط شهروندان با نهادها و سازمان‌های متولی مدیریت شهری به‌ویژه شهرداری به اعتماد نهادی نیازمندیم تا بتوان کنش‌ها، رفتارها و مناسبات بین شهروندان با این گونه سازمان‌ها را پیش‌بینی‌پذیر، الگومند و قاعده‌مند ساخت. از سوی دیگر با عنایت به تغییر و تحولات صورت گرفته در ساختار مدیریتی شهرداری و نیز گستره عملکرد و اقدامات شهرداری تهران در چند سال اخیر، موضوع بررسی اعتماد به عملکرد شهرداری از اهمیت بسیاری برخوردار است تا فعالیت‌ها، خدمات و عملکرد این سازمان را از حیث میزان اعتماد شهروندان تهرانی مطالعه کند. به نظر می‌رسد هزینه‌های تعاملات اجتماعی و اقتصادی در گروه‌ها و سازمان‌هایی که اعتماد اجتماعی بهینه‌ای ندارند، بالاست. همچنین این امر اهمیت کارکرد و عملکرد شهرداری را در ارتباط با تعامل شهروندان عیان می‌سازد.

باید اذعان داشت که شرایط امروزی کلان شهر تهران یعنی گسترش بی‌رویه شهرنشینی، ایجاد عرصه‌های جدید اشتغال و تکنولوژی، تغییرات جمعیتی شدید، دگرگونی ساختار طبقاتی و نیز تغییرات اقتصادی-اجتماعی وسیع، معضلات اجتماعی ناشی از ترافیک و آلودگی هوا و افزایش فزاینده تعامل با افرادی خارج از محورهای

خویشاوندی و نظایر آن نیاز به گسترش اعتماد اجتماعی را در همه سطوح و ابعاد زندگی شهری جدی‌تر ساخته است و از سوی دیگر فقدان پیوندهای سستی و ایجاد پیوندهای اجتماعی جدید، کاهش اعتماد اجتماعی را به دنبال داشته است. از آنجا که نظم نوین اجتماعی روابط اجتماعی را به ورای قلمرو خویشاوندی و خانوادگی سوق می‌دهد، به عبارتی دیگر به سوی نهادها و سازمان‌ها جهت‌گیری و هدف‌گیری می‌کند، فقدان یا کاهش اعتماد نهادی به عنوان شالوده روابط بین شهروندان با سازمان‌ها و نهادهای متولی مدیریت شهری، موجب ناکارآمدی این‌گونه سازمان‌ها از یکسو و تامین نشدن انتظارات و تمایلات نیازی شهروندان از دیگر سو می‌شود. بنابراین مدیریت شهری تهران برای اعمال مدیریتی کارا تر و منسجم‌تر نیازمند فضای اعتماد و پیوندهای قوی بین شهروندان و شهرداری می‌باشد و برای همین منظور آگاهی از میزان اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری تهران اجتناب‌ناپذیر است.

بررسی‌های به عمل آمده در زمینه پژوهش‌های اعتماد حاکی از آن است که قریب به اتفاق این تحقیقات با محوریت عوامل تأثیرگذار بر اعتماد انجام شده است، بنابراین در این مقاله بر خلاف پژوهش‌های مذکور درصدد سنجش و تعیین میزان اعتماد اجتماعی به مدیریت شهری نیز برآمده‌ایم. در واقع این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری تهران به چه میزان است؟ همچنین میزان پاسخگویی، میزان اثربخشی عملکرد و میزان همسویی اهداف مدیریت شهری تهران با نیازهای شهروندان چقدر است؟ امید است نتایج این تحقیق در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مدیران و جهت‌دهی به فعالیت‌های شهرداری در مسیر رفع نیازها، تعاملات و نیز نحوه رفتار و اقدامات کارکنان و سطوح مدیریتی شهرداری نقش بسزایی ایفا نماید.

مدیریت شهری: ساختار، وظایف و جایگاه آن

مدیریت شهری عبارت است از اداره امور شهر به منظور ارتقای مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با در نظر داشتن و تبعیت از اهداف و سیاست‌های ملی، اقتصادی

و اجتماعی کشور. مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و ذیربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایدار شهر مربوطه (رضویان، ۱۳۸۱). منظور از مدیریت شهری در این مقاله نظامی است متشکل از متولیان اداره امور شهر که در رأس آنها شهرداری تهران قرار دارد که فعالیت‌های شهر را سازمان می‌دهد و به منظور انجام بهینه وظایف بر آنها نظارت دارد.

شناخت، سازماندهی و تعیین جایگاه نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعه شهر، از جمله مسائل مهم مدیریت شهری به شمار می‌رود. برقراری ارتباط بین این نهادها و هماهنگ نمودن فعالیت‌های آنها در راستای اهداف و سیاست‌های توسعه پایدار شهری از عوامل دیگری است که در مدیریت شهری اهمیت بسزایی دارد. از مجموعه این مشخصات به عنوان ساختار مدیریت شهری نام برده می‌شود (جواد، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۶).

هماهنگی همه اقدامات و فعالیت‌های شهری مستلزم تعیین اهداف و سیاست‌هایی است که تمام ذی‌نفعان شهر در انجام آن با هم توافق داشته باشند و همچنین جایگاه سازمانی آن را به عنوان هماهنگ‌کننده بپذیرند. این نظام مدیریت رابط بین شهرها و حکومت مرکزی انگاشته می‌شود (شبکه ملی شهر سالم، ۲۰۰۰).

رویکردهای جدید مدیریت شهری که با عنوان «مدیریت هدف‌دار» از آن یاد می‌شود، روندی پویا است که در آن اهداف تعیین و به عنوان وظایف مدیریت مد نظر قرار می‌گیرد. در این نظام تمام آنهایی که در اداره امور همه بخش‌های شهر مسئولیت دارند، برای ایجاد تغییرات اساسی در محیط پیش‌قدم می‌شوند و با روش‌هایی از پیش اندیشیده شده به حل مشکلات شهری می‌پردازند (پیرسون، ۱۹۷۴: ۱۷۴). مهم‌ترین برنامه سازمان ملل متحد در زمینه مدیریت توسعه شهری، «برنامه مدیریت شهری» را شامل می‌گردد که تحت نظر سازمان ملل و بانک جهانی تدوین و به اجرا درمی‌آید. این برنامه وظایف دهگانه مدیریت شهری را به شرح زیر بیان می‌کند: توجه به توسعه پایدار، مدیریت محیط زیست، کاهش فقر شهری، مدیریت حمل و نقل شهری، بهبود اقتصاد شهری،

مدیریت زمین شهری، مدیریت زیرساخت‌های شهری، مدیریت کالبد شهری، حمایت از ظرفیت‌های بالقوه محلی توسعه و تأمین منابع مالی شهرداری‌ها (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۹: ۶۴-۵۶).

نظریه‌ها و راهکارهای جدید بر مدیریت جامع و تخصصی شهری تأکید می‌کند و رهبری این مدیریت جامع را به شهرداری‌ها محول می‌نماید (انجمن بین المللی مدیریت شهر، ۱۹۹۸). زیرا هماهنگی فعالیت‌ها و اقدامات شهری به دست شهرداری می‌تواند ارتباط بین شهروندان با سایر دستگاه‌های دولتی را برقرار سازد و موجبات توسعه موزون شهری را فراهم آورد (شفیعی، ۱۳۷۹: ۳۷). در واقع حکومت‌های محلی شهری نهادی مستقل به حساب می‌آیند و واسطه بین شهروندان و حکومت مرکزی هستند، از این رو لازم است از توانایی‌ها و اختیارات وسیعی برخوردار گردند. جایگاه ضعیف شهرداری در ساختار مدیریت شهری، سبب می‌شود حکومت مرکزی در اقدامات این نهاد دخالت کند و مشکلاتی را در اداره امور شهر به وجود می‌آورد و تأمین حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان را با مشکل روبه‌رو می‌سازد (ساندرس، ۱۹۷۴: ۳۰-۲۳).

مدیریت محلی شهری زمانی مؤثر واقع می‌شود که ضمن دریافت حمایت‌های دولت مرکزی و رعایت اصل وحدت، بر تنوع محلی استوار باشد. در این گونه مدیریت هیچ‌گاه پراکندگی و گسست میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با توسعه شهری با سازمان‌های دولت مرکزی وجود ندارد. در واقع رهبران محلی با قدرتی برخاسته از اراده شهروندان به درون نظام مرکزی نفوذ می‌نمایند و هماهنگی فعالیت‌ها و اقدامات سازمان‌های درگیر با توسعه شهری را فراهم می‌کنند (شفیعی، ۱۳۷۹: ۳۷). جدول شماره ۱ جایگاه شهرداری را در چند شهر دنیا نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: جایگاه شهرداری در چند شهر دنیا در اواخر دهه ۱۹۹۰

ردیف	کشور	شهر	جایگاه شهرداری
۱	فرانسه	پاریس	شهردار پاریس به عنوان رئیس اجرایی شهرداری، نظارت بر عملکرد سایر دستگاه های دولتی را که در زمینه برنامه ریزی و توسعه منطقه شهر، فعالیت می کنند، بر عهده دارد. بنابراین شهرداری پاریس در عین وابستگی نسبی به دولت، از اختیارات گسترده ای برخوردار است.
۲	اتریش	وین	شهرداری وین در انجام امور داخلی شهر، خودمختاری و استقلال دارد. همچنین نظارت دقیق بر انجام فعالیت ها و وظایف سایر دستگاه های دولتی مرتبط با توسعه شهر را نیز بر عهده دارد.
۳	هلند	آمستردام	شهرداری آمستردام با استقلال نسبی و با نظارت مستقیم و غیرمستقیم دولت مرکزی فعالیت می کند. مقامات محلی حق دارند کلیه اقدامات و قوانین قضایی را که به نظر آنان برای مصلحت شهرداری ضروری است به اجرا در آورند. البته توان تصمیم گیری مقامات محلی محدود است.
۴	ژاپن	توکیو	شهر توکیو حکومت کلان شهری دارد که به صورت مستقل عمل می کند.
۵	ترکیه	استانبول	شهردار استانبول نماینده حکومت کلان شهر و هماهنگ کننده فعالیت های شهرداری های مناطق است. البته دخالت های متعددی از طرف دولت مرکزی و بدون هماهنگی با دولت محلی اعمال می شود.
۶	مالزی	کوالالامپور	در مالزی، دولت محلی به عنوان سومین رده از سیستم مدیریت دولت به شمار می آید.
۷	مصر	قاهره	وابستگی شدیدی از طرف شهرداری به دولت مرکزی وجود دارد. فعالیت ها و اقدامات دستگاه های دولتی، به دلیل فقدان برنامه ریزی یکپارچه، ناهماهنگ انجام می گیرد.

اقتباس از: (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۹: ۶۴-۵۶)

توسعه پایدار شهری مستلزم مشارکت تنگاتنگ میان مردم، شوراهای شهر، مجالس قانون گذاری و دولت است. این مشارکت تنها از طریق توزیع واقعی قدرت در

جامعه و تعریف روشنی از وظایف و جایگاه حقوقی و قانونی ارکان یادشده حاصل می گردد (پیرمؤذن، ۱۳۸۱: ۳۹). برای ایجاد مدیریت هماهنگ و سیستماتیک شهری، باید جایگاه شورا به عنوان رهبر و مرجع اصلی هماهنگ کننده به رسمیت شناخته شود، البته در این میان نقش شهرداری ها نیز به موازات شوراهای انکارناپذیر است. وجود شکاف و ناهماهنگی در برنامه ریزی ها و فعالیت های شهری، ایجاد مدیریت سیستماتیک را مشکل می سازد (مرادی، ۱۳۸۱: ۴۶).

بعد از انقلاب اسلامی و در طول ۲۰ سال اول آن، تغییراتی اساسی در قانون شوراهای ایجاد می شود و یکی پس از دیگری به تضعیف نقش آنها منجر می گردد. در نتیجه این تغییرات شورای شهر عمدتاً به صورت نهادی با وظایف فرهنگی و اجتماعی درمی آید و در حوزه مدیریت شهری فقط محدوده شهرداری را بر می گیرد؛ همین اختیارات نیز با مداخلات برخی از مسئولان وزارت کشور و مسکن و شهرسازی غیر مؤثر است. در واقع در قانون فعلی شوراهای چهار مسئولیت و وظیفه اصلی بر عهده شوراهای است: مطالعه و شناسایی کمبودها و مشکلات گوناگون محلی، انتخاب شهردار، برنامه ریزی و وضع عوارض شهرداری و تصویب طرح های پیشنهادی شهرداری و نظارت بر حسن اجرای آنها (پیرمؤذن، ۱۳۸۱: ۴۰-۳۹).

وظایف دوم، سوم و چهارم صرفاً مربوط به امور شهرداری است. وظیفه اول نیازسنجی کلیه امور شهری را شامل می گردد که آن را نیز وزارت کشور کنترل می کند، در حالی که طبق نظریات جدید مدیریت شهری باید برعکس آن انجام گیرد. همچنین محدوده تحت کنترل شهرداری باید شهر و منطقه آن را شامل شود در صورتی که محدوده تحت کنترل شهرداری تهران ۲۲ منطقه داخل شهر تهران است. در واقع شهرداری به عنوان مهم ترین عنصر اجرای برنامه ها، در فرآیند تصمیم گیری دخالت داده نمی شود و همین مسأله زمینه ساز عدم اجرای برنامه ها و اختلاف بین شهرداری و سایر دستگاه ها می شود. به عبارت دیگر شهرداری که اجراکننده برنامه های توسعه شهری

است، هیچگونه ابزار، حمایت قانونی و همچنین امکانات لازم برای اجرای وظایف خود را ندارد (مزینانی، ۱۳۸۱: ۸۹).

اعتماد: اعتماد در فرهنگ انگلیسی آکسفورد^۱ اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص یا یک چیز یا اطمینان به حقیقت یک گفته^۲ توصیف می‌شود. بر اساس فرهنگ وبستر اعتماد تکیه مطمئن بر افراد و اشیاء و وابستگی مطمئن بر ویژگی، توانایی، قدرت و درستی فردی یا شیئی است. در فرهنگ فارسی معین اعتماد به معنی «تکیه کردن بر، واگذاشتن کاری به دیگری، سپردن چیزی به کسی و در معنی اسمی به معنی وثوق و اطمینان» تعریف گردیده است.

اعتماد کلیدی اصلی برای روابط بین شخصی یا بین فردی در زمینه‌های مختلف است. اعتماد دانش یا عقیده‌ای است که اعتمادشونده انگیزه یا محرکی دارد برای انجام دادن عملی که متعهد به انجام آن است (لوی، ۱۹۹۹). روتر^۱ اعتماد را به انتظارات کلی که می‌توانیم به گفتار، وعده‌ها، عبارتهای شفاهی و کتبی دیگران تکیه کنیم، تعریف می‌نماید (روتر، ۱۹۸۰).

اعتماد انتظار مثبتی^۲ است که دیگران در برابر آن فرصت‌طلبانه^۳ عمل نمی‌کنند (روسو و همکاران، ۱۹۹۸). مهم‌ترین عناصری که در این تعریف به چشم می‌خورد آشنایی و ریسک است. عبارت انتظار مثبت در این تعریف، آشنایی و شناخت نسبت به طرف مقابل را یادآوری می‌کند. اعتماد یک فرآیند وابسته به تاریخ است و مبتنی بر نمونه‌های مربوط، ولی محدود، تجارب ما است (روتر، ۱۹۸۰). واژه فرصت‌طلبی نیز منوط به هرگونه آسیب‌پذیری در یک رابطه توأم با اعتماد است (ریمپل، ۱۹۸۵).

در مدیریت و رهبری، مسئله اعتماد و یا فقدان اعتماد اهمیت بسزایی دارد و از این رو موضوع تحقیقات متعددی قرار گرفته است. مدیریت بر مبنای اعتماد، بیانی نوین از اندیشه کهن است که جای آن در روابط امروزی به خوبی نمایان است و به کارگیری

^۱ . Rotter

^۲ . Positive expectation

^۳ . Opportunistically

سازوکارهای آن می‌تواند در راه کسب اثربخشی فردی و سازمانی مؤثر واقع شود. مدیریت بر مبنای اعتماد، تکنیکی است که تمامی افراد در روابط خود به کار می‌گیرند، اما تاکنون بدان به عنوان تکنیک رفتاری که می‌شود آن را آموزش داد و در جایگاه‌های مختلف از آن بهره‌گرفت نگریسته نشده است (احمدی، ۱۳۸۱).

اعتماد را می‌توان به اعتماد به فرد، اعتماد به گروه و اعتماد به سازمان تقسیم‌بندی نمود. این سه دسته اعتماد با یکدیگر رابطه تنگاتنگی دارند. اعتماد ما به یک سازمان می‌تواند از اعتماد ما به فرد یا افراد شاغل در آن سازمان شکل بگیرد و همچنین اعتماد ما به یک فرد می‌تواند به دلیل اعتماد ما به سازمانی باشد که آن شخص در آن کار می‌کند. اعتماد به فرد و اعتماد به سازمان از طریق وظایف و موقعیت‌هایی که افراد در سازمان دارند و نقش‌هایی که در سازمان ایفا می‌کنند، به هم مرتبط می‌شوند.

زتومکا^۱ که از جامعه‌شناسان معاصر است معتقد است که توجه به اعتماد اجتماعی ایده جدیدی نیست، بلکه یک جریان فکری چندین قرنی است. به نظر وی برخورداری جامعه جدید از ویژگی‌های منحصر به فردی چون آمیزه‌گرایی، شدت وابستگی متقابل، گستردگی و تنوع جوامع، تزايد نقش‌ها و تمایز اجتماعی، بسط نظام انتخاب، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی و تقویت گمنامی و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی، توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی را به واقعیت جدی تبدیل نموده است (غفاری، ۱۳۸۳: ۹). علاوه بر این به نظر زتومکا در حوزه علوم اجتماعی شاهد رشد نوعی جهت‌گیری فرهنگ‌گرایانه هستیم که در خود نوعی چرخش از مفاهیم سخت به مفاهیم نرم را دارد. به گونه‌ای که در طی دو دهه گذشته شاهد موج جدیدی از مباحث مربوط به اعتماد در جامعه‌شناسی هستیم. وی دلایل توجه به مفهوم اعتماد در جامعه‌شناسی و مباحث مربوط به فرهنگ را چنین مطرح می‌نماید:

^۱. Sztompka

- ۱- اعتماد بُعد مهمی از فرهنگ مدنی است.
- ۲- اعتماد بُعد مهمی از جامعه مدنی است که پیوند نزدیکی با اجتماع شهروندان و تعهد و وفاداری آنها به اقتدار سیاسی دارد.
- ۳- اعتماد شاخص مسلم سرمایه اجتماعی و فرهنگی است.
- ۴- اعتماد با ارزش‌های فرامادی پیوند دارد به گونه‌ای که کیفیت زندگی پیوستگی مستحکمی با اعتماد تعمیم یافته دارد.
- ۵- اعتماد یکی از عناصر صلاحیت و کفایت تمدنی است؛ در واقع اعتماد پیش‌نیازی برای مشارکت سیاسی، اقدامات کارفرمایانه و آمادگی برای کسب فناوری جدید است (غفاری، ۱۳۸۳: ۱۰).

صرف‌نظر از تفاوت‌های صوری در تعاریف مرتبط با اعتماد، چندین محور اساسی وجود دارد که هسته اصلی همه مفاهیم مرتبط با اعتماد را به هم پیوند می‌زند و شالوده اعتماد را تشکیل می‌دهند: اعتماد ناخودآگاه است، اعتماد بیرونی است، اعتماد وابسته به انتظارات است، اعتماد اکتسابی است، اعتماد نسبی است، اعتماد بر اساس تشابه است، اعتماد مستلزم وجود رابطه است و اعتماد مبین حسن ظن است (کمالی، ۱۳۷۹).

با توجه به مطالب فوق، اعتماد به شهرداری از نوع اعتماد نهادی است و در قالب اعتماد به نظام‌های تخصصی قرار می‌گیرد. در واقع اعتماد در این موقعیت سازوکاری برای حل مسأله همکاری افراد با نهادهاست؛ به عبارتی هر چه افراد جامعه از این خدمات بهتر و بیشتر استفاده نمایند اعتمادشان به نظام‌های انتزاعی بیشتر می‌شود. بر این اساس اعتماد به عملکرد شهرداری به مجموعه‌ای از انواع رفتار و برخوردها اطلاق می‌شود که از کارکنان و مدیریت شهری انتظار می‌رود. بنابراین انتظارات ایجاد شده می‌توانند منشأ بسیاری از رفتارهای توأم با اعتماد گردد. علاوه بر ملاحظات بالا، جامعه امروز جامعه‌ای اتمی، تجزیه شده و تمایز یافته است و دغدغه کاهش و گسست روابط اجتماعی پایدار، از جمله مباحثی است که اندیشه صاحب‌نظران اجتماعی را به خود

مشغول نموده است. از این نظر اگر پول وسیله مبادله در حوزه اقتصاد است و روابط اقتصادی را تنظیم می‌کند، اعتماد وسیله ضروری و لازم در حوزه اجتماعی و عامل تنظیم کننده روابط اجتماعی است. بنابراین برای جلوگیری از گسست و کاهش روابط اجتماعی منظم و هدفمند از یکسو و ارتقای روابط مبادله‌ای اثربخش شهروندان با خرده‌نظام‌های اجتماعی از قبیل شهرداری از سوی دیگر، مهندسی اعتماد نهادی از اهمیت و ضرورت اجتناب‌ناپذیری برخوردار است تا در فقدان نهادها و مناسبات سنتی، پیوندها و روابط شهروندان با محیط اجتماعی و خرده‌نظام‌های اجتماعی تنظیم گردد. بنابراین از آنجا که هر نوع رابطه اجتماعی شهروندان با خرده‌نظام‌های اجتماعی در هر سطحی و در بین هر گروه یا واحد اجتماعی بدون حداقلی از اعتماد امکان‌پذیر نیست، بررسی اعتماد نهادی، به عنوان یک دارایی جمعی، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش

در بررسی پیشینه مطالعات انجام شده در خصوص اعتماد، بنفیلد^۱ در مطالعه‌ای در ایتالیا دریافت که میزان اعتماد متقابل میان مردم بسیار پایین است. وی پایین بودن این اعتماد را ناشی از فقر طولانی و سلطه خارجی می‌داند. ویلیام گامسون^۲ و جفری پیج^۳ بر این باورند که شهروندانی که به حکومت اعتماد اندکی دارند، به آسانی در فعالیت‌های اعتراض‌آمیز مشارکت می‌کنند و در برابر نظام بسیج می‌شوند (اروم^۴، ۱۹۸۷: ۵۷-۵۲؛ به نقل از گلابی، فاطمه، ۱۳۸۳). اینگلهارت پیش‌نیازهای اقتصادی و فرهنگی دموکراسی با ثبات را به این شرح ذکر می‌کند: توسعه اقتصادی، درصد نیروی کار در بخش سوم، سال‌های تداوم دموکراسی و فرهنگ سیاسی یا مدنی. او ویژگی‌های فرهنگ مدنی را به سه شاخص اعتماد به یکدیگر، رضایت از زندگی و حمایت از دگرگونی‌های انقلابی

^۱. Banefield

^۲. W.Gamson

^۳. J.Paije

^۴. orum, ۱۹۸۷

مشخص می‌سازد. مطالعات اینگلهارت نشان‌دهنده این است که اعتماد به یکدیگر همانند رضایت از زندگی و خوشبختی همبستگی بسیاری با سطح توسعه اقتصادی دارد، ولی معلوم نیست که آیا این همبستگی ناشی از آن است که اعتماد به یکدیگر موجب توسعه اقتصادی می‌شود؟ یا توسعه اقتصادی به افزایش امنیت و اعتماد می‌انجامد؟ یا هر دو فرآیند متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند؟ به نظر اینگلهارت علت این که در اکثر جوامع اروپایی بیشتر مردم نسبت به هموطنان خود اعتماد دارند، ولی در کشورهایی مانند ایتالیا این درصد کمتر است؛ این تفاوت به سطح تفاوت اقتصادی و اجتماعی مربوط می‌شود. به نظر او در دو کشور ایتالیا و آلمان غربی، که ما از آنها شواهدی مبنی بر افزایش فوق‌العاده اعتماد به یکدیگر داریم، این پدیده پس از یک دوره بهبود اقتصادی سریع رخ داده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۹). این امر نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی که در نتیجه اعتماد و مشارکت مردم در امور حاصل می‌شود، خود نیز موجب افزایش اعتماد عمومی در میان جامعه می‌گردد.

یافته‌های امیرکافی در پژوهشی با عنوان «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان در حد متوسط به بالا می‌باشد. بیشترین میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان مربوط به بُعد صراحت است. میانگین اعتماد اجتماعی در مناطق سه، شانزده و شش شهر تهران بترتیب سیر نزولی داشته است. میزان اعتماد اجتماعی در بین مردان بیش از زنان بوده است و تحصیلات افراد با اعتماد اجتماعی رابطه منفی دارد (امیرکافی، ۱۳۸۰).

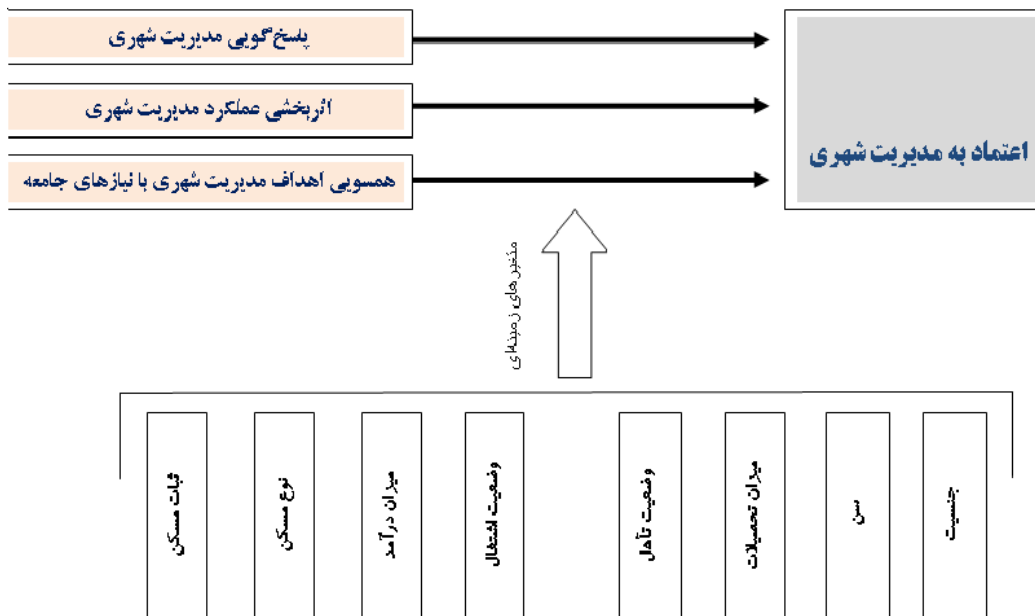
غفاری در رساله دکتری خود با عنوان **بررسی رابطه اعتماد و مشارکت در نواحی روستایی کاشان** در سال ۱۳۸۰ اعتماد را در دو بُعد اعتماد به افراد و اعتماد به نهادها و سازمان‌ها بررسی کرده است. به اعتقاد محقق اعتماد تسهیل‌کننده مبادلات در فضای اجتماعی است که هزینه مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به حداقل می‌رساند و عنصر پیش‌قراردادی و مفهوم حیات اجتماعی است. در این تحقیق اعتماد دلالت بر انتظارات و تعهدهای اکتسابی و تاییدشده به لحاظ اجتماعی است که افراد به یکدیگر و

نیز به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند و قرین با رابطه متقابل تعمیم یافته است. با توجه به نتایج حاصله می‌توان گفت: رضایت از ماموران دولتی اندکی بیشتر از اعتماد به افراد است و رابطه همبستگی معنادار و مستقیم بین اعتماد و مشارکت اجتماعی می‌باشد، بدین معنا که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد (غفاری، ۱۳۸۳).

از میان صاحب نظران اصلی و عمدتاً جدید اعتماد می‌توان به رابرت پاتنام (۲۰۰۰)، فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۵)، دیوید هالپرن (۲۰۰۵)، جیمز کلمن (۱۹۹۸)، آتونی گیدنز (۱۳۸۰) و پیوتر زتومکا (۱۳۸۴ و ۱۳۸۳) اشاره کرد. باید اذعان داشت که واقعیت اجتماعی گسترده‌تر و پیچیده‌تر از آن است که یک نظریه واحد توان تحلیل آن را داشته باشد، با این حال هر صاحب‌نظری تلاش نموده از منظری خاص و البته نسبی به مسئله اعتماد بپردازد؛ در میان این صاحب‌نظران پیوتر زتومکا، جامعه‌شناس مشهور لهستانی، شاخص‌تر است، چرا که وی اعتماد را به عنوان یک نظریه جامعه‌شناختی هم در سطح خرد و هم در سطح کلان مطرح نموده است؛ بنابراین چارچوب مفهومی این پژوهش عمدتاً متأثر از دیدگاه زتومکا است.

زتومکا پنج شرط را منشاء پیدایش فرهنگ اعتماد و متقابلاً منشاء پیدایش فرهنگ بی‌اعتمادی می‌داند: شرط اول عبارت است از وحدت و یکپارچگی هنجاری و در مقابل آن آشفتگی هنجاری؛ شرط دوم ثبات نظام اجتماعی و نقطه مقابل آن دگرگونی بنیادی است. اگر شبکه روابط گروه‌ها، انجمن‌ها، نهادها، سازمان‌ها و رژیم‌ها بادوام، پایدار و مستمر باشد، نقاط عطف روشنی در زندگی اجتماعی، احساس امنیت، حمایت و آرامش ایجاد می‌کند. وقتی از ثبات نظام اجتماعی و پایداری فرهنگ ارتباط سخن می‌گوییم به این معنا نیست که تغییر اجتماعی یا حتی تحول اجتماعی نباید صورت پذیرد، چرا که «تغییر اجتماعی با اعتماد سازگار است، ولی فقط وقتی این تغییرات به صورت تدریجی، سامانمند، قابل پیش‌بینی و با آهنگ آرام و جهت ثابت انجام گیرند، اعتماد در جامعه باقی خواهد ماند»؛ شرط سوم برای پیدایش فرهنگ اعتماد شفافیت سازمان

اجتماعی و نقطه مقابل آن پنهان‌کاری شایع و فراگیر در سازمان است. از نظر زتومکا دسترسی به اطلاعات در مورد عملکرد، قابلیت و توانایی، سطح پیشرفت و همچنین کاهش آسیب‌ها میان گروه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها و رژیم‌ها، احساس امنیت و پیش‌بینی پذیری ایجاد می‌کند؛ بالعکس در وضعیت پنهان‌کاری شایع و فراگیر برخی چیزها تهدیدآور است و باید مخفی بماند. شایعات، حرف‌های بی‌اساس و تئوری‌های توطئه زیاد شده است و مردم در مقابل اعتماد کردن از خود تردید نشان می‌دهند. زتومکا با الهام از گیدنز شرط چهارم پیدایش فرهنگ اعتماد را آشنایی و نقطه مقابل آن را غرابت می‌داند. به عقیده وی احساس آشنایی سبب ایجاد اعتماد می‌گردد. همان طور که گیدنز نیز تأکید می‌کند «آشنایی نکته اصلی برای اعتماد است»؛ وقتی محیط کاملاً متفاوت، عجیب و ناآشناست، عدم قطعیت و دلهره و اضطراب می‌تواند افزایش یابد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۴۴). شرط پنجم از نظر زتومکا، پاسخگو بودن افراد و نهادها است که نقطه مقابل آن خودسرانه بودن و بی‌مسئولیتی تلقی می‌شود. زتومکا درباره این شرط توضیح می‌دهد که وقتی مجموعه‌ای از نهادها توانمند، در دسترس و به معنای واقعی کلمه در حال انجام وظیفه باشند، با تعیین معیارها و فراهم کردن زمینه برای کنترل و نظارت بر رفتار افراد توسط این نهادها از خطر سوءاستفاده کاسته می‌شود و نظم و ترتیب و روال کار حفظ می‌گردد. از سوی دیگر، فقدان یا عدم توانایی عاملان پاسخگو، درها را به روی خودسری و بی‌مسئولیتی در کارها می‌گشاید (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۴۵). بنا بر مطالبی که پیش‌تر گفته شد، مهم‌ترین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل مفهومی ارائه شده در این پژوهش عبارت است از: پاسخ‌گویی، اثربخشی عملکرد و همسویی اهداف مدیریت شهری با نیازهای جامعه. این متغیرها از نظریات آنتونی گیدنز، جیمز کلمن و عمدتاً پیوتر زتومکا استخراج شده‌اند. همچنین متغیر وابسته در این پژوهش اعتماد به مدیریت شهری است. بر اساس مدل مفهومی مورد نظر پژوهشگر عوامل تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی شهروندان نسبت به مدیریت شهری تأکید شده است. بنابراین بر اساس مفاهیم و متغیرهای مذکور، چارچوب مفهومی پژوهش به شرح نمودار زیر خلاصه می‌گردد:



روش پژوهش

روش پژوهش حاضر پیمایشی توصیفی- تبیینی و تکنیک گردآوری داده‌های مورد نیاز پرسش‌نامه بوده است. پرسش‌نامه نیز حضوری و با مراجعه به افراد بالای ۱۸ سال تکمیل گردیده است.

جامعه آماری پژوهش مشتمل است بر مجموعه افراد (اعم از زن و مرد) ۱۸ ساله و بالاتر ساکن در مناطق ۲۲ گانه مسکونی کلان شهر تهران. برای تعیین تعداد نمونه مورد نیاز برای برآورد پارامتر مورد نظر باید میزان اشتباه مجاز در برآورد پارامتر را در نظر گرفت. مقدار اشتباه مجاز (d) معمولاً به صورت تفاوت میان پارامتر و برآورد آن بیان می‌شود. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید. بنابراین نمونه آماری به طور خوشه‌ای و از فرمول کوکران و به تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب گردید، که البته به منظور افزایش دقت پژوهش ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. با توجه به تمایز ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی موجود میان افراد ساکن در کلان‌شهر تهران و پراکندگی آنها در

نواحی و محلات منطقه مسکونی با استفاده از نمونه‌گیری کوکران، متناسب با حجم جمعیتی هر یک از مناطق و با عنایت به محاسبات آماری و اجتماعی-اقتصادی مربوطه، مناطق ۲۲ گانه تهران بر اساس شاخص‌های توسعه‌یافتگی (نرخ رشد خانوار، نرخ اشتغال، درآمد خانوار و ...) به ۴ خوشه تقسیم شد و از هر خوشه یک منطقه به عنوان نماینده خوشه برای نمونه‌گیری انتخاب گردید. در واقع در این پژوهش روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است. قابل ذکر است برای تدوین مبانی نظری پژوهش و با توجه به مرور منابع و پژوهش‌های پیشین از روش اسنادی نیز بهره گرفته شده است. برای سنجش روایی یا اعتبار پرسش‌نامه پس از رفع ایرادات اولیه، با استفاده از روش اعتبار محتوا، پرسش‌نامه نهایی بین ۳۰ نفر از کارشناسان و اساتید ارائه شد و نظرات کارشناسی آنان نیز در پرسش‌نامه اعمال گردید تا از نظر روایی، ایرادات احتمالی رفع گردد. همچنین برای سنجش پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. که این ضریب با استفاده از نرم افزار SPSS سنجیده شد و از آنجا که ضریب آلفا با استفاده از فرمول از حد استاندارد (۰/۷) بیشتر به دست آمده است، یعنی عدد ۰/۹۲، نشانگر پایایی ابزار اندازه‌گیری است.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

اعتماد (متغیر وابسته): به لحاظ مفهومی انتظار مثبتی است که دیگران در برابر آن فرصت‌طلبانه عمل نمی‌کنند (روسو، ۱۹۹۸) و به لحاظ عملیاتی اعتماد به معنای انتظارات مثبت شهروندان تهرانی از مدیریت شهری تهران است.

پاسخ‌گویی (متغیر مستقل): به لحاظ مفهومی پاسخ‌گویی از نظر لغوی به معنای جواب در مقابل سؤال یا پرسش یا گزارش دادن است (فرهنگ معین، ۱۳۴۵) و به لحاظ عملیاتی در این پژوهش پاسخ‌گویی به معنای گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی مدیریت شهری تهران است.

اثربخشی (متغیر مستقل): از دیدگاه پیتر دراگر اثربخشی به معنای انجام کار درست است؛ به اعتقاد ریچارد دفت اثربخشی سازمانی درجه یا میزانی است که سازمان‌ها به هدف‌های مورد نظر خود نایل می‌آیند (زارعی، ۱۳۸۵) و به لحاظ عملیاتی در این پژوهش اثربخشی به معنای اثربخشی عملکرد مدیریت شهری تهران است.

هم‌سویی (متغیر مستقل): هم‌سویی از نظر لغوی به معنای هم‌جهت بودن و هم‌راستا بودن است (فرهنگ معین، ۱۳۴۵) و به لحاظ عملیاتی در این پژوهش هم‌سویی به معنای هم‌سو و هم‌جهت بودن اهداف مدیریت شهری تهران با نیازهای شهروندان است.

یافته‌های پژوهش

مشخصات جمعیت نمونه: با توجه به نتایج به دست آمده، مشخص شد که در میان پاسخ‌گویان ۱۸ سال به بالای شهر تهران در مناطق ۲۲ گانه مورد بررسی که ۳۵/۵٪ زن و ۶۴/۵٪ مرد بوده‌اند، بیشترین فراوانی میانگین سنی مربوط به رده سنی ۲۰-۳۰ سال با ۴۲/۸٪ است. ۵۸/۵٪ از افراد مورد بررسی متأهل و ۴۰/۸٪ مجردند. در بررسی مدت زمان اسکان مشخص گردید ۴۲/۲٪ شهروندان تهرانی سابقه کمتر از ۵ سال اسکان را دارند. همچنین ۴۳/۵٪ شهروندان تهرانی مسکن شخصی، ۵۱٪ دارای مسکن استیجاری و مابقی دارای مسکن سازمانی هستند. در بررسی وضع اشتغال نیز مشخص شد ۶۴٪ افراد مورد بررسی شاغل در بخش خصوصی و دولتی بوده‌اند. ۵۴/۵٪ از شهروندان مورد مطالعه تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. همچنین ۱۵/۸٪ از نمونه آماری درآمدی کمتر از ۳۰۰ هزار تومان و ۵٪ نیز درآمدی بالاتر از ۹۰۰ هزار تومان دارند.

وضعیت شاخص‌های توصیفی سنجش میزان اعتماد در جمعیت نمونه

جدول شماره ۲: شاخص‌های توصیفی میزان اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری تهران

شاخص‌های سنجش میزان اعتماد	میانگین	انحراف استاندارد
میزان باور به فروتنی، تواضع و رفتار محترمانه مدیران و کارکنان شهرداری	۲,۶۲	۱,۱۱
میزان باور به عدالت، انصاف و عدم پارتی‌بازی و رشوه‌خواری مدیران و کارکنان شهرداری	۲,۱۶	۱,۰۵
میزان باور به صداقت و درستکاری مدیران و کارکنان شهرداری	۲,۴۱	۰,۹۷
میزان باور به تعهد، وجدان کاری و امانت‌داری مدیران و کارکنان شهرداری	۲,۴۳	۰,۹۴
میزان باور به صلاحیت، شایستگی و توانایی مدیران و کارکنان شهرداری	۲,۵۱	۱

با توجه به اینکه پرسش‌نامه مورد استفاده در این پژوهش از طیف ۵ درجه‌ای لیکرت تشکیل شده است، بنابراین در این طیف ضعیف: (۱-۲/۷)، متوسط: (۳/۵-۲/۸) و مطلوب: (۵-۳/۶) می‌باشد. با توجه به مندرجات جدول ۲، میزان اعتماد شهروندان در شاخص‌های ۵ گانه مورد بررسی در سطح ضعیف است (با توجه به میانگین کمتر از ۲/۸ در هریک از شاخص‌ها)؛ بنابراین می‌توان گفت میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران در سطح پایینی قرار دارد.

تحلیل متغیرهای اجتماعی مؤثر بر میزان اعتماد شهروندان

جدول شماره ۳: شاخص‌های توصیفی متغیرهای سه گانه مستقل

شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین وزنی
متغیرهای مستقل			
میزان پاسخ‌گویی مدیریت شهری تهران	۲۶,۸۳	۷,۲۴	۲,۶۵
اثربخشی عملکرد مدیریت شهری تهران	۴۱,۸۹	۹,۰۳	۲,۹۸
هم‌سویی اهداف مدیریت شهری تهران با نیازهای شهروندان	۵۰,۳۷	۱۱,۰۹	۳,۱۴

با توجه به مندرجات جدول ۳، میزان پاسخ‌گویی مدیریت شهری تهران ضعیف، میزان اثربخشی عملکرد مدیریت شهری متوسط و میزان هم‌سویی اهداف مدیریت شهری تهران با نیازهای شهروندان نیز متوسط است.

آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اول: «میزان اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری تهران بالاتر از میانگین است».

به منظور پاسخ‌گویی به این فرضیه میانگین وزنی میزان اعتماد شهروندان را محاسبه می‌کنیم:

جدول ۴: شاخص‌های آماری میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران

N	میانگین وزنی	انحراف استاندارد	واریانس
۴۰۰	۲,۳۶	۴,۲۳	۱۷,۹۱

با توجه به مندرجات جدول ۴، میانگین وزنی ۲,۳۶ بیانگر وضعیت ضعیف است، بنابراین فرضیه اول پژوهش (H_1) رد می‌شود و می‌توان گفت میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران پایین‌تر از میانگین است (H_0).

آزمون فرضیه دوم تا چهارم:

جدول شماره ۵: همبستگی بین متغیرهای مستقل سه گانه و اعتماد شهروندان به مدیریت

متغیرهای مستقل سه گانه	اعتماد شهروندان به مدیریت شهری	سطح معناداری ^۱	N
پاسخگویی مدیریت شهری	۰,۴۶	۰,۰۰	۴۰۰
اثربخشی عملکرد مدیریت شهری	۰,۵۰	۰,۰۰	۴۰۰
همسویی اهداف مدیریت شهری تهران با نیازهای شهروندان	۰,۳۶	۰,۰۰	۴۰۰

فرضیه دوم: «بین پاسخگویی مدیریت شهری تهران و اعتماد شهروندان به مدیریت شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به مندرجات جدول ۵ ملاحظه می شود که میان میزان پاسخگویی مدیریت شهری و اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران رابطه مثبت وجود دارد و فرضیه پژوهش در سطح معناداری ۰,۰۱ با ۹۹٪ اطمینان تأیید می شود. لذا می توان نتیجه گرفت که هر چه میزان پاسخگویی مدیریت شهری بیشتر باشد، میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهر تهران نیز افزایش می یابد.

فرضیه سوم: «بین اثربخشی عملکرد مدیریت شهری تهران و اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است؛ با توجه به مندرجات جدول ۵ ملاحظه می شود که بین میزان اثربخشی عملکرد مدیریت شهری و

^۱ . P-Value

اعتماد شهروندان به مدیریت شهر تهران رابطه معنادار مثبتی وجود دارد و فرضیه پژوهش در سطح معناداری ۰,۰۱ با ۹۹٪ اطمینان تأیید می شود. لذا می توان نتیجه گرفت که هر چه میزان اثربخشی عملکرد مدیریت شهری بیشتر باشد، میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهر تهران نیز افزایش می یابد.

فرضیه چهارم: «بین همسویی اهداف مدیریت شهری تهران با نیازهای شهروندان و اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است؛ با توجه به مندرجات جدول ۵ ملاحظه می شود که میان میزان همسویی اهداف مدیریت شهری تهران با نیازهای شهروندان و اعتماد شهروندان به مدیریت شهر تهران رابطه معنادار مثبتی وجود دارد و فرضیه پژوهش در سطح معناداری ۰,۰۱ با ۹۹٪ اطمینان تأیید می شود. لذا می توان نتیجه گرفت که هر چه میزان همسویی اهداف مدیریت شهری تهران با نیازهای شهروندان بیشتر باشد، میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهر تهران نیز افزایش می یابد.

آزمون فرضیه پنجم تا دوازدهم:

جدول شماره ۶: همبستگی میان مشخصات دموگرافیک و اعتماد شهروندان به مدیریت

N	سطح معناداری	اعتماد شهروندان به مدیریت شهری	مشخصات دموگرافیک شهروندان
۴۰۰	۰,۰۲	۰,۱۰	جنسیت
۴۰۰	۰,۰۰۲	۰,۱۵	سن
۴۰۰	۰,۰۸	-۰,۰۸	میزان تحصیلات
۴۰۰	۰,۰۰۱	۰,۱۶	وضعیت تأهل
۴۰۰	۰,۳۵	۰,۰۴	وضعیت اشتغال
۴۰۰	۰,۰۶	۰,۰۹	میزان درآمد
۴۰۰	۰,۰۸	۰,۲۱	نوع مسکن
۴۰۰	۰,۱۲	۰,۲۲	ثبات مسکن

فرضیه پنجم: «بین جنسیت شهروندان و اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود دارد».

با توجه به مندرجات جدول ۶ ملاحظه می‌شود که میان جنسیت و میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهر تهران رابطه وجود دارد و فرضیه پژوهش در سطح معناداری ۰,۰۵ با ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌شود. به علاوه با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده، میزان اعتماد به مدیریت شهری در زنان بیشتر از مردان است.

فرضیه ششم: «میان سن شهروندان و اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه از ضریب پیوستگی اتا استفاده شده است؛ با توجه به مندرجات جدول ۶ ملاحظه می‌شود که سطح معناداری کمتر از ۰,۰۱ است و میان سن

شهروندان و میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهر تهران رابطه مثبت وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش در سطح معناداری ۰,۰۱ با ۹۹٪ اطمینان تأیید می‌شود. این بدین معنا است که هر چه سن شهروندان بالاتر برود به همان نسبت میزان اعتماد به مدیریت شهری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه هفتم: «میزان تحصیلات شهروندان و اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه همانند فرضیه قبل از ضریب پیوستگی اتا استفاده شده است؛ با توجه به مندرجات جدول ۶ ملاحظه می‌شود که بین میزان تحصیلات شهروندان و میزان اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهر تهران رابطه وجود ندارد و در نتیجه فرضیه هفتم پژوهش (H_7) رد می‌شود.

فرضیه هشتم: «بین وضعیت تأهل و اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه نیز از ضریب پیوستگی اتا استفاده شده است؛ با توجه به مندرجات جدول ۶ ملاحظه می‌شود که بین وضعیت تأهل شهروندان و میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه پژوهش در سطح معناداری ۰,۰۱ با ۹۹٪ اطمینان تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شهروندان متأهل تهرانی میزان اعتماد بیشتری به مدیریت شهری دارند.

فرضیه نهم: «بین وضعیت اشتغال شهروندان و اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه از ضریب پیوستگی اتا استفاده شده است؛ با توجه به مندرجات جدول ۶ ملاحظه می‌شود که بین وضعیت اشتغال شهروندان و میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران رابطه وجود ندارد و در نتیجه فرضیه نهم پژوهش (H_9) رد می‌شود.

فرضیه دهم: «بین میزان درآمد شهروندان و اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه برخلاف فرضیه قبل از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است؛ با توجه به مندرجات جدول ۶ ملاحظه می‌شود که میان میزان درآمد شهروندان و میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود ندارد؛ در واقع فرضیه صفر (H_0) تأیید می‌شود و فرضیه پژوهش (H_1) رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت میان میزان درآمد شهروندان و میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهر تهران رابطه‌ای وجود ندارد.

فرضیه یازدهم: «بین نوع مسکن شهروندان و اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه از ضریب پیوستگی اتا استفاده شده است؛ با توجه به مندرجات جدول ۶ ملاحظه می‌شود که میان نوع مسکن شهروندان و میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد فرضیه صفر تأیید و فرضیه پژوهش (H_1) رد شده است.

فرضیه دوازدهم: «بین ثبات مسکن شهروندان و اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه نیز از ضریب پیوستگی اتا استفاده شده است؛ با توجه به مندرجات جدول ۶ ملاحظه می‌شود که بین ثبات مسکن شهروندان و میزان اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری تهران رابطه معناداری وجود ندارد و این به معنای آنست که فرضیه صفر (H_0) تأیید می‌شود و فرضیه پژوهش (H_1) که مدعی معنادار بودن رابطه میان ثبات مسکن شهروندان و اعتماد آنان نسبت به مدیریت شهری تهران است، رد می‌شود.

آزمون فرضیه سیزدهم: «بین منطقه سکونت شهروندان با میزان اعتماد آنان به مدیریت شهری تهران تفاوت معناداری وجود دارد».

جدول شماره ۷: نتایج تحلیل واریانس تفاوت منطقه محل سکونت با میزان اعتماد به مدیریت

شاخص منبع تغییرات	میانگین مجزورات (SS)	درجه آزادی (df)	مجزور میانگین (MS)	F	sig
بین گروهی	۳۱۶	۳	۱۰۸,۶۶	۶,۳۱	۰,۰۰
درون گروهی	۶۸۲۰,۱۶	۳۹۶	۱۷,۲۲		
کل	۷۱۴۶,۱۶	۳۹۹			

با توجه به جدول ۷، میزان F به دست آمده و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ فرضیه پژوهش با ۹۹٪ اطمینان تأیید می‌شود؛ بنابراین میان میزان اعتماد به مدیریت شهری در منطقه‌های محل با یکدیگر تفاوت معناداری وجود دارد و برای بررسی تفاوت میان منطقه‌ها آزمون تعقیبی انجام می‌شود که نتیجه آزمون تعقیبی بیانگر این است که میان میزان اعتماد در منطقه‌های ۱ و ۶ و ۱۱ تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری منطقه ۱۱ شهرداری تهران نسبت به مناطق دیگر بالاتر است.

آزمون فرضیه چهاردهم: «میان میزان اعتماد به مدیریت شهری تهران در شهروندانی که طی ۲ سال گذشته به شهرداری و یا سازمان‌های وابسته به آن مراجعه کرده‌اند و شهروندانی که به شهرداری و یا سازمان‌های وابسته مراجعه نکرده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد».

جدول شماره ۸: نتایج تحلیل واریانس تفاوت تعداد دفعات مراجعه با میزان اعتماد به مدیریت

شاخص منبع تغییرات	میانگین مجزورات (SS)	درجه آزادی (df)	مجزور میانگین (MS)	F	sig
بین گروهی	۵۷,۴۴	۱	۵۷,۴۴	۳,۲۲	۰,۰۷
درون گروهی	۷۰۸,۷۱	۳۹۸	۱۷,۸۱		
کل	۷۱۴۶,۱۶	۳۹۹			

با توجه به مندرجات جدول ۸ و سطح معناداری بزرگتر از ۰,۰۵ (۰,۰۷) فرضیه پژوهش رد شده و فرضیه صفر تأیید می شود؛ بنابراین می توان ادعا کرد میان میزان اعتماد به مدیریت شهری تهران در دو گروه مورد بررسی (شهروندانی که به شهرداری مراجعه داشته اند و شهروندانی که به شهرداری مراجعه نداشته اند) تفاوت معناداری وجود ندارد.

در پایان به بررسی میزان تأثیر متغیرهای مستقل (پاسخ گویی، اثربخشی عملکرد و همسویی اهداف مدیریت شهری با نیازهای جامعه) و متغیرهای زمینه ای پژوهش (جنسیت، سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، میزان درآمد، نوع مسکن و ثبات مسکن) در پیش بینی میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران می پردازیم:

جدول شماره ۹: نتایج رگرسیون چندمتغیری برای پیش‌بینی میزان اعتماد شهروندان به مدیریت

مدل	متغیرهای پیش‌بینی‌کننده اعتماد	R	R ²	B		T	sig
یک	اثربخشی عملکرد مدیریت شهری	۰,۵۰	۰,۲۵	۰,۲۳	۰,۵	۱۱,۶۱	۰,۰۰
دو	اثربخشی عملکرد مدیریت شهری	۰,۵۳	۰,۲۸	۰,۱۶	۰,۳۵	۶,۴۱	۰,۰۰
	پاسخ‌گویی مدیریت شهری			۰,۱۳	۰,۲۳	۴,۳۳	۰,۰۰
سه	اثربخشی عملکرد مدیریت شهری	۰,۵۴	۰,۲۹	۰,۱۵	۰,۳۳	۶,۱۳	۰,۰۰
	پاسخ‌گویی مدیریت شهری			۰,۱۴	۰,۲۴	۴,۴۹	۰,۰۰
	سن شهروندان			۰,۴۳	۰,۱۰	۲,۵۵	۰,۰۱
چهار	اثربخشی عملکرد مدیریت شهری	۰,۵۵	۰,۳۰	۰,۱۵	۰,۳۳	۶,۰۴	۰,۰۰
	پاسخ‌گویی مدیریت شهری			۰,۱۴	۰,۲۴	۴,۴	۰,۰۰
	سن شهروندان			۰,۵۵	۰,۱۳	۳,۰۸	۰,۰۰۲
	میزان درآمد شهروندان			-۰,۳۹	-۰,۰۹	-۲,۰۷	۰,۰۳
پنج	اثربخشی عملکرد مدیریت شهری	۰,۵۶	۰,۳۱	۰,۱۲	۰,۲۷	۴,۴۹	۰,۰۰
	پاسخ‌گویی مدیریت شهری			۰,۱۳	۰,۲۲	۴,۱۸	۰,۰۰
	سن شهروندان			۰,۵۸	۰,۱۴	۳,۲۹	۰,۰۰۱
	میزان درآمد شهروندان			-۰,۴۱	-۰,۰۹	-۲,۱۶	۰,۰۳
	همسویی اهداف با نیازهای شهروندان			۰,۰۴	۰,۱	۲,۰۸	۰,۰۳

تحلیل رگرسیون چندمتغیری به شیوه گام به گام نشان می‌دهد که اثربخشی عملکرد مدیریت شهری تهران ۲۵٪ واریانس میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران را پیش‌بینی می‌کند؛ دیگر متغیرهای پیش‌بینی‌کننده عبارتند از: پاسخ‌گویی مدیریت شهری تهران، سن شهروندان، میزان درآمد شهروندان و هم‌سویی اهداف مدیریت شهری تهران با نیازهای شهروندان؛ که در مجموع ۳۱٪ واریانس میزان اعتماد شهروندان را تبیین می‌کنند. لازم به ذکر است متغیرهای دیگر نمی‌توانند میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران را پیش‌بینی کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاکی از آن است که میزان اعتماد شهروندان به مدیریت شهری تهران، با توجه به میانگین کمتر از ۲/۷ در هریک از شاخص‌های مورد سنجش (طیف ۱-۲/۷)، در سطحی پایین‌تر از میانگین قرار دارد. همچنین در بررسی متغیرهای وابسته پژوهش، نتایج به دست آمده نشانگر آن است که میزان پاسخ‌گویی مدیریت شهری تهران، با توجه به میانگین ۲/۶۵ در شاخص‌های مورد سنجش (طیف ۱-۲/۷)، ضعیف است؛ میزان اثربخشی عملکرد مدیریت شهری تهران با توجه به میانگین ۲/۹۸ در شاخص‌های مورد سنجش (طیف ۲/۸-۳/۵) متوسط است و میزان هم‌سویی اهداف مدیریت شهری تهران با نیازهای شهروندان تهرانی، با توجه به میانگین ۳/۱۴ در شاخص‌های مورد سنجش (طیف ۲/۸-۳/۵)، متوسط است. همچنین در بررسی روابط معناداری میان متغیرهای وابسته و متغیر مستقل پژوهش نتایج حاکی از آن است که میان تمامی متغیرهای وابسته و متغیر مستقل پژوهش رابطه معنادار مثبتی وجود دارد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در میان عوامل تأثیرگذار بر میزان اعتماد شهروندان تهرانی به مدیریت شهری تهران، متغیر اثربخشی عملکرد مدیریت شهری با مجذور واریانس ۲۵/۰ بیشترین تأثیرگذاری را دارد. به علاوه در بررسی‌های انجام‌شده شهروندان منطقه ۱۱ بالاترین میزان اعتماد را به مدیریت شهری تهران دارند (با میانگین

حسابی ۱۳/۰۸؛ منطقه ۶ (با میانگین ۱۲/۹۲)، منطقه ۳ (با میانگین ۱۱/۶۶) و منطقه ۱ (با میانگین ۱۰/۹۰) در رتبه‌های بعدی قرار دارد. با توجه به آمارهای به دست آمده، اثربخش ترین حوزه فعالیت شهرداری تهران در پنج سال اخیر از دیدگاه شهروندان تهرانی با فراوانی ۱۲۸ (۳۲ درصد) مربوط به حوزه خدمات شهری است و پس از آن حوزه حمل و نقل و ترافیک با ۲۵/۸ درصد در جایگاه دوم قرار دارد. لازم به ذکر است دیدگاه شهروندان تهرانی به اثربخش بودن حوزه حمل و نقل و ترافیک مهر تأییدی است بر انتخاب شهر تهران، به عنوان یکی از ده کلان شهر برتر دنیا، در زمینه ارتقای کیفیت زندگی شهروندان به‌ویژه در حوزه حمل و نقل و خدمات شهری که در دهمین کنگره جهانی متروپلیس در سال ۲۰۱۱ اعلام و جایزه ویژه آن به شهرداری تهران اعطا گردید.

پیشنهادهات: اعتماد از مفاهیم اساسی در علوم انسانی است که علمای جامعه‌شناسی، اقتصادی، علوم سیاسی و روان‌شناسی، با توجه به اهمیت و گستره آن، به صورت بین رشته‌ای به بررسی اعتماد پرداخته‌اند. رهیافت روان‌شناختی در مورد اعتماد بر احساسات و ارزش‌های فردی تأکید دارد و اعتماد به عنوان متغیری فردی و شخصیتی تلقی می‌شود و در این زمینه اعتماد ارتباط نزدیکی با مفاهیمی مانند وفاداری، دگرخواهی، صداقت و دوستی دارد. در رویکرد جامعه‌شناسی، اعتماد به عنوان یک ویژگی اجتماعی تلقی می‌شود که در کالبد نهادی جامعه مطالعه می‌شود. به علاوه آثار و پیامدهای اعتماد اجتماعی را صاحب نظران متعددی بررسی کرده‌اند و در باب آن به بحث پرداخته‌اند.

در اینجا به برخی از الزامات بسترساز در راستای ایجاد اعتماد اجتماعی در جامعه اشاره می‌نماییم: تأمین منابع و امکانات اولیه زندگی، گسترش زمینه‌های شبکه ارتباطی بین مردم، ایجاد حس تعلق جمعی، ایجاد عدالت توزیعی در جامعه، ارزیابی مثبت از وضعیت اجتماعی و اخلاق جامعه و ضمانت اجرایی قانون.

بنابراین بر مبنای مطالبی که پیش‌تر گفتیم و نیز بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:

- ۱- توسعه و گسترش راه‌های ارتباطی میان مردم و مدیریت شهری، تسهیل برقراری ارتباطات مردمی و افزایش روحیه انتقادپذیری به منظور ارتقای فرآیند پاسخ‌گویی مدیریت شهری در تعامل با شهروندان.
 - ۲- حفظ و ارتقای مدیریت مشارکتی، ایجاد فضای تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات در سطوح مبانی و عملیاتی مدیریت شهری و استفاده بهینه و مدبرانه از گزارش‌ها و اطلاعات مردمی به منظور حفظ و ارتقای اثربخشی عملکرد مدیریت شهری.
 - ۳- بررسی و نیازسنجی علمی و اصولی از ابعاد گوناگون وضعیت شهر و شهروندان و تجزیه و تحلیل کارشناسانه مسائل و معضلات شهری و به تبع آن تصمیم‌گیری بر مبنای واقعیات و تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های مدون و عقلایی مطابق با واقعیات جامعه به منظور همگرایی حداکثری اهداف مدیریت شهری با نیازهای شهروندان.
 - ۴- توانمندسازی نیروی انسانی به عنوان اصلی‌ترین سرمایه مدیریت شهری در ابعاد فردی، گروهی و سازمانی به منظور ارتقاء کارایی، اثربخشی و بهره‌وری مدیریت شهری در تعامل با شهروندان و نهادهای اجتماعی.
 - ۵- اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و آموزش شهروندان در راستای نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه همه‌جانبه و پایدار شهری.
- در انتها امید است مدیران شهری و شهرداران بر نحوه رهبری و هدایت از طریق رعایت اصول مدیریت بر مبنای اعتماد در شهرداری‌های تابعه خود توجه و تمرکز نمایند و سپس با ایجاد تمهیدات و بستری مناسب زمینه‌ساز ارتقای اعتماد شهروندان به مدیریت شهری گردند.

منابع

- احمدی، حسین (۱۳۸۵)، **استراتژی و شاخص‌های شهری**، تهران: انتشارات معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، **نمایه پژوهش**، شماره ۱۸: ۲۵-۳۲.
- اینگه‌هارت، رونالد (۱۳۷۳)، **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بی‌نام (۱۳۷۹)، «بررسی موردی وظایف و اختیارات شهرداری‌ها»، **فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۲: ۳۵-۴۱.
- پیرمؤذن، کمال‌الدین (۱۳۸۱)، «جایگاه مبهم شوراها در مدیریت شهری»، **ماهنامه شهرداری‌ها**، شماره ۳۸: ۳۳-۳۶.
- جوادی، اردشیر (۱۳۸۲)، «مدیریت شهری در ایران: فراز و فرود»، **ماهنامه شهرداری‌ها**، شماره ۴۷: ۱۱-۱۴.
- حیدرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر آن»، **مجله تخصصی جامعه‌شناسی**، شماره اول: ۲۴-۲۷.
- رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱)، **مدیریت عمران شهری**، تهران: انتشارات پیوند نو
- زارعی، خدیجه (۱۳۸۵)، «اثربخشی آموزشی»، **ماهنامه تدبیر**، سال شانزدهم، شماره ۱۶۶: ۳۶-۳۹.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴)، **اعتماد: یک نظریه جامعه‌شناختی**، ترجمه فاطمه گلابی، تبریز: ناشر مترجم
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰)، «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، **نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۳: ۴۴-۴۸.

- شفیعی، حسن (۱۳۷۹)، «مدیریت در سطح محلی و توسعه پایدار»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴: ۵۱-۵۴.
- طرح تحقیقاتی جایگاه شهرداری در مدیریت شهر تهران (۱۳۸۴)، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری وزارت کشور شماره گزارش: ۲۳۴.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، اعتماد اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کمالی، افسانه (۱۳۷۹)، مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست با تأکید بر سازمان‌های تخصصی، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- گلابی، فاطمه (۱۳۸۳)، نقش اعتماد اجتماعی در امر توسعه با تأکید بر عملکرد و نقش شوراهای اسلامی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مرادی، نازیلا (۱۳۸۱)، «نظارت شوراها: حلقه مفقوده مدیریت شهری»، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۵: ۱۷-۲۵.
- مزینانی، فهیمه (۱۳۸۱)، «آیا ماده ۱۳۶ گره‌کور مدیریت شهری را خواهد گشود؟»، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۳۸: ۱۲-۱۴.
- معین، محمد (۱۳۴۵)، فرهنگ فارسی، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- International City Management Association (۱۹۹۸), **The IMCA code of ethics with guidelines**, Codes of ethics online. Internet: [www.iit.edu/departments/csep/public/www/codes/coe/international-city-management-association-code of ethics- May- ۱۹۹۰ -html](http://www.iit.edu/departments/csep/public/www/codes/coe/international-city-management-association-code%20of%20ethics-May-1990.html).
- Levi, Margaret Braithwait Valerie (۱۹۹۹), **Trust and Governance**, New York, Russel Say Foundation.
- National Healthy City Network. Annual report (۲۰۰۰), **the operation and evaluation of healthy city network**,

www.stakes.fi/hyvinvointi/English/ted/hcn/annual_report_2000. Doc view as html.

- Pearson, Fred (۱۹۷۴), **managing by objective. Developing the municipal organization**: International city management association.
- Rempel J.K, Holmes J.G and Zanna M.P (۱۹۸۵), "Trust in Close Relationships", **Journal of personality and sociology**, No۲: ۹۶-۱۲۳
- Rotter, J.B (۱۹۸۰), "Interpersonal Trust trustworthiness and Gullibility", **American Psychologist**, No۸: ۱-۷.
- Rousseau D.M, Sitkin S.B, Burt R.s and Camerer C (۱۹۹۸), "Not so Different After All: A Cross- Discipline View of Trust", **Academy of Management Review**, No۱۳: ۳۹۳-۴۰۴.
- Saunders J, Robert (۱۹۷۴), "the realities of local government. Developing the municipal organization", **International city management association**, No۵: ۲۳-۳۰.

حمایت اجتماعی و جرم:

مطالعه تطبیقی جوانان مجرم و عادی شهر ایلام

کامل دلپسند^۱، علی ایبار^۲، سعید خانی^۳، پریشان محمدی^۴

(تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۷ تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۱۴)

چکیده

این مقاله مطالعه‌ای است پیرامون بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و جرم جوانان که پس از مقایسه دیدگاه‌ها و تعاریف مختلف از حمایت اجتماعی (راتوس، کسلر و هلر) و جرم (کنترل اجتماعی هیرشی و فشار اگنیو) با روش پیمایشی به سنجش و مقایسه میزان برخورداری جوانان مجرم و عادی شهر ایلام از حمایت اجتماعی اقدام نموده است. در این تحقیق، حمایت اجتماعی در ابعاد سه‌گانه حمایت عاطفی، حمایت مادی و حمایت اطلاعاتی در یک نمونه ۵۲۰ نفری متشکل از ۱۴۷ نفر از جوانان مجرم و ۳۷۳ نفر از جوانان عادی شهر ایلام بررسی شده است. یافته‌های توصیفی تحقیق بیانگر آن است که میزان برخورداری جوانان عادی در تمام ابعاد حمایت اجتماعی نسبت به جوانان مجرم بیشتر است. یافته‌های استنباطی نیز معنی‌دار بودن این تفاوت را تأیید می‌کند. همچنین تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که سازه نظری حمایت اجتماعی از قدرت تمایز بالایی در تفکیک افراد عادی و مجرم برخوردار است. به عبارت دیگر، با افزایش میزان حمایت اجتماعی احتمال ارتکاب جرم کاهش می‌یابد.

کلمات کلیدی: جرم، حمایت اطلاعاتی، حمایت عاطفی، حمایت مادی، جوانان

^۱. کارشناس ارشد مطالعات جوانان از دانشگاه تهران، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی سازمان فرهنگی هنری

شهرداری تهران delpasand_kamel@yahoo.com

^۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران، مدرس مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (مرکز تربیت معلم شهید

مدرس ایلام).

^۳. دانشجوی دکترای جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

^۴. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

مقدمه

جرم جوانان پدیده‌ای جهانی محسوب می‌شود، اگرچه نوع و میزان آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. جامعه ایرانی، جامعه جوانی است و بیشتر جمعیت کشور را جوانان زیر سی سال تشکیل می‌دهند. بنابراین، جوانان، چالش‌ها و مسائل آنان یکی از چالش‌های اساسی جامعه ایرانی محسوب می‌شود. جوانان و مسائل مرتبط با آنان همیشه از کانونی‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گزاران و پژوهشگران مسائل اجتماعی می‌باشد و آن‌گونه که از منابع و اسناد استنباط می‌شود این نگرانی، دغدغه و توجه فقط به دوران ما اختصاص ندارد. "اگر اجازه دهیم اعمال بی‌سابقه نسل‌های جوان‌تر ما ادامه یابد، تمدن و فرهنگ ما محکوم به نابودی است". این سخن یک مصلح اجتماعی یا فرد فرهیخته مذهبی در روزگار ما نیست، بلکه گفتاری است بر یک لوحه باستانی متعلق به ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در شهر اور که یکی از مراکز تمدن سومری بوده و به گفته تورات، زادگاه ابراهیم نبی است (لاور، ۱۳۷۳: ۱۷۹).

جوامع انسانی با مسائل و آسیب‌های گوناگون اجتماعی دست به گریبانند اما سطح، نوع و شدت این مسائل از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت می‌باشد. گسترش آسیب‌های اجتماعی^۱ جوامع را از جوانب متعدد متضرر می‌سازد، علی‌الخصوص زمانی که شعاع آسیب‌های اجتماعی، «جوانان» را دربرگرفته باشد. زیرا جوانان سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه محسوب شده و سلامت آنان به نوعی تضمین‌کننده بقاء، دوام، سلامت و پویایی جامعه است. در ایران تا پایان سال ۱۳۸۳ حدود ۱۳۰۰۰۰ هزار نفر در کشور زندانی بوده‌اند و هر ۴۷ ثانیه یک نفر وارد زندان و یک نفر از زندان خارج می‌شود (معمودی، ۱۳۸۶: ۳۳۲). پرداختن به "جرم" از زاویه دید تئوری جدید می‌تواند به شکل‌گیری اندیشه‌های جدید پیرامون جرم و سایر آسیب‌های اجتماعی منجر شود.

^۱. Social Pathology

طرح مسئله

در جوامع در حال‌گذار امروزی چون ایران که به تبع ارتباط با جهان مدرن و اجرای برنامه‌های نوسازی از بالا توسط دولت‌ها، سرمایه اجتماعی قدیم دچار فرسایش گردیده و سرمایه جدید هم آن‌طوری که باید شکل نگرفته است با نوعی نابسامانی اجتماعی در سطوح خرد و کلان سر و کار داریم که معرف پیدایش گسل‌ها و گسست‌های اجتماعی و منبع زایش و افزایش انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی است (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۹۶). در این‌گونه شرایط و موقعیت گسترش آسیب‌های اجتماعی سلامت و امنیت جامعه را تهدید خواهد نمود در این میان «جوانان» به عنوان مهم‌ترین منبع و مؤلفه در توسعه، بیشتر درگیر شده و این وضعیت می‌تواند مانع و معبری برای توسعه تلقی شود. به این دلیل پرداختن به مسائل جوانان باید در اولویت قرار گیرد، علی‌الخصوص در شرایطی که جوانان نزدیک به نیمی از جمعیت حوزه مطالعه و بیش از ۷۰ درصد زندانیان شهر ایلام را به خود اختصاص داده‌اند (ایار، ۱۳۸۸). زیرا ارتکاب به جرم از سوی جوانان آنان را از بسیاری فرصت‌های مثبت سازنده محروم می‌سازد. به نظر می‌رسد حمایت اجتماعی با تقویت پیوند اجتماعی و احساس تعلق اجتماعی و کاهش فشارهای روانی می‌تواند به مثابه مانعی بر ارتکاب به جرم موثر واقع شود. حمایت اجتماعی در ابعاد اطلاعاتی؛ با افزایش آگاهی پیرامون مقررات و پیامد اعمال مجرمانه، و حمایت مالی با کاهش فشارها و تنش‌ها همچنین حمایت عاطفی با تقویت خودپنداره و تقویت پیوستگی قادرند نقش بازدارندگی در ارتکاب به جرم ایفا کنند. بنابراین، ارتباط حمایت اجتماعی با آسیب و کجروی اجتماعی مطالعه و شناخت دقیق ماهیت حمایت‌های اجتماعی را ضروری ساخته است. حمایت اجتماعی عبارت از «معرفتی که باعث می‌شود فردی باور کند که مورد احترام و علاقه دیگران بوده، عنصری ارزشمند و دارای شأن به شمار آمده و به یک شبکه روابط و تعهدات متقابل تعلق دارد» در نظر گرفته می‌شود (کوب، ۱۹۷۶؛ به نقل از استانسفلد، ۱۳۸۷: ۱۸۹). از جانب دیگر، با انجام تحقیقاتی از این دست، زمینه کار بست این نظریه در شناسایی، تبیین، کنترل و

تعديل آسیب‌های اجتماعی از جمله جرائم جوانان فراهم می‌شود. به طور کلی در بیان ضرورت انجام این پژوهش به اختصار می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد:

- ساخت جمعیتی جوان کشور و ویژگی‌های روانشناختی - اجتماعی این قشر در تناسب با ویژگی‌های ساختار اجتماعی - اقتصادی (نابرابری، بیکاری و...) احتمال ارتکاب به جرم جوانان را در کشور و حوزه مورد مطالعه فراهم کرده است.

- جوانان سرمایه‌های مادی و معنوی یک جامعه محسوب می‌شوند و ارتکاب به جرم و شیوع گسترده آن در بین جوانان می‌تواند به مثابه یکی از موانع عمده توسعه عمل کند (ایار، ۱۳۸۸).

- «وضعیت هشدار برانگیز برخی شاخص‌های مربوط به چالش‌های اصلی حوزه جوانان که قابلیت تبدیل این چالش‌ها به تهدید را داراست، حاکی از نیاز جدی به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی علمی و کارشناسانه است» (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۶: ۱).

- با توجه به تغییرات حادث شده و دگرگونی منابع و تهدیدات، پرداختن مجدد به آسیب‌ها از منظری نو و جدید ضرورتی اجتناب‌پذیر است.

- ارتکاب به جرم در این سنین می‌تواند به فرایند «برچسب زنی» و شکل‌گیری هویت مجرمانه در بین جوانان منجر شده و آنان را از بسیاری از فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی محروم سازد.

- وجود هم‌وقوعی بین رفتارهای انحرافی و جرایم متفاوت، به عبارت دیگر ارتکاب به یک رفتار انحرافی زمینه ارتکاب به سایر انحرافات و جرائم را فراهم می‌کند و در نهایت باید گفت که تاکنون مطالعه‌ای منظم پیرامون موضوع تحقیق در حوزه مورد مطالعه صورت نگرفته است.

در کنار این دلایل باید اضافه کرد که ماهیت پیچیده مسائل و آسیب‌های اجتماعی ایجاب می‌کند تا در برخورد با مسائل اجتماعی با تکمیل نظریات موجود و با اتکاء به یافته‌های نوین، دایره شناخت خود را گسترش دهیم و با پرداختن به جرم از زاویه دید رویکردهای نظری جدید مانند حمایت اجتماعی، بینش‌های تازه‌ای در مورد روابط اجتماعی

و دانشی فراتر پیرامون ماهیت روابط اجتماعی و تأثیر آن بر آسیب‌های اجتماعی از جمله جرم فراهم کنیم.

در این راستا هدف اصلی مطالعه حاضر، بررسی رابطه حمایت اجتماعی و جرم در بین جوانان مجرم و عادی پسر شهر ایلام می‌باشد و اهداف جزئی زیر نیز مد نظر قرار می‌گیرد:

- بررسی و سنجش وضعیت حمایت اجتماعی در بین جوانان عادی و مجرم پسر شهر ایلام.
- بررسی رابطه بین حمایت اطلاعاتی اجتماعی و جرایم جوانان در شهر ایلام.
- بررسی رابطه بین حمایت عاطفی و جرم جوانان در شهر ایلام.
- بررسی رابطه بین حمایت مادی و جرم جوانان در شهر ایلام.

مبانی تجربی و نظری تحقیق

پیشینه تحقیق

جنگ و جانسون (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان "فشار عواطف منفی و تقابل منحرفانه بین سیاهپوستان آمریکایی" نتایج به دست آمده نظریه فشار عمومی اگنیو را در ارتکاب بزهکاری تأیید نمود.

کالوین و دیگران (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان "اجبار، حمایت اجتماعی و جرم" به این نتیجه رسیده‌اند که اجبار باعث جرم می‌شود و حمایت اجتماعی از آن جلوگیری می‌کند.

یاپا و دویلی (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان "نقش حمایت اجتماعی ادراک‌شده در قربانی جرم‌شدن" بعد زمانی حمایت اجتماعی یا حمایت اجتماعی ادراک‌شده را به‌طور خاص بررسی کرده، و آن را به صورت یک منبع پویا و درونی که بر اثر عوامل استرس‌زای شدید ممکن است تحلیل رود، مفهوم‌سازی کرده است. در مراحل اولیه، حمایت اجتماعی ادراک‌شده نقش تعدیل‌کننده استرس را ایفا می‌کند، اما با افزایش تعداد یا شدیدتر شدن عوامل استرس‌زا نقش واسطه بین این عوامل و پریشانی روانشناختی را به خود می‌گیرد. این مقاله این دیدگاه پویا در زمینه حمایت اجتماعی ادراک‌شده را در مورد قربانیان جرم اعمال می‌کند.

و استدلال می‌کند دیدگاه فرد در مورد وضعیت قربانی، زمانی به بهترین نحو به کار می‌آید که پیشینه قربانی شدن و تروما^۱ که این افراد تجربه کرده‌اند مدنظر قرار گیرد. دیانه و الیزابت (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان "قربانیان جرم: نقش حمایت اجتماعی چیست؟" تأثیرات حمایت اجتماعی دریافت‌شده و ادراک‌شده بر میزان اولیه پریشانی، استراتژی‌های مقابله^۲ و بسامان بودن قربانی پس از قربانی شدن را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین میزان حمایت اجتماعی ادراک‌شده و خشم^۳ وجود دارد. همچنین رابطه مستقیمی بین حمایت اجتماعی دریافت‌شده و اضطراب^۴ یافت شد. یک رابطه معکوس بین حمایت اجتماعی و مقابله متمرکز بر هیجان^۵ و مقابله مبتنی بر اجتناب^۶ و یک رابطه معنادار مثبت بین حمایت اجتماعی و مقابله متمرکز بر مشکل^۷ وجود داشت.

ساکو (۱۹۹۳) در تحقیقی با عنوان "حمایت اجتماعی و ترس از جرم" به این نتیجه رسیده است که ترس از جرم ممکن است خود به عنوان شکلی از پریشانی روانشناختی که کیفیت زندگی را کاهش داده، دستیابی به فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی را محدود کرده، و یکپارچگی اجتماعی جوامع محلی را از تضعیف می‌کند نگریسته شود. به علاوه، تا جایی که ترس از جرم نوعی استرس هیجانی محسوب شود باید ثابت شود که به همان اندازه پذیرای تأثیرات بهبود دهنده حمایت اجتماعی است که سایر اشکال پریشانی هیجانی همچون افسردگی یا ناخشنودی هستند.

پناغی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان "همسرآزاری و سلامت روانی: نقش حمایت اجتماعی و راهبردهای مقابله" براساس تحلیل واریانس چندمتغیری نشان دادند که

^۱. Trauma

^۲. Coping Strategy

^۳. Anger

^۴. Anxiety

^۵. Emotion-Focused Coping

^۶. Avoidance-Oriented Coping

^۷. Problem-Focused Coping

زنان آزار دیده در حمایت اجتماعی و سلامت روانی نمره‌های پایین‌تر و در راهبردهای مقابله‌ای نمره‌های بالاتری کسب کردند.

نیزی و همکاران (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه ساده و چندگانه متغیرهای عزت نفس، اضطراب عمومی، حمایت اجتماعی ادراک‌شده و سرسختی روانشناختی با اضطراب اجتماعی دختران دانش‌آموز پایه اول دبیرستان‌های شهرستان آبادان" به این نتیجه رسیدند که از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیرهای اضطراب عمومی، حمایت اجتماعی ادراک‌شده و سرسختی روانشناختی بهترین پیش‌بین‌های اضطراب اجتماعی می‌باشند.

آخوندی (۱۳۷۶) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه حمایت اجتماعی ادراک‌شده با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان شهر تهران" نشان می‌دهد که خانواده، مهمترین منبع حمایت اجتماعی است که با کلیه سطوح سازگاری اجتماعی ارتباط مثبت دارد. حمایت اجتماعی ادراک‌شده از دوستان و همکلاسی‌ها با سطوح مهارت‌های اجتماعی، روابط مدرسه‌ای، و روابط اجتماعی ارتباط مثبت دارد. حمایت ادراک‌شده به طور کلی با سطوح روابط خانوادگی، روابط مدرسه‌ای و روابط اجتماعی ارتباط منفی دارد.

ورمزیار (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری دانش‌آموزان" حمایت اجتماعی را به یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و رابطه آن با بزهکاری مورد بررسی قرار داده است. یافته این تحقیق نشان می‌دهد که بین حمایت اجتماعی در ابعاد متفاوت - اطلاعاتی، ابزاری و عاطفی - با بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.

چارچوب نظری

رویکرد نظری حمایت اجتماعی در پیوند با همبستگی اجتماعی، سابقه‌ای به قدمت جامعه‌شناسی کلاسیک دارد. دورکیم با طرح مفهوم همبستگی اجتماعی (دورکیم، ۱۳۸۷) به گونه‌ای غیرمستقیم به حمایت اجتماعی به عنوان محصولی برآمده از روابط اجتماعی توجه دارد. اگرچه او برای اولین بار بحث تأثیر شبکه روابط اجتماعی و حمایت‌های منتج از این

شبکه را در آسیب‌شناسی باب نمود. اما حمایت اجتماعی در تحلیل‌های آسیب‌شناختی اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این تحقیق اگرچه به لحاظ نظری به پیوندهای نظری حمایت اجتماعی و جرم پرداخته می‌شود اما به لحاظ تجربی این رویکرد نظری از حیث قدرت تمایزگذاری بین افراد مجرم و عادی مورد آزمون قرار خواهد گرفت. مکانیسم و ساز و کارهای تأثیرگذاری آن، مقاله و پژوهش مستقلی می‌طلبد.

اگرچه پیرامون جرم و انحرافات اجتماعی رویکردهای نظری متفاوتی وجود دارد، اما رابطه حمایت اجتماعی و جرم کمتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این تحقیق ضمن پرداختن به رویکردهای نظری پیرامون حمایت اجتماعی^۱ به تئوری‌های فشار عمومی و کنترل در حوزه جرم، و پیوندهای نظری آن‌ها با حمایت اجتماعی پرداخته شده است.

ساراسون: از نظر ساراسون و دیگران حمایت اجتماعی به عنوان میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف شده است. برخی، حمایت‌های اجتماعی را واقعیت اجتماعی و برخی آن را ناشی از ادراک فرد می‌دانند (علی پور، ۱۳۸۳: ۱۳۵). حمایت واقعی عبارت است از نوع و فراوانی تعاملات حمایتی خاص است که فرد در روابط اجتماعی در قالب آن‌ها کمک‌های ابزاری، عاطفی و اطلاعاتی را از دیگران دریافت می‌کند. افراد براساس روابط اجتماعی و نوع پیوندهایی که دارند از منابع حمایتی برای برطرف کردن نیازهایشان استفاده می‌کنند، به طوری که هر اندازه روابط اجتماعی گسترده‌تر باشد میزان دسترسی به منابع حمایتی را بیشتر می‌کند و احتمالاً این منابع حمایت اجتماعی می‌تواند حوادث منفی زندگی را کاهش داده و به مثابه چتر دفاعی در مقابل عوامل استرس‌زای زندگی اجتماعی عمل می‌کند. و در نهایت در ارتباط با جرم از نظریه ساراسون می‌توان چنین استنباط نمود که حمایت اجتماعی با کاهش ناکامی‌ها و تقویت خودپنداره مثبت احتمال ارتکاب به جرم را کاهش می‌دهد.

^۱. Social Support

کوب^۱: کوب (۱۹۷۶)، حمایت اجتماعی را مجموعه اطلاعاتی تعریف می‌کند که شخص را به این اعتقاد می‌رساند که در یک شبکه ارتباطی مورد توجه و علاقه دیگران است و از سوی آن‌ها با ارزش و محترم شمرده می‌شود، و در نتیجه چنین باوری این احساس به فرد دست می‌دهد که به آن شبکه ارتباطی متعلق است (رستگارخالد، ۱۳۸۴: ۱۳۶). حمایت اجتماعی یکی از پیامدها و محصولات سرمایه اجتماعی است که شامل حمایت اقوام و خویشاوندان، دوستان و همسایگان می‌باشد و سه بعد کمک عینی یا ابزاری، اطلاعاتی و عاطفی را در بر می‌گیرد. حمایت عینی یا ابزاری دلالت بر موجود بودن حمایت فیزیکی دارد. در این نوع حمایت، کمک از افرادی کسب می‌شود که نزدیک و صمیمی هستند. حمایت اطلاعاتی شامل کمک به فهم یک مسئله و مشکل است. این نوع حمایت، دلالت بر اطلاعاتی دارد که فرد می‌تواند در برابر مسائل شخصی و محیطی از آن استفاده کند. حمایت عاطفی به منابع مرتبط با داشتن کسانی دلالت دارد که برای دلداری و احساس اطمینان، فرد می‌تواند به آن‌ها رجوع کند. افرادی که دارای منابع عاطفی کافی‌اند، نوعاً احساس می‌کنند دیگرانی را دارند که هنگام برخورد با مشکلات می‌توانند به آن‌ها مراجعه کنند (فلمنینگ و موم، ۱۹۸۶ به نقل از ورمزیار، ۱۳۸۷: ۷۹-۷۸).

شافر، کوین و لازرواس^۲ (۱۹۸۱) با تأکید بر ادراکات ذهنی فرد، حمایت اجتماعی را عبارت از ارزشیابی‌ها یا ارزیابی‌های فرد از این که تا چه حد یک تعامل یا الگوی تعاملات یا روابط برای وی سودمند است، می‌دانند (شافر، کوین و لازرواس، ۱۹۸۱: ۳۸۴).

کسلر و همکاران^۳ بین دو نوع از حمایت اجتماعی تمایز قائل می‌شوند: حمایت اجتماعی ساختاری^۴ و حمایت اجتماعی کارکردی^۵. حمایت اجتماعی ساختاری بر جنبه‌های ساختاری روابط اجتماعی دلالت می‌کند. این جنبه‌ها به طور کلی عبارتند از ترتیب و برنامه

^۱. Cube

^۲. C. Schaefer, J. Coyne & Lazarus

^۳. Kessler, et al

^۴. Structural Social Support

^۵. Functional Social Support

زندگی (بدین معنی که آیا شخص به تنهایی زندگی می‌کند یا با دیگران)، فراوانی تعاملات اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی یا درگیری در شبکه اجتماعی (گروهی از افراد که ممکن است سطوح متنوعی از تماس با یکدیگر داشته باشند). حمایت اجتماعی کارکردی نیز اصولاً به کارکردهای متعددی که حمایت ممکن است فراهم کند اشاره دارد. از جمله این نوع حمایت می‌توان به ابراز حالات روانی مثبت یا حمایت عاطفی، اظهار موافقت با عقاید و یا احساسات شخص، ابراز احساس تشویق‌آمیز و دلگرم‌کننده و یا کارکردهای دیگر مانند تأمین مشورت، ارائه اطلاعات و تأمین کمک‌های اطلاعاتی اشاره کرد (کسلر و همکاران، ۱۹۸۵: ۵۴۲).

راتوس: راتوس (۱۹۸۹)، عقیده دارد که حمایت اجتماعی از طریق فرایندهای زیر فشارهای روانی را تعدیل می‌کند:

۱- توجه عاطفی شامل: گوش دادن به مشکلات فرد و ابراز احساس همدلی، مراقبت، فهم و قوت قلب دادن.

۲- یاری‌رسانی یعنی ارائه حمایت و یاری که به رفتار انطباقی می‌انجامد.

۳- اطلاعات: ارائه راهنمایی و توصیه جهت افزایش توانایی مقابله‌ای افراد.

۴- ارزیابی: ارائه پس‌خوراند از طرف دیگران در زمینه عملکرد منجر به تصحیح عملکرد.

۵- جامعه‌پذیری: دریافت حمایت اجتماعی معمولاً به واسطه جامعه‌پذیری به دست می‌آید در نتیجه نتایج سودمندی به دنبال می‌آورد (بخشی‌پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۴۶).

از منظر راتوس می‌توان چنین استدلال نمود که حمایت اجتماعی با کاهش منابع فشار و تعدیل آن‌ها به مثابه یک عامل بازدارنده در برابر آسیب‌های اجتماعی عمل می‌کند.

نظریه فشار^۱: نظریه فشار عمومی اگنیو^۲ جرم و بزهکاری را نتیجه مستقیم تأثیرگذاری منفی خشم، ناکامی و احساسات مضر و زیان‌آور می‌داند که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید (سیگل، ۱۹۹۸: ۱۷۹ به نقل از علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۱) منابع فشار از نظر اگنیو عبارتند از: ۱- فشار ایجاد شده به خاطر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت^۳ در نتیجه ۲- حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت در افراد^۴ ۳- فشار در اثر وجود انگیزه‌های منفی^۵ (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۰۶؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۱-۹۲؛ مبارکی، ۱۳۸۴: ۷۸). در نهایت بنابر استدلال اگنیو افرادی که در معرض فشار مکرر قرار دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که اعمال بزهکارانه را مرتکب شوند. با وجود منابع حمایتی فشار وارد شده از منابع سه‌گانه فوق به فرد تقلیل یافته و احتمال ارتکاب رفتارهای انحرافی از جانب وی کاهش می‌یابد.

نظریه کنترل اجتماعی^۶: نظریه کنترل اجتماعی هیرشی^۷ از جمله نظریه‌های کنترل است که هم کنترل درونی و هم کنترل بیرونی را مورد توجه قرار می‌دهد (دیویس و ستاز، ۱۹۹۰: ۴۲). هیرشی با الهام از دورکیم، معتقد است که رفتار انحرافی نتیجه ضعف پیوندهای فرد با جامعه عادی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۹). در نظریه هیرشی چهار عنصر برای پیوند فرد با جامعه یا دیگران، عادی دیده شده است:

۱- **دلبستگی^۸:** میزان توجه و حساسیت فرد نسبت به دیگران و دیدگاه‌ها و توقعات-شان.

^۱. Strain Theory

^۲. Agnew

^۳. Strain Caused by the Failure to Achieve Positively Valued Goals

^۴. Strain as the Removal of Positively Valued Stimuli from the Individual

^۵. Strain as the Presentation of Negative Stimuli

^۶. Social Control Theory

^۷. Hirschi

^۸. Attachment

۲-تعهد^۱: میزان همراهی پاداش‌ها و مجازات‌های اجتماعی با رفتار هم‌نوا و ناهنجار افراد.

۳-درگیر بودن^۲: میزان وقتی که فرد در فعالیتهای عادی اجتماعی صرف می‌کند.

۴-باور داشتن^۳: میزان اعتبار هنجارهای اجتماعی برای فرد، با میزان درونی کردن هنجارهای اجتماعی (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۹؛ سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۸۶؛ مشکانی و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۳). هر عنصر یک حلقه ارتباط بین فرد و جامعه است تا زمانی که فردی به گروه‌های عادی جامعه ارتباط دارد، از هنجارهای اجتماعی پیروی می‌کند ولی اگر یک یا چند حلقه ارتباطی ضعیف شد، احتمال منحرف شدن افزایش می‌یابد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۲۰). براساس نظریه کنترل اجتماعی می‌توان به متغیرهایی مانند میزان دلبستگی و تعهدات خانوادگی، دینداری جوانان، ساخت خانواده و نظارت والدین توجه کرد و از آن‌ها در تبیین آسیب‌های اجتماعی و جرم استفاده کرد. میزان حمایت عاطفی، اطلاعاتی و مادی که فرد از دیگران دریافت می‌کند به تقویت پیوند فرد با جامعه منجر می‌شود. دریافت حمایت و احساس وجود منابع حمایتی یا حمایت ادراک‌شده در تقویت دلبستگی و تعهد و باور نسبت به هنجارهای جامعه و در نهایت کاهش انحراف و جرم مؤثر خواهد بود.

از مباحث نظری پیرامون حمایت اجتماعی و جرم، می‌توان نتیجه گرفت که حمایت نه تنها در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی به طور عام و جرم به گونه‌ای خاص نقش بازدارندگی ایفاء می‌نماید. زیرا حمایت به لحاظ منطقی بستری مناسب برای کنترل اجتماعی و اعمال نظارت غیررسمی است و از منظر تئوری کنترل اجتماعی هیرشی کنترل یکی از موانع ارتکاب به جرم مسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۸۵؛ سلیمی و داوری، ۱۳۸۰؛ سیگل، ۲۰۰۱)، بلکه حمایت اجتماعی با تقلیل فشار و فشارهای عمومی در کاهش ارتکاب به جرم مؤثر

^۱. Commitment

^۲. Involvement

^۳. Beliefs

است. اگنیو در باب تحلیل ارتکاب جرم معتقد است که جرم و بزهکاری پیامد مستقیم حالات منفی از قبیل عصبانیت ناکامی و سایر حالات منفی است که به دنبال روابط اجتماعی مخرب ظاهر می‌شود، خصوصاً در شرایطی که به حمایت والدین و دوستان دسترسی نباشد (کنز، ۲۰۰۲: ۳۱ به نقل از مبارکی، ۱۳۸۴: ۷۸-۷۷) پس از منظر تئوری فشار عمومی اگنیو حمایت اجتماعی با کاهش فشار منجر به کاهش جرائم خواهد شد. از جانب دیگر ابعاد متفاوت حمایت اجتماعی - عاطفی، اطلاعاتی و مادی می‌تواند در توانمندسازی و بازپروری افراد مجرم مؤثر باشد زیرا موجب تقویت خودپنداره افراد مجرم و احساس ارزش در وجود آن‌ها می‌شود و از منظر تئوری کنترل اجتماعی هیرشی، هرچه فرد منابع حمایتی بیشتری در دسترس داشته باشد نسبت به جامعه مقررات و هنجارها دلبستگی و تعهد بیشتری نشان داده و احتمال ارتکاب رفتارهای کجروانه از جانب وی کمتر می‌شود.

فرضیات تحقیق

- میزان حمایت اجتماعی در دو گروه از جوانان مجرم و جوانان غیرمجرم متفاوت است.
- میزان حمایت اطلاعاتی در دو گروه از جوانان مجرم و جوانان غیرمجرم متفاوت است.
- میزان حمایت اجتماعی عاطفی و در دو گروه از جوانان مجرم و جوانان غیرمجرم متفاوت است.
- میزان حمایت اجتماعی مادی در دو گروه از جوانان مجرم و جوانان غیرمجرم متفاوت است.

روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است. واحد تحلیل در این مطالعه فرد و سطح تحلیل شهر ایلام است. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته بوده که در جریان

پیش‌آزمون^۱ مورد پالایش قرار گرفته است. گویه‌های نامتعارف حذف و ضریب آلفای کرونباخ ابزار برای ابعاد متفاوت حمایت اجتماعی برابر با ۰.۸۶ بوده است. مقدار ضریب بیانگر روایی بالای ابزار مورد استفاده است.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این تحقیق مشتمل بر جوانان عادی، گروه کنترل، مجرم و گروه شاهد (۱۸ تا ۳۰) ساله پسران شهر ایلام می‌باشد که بنابر اطلاعات مرکز آمار ایران برابر با ۲۷۲۵۰ نفر بوده‌اند و جوانان پسر مجرم شهر ایلام برابر با ۱۸۰ نفر بوده‌اند که در سال ۱۳۸۸ در زندان مرکزی این شهر به سر می‌برده‌اند. در این تحقیق حجم نمونه با احتساب احتمال خطای ۵٪ و سطح اطمینان ۹۵٪ و واریانس صفات جامعه به نسبت ۵۰٪ وجود صفت و ۵۰٪ عدم وجود صفت در جامعه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه و برابر با ۳۷۳ نفر برای جوانان عادی بوده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} \Rightarrow \frac{\frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{27250} \left(\frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2} - 1 \right)} = 373$$

از مجموع ۱۸۰ جوان زندانی تمامی آن‌ها مورد مصاحبه قرار گرفتند که در تحلیل نهایی ۱۴۷ نفر وارد شده است و در مجموع حجم نمونه مورد مطالعه برابر با ۵۲۰ نفر بوده است.

مفاهیم و متغیرهای تحقیق

جوانان: منظور از جوانان عبارت است از افرادی است که در رده سنی ۱۸ تا ۳۰ قرار دارند.

^۱. pre-test

جرم: کاربرد واژه جرم معمولاً به مواردی از تخلف قانون و هنجارهای رسمی و مکتوب جامعه محدود می‌شود که بزرگسالان مرتکب چنین تخلفاتی شده باشند (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰). به طور کلی مراد از جرم در این پژوهش همان تعریفی است که در قانون مجازات اسلامی آمده است. طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود». که در این تحقیق جرایم مختوم به زندان به صورت کلی مد نظر بوده است.

حمایت اجتماعی: از نظر ساراسون و دیگران حمایت اجتماعی میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف شده است. برخی حمایت‌های اجتماعی را واقعیت اجتماعی و برخی آنرا ناشی از ادراک فرد می‌دانند (علی-پور، ۱۳۸۳: ۱۳۵). در تحقیق حاضر حمایت اجتماعی ادراک شده را در سه بعد حمایت عاطفی^۱، حمایت ابزاری^۲ و حمایت اطلاعاتی^۳ مدنظر قرار داده‌ایم.

حمایت اطلاعاتی: شامل کمک به فهم یک مسئله و مشکل است. این نوع حمایت، دلالت بر اطلاعاتی دارد که فرد می‌تواند در برابر مسائل شخصی و محیطی از آن استفاده کند (فلمنینگ و موم، ۱۹۸۶ به نقل از ورمزیار، ۱۳۸۷: ۷۹-۷۸)، یعنی دریافت اطلاعات و ارشادات لازم از منابع متفاوت (خانواده، خویشاوندان، همسایه‌ها).

حمایت مادی- ابزاری: دریافت کمک مالی و ابزاری از منابع حمایتی در هنگام بروز مشکل مادی از منابع حمایتی (خانواده، خویشاوندان، همسایه‌ها).

حمایت عاطفی: به منابع مرتبط با داشتن کسانی دلالت دارد که برای دلداری و احساس اطمینان، فرد می‌تواند به آن‌ها رجوع کند.

^۱. Emotional Support
^۲. Instrumental Support
^۳. Information Support

نتایج تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی

در این قسمت از پژوهش یافته‌های توصیفی با توجه به متغیرهای زمینه‌ای و ابعاد حمایت اجتماعی ذکر می‌شود.

از جوانان عادی ۱۲,۶ درصد دارای مشاغل دولتی، ۷۸,۹ درصد دارای مشاغل آزاد و ۸,۵ درصد بیکار بوده‌اند. از جوانان مجرم نیز ۸,۰ درصد دارای مشاغل دولتی، ۴۰,۳ درصد دارای مشاغل آزاد و ۵۱,۷ بیکار بوده‌اند.

از جوانان عادی کسی بی‌سواد نبوده است، ۲,۰ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۳,۷ درصد راهنمایی، ۵۷,۷ درصد دبیرستان، ۲۰,۸ درصد فوق‌دیپلم، ۱۳,۸ درصد لیسانس، ۱,۷ درصد فوق‌لیسانس و ۰,۳ درصد دارای تحصیلات دکتری بوده‌اند. از جوانان مجرم نیز ۲,۱ درصد بی‌سواد، ۱۸,۱ درصد ابتدایی، ۲۹,۹ درصد راهنمایی، ۴۲,۴ درصد دبیرستان، ۴,۲ درصد فوق‌دیپلم، ۲,۱ درصد لیسانس و ۱,۲ درصد فوق‌لیسانس بوده‌اند.

از جوانان عادی ۷۸,۷ درصد مجرد و ۲۱,۳ درصد متأهل بوده و از جوانان مجرم ۵۷,۵ درصد مجرد و ۴۲,۵ درصد متأهل بوده‌اند.

از جوانان عادی ۷۸,۶ درصد دارای منزل شخصی، ۲۰,۰ درصد دارای منزل استیجاری و ۱,۴ درصد دارای منازل سازمانی بوده‌اند. از جوانان مجرم نیز ۶۲,۹ درصد دارای منزل شخصی، ۳۵,۷ درصد دارای منزل استیجاری و ۱,۴ درصد دارای منازل سازمانی بوده‌اند.

به علاوه، از جوانان مجرم ۹۲,۵ درصد بین ۱ تا ۵ بار، ۶,۸ درصد بین ۶ تا ۱۰ و ۰,۸ درصد بین ۱۱ تا ۱۵ بار سابقه دستگیری و زندانی داشته‌اند.

جدول یک، نشان می‌دهد که جرائم سرقت با ۳۰,۹ درصد، درگیری با ۱۴,۷ درصد و قتل با ۱۴ درصد به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را از حیث فراوانی به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۱: نوع جرائم ارتكابی جوانان مجرم

نوع جرم	فراوانی	درصد
سرقت	۴۲	۳۰,۹
کلاهبرداری	۹	۶,۶
مهریه	۶	۴,۴
معامله و حمل اسلحه	۸	۵,۹
قتل	۱۹	۱۴,۰
آدم ربای	۶	۴,۴
درگیری	۲۰	۱۴,۷
تجاوز	۵	۳,۷
مواد مخدر	۷	۵,۱
تصادف	۱	۰,۷
نزاع دسته جمعی	۴	۲,۹
دیه	۲	۱,۵
جعل	۲	۱,۵
تهدید	۲	۱,۵
چک	۳	۲,۲
جمع	۱۳۶	۱۰۰

بر اساس جدول ۲، مشاهده می‌شود که از جوانان عادی، ۲۱,۵ درصد خیلی کم، ۳۳,۸ درصد کم، ۲۴,۶ درصد متوسط، ۱۱,۵ درصد زیاد و ۸,۷ درصد به میزان خیلی زیاد از حمایت عاطفی برخوردار بوده‌اند. همچنین از جوانان مجرم ۴۵,۶ درصد خیلی کم، ۳۸,۱ درصد کم، ۱۱,۶ درصد متوسط، ۳,۴ زیاد و ۱,۴ درصد به میزان خیلی زیاد از حمایت عاطفی برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره ۲: توزیع افراد عادی و مجرم بر حسب میزان برخورداری از حمایت عاطفی

وضعیت میزان	افراد عادی			افراد مجرم		
	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۷۷	۲۱,۵	۲۱,۵	۶۷	۴۵,۶	۴۵,۶
کم	۱۲۱	۳۳,۸	۵۵,۳	۵۶	۳۸,۱	۸۳,۷
متوسط	۸۸	۲۴,۶	۷۹,۹	۱۷	۱۱,۶	۹۵,۲
زیاد	۴۱	۱۱,۵	۹۱,۳	۵	۳,۴	۹۸,۶
خیلی زیاد	۳۱	۸,۷	۱۰۰	۲	۱,۴	۱۰۰
جمع	۳۵۸	۱۰۰	-	۱۴۷	۱۰۰	-

بر اساس جدول ۳، مشاهده می‌شود که از جوانان عادی، ۲۸,۲ درصد خیلی کم، ۳۹,۵ درصد کم، ۲۰,۱ درصد متوسط، ۸,۸ درصد زیاد و ۳,۴ درصد به میزان خیلی زیاد از حمایت مادی برخوردار بوده‌اند. همچنین از جوانان مجرم، ۷۵,۹ درصد خیلی کم، ۱۷,۲

درصد کم، ۶,۲ درصد متوسط، ۰,۷ درصد زیاد و ۰,۰ درصد به میزان خیلی زیاد از حمایت مادی برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره ۳: توزیع افراد عادی و مجرم بر حسب میزان برخورداری از حمایت مادی

وضعیت میزان	افراد عادی			افراد مجرم		
	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۱۰۰	۲۸,۲	۲۸,۲	۱۱۰	۷۵,۹	۷۵,۹
کم	۱۴۰	۳۹,۵	۶۷,۸	۲۵	۱۷,۲	۹۳,۱
متوسط	۷۱	۲۰,۱	۸۷,۹	۹	۶,۲	۹۹,۳
زیاد	۳۱	۸,۸	۹۶,۶	۱	۰,۷	۱۰۰
خیلی زیاد	۱۲	۳,۴	۱۰۰	۰	۰	-
جمع	۳۵۴	۱۰۰	-	۱۴۵	۱۰۰	-

همان‌گونه که در جدول شماره ۴، مشاهده می‌شود از جوانان عادی، ۲۰,۹ درصد خیلی کم، ۳۶,۹ درصد کم، ۲۲,۳ درصد متوسط، ۱۰,۶ درصد زیاد و ۹,۴ درصد به میزان خیلی زیاد از حمایت اطلاعاتی برخوردار بوده‌اند. همچنین از جوانان مجرم، ۴۷,۶ درصد خیلی کم، ۳۹,۵ درصد کم، ۶,۸ درصد متوسط، ۳,۴ درصد زیاد و ۲,۷ درصد به میزان خیلی زیاد از حمایت اطلاعاتی برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره ۴: توزیع افراد عادی و مجرم بر حسب میزان برخورداری از حمایت اطلاعاتی

وضعیت میزان	افراد عادی			افراد مجرم		
	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۷۳	۲۰,۹	۲۰,۹	۷۰	۴۷,۶	۴۷,۶
کم	۱۲۹	۳۶,۹	۵۷,۷	۵۸	۳۹,۵	۸۷,۱
متوسط	۷۸	۲۲,۳	۸۰,۰	۱۰	۶,۸	۹۳,۹
زیاد	۳۷	۱۰,۶	۹۰,۶	۵	۳,۴	۹۷,۳
خیلی زیاد	۳۳	۹,۴	۱۰۰	۴	۲,۷	۱۰۰
جمع	۳۵۰	۱۰۰	—	۱۴۷	۱۰۰	—

همان‌گونه که در جدول شماره ۵، مشاهده می‌شود از جوانان عادی، ۱۹,۲ درصد خیلی کم، ۴۱,۸ درصد کم، ۲۵,۸ درصد متوسط، ۸,۳ درصد زیاد و ۴,۹ درصد به میزان خیلی زیاد از حمایت اجتماعی برخوردار بوده‌اند. همچنین از جوانان مجرم، ۶۱,۰ درصد خیلی کم، ۲۸,۱ درصد کم، ۱۰,۳ درصد متوسط، ۰,۰ درصد زیاد و ۰,۷ درصد به میزان خیلی زیاد از حمایت اجتماعی برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره ۵: توزیع افراد عادی و مجرم بر حسب میزان بر خورداری از حمایت اجتماعی

وضعیت میزان	افراد عادی			افراد مجرم		
	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۷۰	۱۹,۲	۱۹,۲	۸۹	۶۱,۰	۶۱,۰
کم	۱۵۲	۴۱,۸	۶۱,۰	۴۱	۲۸,۱	۸۹,۰
متوسط	۹۴	۲۵,۸	۸۶,۸	۱۵	۱۰,۳	۹۹,۳
زیاد	۳۰	۸,۳	۹۵,۱	۰	۰	۹۹,۳
خیلی زیاد	۱۸	۴,۹	۱۰۰	۱	۰,۷	۱۰۰
جمع	۳۶۴	۱۰۰	-	۱۴۶	۱۰۰	-

ب) آزمون فرضیه‌ها

جدول شماره ۶: آزمون تفاوت میانگین برخورداری جوانان مجرم و عادی از حمایت عاطفی

متغیر	مقوله	میزان حمایت عاطفی	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری Sig	آزمون یکنواختی واریانس‌ها
وضعیت	عادی	۲,۵۱	۰,۰۹۲	۶,۷۱	۵۰۳	۰,۰۰	۲۲,۵۵
	مجرم	۱,۸۹	۰,۰۰۸۰				

جدول شماره ۶، نتایج آزمون T-Test، تفاوت میانگین میزان حمایت عاطفی در بین پاسخگویان عادی و مجرم را نشان داده است. بر اساس یافته‌های جدول می‌توان گفت که بین میانگین میزان حمایت عاطفی پاسخگویان عادی (۲,۵۱) و میانگین میزان حمایت عاطفی پاسخگویان مجرم (۱,۸۹) تفاوت وجود دارد و این تفاوت معنادار ($p=0,00$) می‌باشد. بدین معنی که میانگین میزان حمایت عاطفی مشاهده شده در بین پاسخگویان عادی بالاتر از پاسخگویان مجرم می‌باشد.

جدول شماره ۷: آزمون تفاوت میانگین بر خورداری جوانان مجرم و عادی از حمایت مادی

متغیر	مقوله	میزان حمایت مادی	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی داری Sig	آزمون یکنواختی واریانس‌ها
وضعیت	عادی	۲,۲۶	۰,۸۸	۹,۶۰	۴۹۷	۰,۰۰	۳۲,۹۹
	مجرم	۱,۵۱	۰,۵۱				

جدول ۷، نتایج آزمون T-Test، تفاوت میانگین میزان حمایت مادی- ایزاری در بین پاسخگویان عادی و مجرم را نشان داده است. براساس یافته‌های جدول می‌توان گفت که بین میانگین میزان حمایت مادی پاسخگویان عادی (۲,۲۶) و میانگین میزان حمایت مادی پاسخگویان مجرم (۱,۵۱) تفاوت وجود دارد و این تفاوت معنادار ($p=0,00$) می‌باشد. بدین معنی که میانگین میزان حمایت مادی مشاهده شده در بین پاسخگویان عادی بالاتر از پاسخگویان مجرم می‌باشد.

جدول شماره ۸: آزمون تفاوت میانگین برخورداری جوانان مجرم و عادی از حمایت اطلاعاتی

متغیر	مقوله	میزان حمایت اطلاعاتی	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی داری Sig	آزمون یکنواختی واریانس‌ها
وضعیت	عادی	۲,۵۱	۱,۰۵	۶,۶۱	۴۹۵	۰,۰۰	۱۹,۶۷
	مجرم	۱,۸۷	۰,۷۷				

جدول شماره ۸، نتایج آزمون T-Test، تفاوت میانگین میزان حمایت اطلاعاتی در بین پاسخگویان عادی و مجرم را نشان داده است. براساس یافته‌های جدول می‌توان گفت که بین میانگین میزان حمایت اطلاعاتی پاسخگویان عادی (۲,۵۱) و میانگین میزان حمایت اطلاعاتی پاسخگویان مجرم (۱,۸۷) تفاوت وجود دارد و این تفاوت معنادار ($p=0,00$) می‌باشد. بدین معنی که میانگین میزان حمایت اطلاعاتی مشاهده شده در بین پاسخگویان عادی بالاتر از پاسخگویان مجرم می‌باشد.

جدول شماره ۹: آزمون تفاوت میانگین میزان حمایت اجتماعی در بین پاسخگویان مجرم و عادی

متغیر	مقوله	میزان حمایت اجتماعی	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی داری Sig	آزمون یکنواختی واریانس‌ها
وضعیت	عادی	۲,۴۵	۰,۵۴۲	۹,۲۲۶	۵۰۹	۰,۰۰	۲۱,۱۷
	مجرم	۱,۷۶	۰,۵۵۲				

جدول شماره ۹، نتایج آزمون T-Test، تفاوت میانگین میزان حمایت اجتماعی در بین پاسخگویان عادی و مجرم را نشان داده است. براساس یافته‌های جدول می‌توان گفت که بین میانگین میزان حمایت اجتماعی پاسخگویان عادی (۲,۴۵) و میانگین میزان حمایت اجتماعی پاسخگویان مجرم (۱,۷۶) تفاوت وجود دارد و این تفاوت معنادار ($p=0,00$) می‌باشد. بدین معنی که میانگین میزان حمایت اجتماعی مشاهده شده در بین پاسخگویان عادی بالاتر از پاسخگویان مجرم می‌باشد.

جدول شماره ۱۰: آزمون پیرسون رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی و جرم

جرم	متغیر
۰,۱۵۹ **	حمایت عاطفی
۰,۱۶۵ **	حمایت مادی
۰,۱۶۵ **	حمایت اطلاعاتی
۰,۱۹۸ **	حمایت اجتماعی

** معنی‌دار در سطح یک درصد

جدول شماره ۱۰، براساس آزمون پیرسون به بررسی رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی و جرم پرداخته است. بر اساس نتایج جدول رابطه معکوس و معناداری بین دو متغیر وجود دارد و با توجه به سطح معناداری ۰,۰۱ با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین ابعاد متفاوت حمایت اجتماعی و جرم رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. یعنی با بالا رفتن سرمایه اجتماعی میزان جرم کاهش می‌یابد با توجه به ضریب همبستگی (۰,۱۵۹-) برای رابطه حمایت عاطفی، ضریب همبستگی (۰,۱۶۵-) برای حمایت مادی، ضریب همبستگی (۰,۱۶۵-) برای حمایت اطلاعاتی و ضریب همبستگی (۰,۱۹۸-) برای میزان حمایت

اجتماعی می‌توان گفت که میزان همبستگی مشاهده شده ضعیف البته با سطح معناداری ۰,۰۱ و با ۹۹ درصد اطمینان معنادار است.

ج) رگرسیون لجستیک

برای نشان دادن تأثیر متغیر مستقل حمایت اجتماعی بر متغیر وابسته جرم (عادی و مجرم) از مدل رگرسیون لجستیک استفاده کردیم. همان‌طور که در جدول شماره ۱۱، مشاهده می‌شود حمایت اجتماعی رابطه منفی و معناداری با احتمال مجرم بودن افراد دارد. به عبارت دیگر هر چه میزان حمایت اجتماعی بیشتر باشد احتمال مجرم بودن افراد کمتر است.

جدول شماره ۱۱: تحلیل رگرسیون احتمال مجرم بودن افراد

متغیر	B	Wald	S.E.	df	Sig.	Exp(B)
حمایت اجتماعی	-۱,۵۱۶	۶۳,۵۵۵	۰,۱۹۰	۱	۰,۰۰۰	۰,۲۲۰
مقدار ثابت	۲,۲۱۵	۳۴,۱۶۸	۰,۳۷۹	۱	۰,۰۰۰	۹,۱۶۱

با توجه به ضریب منفی متغیر حمایت اجتماعی (۱,۵۱-) می‌توان گفت که با افزایش میزان حمایت اجتماعی احتمال مجرم بودن افراد کاهش می‌یابد. از جانب دیگر ضریب نمایی ($Exp(B)$) نشان می‌دهد به ازای یک واحد افزایش در حمایت اجتماعی نسبت احتمال مجرم بودن به احتمال مجرم نبودن، این نسبت به ۹,۱۶ درصد تقلیل پیدا می‌کند. به عبارت دیگر با افزایش حمایت اجتماعی احتمال مجرم بودن پایین می‌آید. بر مبنای مقدار ثابت و ضریب B می‌توان معادله بهینه رگرسیون لجستیک را به شرح زیر نوشت:

$$\text{میزان حمایت اجتماعی} = ۲,۲۱ + (-۱,۵۱) \times \text{برتری لگاریتمی}$$

جدول شماره ۱۲: حساسیت مدل در تعیین افراد مربوط به یک وضعیت

Nagelkerke R Square	Cox & Snell R Square	-2 Log likelihood	Step
۰,۲۳۶	۰,۱۶۵	۵۲۱,۳۴۶	۱

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود R^2 نشان می دهد که حمایت اجتماعی حدوداً ۱۶ درصد از احتمال مجرم بودن افراد را تبیین می کند.

جدول ۱۳، حساسیت مدل در تعیین افراد مربوط به یک گروه را نشان می دهد. بر اساس نتایج به دست آمده مدل ۹۰,۹ درصد در تعیین و تمیز افراد عادی و ۳۱,۳ درصد، در تعیین و تمایز افراد مجرم به درستی عمل نموده است.

جدول شماره ۱۳: درصد صحت پیش بینی مدل

مشاهده شده		پیش بینی		
		وضعیت		
		عادی	مجرم	درصد صحت
	عادی	۳۳۱	۳۳	۹۰,۹
	مجرم	۱۰۱	۴۶	۳۱,۳

بحث و نتیجه گیری

توجه به رابطه حمایت اجتماعی و آسیب های اجتماعی، سلامت روانی و تسریع در فرایند بهبودی در بین بیماران از مدت ها قبل مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. اما رابطه آن با جرم و آسیب های اجتماعی کمتر مورد عنایت محققان قرار گرفته است هر چند دورکهایم در کتاب خودکشی تلویحاً و ذیل بحث همبستگی اجتماعی به اثرات سودمند و بازدارندگی حمایت اجتماعی اشاره می کند. زیرا حمایت اجتماعی می تواند حوادث منفی

زندگی را کاهش داده و به مثابه "چتر دفاعی" در مقابل عوامل استرس‌زای زندگی اجتماعی عمل می‌کند و در تناسب با نظریه فشار عمومی اگنیو با کاهش فشارهای اجتماعی می‌تواند در کاهش ارتکاب جرم از جانب جوانان مؤثر باشد. از جهت دیگر پیکل^۱ (۱۹۹۴) فراهم آوردن حمایت مناسب در مراحل حساس چرخه زندگی یک راهبر مؤثر بازدارنده در پیشگیری از شکل‌گیری بیماری‌های روانی است. با توجه به حساسیت مرحله جوانی به لحاظ روانی- اجتماعی دریافت حمایت و یا ادراک حمایت اجتماعی از جانب جوانان در این مقطع سنی می‌تواند با تقویت کنترل اجتماعی و تقلیل فشارها بر کاهش جرم مؤثر باشد و از جانب دیگر با تقویت احساس کفایت و تقویت خود پنداره موجب بهبود عملکرد برنامه و دوره‌های بازپروری خواهد شد.

یافته‌های توصیفی تحقیق حاضر نشان داد که سرقت با ۳۰,۹ درصد، درگیری با ۱۴,۷ درصد و قتل با ۱۴,۰ درصد به ترتیب بیشترین درصد را در بین جرائم به خود اختصاص داده بودند.

نتایج تحقیق نشان داد که میزان برخورداری جوانان عادی از حمایت اجتماعی (۲,۴۵) نسبت به جوانان مجرم (۱,۷۶) بیشتر بوده‌است. نتایج آزمون T معناداری این تفاوت را تأیید نمود. ضرایب همبستگی پیرسون بیانگر وجود رابطه معکوس و معنادار بین میزان برخورداری از حمایت اجتماعی و جرم می‌باشد. به این معنا که هرچه میزان حمایت اجتماعی بیشتر باشد ارتکاب به جرم کمتر است و بالعکس. این یافته با یافته‌های تحقیق ورمزیار (۱۳۸۷) همسو است. از جانب دیگر یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون لاجستیک نشان می‌دهد که میزان برخورداری از حمایت اجتماعی در کاهش ارتکاب به جرم مؤثر است و بنابر یافته‌های جدول شماره ۱۰، مشخص شد که به ازای یک واحد افزایش در حمایت اجتماعی نسبت احتمال مجرم بودن به احتمال مجرم نبودن، این نسبت به ۹,۱۶ درصد تقلیل پیدا می‌کند. به عبارت دیگر با افزایش حمایت اجتماعی احتمال مجرم بودن

^۱. Paykel

پایین می‌آید. بنابر جدول شماره ۱۱، حمایت اجتماعی چیزی حدود ۱۶ درصد از احتمال مجرم بودن افراد را تبیین می‌کند و در نهایت متغیر مستقل حمایت اجتماعی، ۹۰,۹ درصد در تعیین و تمیز افراد عادی و ۳۱,۳ درصد، در تعیین و تمایز افراد مجرم به درستی عمل نموده است و در مجموع ۷۳,۸ درصد از مجموع افراد مجرم و عادی را به درستی تفکیک نموده است. ضعف تمیز و تشخیص متغیر مستقل حمایت اجتماعی در مورد گروه جوانان مجرم را می‌توان به بافت سستی حوزه مورد مطالعه و ملاقات‌های عمومی از زندانیان نسبت داد، زیرا سیستم عشیره‌ای حاکم و اهمیت پیوندهای قومی منجر به ملاقات‌های مکرر، احساس همدردی با افراد مجرم به صورت مسقیم و غیرمستقیم شده که این وضعیت به یقین در کاهش قدرت تمیز متغیر مستقل حمایت اجتماعی تأثیرگذار بوده است. این در حالی است که در حین پرسشگری شرایط قبل از زندان مورد توجه بوده است که به دلیل آنیت تجربه به احتمال پاسخ‌های واقعی دریافت نشده باشند البته پرسش از گذشته همیشه مشکلاتی از این دست را به وجود خواهد آورد.

در مجموع، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین حمایت اجتماعی و جرم و فرضیات فرعی تحقیق تأیید شدند. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که با تقویت منابع حمایتی سه‌گانه - اطلاعاتی، عاطفی و مادی - در جامعه می‌توان احتمال ارتکاب به جرم را کاهش داد.

منابع

- آخوندی، احمد (۱۳۷۶)، بررسی رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده با سازگاری اجتماعی دانش آموزان شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۵)، جامعه شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
- ایاز، علی (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم؛ مطالعه تجربی جوانان عادی و مجرم شهر ایلام، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- بخشی پور رودسری، عباس و همکاران (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی با سلامت روان در دانشجویان»، فصلنامه اصول بهداشت روانی، شماره ۲۷ و ۲۸: ۱۴۵-۱۵۲.
- بیکر، ترز. ال (۱۳۸۱)، نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر روشن.
- پناغی، لیلی و دیگران (۱۳۸۷)، «همسرآزاری و سلامت روانی: نقش حمایت اجتماعی و راهبردهای مقابله»، مجله ایرانی روانشناسی تحولی، شماره ۱۷: ۶۹-۷۹.
- پورمحمد، معصومه و دیگران (۱۳۸۶)، «ارتباط بین فعالیتهای سیستم مغزی- رفتاری، حمایت اجتماعی و افسردگی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۶: ۲۲۳-۲۴۶.
- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۴)، «گسترش نقش زنان در جهت حمایت های شغلی- خانوادگی»، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۴: ۱۲۶-۱۶۵.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۳)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آن.

- عبداللهی، محمد و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶)، «سرمایه اجتماعی در ایران: وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۲۵: ۱۹۵-۲۳۴.
- عریضی، فروغ و همکاران (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی؛ مطالعه موردی: زنان استان مازندران»، **فصلنامه المپیک**، شماره ۷۶: ۱۰-۸۶.
- علیوردی‌نیا، اکبر و دیگران (۱۳۸۶)، «مطالعه جامعه‌شناختی بزهکاری: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۲: ۸۳-۱۱۱.
- لاور، رابرت (۱۳۷۳)، **دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی**، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مارموت، مایکل و ویلکینسون، ریچارد (۱۳۸۷)، **حمایت اجتماعی و همبستگی اجتماعی؛ مولفه‌های اجتماعی سلامت**، ترجمه علی منتظری، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۳)، **بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی.
- محسنی‌تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، **وندالیسم (مبانی روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی)**، تهران: نشر آن.
- مشکاتی، محمدرضا و مشکاتی، زهرالسادات (۱۳۸۱)، «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۳: ۲-۲۵.
- معتمدی، سید هادی (۱۳۸۶)، «اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران»، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۲۴: ۳۴۷-۳۴۸.

- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، **انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها**، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- نیسی، عبدالکاسم؛ شهنی بیلاق، منیجه و فراشبندی، افسانه (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه ساده و چندگانه متغیرهای عزت نفس، اضطراب عمومی، حمایت اجتماعی ادراک‌شده و سرسختی روانشناختی با اضطراب اجتماعی دختران دانش‌آموز پایه اول دبیرستان‌های شهرستان آبادان»، **مجله علوم تربیتی و روانشناسی**، شماره ۱۳: ۱۵۲-۱۳۷.
- ورمزیار، مهدی (۱۳۸۷)، **بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری نوجوانان**، رساله کارشناسی‌ارشد، جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران.
- Colvin, M. & F. T. Cullen & T. Vander en (۲۰۰۲), "Coercion, Social Support, And Crime: an Emerging Theoretical Consensus", **Criminology**, No ۱: ۱۲۳-۱۵۰.
- Davis, N. J. & C. Stases (۱۹۹۰), **Social Control of Deviance: A Critical Perspective**, New York: Mc Grow-Hill.
- Diane L, G. & P. Elizabeth (۲۰۰۷), "Crime Victims: What Is the Role of Social Support? ", **Journal of aggression, maltreatment & trauma**, No ۱۵: ۹۷-۱۱۳.
- Kessler, R. C., Price, R. H. & C. B. Worthman (۱۹۸۵), "Social Factor in Psychology: Stress, Social Support and Coping Processes", **Annual Review Psychology**, No ۳۶: ۱۲۰-۱۴۱.
- Sacco, V. F. (۱۹۹۳), "Social Support and the Fear of Crime", **Canadian Journal of Criminology**, No ۳۵: ۲۵-۴۰.

- Schaefer, C., Coyne, J. C., & R. S. Lazarus (۱۹۸۱), "The Health Related Function Social Support", **Journal of Behavior Medicine**, No ۴: ۷۰-۹۶.
- Siegel, L. J. (۲۰۰۱), **Criminology: Theories, Pattern and Typologies**, Wads Worth, a Division of Thomson, Learning. Inc. Web: <http://www.Thomsonrights.com>.
- Sung, J. J. & B. R. Johnson (۲۰۰۳), "Strain, Negative Emotion and Deviant Coping among African Americans: a Test of General Strain Theory", **Journal of Quantitative Criminology**, No۱: ۷۹-۱۰۶.
- Yap, M. B. H. & G. J. Devilly (۲۰۰۳), "The Role of Perceived Social Support in Crime Victimization", **Clinical Psychology Review**, No۲۴: ۱-۱۴.

تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین با نگرش ویژه بر

شهر خمین

محمدباقرعلیزاده اقدام^۱، حمیده محمدامینی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۳۱)

چکیده

پدیده حاشیه‌نشینی پدیده‌ای شهری است که با توجه به رشد شهرنشینی بی‌رویه در جهان، ایران و وجود مهاجرت‌های روستا - شهری شکل گرفته و گسترش یافته است، حاشیه‌نشینی به عنوان برهم زننده تعادل فیزیکی شهرها، نشان‌دهنده توسعه ناموزون شهری و منطقه‌ای است و دغدغه بسیاری از متخصصین شهری، جامعه‌شناسان، معماران و غیره است. در این تحقیق حاشیه‌نشینی در شهر خمین مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق را حاشیه‌نشینان شهر خمین تشکیل داده‌اند و از میان کل جمعیت حاشیه‌نشین شهر خمین ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول کوکران تعیین شده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که مهاجرت از روستاها به اطراف شهر خمین مهم‌ترین عامل حاشیه‌نشینی بوده است و پس از آن پسران‌های شهری مانع ورود افراد به شهرها شده است. همچنین احساس حاشیه‌نشینی بر حسب جنسیت افراد متفاوت نیست و زنان و مردان، به لحاظ احساس حاشیه‌نشینی، وضعیت یکسانی دارند. همچنین در بحث پیامدهای ناشی از این پدیده (حاشیه‌نشینی) مشخص شد که بین گرایش به مشارکت و احساس حاشیه‌نشینی رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد.

کلمات کلیدی: حاشیه‌نشینی، مهاجرت، گرایش به مشارکت اجتماعی، گرایش به مشارکت سیاسی.

^۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز، aghdam1351@yahoo.com

^۲. مدرس دانشگاه پیام نور محلات

بیان مسئله

تاریخچه حاشیه‌نشینی در جهان به نوعی به انقلاب صنعتی و به تبع آن به رشد شهرها گره خورده است. حاشیه‌نشینی چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، مستقیماً متأثر از نحوهٔ صنعتی شدن شهرها بوده است. در کشورهای توسعه‌یافتهٔ کنونی، ابتدا کارخانه‌ها به علت نیازشان به منابع آبی و امکانات حمل و نقل در درون شهرها ایجاد شدند و به همین سبب مهاجرین روستایی و طبقات فقیر شهری را به مرکز شهرها کشاندند. با انتقال کارخانه‌ها به بیرون شهرها و توسعهٔ حومه‌نشینی برای طبقات متوسط و بالای جامعه، فقرا در مراکز شلوغ و کثیف شهری باقی ماندند تا آنچه ما امروزه از آن، به عنوان «حاشیه‌نشینی» یاد می‌کنیم، نه در اطراف شهر، بلکه در مراکز شهرهای بزرگ پدید آمد (ممتاز، ۱۳۷۹: ۴۶-۴۸). ولی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، که صنعت نه محصول توسعه درون‌زا، بلکه وارداتی بوده است، حاشیه‌نشینی از همان آغاز به اطراف شهرها هدایت شد. (پیران، ۱۳۸۰: ۳۱) و مهاجران وارد شده از روستاها و شهرهای کوچک به خاطر گران بودن زمین شهری در اطراف شهرها ساکن شدند.

شروع این پدیده در ایران تقریباً به دهه ۴۰ و خصوصاً پس از اصلاحات ارضی باز می‌گردد، که سبب شد مهاجرت روستا-شهری افزایش یابد. این در حالی است که پس از وقوع انقلاب نیز بر اثر تحولات صورت گرفته در این مقطع، شروع جنگ عراق علیه ایران و تداوم سیاست تمرکزگرایی به تداوم شهرنشینی بی‌رویه و به تبع آن افزایش حاشیه‌نشینی در شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ منجر شد.

خمین نیز از جمله شهرهای ایران بوده است که مثل بسیاری از شهرهای ایران در دو سه دهه اخیر شاهد تجربه این پدیده در پیرامون خود بوده است. رشد شهرنشینی ناشی از مهاجرت و به تبع آن ساخت‌وسازهای بی‌رویه و غیرقانونی، موجب گسترش حاشیه نشینی در اطراف شهر خمین شده است. بنابراین مقاله حاضر به دنبال بررسی پدیده حاشیه نشینی در شهر خمین بوده است.

چارچوب نظری

مفهوم حاشیه‌نشینی معانی و اسامی گوناگونی برای خود دارد و اغلب، به مساکن فاقد خدمات و نیازهای اولیه انسانی اطلاق می‌شود (گروبر و دیگران، ۲۰۰۵: ۳). ظاهراً اولین تعریفی که درباره حاشیه‌نشینی ارائه شده است، به سال ۱۸۱۲ برمی‌گردد که در آن، حاشیه‌نشینی به مکان‌های شلوغ و مراکز جرم‌خیز اطلاق می‌شد. به‌هرحال، طی دهه ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۰، فقرا در چنین مناطقی زندگی می‌کردند. حاشیه‌نشینی در دوره کلاسیک، منطقه‌ای بدنام و متمایز از سایر مناطق بود. در این دوره، اصلاح‌گرایان بیشتر با چارلز بوت^۱ موافق بودند که مناطق حاشیه‌نشین را معجونی از خانه‌های فرسوده، با تراکم زیاد جمعیتی، فقر و ضعف تعریف می‌نمود. برای لیبرال‌های قرن نوزدهم، ابعاد اخلاقی مسئله اهمیت داشت. از نظر اینان، مناطق حاشیه‌نشین بیش از همه، به عنوان مکان‌هایی با پسماندهای اجتماعی و فساد و مراکز غیراخلاقی و شلوغ بوده است. هر چند بعدها محققین و نویسندگان عرصه حاشیه‌نشینی، تعریف کلاسیکی از حاشیه‌نشینی را مد نظر داشتند - مناطقی با تراکم زیاد جمعیتی، فقر و خانه‌های غیررسمی، دسترسی نابرابر به آب سالم و لوله کشی شده و تصرف غیرقانونی زمین، ولی افتراهای عصر ویکتوریایی را کنار گذاشتند (دیویس، ۲۰۰۴: ۱۳). شرادر^۲ (۲۰۰۴) نیز به ویژگی غیررسمی حاشیه‌نشینی اشاره می‌کند که نتیجه‌ای از موقعیت ساکنان غیر قانونی، اما غالباً قابل تحمل است (گروبر، ۲۰۰۵: ۳).

حاشیه‌نشینی به عنوان یک مسئله اجتماعی پیچیده در بستری از تعاملات که متأثر از عوامل بسیاری است شکل می‌گیرد، که بعضاً تشخیص بسیاری از این عوامل بسیار دشوار است. در این زمینه، پل میدوز^۳، مهاجرت را عامل اصلی حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه می‌داند و معتقد است که در کشورهای در حال توسعه، شهرهای بزرگ مناطق حاشیه‌نشین درند. این شهرها با سیل عظیم مهاجرین روستایی روبه‌رو هستند و شهر به عنوان متوقف‌کننده در مورد آنها عمل می‌نماید. بعضی از مهاجرین خوشبخت، می‌توانند از دروازه

^۱. Charles Booth

^۲. Sherader

^۳. Paul Meadows

های طلایی شهر عبور کنند و خود را با شهر تطبیق دهند، ولی بعضی از آنها نمی‌توانند با شهر سازگاری پیدا کنند و در نتیجه، پشت دروازه‌های شهر مناطق حاشیه‌نشین را تشکیل می‌دهند. تعداد افراد در حاشیه‌ها و خصوصیات آنها متفاوت است و اندازه حاشیه‌ها به محیط آنها و حجم مهاجرین بستگی دارد. همچنین فرهنگ و وضع حاشیه‌نشینان با افراد شهری تفاوت دارد، امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه، یورش حرکت جمعیت از روستا به شهر را تجربه می‌کنند. نامتوازی و نابرابری سطح زندگی در روستا و شهر خود به حاشیه‌نشینی منجر می‌شود. مهاجرت روستاییان به شهرها، پس از مدتی شهرها را اشباع می‌کند و سازمان‌ها و مسئولین کنترل‌کننده شهری نیز از پذیرش آنها عاجز می‌مانند و تعدادی از روستائیان، نمی‌توانند خود را با محیط وفق دهند و جذب حاشیه شهری می‌شوند (حسین‌زاده، نواح و اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۱۱۱ به نقل از زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹).

بحث‌های نظری درباره مهاجرت روستایی به شهر، تاریخ طولانی دارد و پیشینه آن دست‌کم به دهه ۱۸۸۰ بازمی‌گردد که راونشتاین^۱ طرح «قوانین مهاجرت» خود را پیشنهاد کرد. طبق این قوانین، مهاجر از منطقه‌ای که در آن، فرصت‌های کمتری وجود دارد، به مناطقی می‌رود که فرصت‌های زیادی در دسترس باشد. گزینش این منطقه به کمک عنصر فاصله انجام می‌پذیرد، زیرا مهاجر تمایل دارد به مکان‌هایی که نزدیک‌ترند مهاجرت کند (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۲۳).

«نظریه جذب و دفع» که به نظریه تفاوت‌ها و کشش و رانش نیز معروف است، مبنای تئوریک خود را بر اندیشه توسعه ناهماهنگ شهر و روستا و تضاد میان این دو بخش از حیات بشری قرار می‌دهد (تقوی، ۱۳۷۱: ۶۰).

اورت اس لی در مقاله‌ای با عنوان «نظریه مهاجرت»، که در سال ۱۹۶۶ ارائه داد، درباره حجم مهاجرت، جریان متقابل مهاجرت و خصوصیات فرد مهاجر نکاتی را بیان کرد. از نظر لی، مهاجرت به عنوان تغییر مکان دائمی یا موقت تلقی می‌شود و هیچ محدودیتی برای

^۱. Ravenstein

مسافت حرکت یا اختیاری و اجباری بودن ماهیت این عمل و هیچگونه تفاوتی میان مهاجرت داخلی و خارجی وجود ندارد.

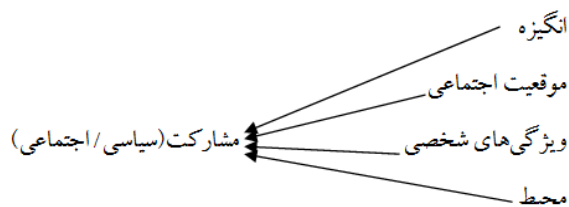
از دیدگاه لی، به طور کلی چهار عامل اصلی در مهاجرت دخیلند، که عبارتند از: عوامل موجود در مبدأ، عوامل موجود در مقصد، موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد، و عوامل شخصی. در هر مبدأ و مقصدی، مجموعه‌ای از عوامل مثبت (جاذبه‌ها) و عوامل منفی (دافعه‌ها) وجود دارند که در نگاه داشتن فرد در یک منطقه یا مهاجرت او موثرند؛ مثلاً برخورداری مقصد از وجود امکانات آموزشی، اشتغال و درآمد بیشتر در مقایسه با مبدأ، مهاجرت را تشویق می‌کند و برعکس آلودگی محیط زیست، بالا بودن سطح هزینه‌های زندگی، دوری از خانواده و محیط و فرهنگ بومی از عوامل دافعه مهاجرتند.

مهاجر با مقایسه عوامل جاذبه و دافعه در مبدأ و مقصد، تصمیم می‌گیرد مهاجرت کند. عناصر مثبت فرد را نکه می‌دارد و دیگران را از مناطق دیگر جذب می‌کند و برعکس، علائم منفی افراد را به مهاجرت وادار می‌کند، صفر نیز جزو عوامل خنثی است، یعنی جزو عوامل جاذبه یا دافعه محسوب نمی‌شود. حجم ناخالص مهاجرت به میزان عوامل منفی و مثبت در مبدأ و مقصد بستگی دارد.

عوامل دیگری که در مهاجرت تاثیر می‌گذارند عوامل شخصی‌اند، نظیر سن مهاجر، جنس مهاجر، میزان مهارت مهاجر، و یا نژاد و وابستگی سیاسی و تعلقات قومی مهاجر (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۲۹).

اگر مهاجرت را از علل رشد و گسترش حاشیه‌نشینی بدانیم، مشارکت اجتماعی و کیفیت آن از پیامدهای حاشیه‌نشینی است. مشارکت در امور شهر و محله از جمله مواردی است که در کیفیت زندگی و سالم‌سازی محیط نقش اساسی دارد. از نظر میلبراث و گوئل مشارکت به چهار عامل بستگی دارد: انگیزه، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و محیط اجتماعی/سیاسی؛ مثلاً هراندازه فرد بیشتر در معرض انگیزه‌های سیاسی مانند بحث درباره سیاست بوده باشد و یا به اطلاعات سیاسی دسترسی داشته باشد، احتمال مشارکت سیاسی او بیشتر می‌شود. موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت

سنجیده می‌شود که بر میزان مشارکت بسیار تأثیرگذار است. محیط یا زمینه نیز بسیار مهم است، از این نظر که مثلاً فرهنگ سیاسی ممکن است مشارکت یا اشکال خاصی از مشارکت که پسندیده است (مثل شرکت در انتخابات) را تشویق کند یا مانع آن شود (برداشت آزاد از راش، ۱۳۷۷: ۱۳۵).



در بحث میلبراث، بر تأثیر دو مجموعه مهم از عوامل مربوط به مشارکت فردی در امور سیاسی تأکید می‌شود:

(۱) وضعیت (پایگاه) اقتصادی-اجتماعی

(۲) مرکزیت اجتماعی

افرادی که سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت را با علائق و منافع خود مرتبط می‌دانند و بر این باورند که با اعمال‌شان به طور انفرادی یا جمعی می‌تواند بر تصمیمات حکومت اثر بگذارند، می‌کوشند این اثرگذاری را داشته باشند. تحصیلات عالی، وضعیت اجتماعی و درآمد غالباً با این برداشت‌ها و شیوه تفکری همراهند.

وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتر، خود راهی به سوی سیاست می‌باشد

مرکزیت اجتماعی راه دوم است. افرادی که زمانی طولانی مقیم یک جامعه‌اند، اموال و املاکی دارند، عضو سازمان‌های مختلفند، و یا به تعبیر دیگر افرادی که کاملاً با جامعه خود آمیخته شده و هماهنگ‌اند به احتمال زیاد به لحاظ سیاسی/اجتماعی فعال خواهند بود (فیروزجائی‌ان، ۱۳۸۰).

میزان مشارکت بیشتر	میزان مشارکت کمتر
--------------------	-------------------

تحصیلات بیشتر و به ویژه آموزش عالی	تحصیلات کمتر، به خصوص تحصیلات ابتدایی یا متوسطه
طبقه متوسط	طبقه کارگر/ پایین
مردان	زنان
مسن‌ترها به ویژه میان سالان	جوان‌ترها
متأهل	مجرد
ساکنان شهری	ساکنان روستایی
اقامت طولانی مدت	اقامت کوتاه‌تر
مشارکت اجتماعی و عضویت در گروه‌ها و سازمان‌ها	مشارکت اجتماعی کمتر یا عضویت در گروه‌های هم‌سنگ
اکثریت قومی	اقلیت‌های قومی

جدول ۱: نظر میلبراث و گوئل در مورد مشارکت

پیشینه‌ای بر تحقیقات و مطالعات حاشیه‌نشینی

صنعتی شدن، وقوع تحولات شهری توسعه سریع و ناموزون شهرنشینی مهاجرت-های فزاینده روستاییان به شهرها عوارضی از جمله، فاصله طبقاتی، تجمع ثروت در دست عده‌ای و فقر عده‌ای کثیر، حاشیه‌نشینی و سکونت در شهرها را در پی داشته است. در ایران روند این پدیده (حاشیه‌نشینی) بعد از وقوع اصلاحات ارضی و ناکارآمدی اقتصاد کشاورزی روستاها به وقوع پیوست؛ چنان که در یک بررسی گسترده، که در ۱۳۵۱ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام شد، مشخص گردید که ۹۱ درصد از سرپرست‌های خانواده‌های حاشیه‌نشین در تهران، روستایی بوده‌اند و ۷۲ درصد آنان قبلاً در شمار دهقانان بودند و ۵۹ درصد از آنها خرده مالک بوده‌اند.

- «حاشیه‌نشینی، علل و ناهنجاری‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی آن» عنوان پایان نامه‌ای است که نصیری در سال ۱۳۸۳ تالیف کرد. محقق در این پژوهش بر این باور است که توسعه فیزیکی شهرها از مشکلات شهر و شهرنشینی در دوران معاصر است که طی آن محدوده فیزیکی شهر افزایش می‌یابد و به تبع آن مشکلاتی از جمله حاشیه نشینی را به وجود می‌آورد و در پایان محقق به این نتیجه رسیده است که از جمله مهم ترین عوامل رشد و گسترش حاشیه‌نشینی در منطقه مورد مطالعه (شهر زاهدان)، مهاجرت بی‌رویه افغانه به این شهر و نرخ بالای رشد جمعیت در آن بوده است. (نصیری: ۱۳۸۳).

- «تحلیلی بر علل ساختاری مهاجرت، شهرنشینی و اسکان غیررسمی در ایران با نگرش ویژه بر کلان‌شهر مشهد» عنوان مقاله‌ای است که خاکپور و هادی‌زاده بزاز در سال ۱۳۹۱ نوشتند. نتایج تحقیق این دو محقق نشان می‌دهد که با برنامه‌ریزی منسجم و توزیع عادلانه سرمایه، جمعیت و فرصت‌های اقتصادی می‌توان موجبات تعادل فضایی و کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگ و به تبع آن اسکان غیررسمی را کاهش داد. (خاکپور و هادی‌زاده بزاز، ۱۳۹۱: ۹۷).

- «حاشیه‌نشینی و مسائل اجتماعی و فرهنگی آن در شهرها» (مطالعه موردی محله غلام تپه شهرستان آزاد شهر) نام مقاله‌ای است که در سال ۱۳۹۰ شریفی‌نیا نوشت و در این مقاله به منظور بررسی پدیده حاشیه‌نشینی و مسائل اجتماعی و فرهنگی آن در شهرها، از شاخص‌های مربوط به مسائل اجتماعی و فرهنگی که شامل فقر، مشارکت اجتماعی، تنوع فرهنگی استفاده کرده است و در نهایت به این نتیجه رسیده است که همه شاخص‌های مربوط به مسائل اجتماعی و فرهنگی معنادار است و بر متغیر حاشیه‌نشینی تأثیرگذار می‌گذارد. (شریفی‌نیا، ۱۳۹۱: ۹۴).

فرضیه‌های تحقیق

بین توجیهات مهاجرتی و احساس حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد.
میانگین احساس حاشیه‌نشینی بر حسب جنسیت افراد تفاوت معنی‌داری دارد.

بین گرایش به مشارکت اجتماعی با احساس حاشیه‌نشینی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق در این پژوهش از نوع کاربردی است، وجود هدف و مقصود خصیصه‌ای است که سبب می‌شود کوشش افراد برای کسب اطلاعات و دانش به تحقیق کاربردی منجر شود. دانشی که از این طریق به دست می‌آید راهنما و دستورالعملی برای فعالیتهای عملی خواهد بود، لیکن این خصیصه سبب شده است که یافته‌های تحقیق کاربردی، به میزان زیادی قائم به زمان و مکان باشد. روش اجرای تحقیق نیز به روش پیمایشی^۱ است. همچنین از نظر وسعت این پژوهش پهناگر و از نظر زمانی بررسی مقطعی است که در زمان خاصی (۱۳۸۹-۹۰) انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق، حاشیه‌نشینان شهر خمین بوده‌اند که برای مطالعه آنها ۳۸۴ نفر به طریق فرمول کوکران انتخاب شده‌اند و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، بررسی شده‌اند. (نمونه‌گیری خوشه‌ای به این شکل بوده است که ابتدا مناطق حاشیه‌نشین مشخص گردیدند، سپس از هر منطقه، محله‌هایی و بعد از هر محله، کوچه‌هایی و در نهایت از هر کوچه خانه‌هایی به شکل تصادفی انتخاب و فردی از آن خانه‌ها به پرسش‌نامه تحقیق جواب داده‌اند).

$$n = \frac{t^2 d}{d^2} = \frac{1.96^2}{0.05^2} 0.5 * 0.5 = 384.16$$

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مطالعه در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در سطح آمار توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. در سطح استنباطی متناسب با سطح سنجش داده‌ها و فرضیه‌ها، آزمون‌های آماری از نوع آزمون‌های پی‌رسون، t برای دو گروه مستقل استفاده شده است. ابزار تجزیه و تحلیل نرم‌افزار spss بوده است.

^۱ . survey method

معرفی جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر مناطق سه‌گانه حاشیه‌نشین خمین است که این مناطق به صورت کمربندی سراسری و ممتد در جنوب، جنوب غربی و شمال شرق این شهر واقع شده است. نام این مناطق عبارتند از:

۱. منطقه گوشه، احمد آباد (عظیم)

۲. منطقه فیروزآباد

۳. منطقه محسن آباد

با توجه به عکس‌های هوایی تهیه‌شده از این مناطق، بزرگ‌ترین منطقه حاشیه‌نشین، منطقه گوشه و کوچک‌ترین آنها محسن آباد است. همچنین وجه تسمیه این مناطق به این نام‌ها نیز به علت روستاهایی بوده است که در اطراف این مناطق واقع شده‌اند. چنان که از تحقیق میدانی این پژوهش برمی‌آید، می‌توان علت اصلی شکل‌گیری این مناطق را پایین بودن قیمت زمین نسبت به خود شهر دانست، که این عامل تقریباً مهم‌ترین و موثرترین محرک در شکل‌گیری این مناطق بوده است.

نتایج تحقیق

مناطق حاشیه‌نشین شهر خمین تراکم زیاد جمعیتی در مناطق و خانوارها بوده دارد؛ همچنین استفاده از مصالح کم‌دوام و فقدان فضاهای سبز و باز عمومی در سطح محله‌های این مناطق و دسترسی سخت واحدهای مسکونی این مناطق به شبکه‌های اصلی شهری از ویژگی‌های کلی این مناطق است.

نتایج توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که ۶۹/۲ درصد از ساکنین مناطق حاشیه‌نشینی از روستاها به این مناطق مهاجرت کرده‌اند، ۲۴/۶ درصد نیز از سایر شهرها و یا از سایر مناطق شهر به این سکونت‌گاه‌ها آمده‌اند. بنابراین اکثریت ساکنین روستاییانی هستند که به شهر

خمین مهاجرت کردند و از طرفی به دلیل ضعف بنیه اقتصادی و گران بودن زمین و مسکن در شهر خمین نتوانستند به متن و داخل شهر وارد شوند و ناگزیر در حاشیه زندگی می‌کنند. مطالعه سطح سواد و تحصیلات ساکنین در این مناطق نشان می‌دهد که اکثریت آنها (۶۷/۱ درصد) تحصیلات ابتدایی و پایین‌تر دارند. (۳۰/۴٪ بی‌سواد، ۳۶/۷٪ دارای تحصیلات ابتدایی) در حالی که فقط درصد کمی تحصیلات بالاتر داشته‌اند (۲۶٪ سطح راهنمایی، ۴/۲٪ در سطح متوسطه، ۱/۸٪ دیپلم، و ۶٪ فوق‌دیپلم و بالاتر تحصیل کرده‌اند). نتایج توصیفی نشان داد که ۶۶/۶ درصد از افراد مورد مطالعه، مالک زمین و ساختمان مسکونی‌شان بوده‌اند و ۲۶/۶ درصد مستأجر، ۱ درصد ساختمان متعلق به خودشان، ولی مالکیت زمین از آن فرد دیگری بوده است. ۱/۶٪ ساختمان‌شان مالکی نداشته و مجانی در آن زندگی می‌کرده‌اند و ۳/۴٪ خانه متعلق به اقوامشان بوده است و آنها در آن اجاره‌نشین‌اند. ۲۱/۱٪ خانه متعلق به اقوامشان بوده است و آنها در آن مجانی زندگی می‌کرده‌اند.

مطالعه وضعیت شغلی ساکنین مناطق حاشیه شهر خمین نشان می‌دهد که حدود ۱۹/۸٪ از ساکنین این مناطق کارگر روزمزد و ۴/۷٪ شاغل در بخش دولتی و ۷/۶٪ شاغل در بخش خصوصی و ۱۲/۵٪ از آنها کشاورز و ۴۷/۱٪ از آنها خانه‌دار (زنان) و ۸/۳٪ از آنها بیکار بوده و شغلی نداشته‌اند.

با توجه به نوع مشاغلی که عنوان شد، افراد پاسخگو یا فاقد شغل‌اند، یا کارگر یا خانه‌دار و یا شاغل در بخش خصوصی‌اند، که همه این مشاغل تقریباً فاقد امنیت شغلی و درآمد بالاست. این موضوع به خوبی در وضعیت درآمد ساکنین منعکس شده است و به ضعف بنیه اقتصادی آنها منجر شده است. از نظر درآمد حاصل از شغل ۲۵/۵٪ پاسخگویان درآمدی کمتر از ۱۵۰ هزار تومان و ۳۹/۶٪ از آنها درآمدی معادل با ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان داشته‌اند و ۳۱/۸٪ از آنها درآمدی بین ۳۰۰ تا ۴۵۰ هزار تومان داشته‌اند و تنها ۳/۱٪ از این افراد درآمدی بالاتر از ۴۵۰ هزار تومان دریافت می‌کرده‌اند.

با توجه به اطلاعات به دست آمده از پاسخگویان ۳۸/۵٪ از آنان شیوه جبران تفاوت درآمد و هزینه‌های خود را با قرض کردن از دیگران، ۱۸/۹٪ از آنها هزینه‌های خود را به کمک اقوام و ۱۲/۱٪ از آنها تحت پوشش سازمان کمیته امداد بوده‌اند و ۱۷٪ از طریق تولیدات خانگی و ۱۳/۵٪ نیز روش‌های دیگر را برای تأمین جبران تفاوت درآمد و هزینه‌های خود بیان کرده‌اند.

حاشیه‌نشینی و توجیهات مهاجرتی

برای بررسی رابطه بین احساس حاشیه‌نشینی و توجیهات مهاجرتی، با توجه به اینکه نوع متغیرهای به کار رفته برای سنجش این آزمون از نوع فاصله‌ای بوده‌اند، از آزمون ۲ پیرسون استفاده شده است. در این فرضیه متغیر مستقل توجیهات مهاجرتی است که شاخص‌های سنجش آن، پایین بودن قیمت زمین، نزدیکی به محل کار، کسب شغل بهتر، بیکاری در منطقه قبلی، و دستیابی به درآمد بیشتر است. نتایج نشان می‌دهد که احساس حاشیه‌نشینی در سطح معنی‌داری $sig=0.000$ با توجیهات مهاجرتی رابطه معنی‌داری دارد. ضریب همبستگی ۰/۳۱۱ بود که رابطه مستقیم و متوسطی را بین احساس حاشیه‌نشینی و توجیهات مهاجرتی نشان می‌دهد و بیانگر این نکته است که با افزایش توجیهات مهاجرتی، احساس حاشیه‌نشینی نیز افزایش می‌یابد. نتایج بررسی این فرضیه در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: نتیجه آزمون همبستگی رابطه بین توجیهات مهاجرتی و احساس حاشیه‌نشینی

تحلیل همبستگی رابطه بین توجیهات مهاجرتی و حاشیه‌نشینی		
جاذبه‌های مقصد مهاجرت		
ضریب همبستگی	۰/۳۱۱**	احساس حاشیه‌نشینی
سطح معناداری	/۰۰۰	
تعداد مشاهدات	۳۶۹	

جنسیت و احساس حاشیه‌نشینی

برای بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین احساس حاشیه‌نشینی بر حسب جنسیت، با توجه به اینکه نوع متغیرهای به کار رفته برای سنجش این متغیر از نوع فاصله‌ای و اسمی بوده‌اند، از آزمون t استفاده شده است. نتایج توصیفی آزمون نشان می‌دهد که میانگین احساس حاشیه‌نشینی برای مردان (۲۱/۳) و برای زنان برابر با (۲۱/۵) بوده است و این نشان می‌دهد که در بین زنان احساس حاشیه‌نشینی بودن بیشتر از مردان بوده است. اما نتیجه استنباطی آزمون با سطح معنی‌داری $\text{sig}=717$ که بیشتر از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ است. نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری بین میانگین‌ها وجود ندارد و زنان و مردان به لحاظ احساس حاشیه‌نشینی در شرایط یکسانی قرار دارند. نتایج بررسی این فرضیه در جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳: نتیجه آزمون t دو گروه مستقل معنی‌داری تفاوت بین جنسیت و احساس حاشیه‌نشینی

جنسیت	تعداد مشاهدات	تفاوت میانگین	T	DF	SIG
احساس حاشیه‌نشینی	مرد	۱۹۰	۲۱/۳۳۱۶	۳۸۲	۰/۷۱۷
	زن	۱۹۴	۲۱/۴۵۸۸		

احساس حاشیه‌نشینی و گرایش به مشارکت اجتماعی

برای بررسی رابطه میان احساس حاشیه‌نشینی با گرایش به مشارکت اجتماعی، با توجه به نوع متغیرها که فاصله‌ای‌اند، از ۲ پرسون استفاده شده است: در این فرضیه متغیر مستقل حاشیه‌نشینی است که برای سنجش آن، از شاخص‌هایی استفاده شده است همچون: موقعیت افراد به لحاظ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، روابط اجتماعی، برخورداری از امکانات شهری، و مشارکت در اداره شهر. همچنین برای سنجش متغیر گرایش به مشارکت اجتماعی، که در این فرضیه به عنوان متغیر وابسته فرض شده است، از شاخص‌هایی استفاده شده است، چون کار جمعی و مشارکتی ضریب اشتباهات را کاهش می‌دهد؛ کار جمعی و مشارکتی موجب افزایش کارایی می‌شود. برای حل مشکلات باید از دیگران کمک گرفت. هر فردی مسئول زندگی و کار و بار خودش است نه مسئول مشکلات دیگران. شرکت در فعالیت‌های مختلف فایده‌ای ندارد، حاصل این همه کار چیست؟ می‌انگارند چه کار بکنیم چه نکنیم امور جامعه پیش می‌رود، پس در فعالیت‌های جمعی شرکت نمی‌کنند چون گمان می‌کنند در بهبود امور تأثیرگذار نیستند.

نتایج نشان می‌دهد که احساس حاشیه‌نشینی در سطح معنی‌داری $\text{sig}=/0.15$ با گرایش به مشارکت اجتماعی رابطه دارد. ضریب همبستگی -0.127 بود که نشان‌دهنده رابطه معکوس و ضعیفی بین احساس حاشیه‌نشینی و گرایش به مشارکت اجتماعی وجود دارد و این بیانگر این است که با افزایش احساس حاشیه‌نشینی، گرایش به مشارکت اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان کاهش پیدا می‌کند. نتایج بررسی این فرضیه در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: نتیجه آزمون همبستگی رابطه بین گرایش به مشارکت اجتماعی و احساس حاشیه‌نشینی

مشارکت اجتماعی		
*- ۰/۱۲۷	ضریب همبستگی	احساس حاشیه- نشینی
۰/۰۱۵	سطح معناداری	
۳۶۵	تعداد مشاهدات	

بحث و نتیجه‌گیری

شهرنشینی، به عنوان شیوه غالب سکونتی انسان قرن بیست و یکمی، امروزه با رشد شتابانی در حال گسترش است. رشد جمعیت شهرها تنها یک عامل از عوامل تأثیرگذار بر رشد شهرنشینی بوده است. تمرکزگرایی و توسعه ناموزون منطقه‌ای نیز از جمله مواردی بوده است که زمینه را برای مهاجرت روستائیان به شهرها و به تبع آن، رشد و گسترش شهرها فراهم نموده است. در این اثنا به دلیل پایین بودن سطح مهارت، تحصیلات و درآمد مهاجرین که به سبب بالا بودن قیمت زمین، امکان جذب شدن در متن شهر را از دست می‌دهند و از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در حاشیه مانده‌اند و جذب مناطق حاشیه‌ای شهر می‌شوند.

چنان که نتایج توصیفی تحقیق نشان می‌دهد، حدود ۶۹/۲ درصد از ساکنین این مناطق از روستا و در حدود ۲۴/۶ درصد از آنها از شهرها به این سکونت‌گاه‌ها مهاجرت کرده‌اند. پس اکثر حاشیه‌نشینان شهر خمین منشأ روستایی دارند. همچنین ۹۳ درصد آنها تحصیلات راهنمایی و پایین‌تر از راهنمایی دارند.

همچنین نتایج توصیفی نشان می‌دهد که شغل اکثر زنان حاشیه‌نشین خانه‌داری و شغل مردان کارگری و کار در بخش غیررسمی بوده است، همچنین بیش از ۶۵ درصد حاشیه‌نشینان درآمدی پایین‌تر از ۳۰۰ هزار تومان دارند.

از آزمون فرضیه‌های پژوهش این نکات برمی‌آید که بین جاذبه‌های مهاجرت و احساس حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد و این حکایت از آن دارد که هر اندازه جاذبه‌های مهاجرت افزایش یابد، میزان حاشیه‌نشینی نیز، به عنوان پی‌آیند آن، افزایش می‌یابد که در راستای تحقیقات نصیری (۱۳۸۳) و هادی‌زاده بزاز و خاکپور (۱۳۹۱)، می‌توان گفت مهاجرت و پس‌ران‌های شهری در این پژوهش به عنوان عوامل اصلی پدیدآورنده و تشدیدکننده حاشیه‌نشینی در این سه منطقه مطالعه شده‌اند.

آنچه از نتایج مربوط به پیامدهای حاصل از حاشیه‌نشینی برمی‌آید این نکته را ثابت می‌کند که بین دو متغیر مشارکت اجتماعی و احساس حاشیه‌نشینی رابطه معکوسی وجود

دارد و این شاید بدان معناست که با افزایش میزان حاشیه‌نشینی به لحاظ فیزیکی، احساس حاشیه‌نشینی اجتماعی نیز به وجود می‌آید که بر این فرضیه نیز در پژوهش‌هایی که شریفی نیا (۱۳۹۰) انجام داده تأکید شده است.

پس می‌توان گفت که افزایش توجیهات مهاجرتی موجب افزایش حاشیه‌نشینی و افزایش احساس حاشیه‌نشینی موجب کاهش مشارکت اجتماعی حاشیه‌نشینان می‌گردد. لذا برای کاهش حاشیه‌نشینی توجه به توسعه متوازن منطقه‌ای و عدم تمرکزگرایی خدمات و اشتغال در مناطق شهری امری اساسی است، تا جلوی مهاجرت‌های بی‌رویه و غیراصولی به شهرها گرفته شود.

منابع

- پاپلی یزدی، محمدحسین، رجبی‌سناجردی، حسین (۱۳۸۲)، *نظریه‌های شهر و پیرامون*، تهران: انتشارات سمت.
- پیران، پرویز (۱۳۸۰)، «تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۶: ۲۷-۴۸.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۱)، *نظریه‌های مهاجرت*، تبریز: ستوده.
- حسین‌زاده، علی‌حسین؛ نواح، عبدالرضا و اسماعیلی، مرتضی (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر حاشیه‌نشینی در شهر بهبهان»، *فصلنامه توسعه انسانی*، شماره ۴: ۱۰۳-۱۳۰.
- خاکپور، براتعلی و هادی‌زاده بزاز، مریم (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر علل ساختاری مهاجرت، شهرنشینی و اسکان غیررسمی در ایران با نگرش ویژه بر کلان‌شهر مشهد»، دانشگاه مشهد: چهارمین کنفرانس مدیریت و برنامه‌ریزی شهری.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹)، *حاشیه‌نشینی*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- شریفی‌نیا، زهرا (۱۳۹۱)، «حاشیه‌نشینی و مسائل اجتماعی و فرهنگی آن در شهرها»، *مطالعه موردی: محله غلام‌تپه شهرستان آزادشهر*، دانشگاه مشهد: چهارمین کنفرانس مدیریت و برنامه‌ریزی شهری.
- فیروزجائیان گلوگاه، علی‌اصغر (۱۳۸۰)، *بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- نصیری، یوسف (۱۳۸۳)، *حاشیه‌نشینی، علل و ناهنجاری‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی آن* (مورد مطالعه کریم آباد زاهدان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ممتاز، فریده (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی شهر*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- هاروی، دیوید (۱۹۷۳)، *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

- Gruber , Denis, et al (۲۰۰۵), “**Living and Working in Slums of Mumbai**”, Internet-Fassung, April, Otto-von-Guericke-Universität Magdeburg.
- Davis, Mike, (۲۰۰۴), «Planet of Slums » (**Urban Involution and the Informal Proletariat**), New Left Review, No. ۲۶. pp۵-۳۴

فصلنامه مطالعات قرآنی، مجله تابان / دوره اول شماره تابان ۱۳۹۱: ۱۳۹-۱۷۲

بررسی گرایش دختران دانشجو به حجاب و بدحجابی

نعمت‌الله کرم‌اللهی^۱، محمد آقاسی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۱۰)

چکیده

وضعیت پوشش زن ایرانی پس از دوره مشروطه یعنی همزمان با دوران برخورد فرهنگ ایرانی با فرهنگ غربی- دوران تجدد- دستخوش تغییر و در برخی موارد تحول شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و توجه به ارزش‌های اصیل اسلامی و ریشه‌های فرهنگ ایرانی، احیا و اشاعه فرهنگ حجاب و عفاف مجدداً در دستورکار سیاست‌گذاران فرهنگی کشور قرار گرفت. به رغم تلاش‌های گوناگون، همچنان نگرانی‌هایی در این خصوص مطرح است و جریان‌های مختلف پیشنهاد‌های گوناگونی را برای گسترش حجاب و مقابله با مظاهر بدحجابی ارائه می‌کنند. متولیان فرهنگی در مراکز آموزشی و دانشگاهی به گسترش فرهنگ حجاب همت گمارده‌اند و برنامه‌هایی نیز در این خصوص اجرا کرده‌اند. در مقاله حاضر با استفاده از روش گروه کانونی، موضوع گرایش دختران به انتخاب پوشش کامل و یا روی‌گردانی از آن، بررسی و تحلیل شده است. جمعیت و نمونه آماری این تحقیق را دختران دانشجو تشکیل می‌دهند. یافته‌های تحقیق نشان‌گر سطح پایین آگاهی دانشجویان و نیز ضعف استدلال عقلی و علمی آنان در انتخاب یا انکار حجاب است. به این معنا که بیشتر شرکت‌کنندگان در جلسات بحث، در تأیید حجاب یا مخالفت با آن با اتخاذ مواضع احساسی، نظر خود را در باب گرایش یا عدم گرایش خویش به حجاب بیان می‌کردند.

کلمات کلیدی: پوشش، حجاب، گروه کانونی، دختران دانشجو، مصاحبه مشارکتی

^۱. استادیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، n.karamollahi@yahoo.com

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

مقدمه

زنان به عنوان نیمی از جامعه و عهده‌دار تربیت نیمه‌ای دیگر، از مهم‌ترین نیروهای اجتماعی تأثیرگذار در ساخت تاریخ و حدوث تحولات مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه به شمار می‌روند. در جامعه برخوردار از فرهنگ دینی، ضمن قائل شدن جایگاه ویژه برای زنان، انتظارات گوناگونی از آنان نیز مطرح است که از جمله آن می‌توان به مراعات پوشش در عرصه اجتماع اشاره کرد. البته داشتن پوشش نه امری تازه، بلکه امری دیرپا است که بشر در ادوار مختلف تاریخ و در جوامع گوناگون به آن التزام داشته است.

به گواهی تاریخ، در جامعه و فرهنگ ایرانی، زنان فارغ از نوع پوشش، همواره در محیط‌های عمومی بدن و سر خویش را می‌پوشیدند و مناقشه جدی بر سر پوشیدگی زن در ایران، امری متأخر و همزاد جریان‌های تجدیدطلبی در سده‌های اخیر است. پیرامون پوشش ابتدایی ایرانیان ویل دورانت می‌گوید که ایرانیان جز دو دست، بازگذاشتن سایر قسمت‌های بدن را خلاف ادب می‌شمردند، و به همین علت سر تا پای ایشان با سربند یا کلاه، یا پاپوش پوشیده بود (ویل دورانت، ۱۳۶۵: ۴۱۳). ظاهراً این پوشش در میان زنان و مردان رایج بوده است. این همسانی و پوشیدگی لباس زنان و مردان را در سایر دوره‌های تاریخی نیز می‌توان دید. مثلاً در دوران افشاریه و زندیه، لباس زنان تقریباً شامل قطعات لباس مردان بود، پیراهن بلندی معمولاً بر روی دیگر لباس‌ها پوشیده می‌شد. زنان در زیر آن چاقچور بر تن داشتند؛ آن‌ها حتی از جلو صورتشان هم دستمال سفید می‌آویختند (حجازی، ۱۳۸۵: ۲۲۴-۲۲۶).

در دوران قاجاریه لباس زنان ایرانی، تا پیش از مسافرت‌های ناصرالدین شاه به فرنگ، عبارت بود از پیراهنی کوتاه و ارخالقی از آن کوتاه‌تر که برای پوشاندن بالای تنه به کار می‌رفت و زیرجامه‌ای که تا پشت قدم‌ها را می‌پوشاند. در زمستان کلبه‌ای هم برای حفظ سرما بر آن اضافه می‌شد. سرپوش زن‌ها هم چارقدی بود که سر و موهای بافته بلند آن‌ها را می‌پوشاند. هنگام بیرون رفتن از خانه چنین می‌پوشیدند: چاقچوری که

زیرجامه در آن بگنجد بر پا و چادر سیاهی بر سر و روبندی از پارچه سفید، با قلابه جواهر که از پشت سر آن‌ها می‌درخشید، به صورت می‌زدند. مسافرت شاه به فرنگ و دیدن لباس بالرین‌های پترزبورگ که شلوار بافته چسبان نازکی به پا می‌کردند و زیر جامه‌ی بسیار کوتاهی به اندازه یک وجب روی آن پوشیده و روی انگشت پا با موزیک می‌رقصیدند، شاه هوسناک را بر آن داشت که زن‌های حرم خود را به این لباس درآورد، مد لباس خانم‌ها هم همیشه از اندرون شاه بیرون آمده ابتدا به شاهزاده خانم‌ها و زنان اعیان و بعد به سایرین سرایت می‌کرد (مستوفی، ۱۳۷۱: ۵۱۱).

براساس شواهد تاریخی، اولین نشانه‌های کشف حجاب از دربار ناصرالدین شاه قاجار آغاز شد. مسافرت‌های شاه به اروپا و مشاهدات وی از وضعیت پوشش زنان اروپائی در انتقال فرهنگ آن دیار به دربار و سپس به جامعه تأثیر به‌سزایی داشت. رفته رفته موضوع کشف حجاب در قالب تجددخواهی به محافل روشن‌فکری و اشعار شعرا نفوذ کرد و در مطبوعات منعکس شد. این روند تا جایی ادامه یافت که در دوران پهلوی اول به کشف حجاب منجر شد و پهلوی دوم به تعمیق و نهادینه‌سازی مبانی و اندیشه‌های آن پرداخت. بر اساس اسناد تاریخی، روند گسترش و نهادینه‌سازی بی‌حجابی در جامعه ایرانی یک طرح استعماری است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۸).

با پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور مطالبات اجتماعی برای اجرای احکام اسلام، موضوع حجاب به عنوان یک فریضه دینی در دستورکار کارگزاران فرهنگی جامعه قرار گرفت و از همان ابتدا مجموعه‌ای از اقدامات سلبی و ایجابی در زمینه ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب اجرا شد. به رغم گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب و دغدغه مسؤولان فرهنگی در این زمینه، همچنان موضوع حجاب و سازوکارهای مقابله با مظاهر بدحجابی، به عنوان یک آسیب و مسأله اجتماعی، مبتلابه محسوب می‌شود. این مسأله اجتماعی به نوبه خود ریشه در مسائل اجتماعی بنیادی‌تری دارد که اصلاح آن نیازمند اتخاذ سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی داهیان و واقع‌نگرانه است. زیرا حجاب به مثابه رسانه‌ای نمادین و کنشی اجتماعی، از یک سو تحت تاثیر ساختارهای فرهنگی،

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و از سوی دیگر، متأثر از کنشگران اجتماعی اعم از زن و مرد است. گرچه موضوع بدحجابی از سوی متولیان فرهنگی و رسانه‌های جمعی با عناوینی چون ازدگی در برابر فرهنگ بیگانه، گسترش فساد، تضعیف اعتقادات و تقیدات دینی در جامعه مطرح و از پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن با تعبیری مانند بروز ناامنی، اختلال در نظم روابط جنسی، افزایش آزار جنسی، عوارض جسمانی، آسیب‌های روانی، تزلزل بنیان خانواده و... یاد شده است؛ اما این سؤال مطرح می‌شود که چرا به‌رغم تأکیدات فوق، برخی با نادیده گرفتن حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی از مراعات حجاب در محیط‌های بیرونی استنکاف می‌ورزند؟

در این مقاله تلاش شده است تا نوع نگاه دختران دانشجو به موضوع حجاب و نقش عواملی چون خانواده، دوستان، رسانه و... در انتخاب نوع پوشش آنان بررسی شود. در فرآیند این تحقیق پاسخ سؤالات زیر پی گرفته شد:

- نوع نگاه دانشجویان دختر به موضوع حجاب چگونه است؟ آیا انتخاب نوع پوشش از سوی آنان مبتنی بر آگاهی است، یا مبنای عقلانی و مستدلی برای آن ندارند؟ برای دریافت پاسخ شرکت‌کنندگان به این سؤال، بحث را با این سؤال آغاز کردیم که: «آیا حجاب محدودیت است یا مصونیت؟»

- عوامل مؤثر بر انتخاب نوع پوشش از سوی دانشجویان دختر چیست؟ به منظور یافتن این عوامل از نوع روابط آنها با جنس مخالف و نیز عواملی مانند طبقه اجتماعی و نوع مصرف فرهنگی و رسانه‌ای پرسشگردیم.

- جایگاه و نقش خانواده در انتخاب پوشش مناسب و یا نامناسب از سوی شرکت‌کنندگان چیست؟

پیشینه تحقیق

یکی از جامع ترین تحقیقات پیرامون حجاب با عنوان «نگرش زنان به انواع پوشش‌های رایج» به کارفرمایی سازمان تبلیغات اسلامی (فرجی، ۱۳۸۴) انجام شده است. در این پژوهش مروری بر ادبیات نظری و تجربی کلیه کارهای پیرامون پوشش بانوان گردهم آمده است. این پژوهش‌ها ویژگی‌هایی دارند مانند:

۱- پژوهش‌های تاریخ محور: محقق معتقد است، تعداد پژوهش‌های غیرتاریخی انجام شده در این حوزه بسیار محدود و اندک است.

۲- پژوهش‌های پیمایش‌محور: در اندکی از کارهای انجام شده از روش‌های کمی و آماری استفاده شده است و از پرسش‌نامه بهره برده‌اند و همچنین روش‌های کیفی را به کار نگرفته‌اند.

۳- پژوهش‌های مردم‌محور: در این پژوهش‌ها به نگاه مرد توجه شده است و یا پیرامون حجاب بانوان از مردان سؤال شده است، حال آنکه پوشش لزوماً امری زنانه نیست.

۴- پژوهش‌های شتاب‌محور: در این پژوهش‌ها نوعی شتاب برای رسیدن به مشکلات توجه به حجاب دیده می‌شود که نتیجه آن غفلت از عمق مطالب بوده است.

۵- پژوهش‌های دولت‌محور: اغلب نهادهای دولتی به پژوهش در این حوزه پرداخته‌اند.

این مقاله می‌کوشد تا در فضایی متفاوت از پیشینه، به تحقیق و پژوهش بپردازد. از این رو روش به‌کار رفته کیفی است و مخاطب به طور ویژه دختران دانشجو انتخاب شده‌اند. با توجه به دولتی نبودن پژوهش، مخاطبان در فضایی آزاد به اظهار نظر پرداخته‌اند. همچنین تلاش شده است، از تعجیل در رسیدن به نتایج جلوگیری به عمل آید.

چارچوب مفهومی

در تحقیقات توصیفی و کیفی، به جای استفاده از چارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی برای استخراج سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می‌شود. در چارچوب مفهومی، محقق مفاهیم مورد استفاده در دسته بندی و تحلیل داده‌ها را به گونه‌ای روشن تعریف و ابعاد و ویژگی‌های آنان و نیز ارتباط آنها با یکدیگر را توضیح می‌دهد (کرم‌الهی، ۱۳۹۰). در این تحقیق، مفاهیم اصلی که منبعث از مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات پیشین است، به این شرح تعریف می‌شوند:

۱- حجاب/ پوشش/ عفاف: حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه، بیشتر به معنی پرده است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰). واژه حجاب از آن جهت معنای پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است، اما، هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۵). حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰). واژه عفاف نیز با مفهوم حجاب دارای قرابت معنایی است. حجاب و عفاف هر دو به معنی مانع و بازدارنده هستند، با این تفاوت که حجاب مانع و بازدارنده ظاهری است و عفاف مانع و بازدارنده باطن است (پسندیده، ۱۳۸۳: ۱).

۲- مصرف رسانه‌ای: یکی از پدیده‌های رایج جهان معاصر، حضور پررنگ رسانه‌ها در حیات اجتماعی و آثار سازنده یا مخرب آنها بر ساحت‌های گوناگون زندگی - از جمله سبک زندگی - انسان است. تلویزیون، سینما و ماهواره به عنوان رسانه‌هایی پرمخاطب و در دسترس، با داشتن نقش اساسی در ساخت یا تغییر

ذائقه و سلیقه فرهنگی مخاطبان، گرایش آنها را در زمینه مصرف فرهنگی و از جمله مد و سبک پوشش جهت می‌دهند. قابلیت دسترسی به رسانه‌های مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای در کنار جوانی جمعیت ایران، زمینه‌ساز تغییر دیدگاه جوانان از جمع‌گرایی به فرد گرایی و در نتیجه الگوگیری از فرهنگ غرب در ابعاد مختلف سبک زندگی به ویژه شیوه پوشش شده است.

۳- مصرف فرهنگی: به در این مقاله به هر گونه استفاده از کالاهای فرهنگی، مصرف فرهنگی اطلاق شده است.

۴- گروه دوستان یا همالان: پس از خانواده، از گروه همالان به‌عنوان دومین عامل جامعه‌پذیری نام برده می‌شود. معمولاً افراد متعلق به این گروه‌ها از موقعیت نسبتاً مساوی در گروه و روابطی صمیمانه و نزدیک برخوردار هستند. با افزایش نفوذ گروه همسالان، نفوذ والدین رو به کاهش می‌رود. اکثر نوجوانان ترجیح می‌دهند اوقات خود را با همسالان خود بگذرانند.

روش تحقیق

این تحقیق با روش کیفی گروه کانونی^۱ اجرا شده است. بیکر (۱۳۸۸) جذابیت تحقیق اجتماعی را در تلاش برای نیل به درکی روشن‌تر و عمیق‌تر از موضوعی می‌داند که قبلاً شناخت فراوانی نسبت به آن داشتیم، و این دقیقاً همان چیزی است که به نظر فیلک (۱۳۸۷) نیاز ما را برای پرداختن به روش‌های تحقیق کیفی بیش‌تر از قبل می‌کند.

در روش گروه کانونی، اعضای گروه با تمرکز بر یک بحث جمعی، دیدگاه یا تجربه خود را درباب مساله مورد بررسی ارائه می‌کنند. گروه کانونی، شکل مشخصی از روش

^۱ . Focus Group

وسیع‌تر مصاحبه‌های گروهی برای بهره‌گیری از تعاملات گروهی به منظور تولید داده است (محمد پور، ۱۳۸۹).

روش گروه کانونی یک روش کیفی و مناسب برای بررسی ژرفایی جمعیت‌های محدود است. در این روش اطلاعات غنی و پرمایه‌ای درخصوص یک موضوع از یک جمعیت محدود گردآوری و با هدف دستیابی به کنه واقعیت تحلیل می‌شود.

در روش گروه کانونی، جلسات گفتگو و تبادل نظر مشترکی با حضور افراد واجد تخصص یا تجربه درباب یک موضوع و با محوریت یک میانجی^۱ تشکیل می‌شود. هدف تشکیل جلسات گروه کانونی، ارائه راه‌کارهایی برای مواجهه مناسب با یک مسئله و یا دستیابی به ایده‌هایی درباب آن است. در این قبیل جلسات با تعیین یک موضوع خاص به عنوان محور گفتگو، میانجی/مدیر جلسه تمام هم خود را مصروف ایجاد یک فضای تعاملی در میان حضار و استخراج برآیند دیدگاه آنها درخصوص موضوع مورد بحث می‌کند. در این جلسات بحث و تعامل، هرکدام از اعضا در یک فضای گفتگویی آرمانی، فارغ از فشارها و عوامل تحریف‌گر و محدودساز بیرونی، دیدگاه یا تجارب خود درباب موضوع را طرح می‌کند. دیدگاه‌های مطروحه، در یک فضای کاملاً آزاد از سوی دیگر حضار مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد، همان‌گونه که او نیز در بررسی انتقادی نظرات دیگران آزادی لازم را دارد. نتیجه این‌که بسیاری از ایده‌ها و عقایدی که فرد از بازگو کردن آن در حضور دیگران احتراز می‌ورزد، زمینه و فرصت ابراز در فضای تعاملی سازنده ایجاد شده از سوی میانجی/مدیر جلسه را می‌یابد. افزون بر این، فضای تعاملی گروه کانونی فرصت مناسبی را جهت بازخوردگیری و پالایش دیدگاه‌ها در اختیار شرکت‌کنندگان در بحث قرار می‌دهد. به این معنا که افراد ضمن طرح آزادانه افکار خود واکنش دیگران نسبت به آنها را دریافت و امکان پالایش نظرات خود در پرتو دیدگاه دیگران را می‌یابند.

^۱.moderator

بحث گروهی در ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا در جامعه ما یک عنصر فرهنگی قوی تضاد وجود دارد که گاه موجب می‌شود، افراد نه فقط از یکدیگر بدگویی و بر ضد یکدیگر کار کنند، بلکه آنها نتوانند با هم یک بحث سازنده انجام دهند که در پایان آن به توافق نظر و همدلی برسند (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۷۲).

البته روش گروه کانونی به رغم ظاهر ساده و روان، دارای پیچیدگی‌هایی است که از آن جمله می‌توان به مواردی چون: عدم مشارکت در بحث، تبدیل مباحثه گروهی به مجادله و مناظره‌های دو نفره، دور شدن از اصل موضوع، دلخوری‌ها و نگرانی‌ها، عدم ابراز اندیشه و نظر واقعی، احتیاط در سخن گفتن از سوی شرکت‌کنندگان و... اشاره کرد. در این میان، حساس بودن موضوع بحث می‌تواند بر پیچیدگی‌های رفتاری و گفتاری شرکت‌کنندگان در بحث بیافزاید. به رغم دشواری‌های فوق، در تحقیق حاضر برای فهم ژرف و واقع‌نگرانه علل و انگیزه‌های گرایش دانشجویان دختر به پوشش کامل و یا نداشتن پوشش مناسب، با بهره‌گیری از روش گروه کانونی و برگزاری جلسات بحث گروهی مورد بررسی قرار گرفت.

جمعیت آماری این تحقیق شامل دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران است که از میان آنها تعداد ۱۹ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و اطلاعات مورد نیاز تحقیق از آنها گردآوری شد. نمونه‌گیری هدفمند دارای انواعی است که در این پژوهش از «نمونه‌گیری مورد استثنایی یا کرانه‌ای»^۱ استفاده شده است.

در تحقیق حاضر، برای اجرای روش گروه کانونی، ابتدا جمعیت آماری تحقیق برحسب نوع پوشش گونه‌شناسی شد و سپس با برگزاری سه جلسه بحث به روش گروه کانونی با حضور نمایندگان از گونه‌های مختلف، تلاش شد تا دیدگاه‌ها و تجارب دانشجویان درخصوص موضوع حجاب گردآوری و تحلیل شود. همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند، حضور محقق به عنوان میانجی/ مدیر جلسات گروه کانونی

^۱. extreme or deviant case sampling

توانسته است ضمن ایجاد فضای تعاملی سازنده و پیش‌گیری از قطبی شدن بحث، اطلاعات مفیدی درباب انواع دیدگاه‌ها و تجارب دانشجویان دختر درباب حجاب گردآوری نماید.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش ارائه می‌شوند. ابتدا در بخش یافته‌های توصیفی تصویری اجمالی از فضای جلسات گروه کانونی و ویژگی‌های زمینه‌ای اعضای این جلسات ارائه می‌شود. سپس در بخش بعد، مهم‌ترین نکات تحلیلی حاصل از یافته‌های توصیفی استخراج و بیان می‌گردد.

الف) یافته‌های توصیفی

پیش از ترسیم تصویری کلی از ویژگی‌های زمینه‌ای شرکت‌کنندگان در جلسات بحث، تذکر این نکته ضروری است که به دلیل ضرورت پنهان ماندن هویت مشارکت‌کنندگان در جلسات گروه کانونی، در این تحقیق برای هر کدام از مشارکت‌کنندگان یک کد خاص در نظر گرفته شد و در گزارش نظرات آنان از کد مزبور استفاده شده است. اعضای سه گروه کانونی، کاملاً غیرهمگن و از دانشجویان با پوشش‌های متنوع انتخاب شدند. به منظور اطمینان یابی از بداعت و تازگی پاسخ‌های شرکت‌کنندگان و ندادن فرصت «جواب سازی» به آنان، پیش از برگزاری جلسات گروه کانونی، هیچ اطلاعاتی درخصوص موضوع بحث در اختیار دانشجویان قرار نگرفت.

متأسفانه یکی از مشکلاتی که همواره در فرایند اجرای روش گروه کانونی بروز می‌کند، عدم حضور افرادی است که قول شرکت در جلسات بحث را داده‌اند. از این رو تعداد نفرات حاضر در جلسات متفاوت است. نکته دیگر در این تحقیق، عدم تمایل دانشجویان شهرستانی به شرکت در جلسات بحث و برگزاری جلسات با حضور دانشجویان تهرانی است.

اطلاعات ویژگی‌های زمینه‌ای شرکت‌کنندگان در جلسه گروه قانونی که از طریق پرسشنامه‌های جانبی تکمیل شده از سوی آنان استخراج شده، در جدول شماره یک منعکس شده است. بر طبق اطلاعات مندرج در جدول، از پنج نفر شرکت‌کننده در گروه قانونی اول، از حیث نوع پوشش سه نفر مانتویی و دو نفر چادری بودند. محل سکونت دو نفر در مناطق شمال شهر (لویزان و فرمانیه) و سه نفر نیز در مناطق مرکزی شهر قرار داشت. میانگین درآمد خانواده شرکت‌کنندگان ۸۰۰ هزار تومان و میانگین سن آنها نیز ۲۱ سال بود. دو نفر بیننده ماهواره و همگی کاربر اینترنت بودند. چهار نفر دارای سابقه دوستی با جنس مخالف بودند. از نظر سطح ارتباط، دو نفر دارای ارتباط کلامی - عاطفی و دو نفر نیز افزون بر تعاملات کلامی، ارتباط فیزیکی (دست دادن و بوسیدن) محدود نیز برقرار کرده‌اند.

دومین مصاحبه گروهی از جمع متنوع و پرشوری تشکیل شده بود و تعداد آنان نیز قابل توجه بود. در این گروه یک دانشجو ساکن شهر قزوین و مابقی ساکن تهران بودند. علی‌رغم استفاده همگی از اینترنت، تنها سه نفر از شرکت‌کنندگان در منزل ماهواره داشتند. در زمینه دوستی با جنس مخالف نیز نیمی از گروه اعلام کردند که چنین تجربه‌ای را داشته‌اند. کد شماره شش پس از جلسه و اظهار تمایل شخصی، اعلام نمود که دوستی او به روابط جنسی ختم شده است. اما سایرین اعلام داشته‌اند که دوستی آنها در حد روابط کلامی - عاطفی بوده است.

درآمد خانواده‌های گروه دوم از هفتصد هزار تومان تا سه میلیون تومان متفاوت بود، اما سنین آنها بین ۲۱ تا ۲۳ سال بود. همگی شرکت‌کنندگان در این گروه قانونی را دانشجویان مقطع کارشناسی تشکیل می‌دادند.

سومین مصاحبه گروهی با حضور نمایندگان تشکلهای دانشجویی دانشگاه تهران و نیز کانون‌های فرهنگی به عنوان فعالان فرهنگی انجام شد. نمایندگان تشکلهای بسیج دانشجویی، جامعه اسلامی، نماینده سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی، نماینده مدرسه دانشجویی قرآن و عترت و کانون‌های فرهنگی رحل یار و کوثر در این جلسه حضور

داشتند. انگیزه انتخاب این گروه، شناسایی نوع نگرش و رفتار فعالان فرهنگی - اجتماعی دانشگاه در زمینه پوشش و حجاب و تفاوت یا شباهت نگرش و رفتار آنان با سایر دانشجویان بود. از این رو با برقراری تعامل با تشکلهای مزبور از آنان خواسته شد تا یک نفر فعال خانم را برای این نشست معرفی کنند.

مطابق اطلاعات کسب شده همه این دانشجویان چادری، ساکن در منازل مسکونی ملکی در مناطق متوسط شهری، کاربر اینترنت و فاقد سابقه دوستی با جنس مخالف بودند. دو نفر دانشجوی کارشناسی و مابقی نیز در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می-کردند که انتظار می-رفت در این گروه تفاوت‌های تحصیلی، پوششی و سنی را شاهد باشیم. میانگین درآمد ماهانه خانواده آنها ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و میانگین سن آنان نیز نزدیک به ۲۴ سال بود. و سرانجام اینکه به جز یک نفر مابقی بیننده برنامه‌های ماهواره‌ای نبودند. این مصاحبه با این موضوع آغاز شد که آیا تشکل یا گروهی که عضو آن هستید موضع مكتوب و خاصی نسبت به حجاب دارد؟ و تقریباً همه پاسخ منفی می-دانند.

جدول شماره ۱: ویژگی افراد شرکت کننده

A	ویژگی های زمینه ای	اعضای جلسات گروه کانونی							
		۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
بیمه	نوع پوشش	-	-	-	مانتو	چادر	چادر	مانتو	مانتو
	محل سکونت	-	-	-	پیروزی	فرمانیه	خ دماوند	پیروزی	لویزان
	وضع مسکن	-	-	-	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی
	درآمد خانوار اده	-	-	-	۱/۰۰۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰	۷۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰
	ماهواره	-	-	-	بله	خیر	خیر	خیر	بله
	اینترنت		-	-	بله	بله	بله	بله	بله
	سابقه دوستی	-	-	-	بله	بله	خیر	بله	بله
	حد رابطه	-	-	-	دست دادن	عاطفی - کلامی	-	همراه بوسه	عاطفی - کلامی

ادامه جدول شماره ۱

a	ویژگی‌های								گروه قانونی دوم	
	اعضای جلسات گروه قانونی							زمینه‌ای		
نوع پوشش	چادر	مانتو	چادر	مانتو	۴	۵	۶	۷		۸
محل سکونت	بهارسه تان	پیروزی	آزادی	ونک	رسالت	قزوین	شهرک آزادی	تهرانسر		
وضع مسکن	اجاره‌ای	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی		شخصی
درآمد خانوار آده	۳ /۰۰۰/۰۰۰	۲ /۵۰۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰ /۰۰۰ ۱/۵۰۰	۷۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰ ۱	۷۰۰/۰۰۰	۷۰۰/۰۰۰		
ماهواره	خیر	خیر	بله	خیر	خیر	خیر	بله	بله		بله
اینترنت	بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله		بله
سابقه دوستی	بله	بله	بله	خیر	خیر	بله	خیر	خیر		خیر
حد رابطه	عاطفی - کلامی	عاطفی - کلامی	عاطفی - کلامی	-	-	-	رابطه جنسی	-		-

ادامه جدول شماره ۱

ویژگی‌های زمینه‌ای	اعضای جلسات گروه کانونی							A	
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷		۸
نوع پوشش	چادر	چادر	چادر	چادر	چادر	چادر	-	-	گروه کانونی سوم
محل سکونت	نارمک	پیروزی	صادقیه	آزادی	نیرو هوایی	بهاره تان	-	-	
وضع مسکن	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	-	-	
درآمد	۲/۰۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	/۰۰۰ ۱/۰۰۰	۷۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	/۰۰۰ ۱/۵۰۰	-	-	
ماهواره	خیر	خیر	خیر	خیر	بله	خیر	-	-	
اینترنت	بله	بله	بله	بله	بله	بله	-	-	
سابقه دوستی	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	-	-	

ب) یافته‌های تحلیلی

داشتن حجاب از ضروریات دین اسلام است. دین اسلام از سه بعد «اعتقادات»، «اخلاق» و «احکام» تشکیل شده است. در آموزه‌های دین اسلام سه جنبه «معرفتی»، «عاطفی» و «رفتاری» قابل تشخیص است. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴).

با توجه به گفتار فوق، می‌توان نتایج به دست آمده از جلسات گروه کانونی این تحقیق را طبقه‌بندی کرد. تحلیل یافته‌های تحقیق نشانگر ارتباط مباحث مطروحه از سوی اعضای گروه کانونی با ابعاد شناختی و رفتاری موضوع حجاب است. بنابراین در ادامه، یافته‌های تحقیق در قالب دو مبحث «ابعاد شناختی» و «ابعاد رفتاری» ارائه شده‌اند.

۱) ابعاد شناختی

یکی از مشکلات قابل مشاهده در گفتگوهای انجام شده، فقدان استدلال برای داشتن پوشش/حجاب است. با حل شدن فلسفه حجاب یا هر فعل برآمده از دین، می‌توان رفتار پایدار دینی را از افراد جامعه انتظار داشت. در غیر این صورت بدیهی است که شخص نوع دیگر رفتار را پذیرا خواهد بود. بدیهی است که پیامدهای شناخت دینی از دو راه ظهور می‌یابد. یا باعث انجام کاری و یا احتراز از انجام کاری می‌شود که در این تحقیق این دو را به ترتیب «جنبه شناختی مثبت» و «جنبه شناختی منفی» نامیده‌ایم. در جدول شماره دو، مقولات ناظر به ابعاد شناختی و رفتاری (مثبت و منفی) حجاب آمده است. به عنوان یک نمونه، در پاسخ به سوال حجاب مصونیت است یا محدودیت؟ به رغم ارائه پاسخ‌های گوناگون و بعضاً متناقض، تقریباً هیچ استدلال متقاعدکننده‌ای در باب پذیرش یا رد این عبارت از سوی شرکت‌کنندگان ارائه نشد. نظرات ارائه شده در پاسخ به این سوال در گروه کانونی نخست به این شرح بود.

کد شماره ۱ معتقد بود که:

«می‌تواند این مصونیت به وسیله حجاب، از نگاهها اتفاق بیفتد، ولی برای کسانی که حجابهای خیلی بد دارند چنین نگاه‌هایی هم هست».

او در ضمن اینکه خودش را محجبه نمی‌دانست، می‌گفت:

«حجاب من مطابق عرف جامعه است و حجاب من حجاب بدی نیست. البته حاضر نیستم که پوشش کامل خودم رو بردارم چرا که خودم رو مذهبی می‌دونم و دوست دارم که یک چیزی روی سرم باشه. دوست دارم.»

کد شماره ۲ ضمن نقد به دوست هم دانشگاهیش گفت:

«وقتی که بنا شد در جامعه همه پوشش خود رو بردارند دیگه ربطی به دین و این چیزها نداره که. من هم بر خواهم داشت پوششمو.»

همانگونه که مشاهده می‌شود، این سخنان حاکی از شناختی سطحی است که منجر به عدم رعایت پوشش می‌شود. چرا که مراعات حجاب را به عرف و رفتار دیگران محدود می‌سازد.

کد شماره ۳ که پوشش چادر به سر داشت را دارای شناخت مثبت می‌دانیم، چرا که به هیچ وجه حاضر به برداشتن حجابش نبود و در اواخر جلسه نیز هنگامی که بحث به این سمت پیش رفت که اگر روزی اکثریت جامعه پوشش خویش را بردارند با عصبانیت گفت که آن وقت ایران را ترک خواهیم کرد. به نظر او پوشش نه تنها محدودیتی برای او نداشته، بلکه عامل مصونیت‌بخش او نیز بوده است. وی هم چنین با اذعان به انتخاب اعتقادی حجاب، به عدم توجه خود نسبت به خوش‌آمدن یا نیامدن دیگران در این خصوص اشاره کرد.

از کد شماره یک پرسیده شد شما که حجاب را مصونیت نمی‌دانید، آیا برای شما

مشکلی پیش نیامده؟ که در پاسخ گفت:

«چرا بعضی وقتها به چیزایی توی خیابون میگن که از خجالت سرمو پایین می‌اندازم ولی خودم رو قانع می‌کنم که اون مشکل داره و نه من. ولی من دیدم که به چادری هم تیکه انداختند.»

کد شماره ۲ در پاسخ گفت:

«یه خانمی که مانتو و روسری پوشیده یا مانتوی کوتاه، بیشتر از یه خانم چادری تیکه می‌اندازند.»

کد شماره ۵ ادامه داد:

«من زمانی که چادری بودم مصونیت داشتم و الان هم به شرایط بستگی دارد که با چادر جایی برم یا نه. من اگر جایی برم که ببینم که همه مؤمنند حس می‌کنم نگاهها روم سنگینه. اگه جایی باشه که خجالت نکشم پوششمو بر می‌دارم. خیلی از کسانی هم که چادری هستند خواست دلشون نیست، بسته به شرایط این کارو کردند.»

کد شماره ۴ که تا الان سکوت کرده بود به نکته جالبی اشاره نمود و گفت:

«من شاید یه زمانی خیلی با اعتقاد و با فکر چادر سرم نمی‌کردم ولی بعد از رفتن به طرح ولایت با فکر و استدلال قبول کردم که چادر سرم باشه. قبلا ممکن بود که اگر اتفاقی بیفتد من تغییر کنم. همه چیو با دلیل پذیرفتم. قبلا هم اعتقاد داشتم ولی الان خیلی سفت و سخت هستم روی اعتقاداتم.»

وقتی پرسیده شد که اگر کس دیگری هم در این طرح شرکت کند آیا تغییر می‌کند یا نه؟ در پاسخ گفته شد که بستگی به زمینه‌های پیشین فرد دارد و کد شماره یک هم در اینجا گفت که یکی مثل من اصلا تغییر نمی‌کنم. شماره ۵ در اینجا ادامه داد:

«باور کنید اگر اجبار نباشه برای یک نفر اون اینقدر ذهنش باز میشه که دیگه لج و لعبازی نمیشه.»

در گروه کانونی دوم، ابتدا با این سوال بحث آغاز شد که به نظر شما وضعیت فرهنگی دانشگاه چگونه است؟ پس از مدتی بحث بر روی این موضوع، خانم شماره یک تقریباً بر خلاف همه اعضای جلسه، از فضای فرهنگی معاونت فرهنگی دانشگاه و از شیوه برخورد مناسب آنها در امر حجاب و نیز دعوت از همه برای فعالیت در امور فرهنگی دانشگاه تعریف کرد.

از همین جا بود که جرقه بحث‌های بعدی شکل گرفت و شماره دو پرسید که فقط از شما چون چادری هستید دعوت کردند؟ خانم شماره یک که توقع چنین سوالی را نداشت، اظهار بی‌اطلاعی کرد. در اینجا شماره هشت ضمن نامناسب دانستن وضعیت فرهنگی دانشگاه گفت:

«نوع پوشش در دانشکده ما خیلی مهم است. بچه‌ها آنطور که می‌خواهند نمی‌توانند بپوشن چرا که هم کلاسی‌ها چیزهایی می‌گن و بهشون حرف می‌زنن.»
این حرف مؤید این نکته است که در صورت وجود شناخت و آگاهی نسبت به حجاب و روشنی فلسفه آن برای افراد، قضاوت دیگران، عرف جامعه و فشار اجتماعی نمی‌تواند فرد را به کنار گذاشتن آن وادار سازد.
کد شماره دو در ادامه گفت:

«در جلسه‌هایی که گذاشتند برای تغییر نگرش بچه‌ها صرف چیزهایی میشه که زور بیشتر کنند و فشار و بیشتر کنند. مثلاً در دانشگاه ما یک پدیده‌ای هست که بهشون می‌گیم خانم حجاب و اون‌ها موظف هستند که به دانشجویها تذکر بدهند که چه نوع پوششی برای اون‌ها مناسب‌تره. در یک جلسه‌ای رئیس دانشکده گفت که برای بالاتر بردن حجاب در دانشکده ما تلاش کردیم تعداد این افراد رو بیشتر کنیم که این به نظرم اصلاً درست نیست.»

شماره چهار که در دبیرستان شهید مطهری به عنوان یکی از مدارس مذهبی تحصیل کرده بود، در ادامه گفت:

«با توجه به جنبه‌های مختلف و مخصوصاً پوشش کلا در محیط دانشگاه احساس راحتی نمی‌کردم. نه تنها من بلکه همه دوستانم هم اینطور بودیم. با اینکه رشته‌های متفاوتی بودیم ولی بهترین گروه‌های دوستی برای همون دبیرستان بود. من دوست صمیمی هم اگر در دانشگاه دارم برای این بود که عقب نمونم. من ترم اول با کسی دوست نبودم و ساعت یه امتحان بلد نبودم و افتادم. دوست صمیمی الان دارم توی دانشگاه ولی برای اینه که عقب نمونم. فرق داره با دوستیهای دیگه‌ام.»

در اینجا برای فهم نگاه شرکت کنندگان مجدداً سوال مصاحبه قبلی مطرح شد که به نظر شما آیا حجاب مصونیت است یا محدودیت؟
شماره چهار معتقد بود که:

«این جمله میشه کاملتر هم بشه که حجاب هم محدودیت است و هم مصونیت ولی به نظر من مصونیتش بیشتر از محدودیت هست».

شماره دو ضمن ارزیابی خود به عنوان فرد محجبه، اظهار داشت که نویسنده‌ها طوری می‌نویسند که حجاب محدودیت نیست ولی هست و در مصونیت آن هم شکی نمی‌دید و در ادامه گفت:

«یک سری چیزها به خانواده‌ها و پدر و مادرها بر می‌گردد. در همه جوامع و فرهنگ‌های اصیل هم نوعی پوشش بوده و لباس انسان بودن آدم رو می‌رسونه».
دقت در گفته‌های فوق نشانگر آن است که دانشجویان شرکت‌کننده در جلسات گروه کانونی شناخت منطقی و ژرفی از حجاب و مصونیت یا محدودیت بودن آن ندارند. اهمیت این نکته از آن روست که از این افراد به عنوان قشر دانشجو انتظار می‌رود با داشتن شناخت بیشتر از کنش‌های فردی و اجتماعی خود، توانایی استدلال در دفاع از آنها را واجد باشند.

«حجاب در واقع یه چیز اضافه است. نه زاید ها. فک کنید که توی تابستون شما کت و کاپشن توی تابستون بپوشید».

شماره شش ادامه داد:

«همین نوع حجاب تیپیکال ما هم محدودیتیه. همین مانتو که کلیشه هم شده. به نظرم میشه نوعی حجاب داشت و اینطوری هم نبود. به نظر من تقریباً مصونیتیه. حجاب در حدی که یه حریم خصوصی برای خودش داشته باشه کافیه. ولی میشه نوع دیگه داشته باشه. رنگای متنوع و طرحهای دیگه».

شماره دو که با این شرکت‌کننده هم‌کلاسی بود در ادامه گفت که کت و شلوار و کت و دامن از این قبیل است و بعد هم به ذکر نکته‌ای در برخورد بد دانشگاه با آنان پرداخت.

خانم شماره پنج معتقد بود:

«محدودیت هست چرا که برای برخی ممکن است باشد و برای عده ای دیگر هم نه. محدودیت هست به نظر من. ولی جایی ممکن است به نفع من باشد و جایی هم نه. مثلاً خاطرم هست یه جایی رفتم برای تدریس که استخدام بشم. چون اونجا چادر داشتم به من گفتند که میشه توی همونجا باشم ولی بقیه به خاطر نوع پوشش باید میرفتن توی خونه‌ها تدریس می کردن. اینجا به نفع من بود ولی من اینو درست نمی دونم.»

شماره دو ضمن تایید گفت:

«آدم محدود تر بشه سختتر.»

شماره سه در اینجا با تاکید معتقد بود که همه چیز به سمت خانم‌ها برگشته و این در حالی است که باید آقایان هم به این نکته توجه کنند. در همین جا بود که شماره دو دوباره از برخوردهای بد با پوشش‌های نامناسب در دانشگاه یاد کرد. شماره سه هم با استناد به دوستش خانم شماره نه در خرید مانتوهای مناسب گفت:

«در رابطه با همین مصونیت من مانتوی خیلی کوتاه هم نپوشیدم تا بالای زانو حتی یکی دو شماره از سایزم بزرگتر می گیرم. یکی دو سال پیش چادر می پوشیدم ولی تا دلتون بخواد به من تیکه می انداختن. خودم کلی خجالت کشیدم و چادر و کنار گذاشتم.»

شماره یک که در سکوت بود در اینجا گفت:

«من در دوره مدرسه تیکه می شنیدم ولی الان نه و مشکلی هم در دانشگاه در نوع ارتباطم ندارم. محدودیت هم به این بستگی داره که نوع نگاهت چی باشه. محدودیت برام ایجاد شد بعد از داشتن چادر ولی مشکلی نداشتم.»

شماره چهار گفت :

«به نظرم داشتن یا نداشتن چادر مساله تیکه انداختن نیست. من هیچ تیکه ای نشنیدم با توجه به منطقه خونمون. نمی تونه کسی همه منشیهای عفاف و رعایت بکنه و اذیت بشه. من خودم خیلی دیدم که کسی عقیقانه برخورد کرده و اتفاقی نیفتاده.

خود فرد خیلی مهمه ولی جامعه هم فضاش اهمیت داره. شاید در دوره راهنمایی دبیرستان خیلی نمی فهمیدم ولی الان فرق کرده موقعیتیم و بیشتر می فهمم.»

شماره شش در ادامه حرف دوستش اینگونه اشاره کرد و هرچند میان حرفش خیلها حرف زدند گفت که:

«من خودم اعتراف می کنم که بسته به نوع لباسم نوع نگاه آقایون خیلی تغییر می کنه. حتی من از آقایون شنیدم این مطلب و که نوع لباس در نوع نگاه خیلی تغییر میکنه. حرفم اینه که حجابیه واقعا مصونیته. خودت راحتتر هستی. هرچه قدر خودتو بیشتر در معرض دید میذاری بیشتر اذیت میشی.»

شماره سه در اینجا به هیجان آمد و گفت:

«الان همه ما داریم روی حجاب لباس بحث می کنیم. ولی من خودم توی دانشگاه خیلی دیدم که شاید کسی حجاب درستی داره ولی رفتار درستی نداره و بیشتر هم با پسرا ارتباط داره. حجاب رفتار به نظرم یه جاهایی مهمتر از این حجابیه. پوشش گفتار و رفتار و کردار هم باید داشته باشه.»

تقریباً همه شرکت کنندگان هم این مطلب را تایید کردند و شماره هفت گفت:

«همه اینها درست است و به نظر من بادی لنگوییچ {زبان بدن} خیلی مهم هست.»

گروه کانونی سوم را فعالان فرهنگی - اجتماعی یکی از بهترین دانشگاه های کشور تشکیل می دادند. انتظار می رفت نسبت به فلسفه حجاب و پوشش و نیز مصونیت دانستن یا ندانستن آن از طرف نمایندگان تشکلهای فرهنگی حرفهای بیشتری بشنویم. اما این امر آنچنان که باید و شاید اتفاق نیفتاد.

در مجموع، یافته های مربوط به جنبه های مثبت و منفی بعد شناختی حجاب در جدول شماره دو آمده است.

جدول شماره ۲: یافته های تحلیلی؛ جنبه های مثبت و منفی بعد شناختی

<p>۱- مصونیت بودن حجاب و یا اذعان به بیشتر بودن مصونیت</p> <p>۲- ضرورت داشتن منش عفیفانه از سوی خانمها اعم از چادری و مانتویی</p> <p>۳- عدم پابندی استدلالی و اعتقادی به حجاب</p> <p>۴- برقراری ارتباط میان مذهبی بودن و پوشش داشتن</p> <p>۵- تأثیر دوره طرح ولایت در آگاهی بخشی نسبت به انتخاب اعتقادی چادر</p> <p>۶- پرهیز از اجبار و ضرورت دادن شناخت برای انتخاب آگاهانه و آزادانه</p> <p>۷- عدم همدلی با زنان و عدم فهم همدلانه مشکلات آنان</p> <p>۸- ضرورت حضور اجتماعی زنان برای تحقق برخی از اهداف جامعه</p> <p>۹- ضرورت نگاه مبنایی تر به مقوله زن و ماهیت و هدف خلقت انسان</p> <p>۱۰ توجه به تفاوت های زن و مرد</p> <p>۱۱ عدم نگاه ابزاری به زن</p> <p>۱۲ حضور اجتماعی زن به عنوان یکی از فلسفه های حجاب</p>	<p>۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲</p>	<p>۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲</p>
--	---	---

ادامه جدول شماره ۲

<p>۱- درست ندانستن نگاه صوری و ابزاری به حجاب</p> <p>۲- محدودیت بودن حجاب یا در مواقع خاص مثل ورزش</p> <p>۳- حجاب اضافی است نه زاید، مثل لباس بیشتر در تابستان</p> <p>۴- توجیه وضعیت پوشش خود با مشابهت سازی آن با پوشش عرفی جامعه</p> <p>۵- مراعات حجاب به خاطر عرف</p> <p>۶- عدم اعتقاد به چادر به عنوان نماد پوشش اسلامی؛ چادر پوشش عهد قجر است</p> <p>۷- تلقی از چادر به عنوان نماد انسان مؤمن. و عدم انتخاب چادر به دلیل عدم توانایی در انطباق کامل خود با رفتارهای مورد انتظار از یک مؤمن</p> <p>۸- تلقی بدحجابی به عنوان نماد طبقه اجتماعی خاص (مرفه و تحصیلکرده)</p> <p>۹- نداشتن تعریف صحیح از حجاب</p>	<p>پیشینه</p>	<p>۱-۲ ۳-۴ ۵-۶ ۷-۸ ۹-۱۰</p>

۲) ابعاد رفتاری

همانطور که گفته شد علاوه بر ابعاد شناختی، شیوه رفتار دانشجویان درخصوص حجاب هم قابل بحث و بررسی است. حتی در برخی موارد می‌توان تناقض میان شناخت و رفتار را مشاهده کرد. آنچه بیشتر در این بخش دیده شد، تاثیر محیط اجتماعی و خانوادگی بر نوع پوشش است. به این معنا که بسیاری از رفتارهای بدحجابانه متأثر از محیط زندگی و زیست‌جهان فرد است. به نکته‌ای که یکی از شرکت‌کنندگان در گروه کانونی دوم گفته توجه شود:

«من مادرم چادری هستند و بارها شده که با هم کنار یک بوتیک بریم و اون در مغازه رو ببند و بگه که ما جنس نداریم یا اندازه ایشون نداریم و براش یه کمبود بود که به ما جنس بفروشه. اینا برای من اهمیت نداره ها. حالا شما شناس آوردی دیگه. من یه مهد کودک کار می‌کردم. محجبه ترین آدمی که می‌اومد اونجا کت و شلوار می‌پوشید و روسری لبنانی و ادکلون تکمیل. بچه ها اذیتش می‌کردن بچه رو که مادرت کچله و زشته. چادر و چاقچور پوشش عهد قجره به نظر من. هیچ لزومی نداره من مثل قجریا لباس بپوشم.»

و درست در نقطه مقابل خانم شماره هفت ادامه داد:

«من همیشه همین پوشش و داشتم و با همین رانندگی کردم و همه جا رفتم و هیچ مشکلی هم نداشتم و ندارم. توی جامعه هم به راحتی هم هستم»

در یک جمع‌بندی کلی، اعضای شرکت‌کننده در گروه‌های کانونی بر این عقیده بودند که در میان عوامل مختلف، رفتار دانشگاهیان بیشترین تاثیر منفی را بر کنارگذاشتن پوشش مطلوب اسلامی در سطح جامعه داشته است. برای پرهیز از اطاله کلام، در ادامه مهم‌ترین یافته‌های مربوط به بعد رفتاری حجاب در جدول شماره چهار آورده شده است. در این جدول عوامل مؤثر بر عدم اقبال زنان و دختران به حجاب در جامعه از نگاه اعضای شرکت‌کننده در جلسات گروه کانونی ارائه شده است.

جدول شماره ۳: یافته های تحلیلی؛ عوامل مؤثر بر گرایش یا عدم گرایش به حجاب

<p>تأثیر نوع لباس بر نوع نگاه آقایان به زن</p> <p>۱- اذیت بیشتر زنان هنگام در معرض دید بودن</p> <p>۲- آمادگی پرداخت هر گونه هزینه برای پابندی به حجاب</p> <p>۳- عدم توجه به خواست دیگران در پابندی یا عدم پابندی به حجاب</p> <p>۴- محدودیت داشتن حجاب تیپیکال</p> <p>۵- امکان داشتن حجاب با رنگها و طرحهایی متفاوت از آنچه هست</p>	<p>مبتنی بر شناخت</p>	<p>عامل مؤثر درونی</p>	<p>رفتاری ۱-۳</p>
<p>۱- محجبه ندانستن خود</p> <p>۲- انتخاب چادر به عنوان پوششی برای سرپوش گذاشتن بر بسیاری از کجرویهها</p> <p>۳- عدم هرزگی مانتو پوشها و عدم سلامت اخلاقی و رفتاری چادرپها</p>	<p>بدون شناخت</p>		

ادامه جدول شماره ۳

رفتاری ۲-۳	عامل موثر بیرونی	حکومت	۱- سیاسی دانستن حجاب
			۲- نگاه صوری و قانونی به مراعات حجاب
			۳- منجر شدن اجبار قانونی به لیج بازی و تنفر از چادر
		خانواده و اطرافیان	۱- تأثیر خانواده و والدین در نحوه پوشش
			۲- کنار گذاشتن چادر به خاطر تیکه انداختن دیگران
			۳- کم کاری خانواده ها در امر حجاب و عدم آگاهی بخشی لازم از سوی آنها
		رسانه ها	۴- لزوم آغاز کار از مدرسه و از خانواده نه از دانشگاه
			۱- تأثیر رسانه ملی در عدم نهادینه سازی چادر
		عرف و جامعه	۲- انتخاب پوشش چادر در فیلمها برای افراد مجرم یا فاقد جذابیت
			۳- نقش منفی تبلیغات رسانه ای در باب حجاب
			۱- اشاره به استفاده ابزاری از چادر
			۲- برخورد نامناسب اجتماعی مغازه داران با مادر چادری
		دانشگاه	۳- نقش آقایان در حدشکنی خانمها و گرایش آنان به بد حجابی
			۱- برخورد نامناسب در دانشگاه با موضوع حجاب
			۲- عدم روشنگری لازم و استفاده از اجبار و فشار برای معجب سازی دانشجویان به مراعات حجاب
			۳- عدم آگاهی مسئولان دانشگاه از موضوع حجاب و سازوکار نهادینه سازی آن
			۴- عدم انتخاب چادر برای احراز توجه دیگران در دانشگاه
			۵- تأثیر محیط دانشگاه بر نحوه پوشش
			۶- محتوای درسی دانشگاهها

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله موضوع گرایش و عدم گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران با روش گروه کانونی مورد بررسی قرار گرفت. از مجموع یافته‌های تحقیق، مشاهدات میدانی، مصاحبه‌های عمقی و پرسشنامه‌های جانبی نتایج زیر به دست آمده است:

۱) اولین و مهم‌ترین نکته فقدان معرفت و شناخت لازم در خصوص گرایش یا عدم گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر است. متأسفانه دختران چادری و غیرچادری، فاقد دلایل محکم، روشن و مستدلی برای انتخاب خویش هستند. هنگام سؤال از چرایی نوع پوشش مورد علاقه، تنها به شنیده‌هایی بسنده می‌کنند که در بسیاری از موارد قابل استناد نیست. مثلاً خانمی در علت برداشتن چادرش گفت:

«این پوشش برای دوره قاجاریه است و پیش از آن هم استفاده نمی‌شده است. حتی

معلوم نیست که حضرت فاطمه [سلام الله علیها] هم چنین پوششی داشته‌اند.»

خانم دیگری هم در علت داشتن پوشش تبعیت محض از بزرگان دین را مطرح می‌نمود و وقتی از او پرسیده شد که چطور و کجا از این پوشش استفاده می‌شد، پاسخی برای سوال نداشت.

ممکن است که در میان فعالان حقوق زنان - اعم از فمینیست‌ها یا زنان مسلمان متعلق به گفتمان انقلاب اسلامی - دلایلی را در نفی پوشش و یا اثبات آن شنید، اما در لایه‌های پایین تر این امر چندان مشهود نیست. حتی در میان تشکلهای دانشجویی که در بین دانشجویان به فعالان فرهنگی - اجتماعی مشهورند و به نوعی محل رجوع دانشجویان هستند، نیز استدلالات روشن و محکمی برای داشتن یا نداشتن پوشش مطرح نبود و با کوچک‌ترین شبهه نسبت به اعتقادات خویش عقب‌نشینی و یا در بهترین حالت از سپر سکوت استفاده می‌کردند.

به نظر می‌رسد در عوض تربیت افرادی با ذهن تحلیلی تنها موفق به تربیت افرادی با ذهن تقلیدی شده‌ایم. این قبیل افراد بیش و پیش از آنکه دارای گرایش و رفتاری درون-خیز باشند، واجد گرایش‌هایی برون‌خیز و متأثر از محیط واقعی و مجازی پیرامونی خود هستند. به بیان دیگر، نظام تعلیم و تربیت جامعه نتوانسته به شیوه اقناعی دختران را نسبت به چرایی نوع پوشش خود توجیه نماید.

۲) یافته‌های تحقیق بیانگر وجود نوعی الگوی تقابل در خصوص حجاب در بین دختران دانشجو است. این الگو تقابل «حجاب رسمی» و «حجاب هنجاری» است. یعنی کسانی که از روی اجبار قانون به حجاب تن داده‌اند و کسانی که آن را به عنوان یک ارزش درونی شده می‌پندارند.

۳) یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌های مشارکتی و عمقی تکمیلی، نشانگر تأثیر عامل «ارتباط با نامحرم و داشتن دوستی با جنس مخالف» بر گرایش به بدحجابی و یا نداشتن پوشش و یا سستی در پوشش مناسب در بین اعضای گروه کانونی است. هر چه این ارتباط گستره و عمق بیشتری داشته باشد، تأثیر بیش‌تری بر پوشش فرد خواهد داشت. در دو مورد که به صورت خاص بررسی شد، هر دو مورد به رغم برخورداری از خاستگاه خانوادگی مذهبی و چادری بودن در مراحل اولیه، پس از برقراری ارتباط با جنس مخالف به تدریج در نوع پوشش خود بازنگری کرده بودند. در مورد اول که سطح رابطه تا مرحله دست دادن با دوست جنس مخالف پیش رفته بود، به اذعان خود دیگر بسته به محیط پوشش را انتخاب می‌کند و تنها در محیط مذهبی از چادر استفاده می‌کند، او در برابر این سوال که آیا حاضر است پوشش را به طور کامل بردارد و در خیابان تردد نماید، مقاومت جدی نشان می‌داد.

مورد دیگر که تا حد بیشتری با جنس مخالف ارتباط برقرار نموده بود، دیگر برایش مهم نبود که پوشش چگونه باشد و حتی حاضر بود به طور کامل پوشش را بر دارد. اما در عین حال دوست داشت که به فضای قبلش باز گردد، اما آن را امکان‌پذیر نمی‌دانست.

وی در پاسخ به این که اولین اشتباه و یا اولین جایی که باعث شد به این سمت (نداشتن پوشش مناسب) پیش بروی چه بوده ؟ حضور در خانه یک پسر را به عنوان نخستین اشتباه خود مطرح نمود. یافته‌ها نشان می‌دهد، در خانواده‌های مذهبی، دختران دانشجو ابتدا همان سبک حجاب خانواده را برگزیده‌اند، اما با گرایش به جنس مخالف، در یک فرایند تدریجی از میزان پای‌بندی خویش به حجاب کاسته و یا نوع آن را تغییر داده‌اند. در واقع به موازات افزایش میزان و نوع ارتباط نامشروع آنها، میزان و نوع پوشش آنها نیز تغییر کرده است. اساساً هر نوع ارتباط صمیمانه و نزدیک با نامحرم - اعم از ارتباط حضور و غیرحضور (اینترنتی) - بر نوع پوشش دختران تأثیرگذار است. علاوه بر آن استماع موسیقی و تماشای ماهواره و فیلم‌های دارای صحنه‌های خلاف اخلاق نیز بر این روند موثر است.

در علت گرایش به جنس مخالف، مهم‌ترین عامل از نظر دختران دانشجو، احتیاج به محبت و پس از آن کنجکاو است. التزام به پوشش مناسب نیز یکی از موانع جدی ارتباط بی‌محبا و یا تداوم آن با جنس مخالف ارزیابی شده است.

(۱) اذعان دانشجویان دختر به تمایل به عدم پوشش کامل در محیط بیرونی در سنین نوجوانی و مراحل ابتدایی بلوغ از دیگر یافته‌های این تحقیق است. میزان توجه و شیوه برخورد خانواده، مدرسه و جامعه در این اختلال موقت با آنان، در نوع پوشش آینده آنان تأثیر بنیادی دارد. بسیاری از خانم‌های چادری اذعان می‌کردند که در ابتدای نوجوانی از سوی خانواده برای انتخاب چادر تحت اجبار و فشار قرار نگرفته‌اند و آنان با اراده و اختیار خود این پوشش را انتخاب کرده‌اند. اهتمام جدی خانواده‌ها و مسئولان نهادهای فرهنگی و تربیتی مرتبط با نوجوانان و جوانان نسبت به حساسیت‌های دوران بلوغ و برخورد محبت‌آمیز، غیرحذفی و غیرتحمیلی آنان در این دوران با دختران، نقش بسزایی در هدایت آنان در راستای انتخاب پوشش مناسب دارد.

۲) سیاسی شدن موضوع حجاب از دید دانشجویان از عوامل مؤثر بر کاهش گرایش به پوشش مناسب است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از نگاه دختران دانشجو تنها در صورت تغییر نظام سیاسی موجود، امکان کشف حجاب وجود دارد. این مسأله بیانگر برقراری نوعی تقارن میان حفظ نظام سیاسی و موضوعات دینی از جمله حجاب، در ذهن افراد مورد مطالعه است. بدیهی است که امکان تغییر شرایط فرهنگی وجود دارد، اما تغییر شرایط فرهنگی نباید در ذهن اعضای جامعه به معنای تقویت یا تضعیف و یا حذف نظام سیاسی تلقی شود. در صورت بروز این پدیده بسیاری از امور روزمره زندگی اجتماعی، با برخورداری از صبغه سیاسی، از جوهره واقعی خود تهی می‌شوند.

۳) ناتوانی دستگاه‌های فرهنگی در طراحی و ترویج سبک زندگی دینی و اسلامی در سطح جامعه به‌ویژه در بین دختران از انتقادات مطرح شده از سوی شرکت کنندگان در جلسات گروه کانونی بود.

۴) نگاه به چادر یک نگاه ویژه و مقدس است. این نگاه در بین دختران غیرچادری نیز رایج است به گونه‌ای که در توجیه عمل خود دلایلی چون «مؤمن نیستیم» و یا «نمی‌توانیم همه جا سرکنیم» را عنوان می‌کنند. این مطلب هم یک فرصت است و هم یک تهدید. فرصت از آن جهت که نظام فرهنگی جامعه در باورپذیر ساختن چادر به عنوان یک پوشش مومنانه برای جوانان موفق بوده است، به بیان دیگر چادر در بین دختران دانشجو به عنوان نماد دینداری تلقی می‌شود. اما عدم همخوانی رفتار و منش افراد چادری با انتظارات اجتماعی از افراد متدین، می‌تواند به عنوان یک تهدید، زمینه‌ساز بدبینی نسبت به آموزه‌های دینی را فراهم آورد. توجه به این امر به ویژه از سوی بانوان چادری شاغل در نهادهای حکومتی بسیار مهم است. زیرا هر گونه برخورد خشک، خشن و دافعه‌دار آنان تاثیر جدی منفی بر ذهن چنین افرادی دارد. در ضمن با در نظر گرفتن قواعد فقهی و مصالح جامعه ایمانی داشتن انواع دیگر پوشش کامل نیز باید طراحی و ترویج شود.

- (۵) برقراری فضای گفتگو و اظهار نظر سازنده و دوستانه در بین اقشار و تیپ‌های گوناگون نقش مهمی در ایجاد همدلی و تفاهم و پرهیز از اقدامات سلبی متقابل در زمینه‌های مختلف و از جمله درخصوص حجاب دارد.
- (۶) یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، دختران دانشجوی از ظاهرگرایی‌های بیهوده و نیز مقدس‌مابی در سطح جامعه که باعث نفاق و دورویی می‌شود آزرده بودند و اعتقاد داشتند این رفتارها بر گرایش دختران به سمت بی حجابی تأثیر اساسی دارد.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۲)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- احمدی نوده، خدابخش؛ بیگدلی، زهرا؛ مرادی، آزاده و سیداسماعیلی، فتح‌اله (۱۳۸۹)، «رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب‌پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی»، *مجله علوم رفتاری*، شماره ۹۷: ۴-۱۰۲.
- بیکر، ترزال (۱۳۸۸)، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۳)، *پژوهشی در فرهنگ حیا*، ری: انتشارات دارالحديث.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۵)، *تاریخ هیچکس* (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر افشاریه و زندیه)، تهران: انتشارات قصیده‌سرا.
- دورانت، ویل آریل (۱۳۶۵)، *تاریخ تمدن*، ترجمه امیرحسین آریانپور و همکاران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲)، *شیوه‌های تغییر رفتار*، ترجمه علی فتحی آشتیانی و هادی عظیمی آشتیانی، تهران: انتشارات سمت.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *مجله جامعه شناسی ایران*، شماره ۹: ۳۴-۶۶.
- فرجی، مهدی (۱۳۸۴)، *پژوهش نگرش زنان به انواع پوشش‌های رایج*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کرم‌الهی، نعمت‌الله (۱۳۹۰)، *جزوه درس روش تحقیق کیفی*، کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.

- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۸)، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، تهران: وزارت اطلاعات.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران: انتشارات زوار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، مساله حجاب، تهران: انتشارات صدرا.
- مهدی زاده، حسین (۱۳۸۷)، حجاب‌شناسی؛ چالش‌ها و کاوش‌های جدید، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

دین‌داری در نسل‌های مختلف (مطالعه موردی شهرستان ساری)

میترا کلانتری^۱، عبدالحسین کلانتری^۲

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۲)

چکیده

دین یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در فرآیندی تعاملی با جامعه بر آن تأثیر می‌گذارد و از آن متأثر می‌شود. در جامعه دینی ایران که قوانین و هنجارهای آن برگرفته از دستورات و ارزش‌های دینی است، پژوهش و تحقیقات در حوزه دین و دین‌داری دغدغه بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان است. در این مقاله به بررسی تطبیقی میزان دین‌داری، در سه نسل از افراد در شهر ساری، بر اساس ابعاد دین‌داری گلاین و استارک، مبادرت شده است: نسل اول، نسل قبل از انقلاب (متولدین ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰)؛ نسل دوم، نسل انقلاب (متولدین ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۵)؛ و نسل سوم نسل بعد از انقلاب (متولدین ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۰) و تعداد جمعیت نمونه ۳۸۰ نفر است.

بر اساس نتایج حاصله سلسله‌مراتب ابعاد دین‌داری عبارتند از: تجربه دینی، آگاهی دینی، ارزش‌های دینی، اخلاق دینی و در نهایت انجام مناسک دین‌داری. همچنین برای بررسی معنی‌داری تفاوت‌های بین‌نسلی، از روش آماری آنوا استفاده شده است، که نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که میزان دین‌داری نسل اول در دو بعد باور دینی و مناسک دینی، به صورت معنی‌داری بیشتر از دو نسل بعدی است. بنابراین نتایج به دست آمده تا حدودی تاییدکننده دیدگاه اینگلههارت است، مبنی بر تفاوت نسلی مبنی بر چرخه زندگی و پیشرفت جوامع. همچنین در سنجش ارزش‌های عرفی‌گرا در سه نسل مشخص شد که اگرچه به طور کلی میزان تمایل به ارزش‌های عرفی‌گرا در جامعه کم است، نسل سوم نسبت به دو نسل قبل از خود تمایلات عرفی‌گرایانه بیشتری دارد. بنابراین در این مقاله از طرف دیگر درصدد برآمده‌ایم تا وضعیت دین‌داری افراد را در ابعاد مختلف مقایسه کنیم تا مشاهده کنیم

^۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی mitrakalantari@gmail.com

^۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

آیا تئوری جیمز، مبنی بر شخصی‌شدن دین در جوامع جدید، و نظریه برگر، مبنی بر سکولاریسم اجتماعی و فردی در این جامعه آماری، توضیح‌پذیر است؟ نتیجه گویای این است که این تحولات در ایران نیز در حال وقوع است و انسان‌ها زندگی دینی‌ای را دنبال می‌کنند که حول محور حال شخصی می‌چرخد که به تعبیر جیمز حیات دینی دست‌اول است و مطابق دیدگاه برگر مبنی بر سکولاریسم اجتماعی تا حدودی قابل توضیح است.

کلمات کلیدی: نسل، دین‌داری، ارزش‌های دینی، ارزش‌های عرفی‌گرایی دینی

مقدمه

دین یکی از پدیده‌هایی است که هم می‌تواند بر جامعه و ساختار و مناسبات آن تأثیر گذارد و هم متأثر از آنها باشد، بدین ترتیب برای جامعه‌شناسان، دین یک پدیده اجتماعی محسوب می‌شود. تا زمانی که دین در ایمان و تعلق فرد وجود داشته باشد، امری فردی محسوب می‌شود، اما زمانی که وجه اجتماعی بیابد و در هنجارها و باورها و کنش اجتماعی تجلی یابد و حیات اجتماعی را متأثر سازد و بتوان برای آن کارکردهایی در جامعه قائل شد، به عنوان یک پدیده اجتماعی نیز می‌تواند شود.

اگر بخواهیم، مراحل گذر جوامع از شکل سنتی و اولیه به جامعه صنعتی و مدرن را بررسی کنیم، مسلم است که باید همه ابعاد جامعه را مدنظر قرار دهیم. چراکه دامنه تغییرات و دگرگونی، فقط به ساختار اقتصادی جوامع محدود نمی‌شود و مانند موجی خروشان همه ابعاد زندگی اجتماعی را در می‌نوردد و با خود همراه می‌کند. اما میزان این تغییرات در جوامع متفاوت است و متناسب با این که چقدر این خرده نظام‌ها در مقابل این فشارها از خود مقاومت نشان دهند، وضعیت متفاوتی خواهند داشت. نهاد دین و باورهای دینی نیز از این جریان مستثنا نیست و نه تنها از این تغییرات تأثیر می‌پذیرند، که نیز بر سرعت و جهت آنها تأثیر بسزایی دارند؛ ارزش‌های دینی به عنوان بخش مهمی از فرهنگ هر ملت و از مهم ترین عوامل مؤثر در رفتار و کنش‌های آنان است. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که جایگاه دین را در فرهنگ دینی ایران در نظر آوریم و به صورت ویژه نقش آن را در مسیر تحولات تاریخی جامعه ایران رصد نماییم. در این مسیر و در جهت روشن شدن جایگاه دین در این مناسبات و تحولات، یکی از بهترین روش‌ها بررسی میزان دین‌داری نسل‌های متفاوت در ایران است. چراکه در پرتو این بررسی می‌توان تصویری از مسیر تحولات دینی در جامعه ایران ترسیم نمود و در مقیاسی کلان‌تر، با توجه به محوریت دین در جامعه ایران، تغییرات فرهنگی جامعه ایران را نیز رصد نمود. بر این اساس، در این مقاله می‌کوشیم تا از منظری برون‌دینی به این مهم بپردازیم که:

۱. وضعیت دین‌داری میان سه نسل در جامعه ایران، در ابعاد مختلف چگونه است؟
۲. آیا در میزان دین‌داری و ارزش‌های عرفی‌گرایانه تفاوت نسلی دیده می‌شود؟
۳. آیا میان وضعیت دین‌داری در حوزه فردی و اجتماعی تفاوت وجود دارد؟

مبانی نظری (شکاف نسلی؛ افسانه یا واقعیت؟ عرفی‌شدن؛ افسانه یا واقعیت؟)

بسط و جهانی‌شدن تجدد، انقلاب شهرنشینی، رشد علم جدید و عقلانیت تجدیدی و ... موجب شد، تا شیوه تفکر بشر و نگاه و نسبت او با خود، دنیا، دین و ارزش‌های مربوط به آنها متحول شود. به علاوه، گسترش ریزوم‌وار رسانه‌های جمعی نیز اذهان را در معرض ارزش‌های متفاوتی قرار می‌دهد و به موجب آن، ارزش‌ها و باورهای متفاوتی را در میان گروه‌های اجتماعی مختلف، بالاخص نسل‌های گوناگون شایع نموده است، که از آن با عناوین «تفاوت ارزش‌ها»^۱ و یا «شکاف ارزش‌ها» یاد می‌شود.

البته چنین تحلیل‌هایی را در آرای اندیشمندان کلاسیکی چون مانهایم نیز می‌توان ردیابی کرد. در دیدگاه او افراد درون یک نسل دیدگاهی مشترک بر اساس تجربیات مشترک دارند (مانهایم، ۱۹۵۲: ۲۹۰). از نظر مانهایم اواخر نوجوانی و اوایل جوانی در واقع سال‌های شکل‌گیری اصلی شخصیت هستند که طی آن، دیدگاه‌های فردی متمایز در سطح وسیعی شکل می‌گیرد (اسکات و شومن، ۱۹۹۵: ۳۶۱). تجربیات متفاوت افراد از وقایع مهم تاریخی مانند جنگ‌ها و انقلاب سبب می‌شود در فضایی متفاوت قرار گیرند و تفاسیر آنها از مسائل مختلف، به شکلی متفاوت از سایر نسل‌ها باشد و شکل‌گیری این نگرش ذهنی و ایده‌ها، راه تغییرات را باز می‌کند (مارشال، ۱۹۹۹: ۱۹۹ به نقل از توکل، ۱۳۸۵: ۱۰۳). تعریف دایتی^۲ از نسل به معنای مجموعه‌ای از انسان‌ها است که در ابژه‌های نسلی با یکدیگر سهیم شده‌اند؛ این دیدگاه نیز تقویت‌کننده‌ی نظر مانهایم است (بالس، ۲۰۰۸: ۴۸).

^۱. Value difference

^۲. Deity

عام‌ترین این روایت‌ها را اینگلهارت و همکارانش در زمینه تغییر ارزش‌ها ارائه نموده‌اند. آنها در خصوص نسل‌ها، تئوری عمده‌ای را مطرح می‌کنند که براساس این تئوری افراد در شرایط خاص فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رشد می‌کنند و ارزش‌ها و عقاید خاصی را از طریق جامعه‌پذیری درونی می‌کنند و این ارزش‌ها تقریباً تا بزرگسالی و تمام عمر باقی می‌مانند. تغییر ارزش‌ها در جوامع زمانی روی می‌دهد که نسل جوان‌تر جایگزین نسل مسن‌تر شود. مهم‌ترین محاسن این نظریه عبارت است از: بررسی تجربی و داده‌محور یک موضوع در طول سه دهه متوالی، تحلیل جامعه‌شناختی منسجم و قوی و جامع در مورد اهمیت فرهنگ و ارزش به طور کلی و اهمیت مذهب به طور خاص؛ به عنوان عناصر دارای استمرار در جوامع مدرن. (هالر، ۲۰۰۲: ۱۳۹ و اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۶-۷۵).

از نظر بنگستون^۱ سه دیدگاه مختلف در مورد شکاف نسلی وجود دارد که دامنه آن را نشان می‌دهد. ۱- دیدگاهی که از وجود «شکاف بزرگ» حمایت می‌کند، ۲- دیدگاهی که در نقطه مقابل، شکاف بزرگ را توهم دانسته و آن را ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه‌های عمومی می‌داند و ۳- دیدگاهی است بین دو دیدگاه پیشین که اعتقاد به وجود «گسست و تفاوت انتخابی» میان نسل‌ها دارد (بنگستون، ۱۹۷۰: ۳۳-۷).

بکر در رویکرد تئوری نسلی خود، برخلاف اینگلهارت، معتقد است که نسل پدیده‌ای پویاست و ظهور الگوهای نسلی علاوه بر تأثیرپذیری از حوادث دوره شکل‌گیری نسل، مراحل قبل (دوره بچگی و حتی جنسیتی) و بعد (آینده) زندگی اعضای نسل را نیز در بر می‌گیرد که دوام چنین تأثیراتی منوط به تقویت آنها در مراحل بعدی زندگی یک نسل خواهد بود (بکر، ۱۹۹۶: ۲).

با این وصف، تفاوت تجربیات نسلی به تنهایی نمی‌تواند توجیه‌کننده تفاوت نسلی باشد؛ چرا که در حال حاضر همه نسل‌ها با تمام ایده‌ها و ارزش‌های خود، در معرض

تحولات جهانی قرار گرفته‌اند و به صورت خاص، در بحث از تحولات دینی، میان همه اندیشمندان در بروز تغییرات دینی اتفاق نظر وجود دارد. اما تفاوت بین دیدگاه‌های مختلف از این نقطه آغاز می‌شود که جایگاه و نقش دین و میزان دین‌داری افراد و نسل‌ها تا چه اندازه در معرض تغییر قرار گرفته است. اندیشمندان تغییر در جایگاه و کارکرد و میزان رعایت ارزش‌ها و شعائر دینی نسبت به گذشته را با عنوان "عرفی‌شدن دین" در جامعه نام می‌برند.

از نظر کارل دابلر عرفی‌شدن در سه سطح مطرح می‌شود:

سطح فردی: به تضمین و التزام دینی شخصی مرتبط به رفتار فردی مربوط می‌شود (دابلر، ۱۹۹۹: ۲۲۹). مثال‌واره‌های سطح خرد عبارت است از: فردی‌شدن، بی‌اعتقادی، سقوط دین داری کلیسایی و ...؛ فردی‌شدن دین به معنای این است که دین بخشی از حوزه خصوصی می‌گردد (بلا، ۱۹۹۱: ۲۰۱).

سطح عرفی‌شدن ارزش‌های قدسی: که به معنای زدودن ارزش‌های قدسی، متعالی و ماورایی از ساحت دین است.

سطح جامعه: که به عرفی‌شدن در سطح کلان اجتماعی توجه می‌کند و فرآیندی است که به تفکیک ساختاری و عملکردی نهادها و مؤسسه‌ها مربوط می‌شود (دابلر، ۱۹۹۹: ۲۲۹).

تحولات دینی مبحث جدید و تازه‌ای نیست. وبر از پیشگامان در این موضوع است. وی از عقلانیت به عنوان هسته مرکزی دنیای جدید یاد می‌کند، که تمام ابعاد زندگی بشر را فرامی‌گیرد و هنگام بحث از افسون‌زدایی و ترسیم قفس آهنین، خلأ دین را در جامعه صنعتی مدرن به تصویر می‌کشد (وبر، ۱۳۷۱: ۱۵۶). از نظر وبری‌ها، رشد عقلانیت از دو طریق بر نقش دین اثر گذاشته است: اول) تأثیرات آن بر روی باور دینی دین‌داران که موجب افسون‌زدایی از دین گردید. دوم) ایجاد تحولاتی در ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه که جلوه‌هایی از آن تحت عنوان صنعتی‌شدن، شهری‌شدن و بوروکراتیزه‌شدن و.... شناخته شده است (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۹۷-۲۹۶).

بر مبنای این نوع تحلیل، عقلانیت به عنوان جان‌مایه‌ی مدرنیته پایه‌های یقین و قطعیت را به شدت سست می‌کند و زمینه را برای تفاوت دیدگاه‌ها فراهم نموده است. فرآیند عقلانی‌شدن بدین معناست که وجه عقلانی ادراک بر آن قلمروهای نهادی که واقعاً موضوعیت دارند اطلاق می‌شود و دیگر صور ادراک به قلمرو زندگی شخصی رانده می‌شود (محمدی: ۱۳۷۷، ۶۱-۶۰). به نظر ژان ویلم عقلانیت از دو طریق بر تحولات دین موثر است: الف) روند عقلانی‌شدن بوروکراتیک در سطح کلان جامعه، موجبات عقلانی‌شدن سازمان‌های دینی را فراهم می‌آورد، ب) رشد عقلانیت و پیامد اساسی آن، یعنی نگرش نقادانه به خود موجب رشد نگرش انتقادی درون‌دینی می‌گردد (ویلیم، ۱۳۷۷: ۶۱).

پیتر برگر از جمله متفکرانی است که از آرای وبر متأثر است که در هر دو دوره‌ی فکری خود بر بحث دنیوی‌شدن تمرکز داشته است. وی در دوره اول معتقد بود که مدرنیته موجب افول دین و گسترش پدیده سکولاریسم در جوامع جدید می‌شود و دین را از پهنه عمومی به پهنه خصوصی می‌راند و بدین ترتیب جنبه انتخاب‌گری، عدم تحمیل و فردی‌شدن دین را دامن می‌زند (غیاثوند و آزاد، ۱۳۸۰: ۳۸). اما در دوره دوم، بیان می‌کند که مدرنیته الزاماً به افول دین منجر نمی‌شود و دنیا همان قدر مذهبی است که قبلاً بوده است (برگر، ۱۳۸۰: ۲۳).

برگر تفاوتی اساسی بین سکولاریسم فردی و سکولاریسم اجتماعی برقرار می‌سازد؛ وی سکولاریسم اجتماعی را شامل کاهش مؤسسات مذهبی می‌داند، در حالی که سکولاریسم فردی به کاهش (یا عدم) عقاید و افکار مذهبی در اشخاص در ارجاع دارد. بر این اساس وی معتقد است که سکولاریسم فردی اتفاق نیفتاده و افراد جوامع بشری همچنان مذهبی‌اند (حسینی، ۱۳۷۶: ۳).

به نظر برگر، در جوامع ماقبل‌مدرن روندهای جامعه‌پذیری و نهادهای جامعه‌پذیرکننده تفاوت فاحشی با یکدیگر نداشت و جهان‌زیست مشترکی را شکل می‌داد. اما انسان مدرن در طی زندگی خود «جابجایی زیست‌جهان‌های مختلف را تجربه می‌کند» (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۴) و تجربه چندگانگی ذاتی آگاهی فرد می‌شود و ذهن را بی‌خانمان

می‌سازد. در چنین اوضاعی فرد دیگر نمی‌تواند به ارزش‌ها و نظام نمادین معینی در تمام عمر خود وفادار بماند و با چندگانه‌شدن زیست‌جهان‌های اجتماعی، وظیفه قدیمی دین به طور جدی تهدید می‌شود (همان: ۷۸). در این حالت دین باید پیوندهای خود را با ساختارهای اجتماعی سنتی بگسلد و بیش از پیش انتزاعی شود و ادعای تمامیت و تامیت خود را کنار بگذارد. به همین دلیل بازسازی دین در دوران مدرن به یک ضرورت دینی نیز تبدیل می‌شود (بشیریه، ۱۳۷۷: ۲۲۱). هرویولزه نیز این فرآیند را با نام مدرنیته دینی می‌خواند که به معنای مدرن‌شدن دین و دین‌داری است. (هرویولزه. ۱۳۸۰: ۲۸۷).

پیتر برگر در تشریح واقعیت اجتماعی دین، آن را مانند جامعه شامل وجوه عینی و ذهنی می‌داند که در دو فرآیند دیالکتیکی برون‌سازی (externalization) (جریان برون‌ی) - نمودن فعالیت فیزیکی و اخلاقی انسان در جامعه) و درونی‌سازی (internalization) (بازتولید این واقعیت از ساختار عینی به ساختار آگاهی ذهن) (برگر، ۱۹۶۷: ۵) شکل می‌گیرد.

لومان و پارسونز از منظری خوش‌بینانه و ساختی- کارکردی تغییر وضعیت دین و دینداری در جوامع مدرن را به معنای حذف دین از زندگی عمومی نمی‌دانند، بلکه استدلال می‌کنند که دین به عنوان نتیجه نهایی یک فرآیند طولانی تمایز ساختاری «جایگاهی بازتعریف‌شده در صحنه اجتماعی» کسب نموده است (بکفورد، ۱۳۸۸: ۱۰۷ و پارسونز، ۱۹۶۰: ۲۹۸).

خلاصه اینکه تمامی تحلیل‌های مذکور و بسیاری از دیگر تحلیل‌های دیگر در باب دین و دین‌داری حکایت از آن دارند که باید وجوه چندگانه و پیچیده‌ی دین را در این تحلیل‌ها لحاظ نمود. به بیانی، به لحاظ سطح (طول)، دین‌داری هسته مرکزی و پیرامونی دارد. دین‌داری مبتنی بر ابعاد اصلی دین، در سطح مرکزی دین‌داری [میزان دین‌داری]، و گونه‌های دیگری از دین‌داری که در مواردی در سطح نگرش‌ها و طرزتلقی‌ها درباره دین جای می‌گیرند [انواع دین‌داری]، لایه‌های پیرامونی دین‌داری را شکل می‌دهند (میرسندسی، ۱۳۸۳: ۱۲۶-۱۲۵).

به بیانی دیگر، دین‌داری یک سازه تک‌بعدی نیست، بلکه ترکیبی است از چند عامل مختلف (کلاین و ریچارد، ۱۹۵۶: ۵۵۷). در جوامع غربی، تحلیل عرفی‌شدن بر اساس فاصله مردم از دین‌داری کلیسایی صورت می‌گرفت، ولی بعدها مشخص شد که فاصله‌گیری از دین‌داری رسمی به معنای افول دین نیست، بلکه نوعی دین‌داری جدید در حال وقوع بود که مستلزم نفی واسطه‌هایی چون کلیساست (بیلتون: ۱۹۸۷، ۲۰۳). جیمز نمونه‌ای از این تحلیل را به دست می‌دهد که همانا صورت‌بندی سه مرحله است شامل دیرینه‌دورکیمی، نودورکیمی، و پسادورکیمی، که مختص دوره جدید است. از دیدگاه جیمز، این نوع دین داری جدید می‌تواند به اشکال گوناگونی در جامعه ظهور یابد (تیلور، ۱۳۸۷: ۲۱).

در هر صورت، همه افراد برداشت یکسانی از دین ندارند و در نتیجه‌ی این برداشت‌های متفاوت، انواع و میزان متفاوتی از دین‌داری ارائه خواهد شد. این مهم آنگاه بیشتر جلوه‌گر می‌شود که به این نکته‌ی کلیدی نیز اشاره کنیم که تئوری تحول دین، که از سوی جامعه‌شناسان ارائه می‌شود، باید در شرایط عینی و ذهنی همان جامعه بررسی شود. به صورت خاص، در خصوص جامعه ایران، روش‌های ارائه‌شده در جوامع غربی با فرهنگ دینی همان جامعه مرتبط است و توانایی سنجش فرهنگ دینی اسلامی را ندارد. به همین دلیل بسیاری از متفکرین اسلامی معتقدند که اندیشه عرفی‌شدن دین اندیشه‌ای وارداتی است که به هیچ وجه با اسلام و جامعه اسلامی سازگار نیست (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۵۰).

با این وجود، در بین انواع سنجه‌های دین‌داری و فرهنگ دینی، سنجه گلارک و استارک بیشتر مورد توافق قرار گرفته و قابلیت سنجش آن برای دین اسلام بیشتر است. در مقاله حاضر نیز با تاکید بر دووجهی بودن دین، که هم نگاهی رسمی و علنی و هم نگاهی غیرعلنی و شخصی به دین دارد، مدل گلارک و استارک بهترین مدل برای سنجش دین‌داری در نظر گرفته شده است و می‌تواند اهداف مقاله را برآورده سازد. در این مدل دین شامل پنج بعد اعتقادی (حد و اندازه‌ای که مردم عقاید دینی را حفظ و عمل نمایند)، عمل دینی (حد و اندازه‌ای که مردم در پرستش و عبادت درگیر می‌شوند)، تجربی (درجه‌ای که مردم تماس و ارتباط با ماوراءالطبیعه را حس و تجربه می‌کنند)، معرفتی (میزان معرفت یا دانشی

که مردم از دین دارند) و **پی‌آمدی** (حد و اندازه‌ای که ابعاد قبلی از یک تا چهار در زندگی روزمره مردم تأثیر دارد) است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۴).

آنها اعتقاد دارند، ضمن تفاوت‌هایی که در جزئیات ادیان وجود دارد، عرصه‌های مشترکی نیز وجود دارد که دین‌داری در آن متجلی می‌شود (گلاک و استارک، ۱۹۷۱: ۲۰-۱۹). در مجموع بر اساس دیدگاه‌های ارائه شده با محوریت دیدگاه نسلی اینگلهارت، برگر و جیمز تیلور در جوامع مدرن و پیشرفته امروزی، تحولات دینی و دین‌داری امری اجتناب ناپذیر تلقی شده است، البته این تحولات تا حدودی از شرایط و فرهنگ جوامع متأثر است. برگر در نظریه دوم خود معتقد است که سکولاریسم اجتماعی اتفاق افتاده است؛ هم چنین براساس دیدگاه جیمز، دین روزبه‌روز شخصی‌تر، باطنی‌تر، متعهدانه‌تر و پارسیانه‌تر شده و می‌شود و در نتیجه، از مسلک‌ها و مناسک نهادینه، که به تعبیر او حیات دینی دست دوم به حساب می‌آیند، دورتر و دورتر می‌شوند و اینگلهارت تفاوت این تحولات را در نسل‌های مختلف بررسی کرده است و با دیدگاه نسلی آن را توضیح می‌دهد.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع تحقیق پیمایش اجتماعی^۱ است و داده‌های پژوهش با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه توأم با مصاحبه، به دست پرسش‌گران باتجربه و ماهر جمع‌آوری شده است. در پرسش‌نامه، برای سنجش میزان دین‌داری، در بعد شناختی از ۵ گویه، بعد مناسکی ۴ گویه، بعد اعتقادی ۳ گویه، بعد ارزش‌های دینی ۱۴ گویه و بعد تجربه دینی از ۳ گویه استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و به فراخور از آزمونهای آماری مربوط استفاده شد.

جامعه آماری این پژوهش نیز شامل سه نسل از ساکنین شهر ساری (کلیه جمعیت ۱۷ ساله به بالا) است. نسل اول (نسل قبل از انقلاب، متولدین ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰)

^۱. Social survey

شامل کسانی است که جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی را تجربه کرده‌اند و حتی به عنوان یک بازیگر فعال در آن شرکت نموده‌اند. نسل دوم (نسل انقلاب، متولدین ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۵)، شامل کسانی است که اگرچه تجربه دقیقی از دوران پهلوی ندارند، اما جنگ را تجربه کرده‌اند و حتی به عنوان نیروی فعال در جنگ شرکت داشته‌اند. نسل سوم (نسل پساانقلابی، متولدین ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۰)، کسانی را شامل می‌شود که در سنین کودکی جنگ را تجربه نموده و یا بعد از جنگ متولد شده‌اند.

حجم نمونه با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای، و با احتساب خطای ۰/۰۴، در کوچکترین واحد سطح (حوزه‌های شهری) با استفاده از فرمول کوکران $n=380$ نفر محاسبه شد و دسترسی به واحدهای انتخابی از طریق حوزه و بلوک از طریق مساعدت سازمان معاونت برنامه ریزی استانداری صورت گرفت.

یافته‌های تحقیق

در ارائه یافته‌ها، باتوجه به حجم زیاد گویه‌ها، از ارائه آمار توصیفی تک‌تک گویه‌ها صرف نظر شده و با محاسبه نمرات کلی مربوط به هر بعد، از طریق شاخص‌سازی به ارائه توصیف آماری آنها مبادرت نمودیم. سپس نتایج به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای (نسل، تحصیلات، جنس و تاهل) نشان داده و سطح معنی‌داری آنها نیز مشخص شده است. با این حال، به دلیل آن که بررسی نسل‌ها در این مقاله مورد نظر است، به متغیرهای زمینه‌ای دیگر (تحصیلات، جنس و تاهل) تنها در صورت معنی‌دار بودن اشاره شده است.

جدول شماره ۱: میزان آگاهی دینی افراد جامعه

فراوانی	درصد	
۴	۱/۱	خیلی کم
۸	۰/۵	کم
۶۰	۱۵/۸	متوسط
۱۶۳	۴۲/۹	زیاد
۱۴۳	۳۷/۶	خیلی زیاد
۲	۰/۵	بی‌پاسخ

بر اساس جدول شماره ۲ مشخص می‌شود که در میزان آگاهی دینی افراد جامعه در نسل‌های مختلف تفاوت معنی‌داری دیده نمی‌شود و فقط بین افراد متاهل و مجرد تفاوت معنی‌داری در میزان آگاهی دینی دیده شده است و بر اساس میانگین مشخص شد که میزان آگاهی دینی افراد متاهل بیشتر از مجردین است.

۲) اندازه‌گیری بعد عمل دینی

جدول شماره ۳: میزان انجام مناسک و احکام دینی

فراوانی	درصد	
۳۲	۸/۴	خیلی کم
۱۲۷	۳۳/۴	کم
۱۵۴	۴۰/۵	متوسط
۵۲	۱۳/۷	زیاد
۰	۰	خیلی زیاد
۱۵	۳/۹	بی‌پاسخ

بر اساس جدول ۳ ملاحظه می‌شود که، ۴۶/۸ درصد از افراد ابراز کرده‌اند که کم یا خیلی کم اعمال دینی مانند نماز و روزه و خواندن قرآن یا رفتن به مسجد برای عبادت را انجام می‌دهند و میانگین ۴۰/۵ درصد از افراد این اعمال را انجام می‌دهند

جدول شماره ۴: میزان انجام مناسک دینی به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای و آزمون سطح معنی‌داری

نسل	خیلی کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	۱۷-	۱۷/۵	۳۸/۳	۳۵	۹/۲	۰		۰/۰۰
تحصیلات	۳۴-	۴	۲۹/۸	۴۶	۲۰/۲	۰	۰/۰۳	
	۸ سال	۵	۳۶/۴	۴۵/۵	۱۳/۲	۰		
	نیسواد	۰	۲۵	۵۰	۲۵	۰		
	ابتدایی	۰	۲۹/۷	۵۱/۴	۱۸/۹	۰		
	راهنما	۱۰/۲	۳۲/۷	۴۴/۹	۱۲/۲	۰		
	متوسطه	۱۱/۳	۳۵/۵	۴۰/۳	۱۲/۹	۰		
	کارشنا	۹/۶	۳۷/۵	۴۱/۲	۱۱/۸	۰		
جنس	عالی	۰	۲۶/۷	۳۳/۳	۴۰	۰	۰/۰۱	
	مرد	۷/۶	۳۲/۱	۴۲	۱۸/۳	۰		
	زن	۱۰/۶	۳۹	۴۲/۶	۷/۸	۰		
تاهل	متاهل	۶/۲	۳۷/۵	۴۰/۵	۱۵/۸	۰	۰/۱۰	
	مجرد	۱۸/۹	۲۴/۳	۴۸/۶	۸/۱	۰		

از لحاظ انجام مناسک دینی در جدول چندبعدی بالا، شماره ۴، مشخص می‌شود که بین افراد در نسل‌های مختلف تفاوت معنی‌دار است. بر اساس آزمون توکی مشخص شد که میزان انجام مناسک در دو نسل دوم و سوم کمتر از نسل اول است و همچنین انجام مناسک در بین مردان بیشتر از زنان بوده و افراد با تحصیلات راهنمایی، نسبت به افراد با تحصیلات کارشناسی بیشتر به انجام مناسک عبادی التزام دارند.

۳) اندازه‌گیری بعد پیامدی دین

جدول شماره ۵: میزان رعایت اخلاق دینی در زندگی اجتماعی

فراوانی	درصد	
۱	۰/۳	خیلی کم
۸۵	۲۲/۴	کم
۳۲	۶۱/۱	متوسط
۴۷	۱۲/۴	زیاد
۱۴	۳/۷	خیلی زیاد

نتایج جدول ۵ گویای آن است که ۲۲/۷ درصد از افراد، اصول اخلاقی دین مانند حلال و حرام، دوری از غیبت و دروغ را رعایت نمی‌کنند. ۶۱ درصد به طور متوسط و درصد خیلی کمی (۱۶/۱ درصد) ابراز نموده‌اند که این اصول اخلاقی را حتماً رعایت می‌کنند.

جدول شماره ۶: میزان رعایت اخلاق دینی به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای و آزمون سطح معنی‌داری

		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
نسل	۱۷-۳۳ سال	۰/۸	۲۱/۷	۶۲/۸	۱۳/۲	۱/۶	۰/۷۲
	۳۴-۷۰ سال	۰	۲۳/۳	۵۸/۹	۱۲/۴	۵/۴	
	۸۰ سال به بالا	۰	۲۲/۳	۶۳	۱۱/۶	۴/۱	
تحصیلات	پیسواد	۰	۲۰	۶۰	۲۰	۰	۰/۳۰
	ابتدایی	۰	۲۹/۷	۳۸/۶	۱۸/۹	۲/۷	
	راهنمایی	۰	۴	۶۲	۱۴	۰	
	متوسطه	۰	۱۹/۷	۶۲/۲	۲۴/۲	۳/۹	
	کارشناسی	۰/۷	۲۲/۹	۶۳/۹	۹/۷	۲/۸	
جنس	عالی	۰	۱۸/۸	۵۶/۲	۰	۲۵	
	مرد	۰/۴	۲۰/۴	۶۳	۱۱/۹	۴/۳	۰/۱۲
	زن	۰	۲۵/۷	۵۸/۳	۱۳/۲	۲/۸	
تاهل	متاهل	۰	۲۰	۶۴/۴	۱۱/۹	۳/۷	۰/۴۱
	مجرد	۱/۲	۳۱	۵۰	۱۴/۳	۳/۶	

بر اساس جدول ۶ می‌توان مشاهده نمود که بین افراد در گروه‌های مختلف تفاوت معنی‌داری دیده نمی‌شود و عواملی نظیر نسل، تاهل، تحصیلات و جنس تأثیری در میزان رعایت اصول اخلاقی ندارد.

۴) اندازه‌گیری بعد اعتقادی

جدول شماره ۷: میزان اعتقاد به ارزش‌های دینی

فراوانی	در صد	
۲	۰/۵	کاملاً مخالف
۲	۰/۵	مخالف
۴۱	۱۰/۸	مردد
۱۲۷	۴۵/۳	موافق
۱۶۳	۴۲/۹	کاملاً موافق

چنان که که ملاحظه می‌شود، ۸۸/۲ درصد از افراد پاسخگو، با ارزش‌های دینی موافق بوده‌اند و درصد کمتری از افراد (۱۰ درصد)، با این ارزش‌ها مخالف بوده‌اند.

جدول شماره ۸: میزان اعتقاد به ارزش های دینی به تفکیک متغیرهای زمینه ای و آزمون سطح معنی داری

نسب	کاملاً		مرد	موافق	کاملاً موافق	
	۱۷-۳۳ سال	۱/۶	۰/۸	۲۰/۲	۴۲/۶	۳۴/۹
تحصیلات	۳۴-۴۷ سال	۰	۰/۸	۷/۷	۴۷/۵	۴۳/۱
	۴۸ سال به بالا	۰	۰	۱/۴	۴۴/۶	۵۱/۲
	بیسواد	۰	۰	۰	۴۰	۶۰
	ابتدایی	۰	۰	۸/۱	۴۳/۲	۴۸/۶
	راهنمایی	۰	۰	۶	۵۴	۴۰
	متوسطه	۰/۸	۰	۹/۴	۳۹/۱	۵۰/۸
	کارشناسی	۰/۷	۱/۴	۱۵/۳	۴۷/۵	۳۶/۱
جنس	عالی	۰	۰	۶/۲	۶۲/۵	۳۱/۲
	مرد	۰/۸	۰/۸	۸/۹	۴۷	۴۲/۴
	زن	۰	۰	۱۳/۹	۴۲/۴	۴۳/۸
تأهل	متأهل	۰/۳	۰/۳	۸/۱	۴۷/۵	۴۳/۷
	مجرد	۱/۲	۱/۲	۲۰	۳۷/۶	۴۰
						۰/۰۵
						۰/۹۳
						۰/۰۹

بر اساس جدول ۸ مشاهده می‌شود که بین افراد در نسل‌های مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد و بر اساس آزمون توکی مشخص شد که نسل اول ارزش‌های دینی ارائه شده را بیشتر از نسل دوم و سوم باور دارند.

۵) اندازه‌گیری بعد تجربی دین

جدول شماره ۹: میزان تجربه دینی

فراوانی	درصد	
۰	۰	خیلی کم
۲	۰/۵	کم
۳۱	۸/۲	متوسط
۹۶	۲۵/۳	زیاد
۲۴۶	۶۴/۷	خیلی زیاد
۵	۱/۳	بی پاسخ

بر اساس جدول ۹ مشاهده می‌شود که ۹۰ درصد از افراد جامعه، از تجربه دینی در حد زیاد و خیلی زیاد برخوردارند.

بر اساس جدول ۱۰ می‌توان گفت که بین گروه‌ها از لحاظ میزان تجربه دینی تفاوت معنی‌داری دیده نمی‌شود. بدین معنا در میان همه افراد در گروه‌های مختلف، میزان تجربه دینی یکنواخت پراکنده شده است و در همه افراد میزان تجربه دینی در حد بالاست. برای سنجش میزان عرفی‌شدن دین در نسل‌های متفاوت، سؤالاتی در پرسش‌نامه ارائه شد. نتایج به دست آمده در جامعه به صورت جدول ۱۱ نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۱۱: میزان اعتقاد به ارزش‌های دینی عرفی

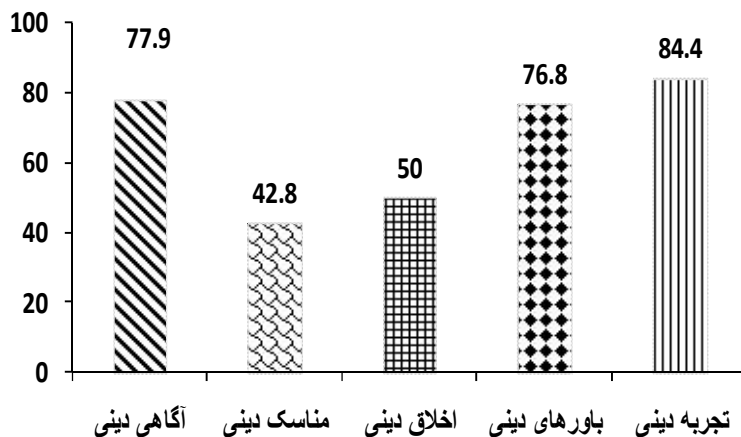
فراوانی	درصد	
۴	۱/۱	کاملاً موافق
۲۷	۷/۱	موافق
۱۲۲	۳۲/۱	مردد
۱۲۰	۳۱/۶	مخالف
۱۰۷	۲۸/۲	کاملاً مخالف

بر اساس جدول ۱۱ مشاهده می‌شود که درصد بسیار بالایی از افراد جامعه، نسبت به این ارزش‌های عرفی‌گرا مخالفت نشان داده‌اند و ۳۲/۱ درصد از افراد در دادن پاسخ به این گویه‌ها مردد بوده‌اند و درصد کمتری از آنان با این ارزش‌ها موافق بوده‌اند. در مرحله بعدی برای مشخص نمودن دیدگاه‌های افراد در مورد ارزش‌های عرفی - گرا در سه نسل، به ارائه جدول دوبعدی مبادرت نموده‌ایم، و سطح معنی‌داری آن را با استفاده از آزمون آنووا مشخص نمودیم.

جدول شماره ۱۲: میزان اعتقاد به ارزش‌های دینی عرفی‌گرا در سه نسل

نسل			
نسل سوم	نسل دوم	نسل اول	
۷۵	۲۵	۰	کاملاً موافق
۵۱/۹	۳۷	۱۱/۱	نسبتاً موافق
۴۰/۲	۳۲/۸	۲۷	مردد
۳۰	۳۵	۳۵	مخالف
۲۵/۲	۳۴/۶	۴۰/۲	کاملاً مخالف
۰/۰۰			سطح معنی‌داری

بر اساس جدول دوبعدی شماره ۱۲ مشخص شد که در سه نسل تفاوت معنی‌داری در باورهای دینی عرفی‌گرا وجود دارد. با استفاده از آزمون توکی و میانگین مشخص شد که نسل سوم به ارزش‌های عرفی‌گرا خیلی بیشتر از نسل اول اعتقاد دارند. در پایان در یک جمع‌بندی برای مقایسه، میانگین میزان دین‌داری در ابعاد مختلف را به صورت درصد نشان دادیم؛ که به صورت نمودار شماره ۱ نشان داده شده است:



نمودار شماره ۱: میانگین میزان دین‌داری در ابعاد مختلف

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، به مقایسه میزان دین‌داری در ابعاد مختلف آن پرداختیم. بر اساس یافته‌های حاصله میانگین نمرات افراد جامعه در ابعاد مختلف میزان دین‌داری به یک اندازه نبوده است. بیشترین نمرات احتساب شده، به ترتیب به ابعاد تجربه دینی، آگاهی دینی، باورهای دینی، اخلاق دینی و در نهایت به مناسک دینی تعلق گرفته است. این نتیجه مشخص می‌کند که بر مبنای تئوری برگر، سکولاریسم فردی اتفاق نیفتاده است، چراکه افراد در بعد شخصی دین مثل تجربه دینی نمره بالایی را کسب نموده‌اند، ولی در بعد اجتماعی مانند: انجام اعمال و مناسک و رعایت اخلاق دینی نمره کمتری دریافت نموده‌اند و مشخص می‌شود که سکولاریسم اجتماعی تاحدودی و براساس گویه‌های مورد استفاده در این تحقیق، در جامعه اتفاق افتاده است. البته این به معنای کم‌رنگ شدن و کم‌اهمیت شدن دین نیست، بلکه به نوعی تحولاتی است که در شیوه دین‌داری افراد به وقوع پیوسته است و بسیاری از

اندیشندان آن را پیش‌بینی نموده‌اند. چنانچه تیلور در تحلیل فرآیند تحولات دینی از منظر جیمز با او هم‌آواز شده و معتقد است در جهان مدرن (به تعبیر جیمز؛ پسادورکیمی) ما شاهد خیل عظیمی از انسان‌ها خواهیم بود که زندگی دینی‌ای را دنبال می‌کنند که حول محور حال شخصی می‌چرخد که به تعبیر جیمز حیات دینی دست‌اول است (بکفورد، ۱۳۸۷: ۵۹). از نظر جیمز، دین روزبه‌روز شخصی‌تر، باطنی‌تر، متعهدانه‌تر و پارسایانه‌تر شده و می‌شود و در نتیجه، از مسلک‌ها و مناسک نهادینه که به تعبیر او حیات دینی دست دوم به حساب می‌آیند، دورتر و دورتر می‌شوند (همان: ۴۳).

از سوی دیگر، با توجه به این که کشور ایران جامعه‌ای دینی با حکومتی دینی است، که موضوعات و مسائل دینی به صورت غیررسمی و رسمی در سنین مختلف آموزش داده می‌شود، قابل پیش‌بینی است که میزان آگاهی دینی در سطحی بالا باشد. به‌علاوه، نتایج میزان اعتقاد به ارزش‌های دینی، نیز نشان داد که، افراد بیشتری به ارزش‌هایی که مربوط به اصول دین است اعتقاد داشته‌اند و در مقابل افراد کمتری به احکام و رعایت آداب و مناسک دینی معتقد بودند. در بررسی تطبیقی بین‌نسلی میزان دین‌داری، برای سنجش سطح معنی‌داری، از آزمون‌های مختلف استفاده شد و نتایج آزمون نشان داد که نسل اول میزان دین‌داری بیشتری را نسبت به دو نسل بعدی در این ابعاد اعتقادات دینی نشان داده است. همچنین نتایج حکایت از آن داشت که اگرچه به طور کلی میزان تمایل به ارزش‌های عرفی‌گرا در جامعه کم است، ولی نسل سوم، نسبت به دو نسل قبل از خود، تمایلات عرفی‌گرای بیشتری دارد، که با این تحلیل‌های نسلی اینگلهارت، که با اتکا به شاخصه‌هایی نظیر پیشرفت تکنولوژیک، آموزش، ارتباطات و جهانی‌شدن صورت می‌گرفت، تطابق دارد. در عین حال اگر بخواهیم نسل‌هایی که بر حسب تحولات دوری جنگ و انقلاب از هم تفکیک شده‌اند را مقایسه کنیم، می‌توانیم تفکیک مذکور را تاحدی روا بدانیم.

نسل انقلاب، به میزان زیادتری پابندی خود را به ارزش‌ها و ابعاد دین‌داری، که نقش مهمی در شکل‌دادن به رفتارها و اجتماعات و فرآیند انقلاب داشت، از خود نشان داده است.

نسل دوم نسلی است که در دوران جنگ مشارکت فعال داشته است. دورانی که ارزش‌های دینی و پسانقلابی بیش از هر زمان دیگری مقدس شمرده می‌شد و ارزش و محرکی قوی برای دفاع از کشور و آرمان‌های نظام به حساب می‌آمد. در حقیقت، این نسل با تجربه ویژه و تکرارنشدنی در سنگرهای جنگ و فضای معنوی فراگیر آن، که منبعث از فرهنگ جهاد و شهادت شیعی بود، از نسل پیشین خود و بالاخص نسل پس از خود تفاوت یافت. نسل سوم، نسلی است که یک دوره تاریخی جدید را بدون تجربه انقلاب یا جنگ سپری می‌کند، اما همچنان با مسائل و بحران‌های پس از جنگ دست و پنجه نرم می‌کند و مطابق با دیدگاه بودلر، با محرک تنوع‌طلبی، مایل است با ایجاد یک موقعیت جدید و اصلاحات در وضعیت و هویت کنونی خود، ارزش‌هایی را تثبیت کند که در سطح جهانی مطلوب شمرده می‌شود (بودلر، ۱۹۶۲: ۲۱۱). یکی از ثمرات چنین وضعیتی عرفی‌گرایی است که در نسل سوم مورد بررسی در این مقاله بیش از دو نسل پیشین وجود داشت.

منابع

- آزادارمکی، تقی و غیاثوند، احمد (۱۳۸۱)، «تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دین‌داری جوانان با رویکر بی‌شکلی دین‌ورزی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۵: ۱۱۷-۱۴۸.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- بالس، کریستوفر (۱۳۸۰)، «ذهنیت نسلی»، ترجمه حسین پانیو، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۹: ۱-۳۰.
- برگر، پیتر؛ برگر، بریجیت و کلنر، هانسفرید (۱۳۸۱)، ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نی.
- برگر، پیتر (۱۳۸۰)، افول سکولاریسم، ترجمه افشار امیری، تهران: نشر پنگان.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نی.
- بکفورد، جیمز (۱۳۸۸)، دین و جامعه صنعتی پیشرفته، ترجمه فاطمه گلابی، تهران: کویر.
- توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۸۵)، «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه شناسی»، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۲۷: ۹۵-۱۲۴.
- تیلور، چارلز (۱۳۸۷)، تنوع دین در روزگار ما، ترجمه مصطفی ملکیان، تهران: انتشارات شور.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۷)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی»، نمایه پژوهشی، سال دوم، شماره ۷: ۸۷-۱۰۵-۱۲۰.
- محمدی، مجید (۱۳۷۷)، سر برآستان قدسی، دل در گرو عرفی، تهران: قطره.
- میرسندسی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، میزان و انواع دینداری دانشجویان، پایان نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- وبر، ماکس (۱۳۷۱)، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، قم: انتشارات مهر.
- ویلم، ژان (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران: تبیان.

- هرویولژ، دانیل (۱۳۸۰)، «انتقال و شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی دینی در مدرنیته»، ترجمه محمود نجاتی‌حسینی، فصلنامه پژوهش، شماره ۵: ۲۰-۲۱.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تیان.
- Bellah, Robert (۱۹۹۱), **civil religion in American**, in Jeffrey Alexander, ed., culture and society, New York: Cambridge university press.
- Bengeston, V. I. (۱۹۷۰), "The Generation Gap: A review and typology of social psychological perspective". **Youth and Society**, No۲: ۷-۳۲.
- Berger, peter (۱۹۶۷), **the sacred canoy: the element of a sociological theory of religion**, Garden city: Journals Science Religion.
- Scott, Jacqueline; Shuman, Howard (۱۹۹۵), "Generation and generation memories", **American Sociological Review**, No ۵۴: ۳۵۹-۳۸۱.
- Gluck, c and Stark (۱۹۷۱), **Religion and Society in Tension**, US, Rand McNally & Company.
- Gluck, c and R. Stark (۱۹۷۱), **Religion and Society in Tension**, US, Rand Mc Nelly & Company.
- Haller, Man (۲۰۰۰). "Rational Lives, Norms and Value In Political and Society the American", **Journal of Society**, No۱: ۱۶۶-۱۷۴.
- Engelhard, Ronald; Wetzel, Christian (۲۰۰۵), "Political culture and Democracy":Analyzing Cross-level Linkages", **Journal of political science**, No:۱-۳۳.
- Manheim Karl (۱۹۵۹), "Essay on the Social of Knowledge". London & Keyyan Paul. Ltd. P. ۶۸-۷۳.
- Parsons, T. (۱۹۶۰), **structure and processsion modern societies**, Free press.

- Bilton, T.et (۱۹۸۷), **Introduction sociology**, London: Macmillan.
- Dabblar, Karl (۱۹۹۹) "Toward an Integrated Perspective of the processes Related to the Descriptive Concept of secularization", **sociology of religion**, No ۱۵:۲۲۹-۲۴۸.
- Cline, B. C., & J. M. Richards (۱۹۶۵), "A Factor analytic study of religious belief and Behavior", **Journal of Personality and Social Psychology**, No۱: ۵۵۷-۵۶۵

Religiosity in Different Generations in Iran; Case Study: Sari City

Mitra Kalantari*

Abdolhossein Kalantari**

Abstract

Religion, as a social phenomenon, affects society and is affected by it interactively. In Iran, basically with religious norms and laws, many scholars and researchers concern with religion and level of religiosity. The paper is a comparative analysis of level of religiosity based on Glynn and Stark's dimensions of Religiosity, in three different generations in Sari City: First Generation (pre-revolution^۱ (۱۹۴۱-۱۹۶۱)), second Generation (during revolution (۱۹۶۲-۱۹۷۷)), and third generation (post- revolution (۱۹۷۸-۱۹۹۲)). Number of sample was ۳۸۰.

The hierarchy of dimensions of religiosity based on results include: religious experience, religious consciousness and finally religious ritual. After measuring significance level of inter-generational difference, the result shows that the level of religiosity in terms of beliefs and rituals is more meaningful in other generations. The findings are partly an evidence of Inglehart's viewpoints on generation difference based on life cycle and development of societies. In addition, we observed that despite of the low level of tendency to secular values, the third generation is more secular. On the other hand, we also probe James's theory on personalization of religion in new societies and Berger's theory in terms of personal and social secularisms. The finding of the research shows that Iranian society is experiencing these developments and religious life is around personal presence, in view of James first hand religious life and according to Berger's social secularism.

Keywords: Generation, Religiosity, Religious Values, Secular Religious Values

* M.A in Sociology, mitrakalantari@gmail.com

** Assistant Professor of Sociology

^۱.Islamic revolution of ۱۹۷۹

A Review of Female Students Trends to Veiled and Unveiled

Nematollah Karammollahi*
Mohammad Aghasi**

Abstract

Iranian women coverage status has changed and in some cases, been transformed after the constitutional “mashrofeh” dealing with the Iranian culture adopting western culture (Modernity). With the Islamic Revolution and the Islamic values and roots of Iranian culture, regeneration and culture and chastity were again in the country's cultural policy agenda. Nevertheless, Also raised concerns in this regard is different streams for various proposals to deal with manifestations of the veil and dress offer. Cultural officials in these programs have been implemented. In this study using focus groups, girls tend to choose full coverage or post it on the handling, investigation and analysis. Population and sample survey of the female students. research findings indicate a low level of awareness and poor students in their scientific reasoning and rational choice or rejection of the veil. More companies in the hearings, the approval or opposition to unveiling its positions and were feeling their own reluctance to Drbab orientation or express their veil.

Key words: Dress, veil, Focus groups, Female Students, Participatory Interview

* Assistant Professor, University of Bagherolloom, n.karamollahi@yahoo.com

** Student of MSc of Philosophy in social Sciences, University of Bagherolloom

**A Survey of The Causes and the Consequences of the Slum Areas
Formation with Special Attitudes Towards the City of Khomein**

Mohammad Bagher Alizadeh Aghdam*
Hamideh Mohammad Amini**

Abstract

The urban squatter settlements is an urban phenomenon which is formed and developed by uncontrolled and irregular urbanization growth in the world and in Iran as well and also by migration from the villages towards the cities. Urban squatter settlements, as an unbalancing factor in the urban physical equilibrium, is a sign of irregular growth in the cities and the regions and many of the urbanization experts, sociologists and architects have dealt with it. In the current study as well, urban squatter settlements in the suburbs of the city of Khomein has been studied. The study methodology in the current study is of applied research type and the information and the data collection is of the scaling type. The study population are the people (persons) who Lives in the slum areas in the city of Khomein, Iran. The study results show that the migration from the villages to the suburbs of the city of Khomein can be considered as the most important reason for the urban squatter settlements and then the cities hindrances has acted as a barrier for their entrance to the cities. Moreover, the urban squatter settlements feeling does not differ based on the people's gender and both men and women have the same feeling regarding the urban squatter settlements phenomenon. Also, about the subject of consequences resulting from this phenomenon (urban squatter settlements) it has become cleared that there is a significant and inverse relationship between the tendencies to take part in and urban squatter settlements feelings of these migrates.

Keywords: Urban Squatter Settlements, Migration, Tendency to Social Participation, Tendency to Political Participation

* Assistant Professor of Sociology, university of Tabriz, aghdam ۱۳۵۱ @ yahoo.com

** Lecturer of payam noor, University of Mahallat

**Social Support and Crime;
The Comparative Study of Criminal and Non-Criminal Youth in Ilam**

Kamel Delpasand^{1*}

Ali Ayar ^{**}

Saeed Khani^{***}

Parikhan mohammadi^{****}

Abstract

This article is a study about investigation of relationship between social support and youth's crime. The comparison of viewpoints and different definitions of social support (Ratous, Kessler and Heller) and crime (Hirschi's social control and strain's Agnew) has been performed in order to examine and compare enjoyment level of criminal and non-criminal of Ilam city youth from social support. In this research, the social support has been investigated in the three dimensions of sentimental, material and informational support among ۲۰۰ samples composed of ۱۴۷ criminal persons and ۵۳ non-criminal persons in Ilam city. The descriptive results of the study indicated that enjoyment level of non-criminal youth of all dimensions of social support is greater rather than criminal youth. The inferential results have approved the significance of these differences too. Furthermore, the analysis of data by logistic regression indicated that theoretical construct of social support has high distinction ability for separation of non-criminal and criminal individuals. In other words, with increasing of social support the probability of crime's perpetration will decrease.

Keywords: Crime, Informational Support, Sentimental Support, Material Support, Youth, Ilam.

* M.A in sociology, Lecturer of Sociology , Department of Applied Sciences University, delpasand_kamel@yahoo.com

** M.A in sociology, Lecturer of Shahid-Modarres Teacher Training Center in Ilam

*** PhD candidate of Demography

**** M.A in sociology

Social Confidence in Urban Management and the Factors Affecting It

Ebrahim Hajjani*

Ali Akbar Rezaei**

Mirza Abdorasool Fallahzadeh***

Abstract

Many researchers and experts have emphasized on the importance of confidence in society; Urban management and in particular, municipality as one of the largest social organizations could be more effective and productive in the case of gaining the trust of citizens as social and intellectual capital and use it in the organizational goals and urban development the main issue addressed in this research is the confidence of Tehran citizens in urban management area(managers and employees of municipality and Tehran municipality performance).In this respect this issue is important that for organizations such as municipality trust and confidence of citizens -as consumers of municipal services- to the respective organization, managers, employees and its performance could have effect on the extent of their participation in public affairs and lead to urban management improvement and effectiveness. The research statistical population includes citizens over than 18 years living in Tehran. A sample size of 400 is determined using Cochran formula; the samples have chosen from 22 zones of Tehran proportional to each area population applying cluster sampling. The dependent variable in this research is Tehran citizen's confidence in Tehran urban management, the overall research results show that the extent of Tehran citizen's trust toward Tehran urban management is lower than average. The results also show that the accountability of municipality,normative unity in respected organization, corporate/organizational transparency in municipality are the most important factors that would positively change Tehran citizen's confidence.

Keywords: Trust, Citizens, Urban Management, Metropolis, Accountability, Effectiveness, Alignment

* Associate Professor, ehajjani@yahoo.com

**Assistant Professor of Sociology

*** MA in Urban Management

**Cell Phone and Its Functions for Iranian Users;
Focusing on Gender Differences**

Mohammad Reza Javadi Yeganeh**

Masoud Kousari**

Tahereh Khaikhah***

Abstract

Cell phone is now considered by its users as an entertainment and also a media in addition to serving them as a telecommunication instrument and having a cell phone has more implications for them. In this study, the author has tried to discuss these additional functions and implications through an online survey of a number of cell phone users regardless of its communicational functions. The results show that cell phone because of its mobility and continuous accessibility has had functions such as obtaining more security, fashion, self expression, identity, and entertainment in addition to facilitating interpersonal communications.

Key words: Communication Technology , Cell Phone, Sms. Cell Phone Functions, Security, Fashion, Self expression, Identity.

* Associate Professor of Sociology, University of Tehran, myeganeh@ut.ac.ir

** Associate Professor of Social Communications, University of Tehran

*** M.A in Social Communications

**The Understanding of The Quality of The Iranian Society on The Basis
of Young Generation's Leisure Time**

Taghi AzadArmaki*

Hamed Akbari**

Abstract

Modernity is a concept which has been investigated from different aspects. Probably one of the most valid theories in this field is Giddens's theory. Giddens originally considers modernity as a cultural trend that has arrived in a new phase and has its own characteristics in all social life aspects. Reviewing Giddens's theory shows the claims expressing that modernity shows itself in leisure time. It means the time that people shape their own lifestyle and identity reflexively.

This essay investigates this question in a concrete way that on the basis of passing the leisure time among juveniles, to what extent modernity has been institutionalized in our society. Our Objective findings which have been gained by questioning 30 young people from 20 to 30 years old show that modern preferences and desires exist among young people in Tehran, but material infrastructures and economical conditions for actualizing them don't exist in the society.

Key words: Giddens, Modernity, Lifestyle, Reflexivity, Leisure Time.

* Professor of Sociology, University of Tehran, tazad@ut.ac.ir

** M.A in sociology

Contents

The Understanding of The Quality of The Iranian Society on The Basis of Young Generation's Leisure Time

Taghi Azad Armaki, Hamed Akbari ۱-۲۲

Cell Phone and Its Functions for Iranian Users; Focusing on Gender Differences

Mohammad Reza Javadi yeganeh, Masoud Kousari, Tahereh .Khairkhah ۲۳-۵۴

Social Confidence in Urban Management and the Factors Affecting It

Ebrahim Hajiani, AliAkbar Rezaei, Mirza Abdorasool Fallahzadeh ۵۵-۸۸

Social Support and Crime;The Comparative Study of Criminal and Non-Criminal Youth in Ilam

Kamel Delpasand, Ali Ayar ,Saeed Khani, Parikhan mohammadi ۸۹-۱۲۰

A Survey of The Causes and the Consequences of the Slum Areas Formation with Special Attitudes Towards the City of Khomein

Mohammad Bagher Alizadeh Aghdam, Hamideh Mohammad Amini ۱۲۱-۱۳۸

A Review of Female Students Trends to Veiled and Unveiled

Karammollahi, Mohammad Aghasi ۱۳۹-۱۷۲

Nematollah

Religiosity in Different Generations in Iran;Case Study: Sari City

Mitra Kalantari, Abdolhossein Kalantari ۱۷۳-۲۰۰



**Social Studies and Research Institut
University of Tehran**

Social Studies and Research Quarterly

Vol ۱, No ۲, Summer ۲۰۱۲

Licence

Social Studies and Research Institut
University of Tehran

Director

Seyed zeia Hashemi

Chief Editor

Mohammad Reza Javadi Yeganeh

Editorial Board

Taghi AzadArmaki (University of Tehran), Sosan Bastani (University of Alzahra), Gholam Reza Ghaffari (University of Tehran), Seyed Zeia Hashemi (University of Tehran), GholamReza Jamshidiha (University of Tehran), Mohammad Reza Javadi Yeganeh (University of Tehran), Majid Movahhed (University of Shiraz), Khadijeh Safiri (University of Alzahra), Rahmattollah Seddigh Sarvestani (University of Tehran), Mohammad SharePour (University of mazandaran), Seyed Saeid Zahed Zahedani (University of Shiraz), Mohammad Javad Zahedi (University of payamnoor).

Ececutive Editor

Parvin Alipoor

Editor

Maryam abdolmaleki

Page Designing

Ali Alimorad

P. O. Box ۱۴۱۷۷۵۳۹۹۱

Tehran, Iran

Tel: +۹۸-۲۱-۸۸۹۹۴۳۳۶

Fax: +۹۸-۲۱-۸۸۹۹۹۴۳۵-۷

Website: ISR.ut.ac.ir

Email: Jisr@ut.ac.ir